



Basket سبد



Apple سیب



+۶
سال



اولین

فرهنگ لغت من



Kitten

بچه گربه

نویسنده: سوزان میلر

مترجم: مریم عزیزی

R

A



Gift

هدیه

B



Jelly

ژله



www.iqra.ahlamontada.com

لکتاب (کوردی , عربی , فارسی)

مهارت های خواندن

شناخت حروف

ساختار لغت

یادگیری لغات

همگام با تصاویر

به ترتیب حروف الفبا

+۶

سال

بۆدابه زاندى جۆره ها كتيپ: سهردانى: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

لتحميل أنواع الكتب راجع: (مُنْتَدَى إِقْرَأَ الثَّقَافِي)

براي دائلود كتيپه اي مختلف مراجعه: (منتدى اقرا الثقافى)

www.iqra.ahlamontada.com



www.iqra.ahlamontada.com

للكتب (كوردى , عربى , فارسى)



نام کتاب: اولین فرهنگ لغت من

• نویسنده: سوزان اندرسن میلر

• مترجم: مریم عزیزی

• گرافیکست: مرجان کاظمی

• نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸

• شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

• قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

• لیتوگرافی: سیب

• چاپ: شفق

• شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۲-۲۵۷-۸

• آدرس: قزوین - چهارراه نادری

• تلفن: ۰۲۸۱-۲۲۳۵۳۰۵-۲۲۳۸۰۳۳

• Email: SayeGostar@yahoo.com

عنوان و پدیدآور	: میلر، سوزان اندرسن - ۱۹۴۱ م : Miller, susanA
عنوان و پدیدآور	: اولین فرهنگ لغت من / نویسنده سوزان میلر، مترجم: مریم عزیزی، گرافیکست: مرجان کاظمی
مشخصات نشر	: قزوین: سایه گستر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص: مصور (رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۰۲-۲۵۷-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: نوان اصلی، My first dictionaryT c۲۰۰۳
موضوع	: زبان انگلیسی - واژه های جوانان - فارسی.
موضوع	: زبان انگلیسی - - واژه نامه ها - - فارسی.
شناسه افزوده	: عزیزی، مریم، ۱۳۴۹، مترجم.
شناسه افزوده	: کاظمی، مرجان، گرافیکست.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۶ م ۹۶ ۲ ف / ۱۶۴۵ PE
رده بندی دیویی	: فا ۴۲۳ [ج]
شماره کتابخانه ملی	: ۱۱۳۰۹۸۵



چگونه از این فرهنگ لغت استفاده کنیم

کلمات در فرهنگ لغت متفاوت با کتابهای دیگر مرتب می‌شوند. کلمات در فهرستی عمودی و نه در عرض صفحه و در قالب جملات و پاراگرافها قرار می‌گیرند. هنگامی که بدانید فرهنگ لغت چگونه طراحی شده، استفاده از آن آسان است. بیایید تا نگاهی به جزئیات این کتاب بیاندازیم.

چگونه کلمات را پیدا کنیم؟

از آنجایی که لغات بسیاری در فرهنگ لغت وجود دارند ممکن است، خوانندگان نوجوان هنگام یافتن کلمه خاصی به راحتی سردرگم شوند. خوشبختانه، همه



کلمات به ترتیب حروف الفبا مرتب شده‌اند. درست مانند الفبا حرف A ابتدا می‌آید و کلماتی که با حرف B شروع می‌شوند در مکان بعدی هستند. کلماتی که با Z شروع می‌شوند در انتهای لغت نامه جای می‌گیرند.

در بالای هر صفحه این لغت نامه، دو امکان وجود دارد. ممکن است به طور مثال حرف D نوشته شده باشد، به این معنی که فهرست همه کلماتی که با حرف D شروع می‌شوند از این صفحه آغاز می‌شود.

چرا این فرهنگ لغت برای کودکان مفید است

این کتاب برای کودکانی نوشته شده است که به نحوه استفاده از کلمات و حروف علاقه نشان می‌دهند، همچنین برای کودکانی که تازه شروع به خواندن کرده‌اند و می‌خواهند مهارت‌های نوشتاری و هجی کلمات را در خود را تقویت نمایند. بچه‌ها ممکن است در ابتدا، با کمک تصاویر کتاب معانی را پیدا کنند. همان‌طور که مهارت‌های خواندن پدیدار می‌شوند، از بکار بردن فرهنگ لغت، هجی کلمات و جستجوی واژه‌ها لذت خواهند برد. این کتاب به نحوی برای کودکانی طراحی شده است که به تنهایی یا با کمک بزرگترها از آن استفاده کنند.

فرهنگ لغت چیست؟

فرهنگ لغت کتاب بسیار خاصی است. مانند کتاب‌هایی که اکثر بچه‌ها عادت به خواندن نشان دادن دارند، داستان گو نیست. بلکه مملو از همه نوع اطلاعات درباره واژه‌هایی است که به بچه‌ها کمک می‌کند بخوانند، بنویسند یا خودشان داستان بگویند. کلمات این فرهنگ از منابع متفاوتی برگزیده شده است. بعضی از آن‌ها هر روزه استفاده می‌شوند، در حالی که سایر لغت‌ها ممکن است در تلویزیون شنیده یا دیده شوند. کلماتی درباره چیزهایی که بچه‌ها به آن‌ها علاقه دارند (نظیر حیوانات یا اسباب‌بازی‌ها) و کلماتی که معلم‌ها فکر می‌کنند بچه‌ها باید بدانند، در این کتاب وجود دارند.



بنابراین حروف le را پیدا خواهد کرد. بعد باید به کلماتی که با le شروع می‌شوند توجه کند تا leaf را بیابد. بعضی اوقات، ممکن است ناچار شوند به حرف سوم کلمه به طور مثال lea رجوع نمایند.

استفاده از معانی کلمات

معمولاً معنی لغات در یکی، دو جمله، حاوی اطلاعاتی درباره آن کلمه ارایه شده است. بعضی از کلمات بیش از یک معنی دارند و می‌توانند به شیوه‌های متفاوتی استفاده شوند. معانی مختلف کلمه جداگانه بیان و شماره‌گذاری شده‌اند.



اغلب پس از تعریف جمله‌ها مثال قرار دارد. بدین صورت خواننده می‌تواند کاربرد کلمه را در جمله هم مشاهده کند. غالباً برای توضیحات بیشتر تصویری درباره چگونگی استفاده از کلمه نیز وجود دارد.



چگونگی بکار بردن کلمات

بعضی اوقات لغات بسته به چگونگی استفاده، دارای املاي متفاوتی هستند.

یا ممکن است در بالای صفحه دو کلمه راهنما مثل ask-ax داشته باشیم. این مثال نشان می‌دهد که کلمه ask در ابتدای صفحه و ax در انتهای صفحه وجود دارد. این کلمات همچنین ترتیب الفبایی لغات را مشخص می‌کنند. آن‌ها به خوانندگان کمک می‌کنند تا هنگامی که در جستجوی لغت خاصی هستند توجه خود را محدود به بخش خاصی نمایند.



در کنار هر صفحه، الفبای انگلیسی به ترتیب از اول تا آخر نوشته شده است. این موضوع به بچه‌ها کمک کند تا زمان جستجوی لغات ترتیب حروف الفبا را بدانند. هنگام شروع حرفی جدید، پیکانی در کنار آن حرف در قسمت ستون الفبایی کنار صفحه قرار دارد. بدین صورت مشخص می‌شود که صفحه با چه حرفی آغاز شده است. بچه‌ها می‌توانند به دنبال لغت خاصی که می‌خواهند بیشتر درباره آن بدانند باشند. آن‌ها می‌توانند به فهرست کلماتی که درشت و پر رنگ چاپ شده‌اند نگاه کنند. این کلمات مدخل نامیده می‌شوند و به خواننده املاي صحیح کلمه‌ای را که می‌خواهند استفاده کنند نشان می‌دهند.

بچه‌ها مطمئناً برای یافتن مدخل‌ها باید از ترتیب حروف الفبا استفاده کنند. ابتدا، باید به حرفی که کلمه با آن شروع می‌شود توجه نمایند. به طور مثال، leaf با حرف L شروع می‌شود. ابتدا

خواننده باید به دنبال قسمت L برگردد و سپس به حرف بعدی کلمه نگاه کند و آنگاه به دنبال حروف بعدی کلمه برگردد.



به طور مثال فعل say همراه با (saying, said, says) می آید.

املائی بعضی از کلماتی که برای مقایسه به کار می روند نیز تغییر می کند. بسیاری از اوقات برای مقایسه کلمات با اضافه کردن er و est به کلمه، به ترتیب صفت برتر و برترین می سازیم (نظیر، fast, faster, fastest). کلمات مقایسه ای دیگری نیز وجود دارند که املائی آن ها کلاً تغییر پیدا می کند (نظیر، good, better, best). کلمات داخل پرانتز نشان می دهند که کلمه در حالت برتر و برترین املائی متفاوتی دارد.

و بالاخره، خوانندگان متوجه خواهند شد که اکثر کلمات با حروف کوچک شروع می شوند و بعضی از کلمات با حروف بزرگ آغاز می گردند. کلماتی برای اشاره به تعطیلات، نظیر Thanksgiving، روزها، مانند Monday و ماه ها نظیر، November با حروف بزرگ شروع می شوند.

همه چیز آماده استفاده

این فرهنگ لغت وسیله جالبی برای کمک به بچه ها جهت کسب اطلاعات بیشتر حین استفاده از کلمات، خواندن، نوشتن، هجی کردن و گوش فرادادن به سخنان دیگران است. به خاطر داشته باشید بچه ها هنگامی که از طرف بزرگترها و معلم خود کمک می گیرند به بهترین نحوی مطالب را می آموزند. بنابراین زمان که نیاز به کمک دارند باید آن ها را کمک کرد.



به طور مثال، rests و resting از کلمه rest می آیند ولی به طور متفاوتی نوشته می شوند زیرا استفاده آن ها در جمله فرق دارد. کلماتی که به بیش از یک اشاره چیز دارند، جمع نامیده می شوند. اکثر کلمات با افزودن s جمع بسته می شوند (doll, dolls)، اما لغاتی نیز وجود دارند که صورت جمع خاصی دارند،



به طور مثال، جمع کلمه mouse، mice است. کلمات دیگر با اضافه کردن es به کلمه جمع بسته می شوند (church, churches). در تعدادی از کلمات، y آخر کلمه هنگام جمع بستن تبدیل به ies می شود (story, stories). در این کتاب با جمع بستن کلمات آشنا خواهید شد. بعضی اوقات درست در زیر کلمه مدخل، جمع کلمه در داخل پرانتز() نوشته شده است. البته کلماتی که با اضافه کردن s جمع بسته می شوند ذکر نمی شوند بلکه تنها کلماتی که جمع آن ها به طریق دیگری است، در میان پرانتزها ذکر می شوند. کلمات دیگر زمان افعال را شرح می دهند. بسته به چگونگی استفاده از افعال، املائی آن ها نیز تغییر می کند. گاهی وقتی که کسی درباره چیزی که در گذشته یا حال اتفاق افتاده صحبت می نماید، بعضی اوقات املائی لغت تغییر پیدا می کند. به طور

مثال، looks, looked, looking, goes, went, gone, going, look, go. در این فرهنگ، زمان هر کلمه در میان پرانتز نوشته شده است که چگونگی استفاده از فعل را در زمان گذشته، حال و یا در حال انجام نشان می دهد.





a

یک چیز. نامعین

They rode to school on a bus.

آنها با اتوبوس به مدرسه رفتند.

about

تقریباً

Four cookies are about a handful.

چهار عدد شیرینی حدوداً یک مشت شیرینی می شود.
- بعضی اوقات about به معنای اطراف می باشد.

The children are playing about.

بچه ها در این اطراف مشغول بازی هستند.

above

بالتر از چیزی - بالای

The pear is above the lemon.

گلابی در بالای لیمو قرار دارد.



acorn

بلوط

بلوط، نوعی میوه مغزدار است که بر روی درخت بلوط رشد می کند.

Squirrels like to eat acorns.

سنجابها دوست دارند بلوط بخورند.



across

گذشتن از سویی به سوی دیگر - آن سوی

The boy walked across the road.

پسر به آن سوی جاده رفت.

act

(act, acted, acting)

هنگامی که مردم در نمایشی شرکت می کنند در آن بازی می کنند.

The boys were acting like knights in the play.

پسرها در نمایش نقش شوالیه را بازی می کردند.



action

کار، عمل یا انجام چیزی است.

Running is a very fast action.

دویدن عمل بسیار سریعی است.

add

جمع کردن

(adds, added, adding)

If you add things, you put them together.

اگر چیزی را جمع کنید، آنها را کنار هم قرار می دهید.

You add one block on top of another to build a tower.

برای ساخت برج آجری را بر روی آجر دیگر اضافه می کنید.

address

نشانی

(addresses)

An address tells people where you live.

نشانی می گوید که کجا زندگی می کنید.



You write an address on a letter before you mail it.

قبل از پست کردن نامه، نشانی را بر روی آن می نویسید.

adult

بزرگسال

An adult is a grown up person such as your teacher.



بزرگسال شخص بالغی مانند معلم شما است.

afraid

ترسیده

If you are **afraid**, you think something is bad or scary.
 هنگامی که می ترسید که فکر می کنید چیزی بد یا ترسناک باشد.

after

بعد از، بعداً

Most people eat breakfast **after** they wake up in the morning.
 اکثر مردم هنگام صبح بعد از بیدار شدن صبحانه می خورند.

afternoon

بعد از ظهر. بعد از ساعت ۱۲ ظهر.

The **afternoon** is the part of the day that happens after the morning.
 بعد از ظهر بخشی از روز است که بعد از صبح اتفاق می افتد.

again

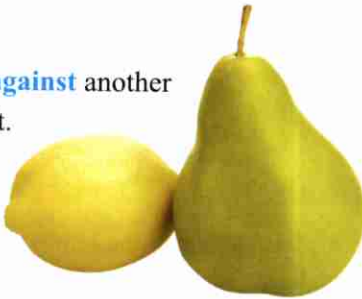
دوباره

The child asked to sing the favorite song **again**.
 بچه خواست که آهنگ مورد علاقه اش را دوباره بخواند.

against

When something is **against** another thing, it is touching it.

۱ - کنار، پهلوی.
 هنگامی که چیزی در کنار چیزی دیگری قرار گرفته باشد آن را لمس



می کند.

The pear leans **against** the lemon.

گلابی کنار لیمو قرار دارد.
 ۲ - معنی دیگر آن مقابل می باشد.

When you play a game, you are **against** the other players.
 هنگامی که بازی می کنید، مقابل بازیکنان دیگر قرار دارید.

age

سن

Your **age** tells how old you are. Your **age** is the number of years you have been alive.

سن شما می گوید که چقدر بزرگ شده اید. سن تان تعداد سال هایی است که شما زندگی کرده اید.

ago

پیش، قبل.

You were a baby a long time **ago**.

خیلی وقت پیش نوزاد بودی.

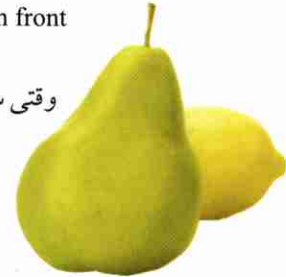
ahead

جلو

When you are **ahead**, you are in front of something!

وقتی شما جلو هستید، در مقابل چیزی قرار دارید.

You win the race when you finish **ahead** of the other runner.



وقتی که جلوتر از دوندگان دیگر از خط پایان عبور کنید برنده مسابقه می شوید.

air

هوا

Air is a gas we breathe. The **air** is all around us.

هوا گازی است که ما تنفس می کنیم. هوا در اطراف ما وجود دارد.

airplane

هواپیما

An **airplane** is a machine that flies through the air. People can sit inside an **airplane** when they fly.

An **airplane** has wings and an engine.

هواپیما ماشینی است که در هوا پرواز می کند. مردم هنگام پرواز داخل آن می نشینند. هواپیما بال و موتور دارد.

alarm زنگ هشدار

An **alarm** is a sound that gets your attention for a reason.

زنگ هشدار صدایی است که توجه شما را به دلیلی جلب می کند.

When the **alarm** in a clock rings, it tells you it is time to wake up.

وقتی که ساعت زنگ می زند، به شما می گوید که وقت بیدار شدن است.



album-also

album

آلبوم

An **album** is a book that holds pictures. *You can put pictures of your family in a photo **album**.*

آلبوم کتابی است که داخلش عکس گذاشته می شود. می توانید عکس های خانوادگی تان را داخل آلبوم عکس بگذارید.



alike

شبیه به هم، مانند هم

If two things are **alike**, they are the same in some way.

اگر دو چیز شبیه هم باشند، در بعضی حالات مانند هم هستند.

An orange and an apple are **alike** because they are both fruit.

پرتقال و سیب به علت این که هر دو میوه هستند، مانند هم می باشند.



all

همه

All of the cookies are round.

همه کلوچه ها گرد هستند.

alligator

تمساح

An **alligator** is a scaly animal with a long mouth, sharp teeth, and a long tail. An **alligator** can swim in water or walk on land.

تمساح حیوانی با پوستی پولکدار است که دهانی کشیده، دندان های تیز و دم بلند دارد. تمساح می تواند در آب شنا کند یا در خشکی راه برود.



almond

بادام

An **almond** is a kind of nut with a light brown shell.

Some candy bars contain **almonds**.

بادام نوعی میوه مغزدار، با پوسته قهوه ای روشن است. بعضی از شکلات ها حاوی بادام هستند.



almost

تقریباً

You are **almost** tall enough to reach the window.

شما تقریباً آن قدر بلند هستید که دستتان به پنجره برسد.

alone

تنها

When you are **alone**, you are not with other people.

وقتی که تنها هستید، همراه شخص دیگری نیستید.

along

در طول، در امتداد

You have buttons **along** the front of your coat.

در امتداد خط جلوی کت شما دکمه وجود دارد.

alphabet

الفبا

The **alphabet** has all the letters that make words.

There are 26 letters from *A* to *Z* in the **alphabet**.

الفبا شامل همه حروفی است که کلمات را می سازند. انگلیسی از *A* تا *Z* ۲۶ حرف دارد.



already

قبلاً، هم اکنون

You can have a dessert if you **already** ate your lunch.

اگر غذایتان را هم اکنون تمام کردید، می توانید دسر بخورید.

also

به علاوه، همچنین

You may **also** get some pizza to go with your juice.

شما می توانید همراه با پیتزای خود آب میوه بخورید.

always

همیشه. همه وقت

You **always** get wet when you take a bath.

همیشه هنگام حمام کردن خیس می شوید.

am

هستم

(be, are, is, was, were, been, being)

هستم. یعنی کسی یا چیزی وجود دارد.

I **am** the best bike rider.

من بهترین دوچرخه سوار هستم.

among

درمیان. بین

The pear is **among** the lemons.

گلابی بین لیموها قرار دارد.

**an**

یک. یک چیز نامعین

You are eating **an** apple.

دارید سیب می خورید.

anchor

لنگر

An **anchor** keeps something in place.

لنگر چیزی را در مکانی نگه می دارد.

The heavy **anchor** sinks through the water to keep a ship from moving.

لنگر سنگین در آب فرو می رود و جلوی حرکت کشتی را آب می گیرد.

**and**

و

And is used to connect two things.

برای ارتباط دادن دو چیز استفاده می شود.

You need a ball **and** a bat to play baseball.

برای بازی بیسبال به راکت و توپ نیاز دارید.

angry

عصبانی

(angrier, angriest)

If you are **angry**, you feel mad and upset.

هنگامی که عصبانی هستید، احساس ناراحتی و آشفتگی می کنید.

**animal**

حیوان، جانور

An **animal** lives, moves, and breathes.People, dogs, birds, and fish are **animals**.

جانوران زندگی حرکت و تنفس می کنند. مردم، سگها، پرندگان و ماهیها همه جزء جانوران می باشند.

**another**

یکی دیگر

Would you like **another** glass of milk?

آیا یک لیوان دیگر شیر میل دارید؟

answer

(answers, answered, answering)

When you **answer**, you talk to someone who asked you a question.What you say or write down after a question is an **answer**.

- پاسخ دادن. هنگامی که پاسخ می دهید، با فردی صحبت می کنید که از شما سؤالی را پرسیده است.

- جواب. آن چه را که بعد از سؤال می نویسید یا می گوئید جواب است.

ant-April

ant

مورچه

An **ant** is a tiny crawling insect. Most **ants** live in tunnels underground.

مورچه حشره‌ای است که آهسته راه می‌رود. اکثر مورچه‌ها در تونل‌های زیرزمینی زندگی می‌کنند.



antenna

آنتن

(antennae)

An **antenna** is part of a TV or radio. An **antenna** picks up signals that become sounds and pictures for you to hear and see.

آنتن بخشی از تلویزیون یا رادیو است. آنتن امواج را می‌گیرد و شما آن‌ها را به صورت صدا و تصویر می‌بینید و می‌شنوید.



any

Any means one is not more important than another. If you can chose **any**, it doesn't matter which one you choose.

- هر، هر کدام. یعنی چیزی مهم‌تر از دیگری نیست. اگر یک شی را از میان دو چیز یا بیشتر انتخاب کرده‌اید مهم نیست که کدام یک را انتخاب نموده‌اید.

You may pick any flower.

شما می‌توانید هر گلی را که خواستید بچینید.
- چیزی، مقدار نامشخص.

Is there any ice cream left?

آیا از بستنی چیزی باقی مانده است؟

anyone

هر کسی

Anyone means one person is not more important than another.

هنگامی که شخص خاصی مورد نظر نیست.

You may pick **anyone** to play in your team.

می‌توانید هر کسی را که می‌خواهید برای تیم خود انتخاب کنید.

anything

Anything means one item is not more important than another.

۱- هر چیزی. یعنی یک چیز مهم‌تر از دیگری نیست.

You may play with **anything** in the toy box.

می‌توانید با هر اسباب بازی که در جعبه است بازی کنید.

۲- کاری، چیزی

Is there **anything** to do?

آیا کاری هست که انجام بدهم؟

ape

بوزینه

An **ape** is a hairy animal that can stand up straight. An **ape** is like a big monkey without a tail.

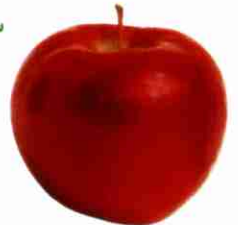
بوزینه، حیوان پشمالویی است که می‌تواند صاف بایستد. بوزینه شبیه میمون بدون دم است.



apple

سیب

An **apple** is a fruit that grows on trees. An **apple** is juicy and crunchy with red, green, or yellow skin.



سیب میوه‌ای است که روی درخت رشد می‌کند.

سیب، آبدار و ترد است و پوستی قرمز، سبز یا زرد دارد.

apricot

زردآلو

An **apricot** is a sweet, juicy fruit that grows on trees. An **apricot** is yelloworange with a big pit inside.

زردآلو، میوه‌ای آبدار و شیرینی است که روی درخت رشد می‌کند. زردآلو به رنگ زرد و نارنجی است و هسته بزرگی در داخلش وجود دارد.



April

ماه آوریل

April is the fourth month of the year. **April** is in the springtime.

ماه آوریل چهارمین ماه سال میلادی می‌باشد. آوریل در فصل بهار است.



apron

پیش بند

An **apron** is a piece of clothing worn to keep your clothes clean.

پیش بند لباسی است که می پوشید تا لباس های شما را تمیز نگه دارد.



are

هستند

(am, be, is, was, were, been, being)

You are going to school on the bus.

شما با اتوبوس به مدرسه می روید.

arm

An arm connects shoulder and hands

۱- بازو. بازو، شانه و دست را به یکدیگر وصل می کند.

۲- اسلحه. مانند تفنگ یا شمشیر.



army

(armies)

An **army** is a large group of people who fight together.

ارتش گروه بزرگی از افراد است که با یکدیگر جنگ می کنند.

around

۱- اطراف.

If you walk **around** the playground, you go along all the sides of it.

اگر در اطراف زمین بازی قدم بزنید، به همه قسمت های آن می روی.

۲- نزدیک، حدود.

You might make a guess that it is **around** two o'clock.

ممکن است حدس بزنید ساعت حدود دو است.

arrow

تیر

An arrow is a stick with a point on it. You use a bow to shoot an **arrow** at the target.

تیر، چوب نوک تیزی است. شما از کمان برای پرتاب تیر به سوی هدف استفاده می کنید.

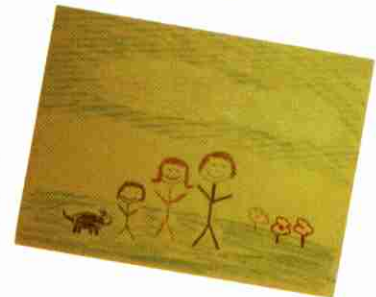


art

هنر، نقاشی

Something that someone has made, like a painting or drawing, is **art**.

چیزی که فردی خلق می کند، مانند نقاشی یا ترسیم، هنر است.

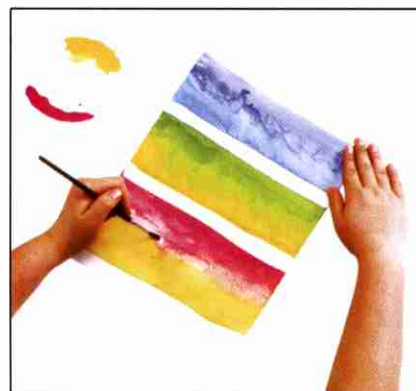


artist

هنرمند

An **artist** is a person who draws, paints, or makes music.

هنرمند کسی است که رسم یا نقاشی می کند و یا موسیقی می سازد.



as

مانند، مثل

You are pretty **as** a picture.

شما مانند تصویری زیبا هستید.

ask-ax

ask

(asks, asked, asking)

1. If you **ask** a question, you want an answer or help. 2. If you **ask** for something, you are saying you want it.

- ۱- پرسیدن. اگر سؤالی را می‌پرسید، جواب یا کمک می‌خواهید.
- ۲- درخواست و یا تقاضا کردن. اگر چیزی را تقاضا می‌کنید، می‌گویید که آن را می‌خواهید.

asparagus

Asparagus is a vegetable that grows in green or white spears.

مارچوبه گیاهی با ساقه نيزه مانند سبز یا سفید است.

مارچوبه



astronaut

فضانورد

An **astronaut** is a person who goes into space. An **astronaut** wears a special suit and helmet.

فضانورد شخصی است که به فضا سفر می‌کند. فضانورد، لباس مخصوص و کلاه ایمنی به تن می‌کند.



at

At indicates a point in time or a place. در، از.

اشاره به نقطه‌ای در زمان یا مکان دارد.

We will meet at one o'clock **at** the park.

ساعت یک در پارک ملاقات خواهیم کرد.

athlete

ورزشکار

An **athlete** is a person who plays sports. **Athletes** can run, jump, and move around very well.

ورزشکار کسی است که ورزشی را انجام می‌دهد. ورزشکار می‌دود، می‌پرد و بسیار خوب حرکات ورزشی را انجام می‌دهد.

August

ماه آگوست

August is the eighth month of the year.

August occurs in the summer.

آگوست هشتمین ماه سال میلادی است. آگوست در فصل تابستان قرار دارد.

aunt

My **aunt** is a great cook.

خاله، عمه، زن عمو، زن دایی.

خاله من آشپز ماهری است.

avocado

آووکادو

An **avocado** is a green or purple fruit that grows on trees. When ripe, an **avocado** is soft inside.

آووکادو میوه سبز یا بنفش رنگی است که روی درخت رشد می‌کند. وقتی که این میوه رسیده باشد، داخلش نرم است.



away

دور، جایی، یک جایی

If you are **away** from someplace, you are somewhere else.

اگر از مکانی دور شوید، در جای دیگری هستید.

We will go **away** on vacation.

ما تعطیلات جایی خواهیم رفت.

ax

تبر

(axes)

An ax is a tool with a long handle and sharp blade.

You can chop wood with an ax.

An ax is also a tool used by firefighters.

تبر وسیله‌ای بادسته بلند و تیغه‌ای تیز است. می‌توانید با کمک تبر چوب را خرد کنید. یک تبر همچنین وسیله‌ای است که ماموران آتش نشانی از آن استفاده می‌کنند.



B

baby

(babies)

A **baby** is a very young child.

نوزاد، بچه‌ای بسیار کم سن و سال است.



نوزاد

back

(backs, backed, backing)

۱- عقب رفتن.

If you **back** up your toy car, you move it behind the place where it was.

اگر ماشین اسباب بازی تان را عقب ببرید، آن را به پشت جایی که قبلاً قرار داشته است حرکت می‌دهید.

۲- پشت. پشت شما بخشی از بدن شما است که زیر گردن تان قرار دارد.

Your **back** is the part of your body below your neck.

۳- عقب، به پشت.

The teacher wants you to move your desk to the **back** of the room.

معلم می‌خواهد که میز تحریرت را به عقب کلاس ببری.

backpack

کوله پشتی

A **backpack** is a bag you wear on your back. You carry things like books and clothes in your **backpack**.

کوله پشتی کیفی است که بر روی پشتتان می‌اندازید. چیزهایی مانند کتاب و لباس را داخل کوله پشتی حمل می‌کنید.

bad

(worse, worst)

1. If someone misbehaves, he is being naughty or **bad**.

2. If food is too old or not good to eat, it is **bad**.

۱- بد. اگر کسی رفتار بدی داشته باشد، شخص بد یا نافرمانی می‌باشد.

۲- فاسد. اگر غذایی زیاد بماند یا قابل خوردن نباشد فاسد شده است.

badge

درجه، نشان مخصوص یک شغل

A **badge** may have the person's name or let you know about her job, like being a police officer.

درجه ممکن است حاوی نام یک شخص باشد یا شغل او را (مانند افسر پلیس) نشان دهد.



bag

کیف، پاکت

A **bag** is used to hold and carry things. **Bags** are made of paper, cloth, plastic, or leather.

کیف برای نگه داشتن و حمل چیزها استفاده می‌شود. کیف‌ها از کاغذ، پارچه، پلاستیک یا چرم ساخته می‌شوند.



bagel

بیگل

A **bagel** is a kind of bread shaped like a donut.

بیگل نوعی نان شبیه پیراشکی است.



bake

پختن

(bakes, baked, baking)

You cook foods, such as bread or cookies.

شما غذاهایی، نظیر نان یا شیرینی را می‌پزید.

We **baked** a birthday cake.

ما یک کیک تولد پختیم.

baker

نانوا

A **baker** is someone who cooks bread in the oven.

نانوا کسی است که با استفاده از فر یا تنور نان می‌پزد.

ball-basket

ball

1. A **ball** is a round toy you roll, bounce, hit, throw, or catch.

۱- توپ. توپ اسباب بازی گردی است که می چرخانید، بالا و پایین می اندازید، به آن ضربه می زنید و پرتاب می کنید و می گیرید.
۲- مهمانی.



balloon

A **balloon** is a thin rubber or plastic bag that gets bigger when filled with air. Some balloons can float in the air.

بادکنک کیسه ای پلاستیکی یا لاستیکی است که وقتی با هوا پر شود بزرگتر می گردد. بعضی از بادکنک ها می توانند در هوا شناور شوند.



بادکنک

banana

A **banana** is a long, curved fruit. A **banana** has yellow skin and a soft, white, tasty inside.

موز میوه ای بلند و منحنی شکل است. رنگ پوست موز زرد است و داخلش نرم، سفید بوده و خوشمزه است.



موز

band

1. A **band** is a group of people who play music together. 2. A **band** is a thin piece of material that goes around something.

۱- گروه. گروهی از افراد که با یکدیگر موسیقی می نوازند.
۲- باند. باند تکه پارچه ای نازک است که به دور چیزی بسته می شود.

bandage

A **bandage** covers a cut or a sore to keep it clean.

چسب زخم، روی بریدگی یا زخم را می پوشاند تا آن را تمیز نگه دارد.



banjo

A **banjo** is a musical instrument with strings you play with your fingers.

بانجو، نوعی وسیله موسیقی دارای تار است که با انگشت نواخته می شود.



بانجو

barn

A **barn** is a big building on a farm where the farmer keeps animals, hay, and machines.

ساختمان بزرگی در مزرعه است که کشاورزان حیوانات، علوفه و ماشین آلات خود را در آن جا نگهداری می کنند.

انبار، طویله

barrette

A **barrette** is a clip to keep your hair in place.

سنجاق سر گیره ای است که موی سر شما را سر جای خود نگه می دارد.



سنجاق سر

baseball

1. A **baseball** is a hard ball the size of an apple.
2. **Baseball** is a game played by two teams with a ball and bat.



۱- توپ بیسبال توپ سفتی به اندازه یک سیب است.
۲- بیسبال نوعی بازی است که توسط دو تیم، یک توپ و یک راکت انجام می شود.

basket

A **basket** is used to hold or carry things.

Baskets often have handles and are made of straw or sticks.

سبد برای نگه داشتن و حمل چیزها استفاده می گردد. سبدها اغلب دسته دارند و از گیاه نی یا چوب ساخته می شوند.

سبد

basketball

1. A **basketball** is a big ball that bounces. 2. In the game **basketball**, two teams try to throw the ball through a hoop.

۱- توپ بزرگی است که هنگام زدن به زمین به بالا و پایین می‌جهد.

۲- بازی بسکتبال. در بازی بسکتبال

دو تیم سعی دارند توپی را داخل حلقه پرتاب کنند.



بسکتبال

battery

(batteries)

A **battery** gives something the energy it needs to work. A **battery** makes a toy work without plugging it in.

باتری انرژی مورد نیاز برای کار کردن وسیله‌ای را فراهم می‌کند. باتری باعث راه افتادن اسباب بازی، بدون اتصال آن به برق می‌شود.

باطری

be

(am, are, is, was, were, been, being)

نشان می‌دهد که چیزی اتفاق افتاده و وجود دارد.

You can **be** a good baseball player if you practice.

اگر تمرین کنی می‌توانی به بازیکن خوبی در بازی بیسبال تبدیل شوی.

بودن

bass

(bass)

A **bass** is a spiny-finned fish that swims in lakes and rivers.

ماهی خاردار ماهی‌ای با باله‌های تیغ‌دار است که در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها شنا می‌کند.

ماهی خاردار

bat

1. A **bat** is a stick used to hit a ball.

2. A **bat** is a small animal with wings that flies at night and sometimes lives in a cave.

۱- چوب بازی، راکت. چوبی است که با آن به توپ ضربه زده می‌شود.

۲- خفاش. خفاش حیوان کوچک بالدار می‌باشد که هنگام شب پرواز می‌نماید و بعضی اوقات در غار زندگی می‌کند.

bath

When you take a **bath**, you wash your body with water.

وقتی که حمام می‌کنید بدن خود را با آب می‌شوید.

حمام کردن

bathroom

A **bathroom** is a place with a sink and toilet and sometimes a tub or shower.

حمام مکانی دارای سینک دستشویی، توالت و بعضی اوقات وان و یا دوش می‌باشد.

حمام

bathtub

A **bathtub** is something you fill up with water and then sit in to wash yourself.

وان حمام وسیله‌ای است که داخل آن را آب پر می‌کنید و سپس داخل آن نشسته و خود را می‌شوید.

وان حمام

**beach**

(beaches)

A **beach** is a sandy place by the sea or a lake.

You can swim and play at the **beach**.

ساحل مکانی شنی کنار دریا یا دریاچه است. کنار ساحل می‌توانید بازی و شنا کنید.

ساحل

**bean**

A **bean** is a kind of seed inside a vegetable.

People eat many kinds of beans-kidney, lima and green beans.

لوبیا نوعی دانه است که داخل

پوشش سبزی قرار دارد. مردم

انواع لوبیا مانند لوبیای قرمز، لوبیای آمریکایی و لوبیا سبز را

می‌خورند.

لوبیا

**bear**

A **bear** is a large furry animal. Many **bears** sleep all winter.

خرس حیوانی بزرگ و پشمالو است. بسیاری از خرس‌ها تمام زمستان را می‌خوابند.

خرس

beard-begin

beard

A **beard** is the hair that grows on a man's chin and cheeks.

ریش مویی است که روی چانه و گونه مرد می‌روید.



ریش

beat

(beats, beat, beaten, beating)

1. If you **beat** someone in a race, you win.
2. If you hit something over and over, you **beat** it.
3. The rhythm in music is the **beat**.

- ۱- شکست دادن. اگر کسی را در مسابقه شکست دهید، برنده می‌شوید.
- ۲- کوبیدن. اگر به چیزی را مکرر ضربه بزنید، آن را می‌کوبید.
- ۳- ضرب، ریتم (در موسیقی).

beautiful

زیبا، قشنگ

If something is **beautiful**, it is lovely to see, to hear, or to smell.

اگر چیزی زیبا باشد، دیدن، شنیدن و یا بویدن آن دوست داشتنی است.

beaver

سگ آبی

A **beaver** is a furry animal with a flat tail and strong front teeth. **Beavers** build dams in streams.

سگ آبی حیوانی پشمالو است که دم صاف و دندان‌های جلویی قدرتمندی دارد. سگ‌های آبی در نهرها سد می‌سازند.



because

زیرا

Because tells the reason for something.

You are going to the store **because** you have run out of milk.

دلیل چیزی را می‌گوید.
شما به فروشگاه می‌روید زیرا شیر ندارید.

become

شدن، تبدیل به چیزی شدن.

(becomes, became, becoming)

If you eat vegetables, you will **become** strong.

اگر سبزیجات بخورید، قوی خواهید شد.

bed

تخت خواب

A **bed** is a soft place to lie down and rest or sleep.

تخت خواب مکان نرمی است که بر روی آن برای استراحت یا خوابیدن دراز می‌کشید.



bee

زنبور

A **bee** is a small, flying, black-and-yellow insect that makes honey. If a **bee** gets angry, it might sting you.

یک زنبور حشره کوچکی است که پرواز می‌کند و بال‌های سیاه و زردی داشته و عسل می‌سازد.
اگر زنبور عصبانی شود ممکن است شما را نیش بزند.



beet

چغندر

A **beet** is a garden vegetable. People eat the red root of a **beet**.

چغندر جزء سبزیجات است. مردم ریشه قرمز آن را می‌خورند.

beetle

سوسک

A **beetle** is a tiny insect with six legs. A **beetle** has hard wings.

سوسک حشره کوچکی است که شش پا دارد. سوسک بال‌های سخت و محکمی دارد.



before

۱- پیش از. یعنی زودتر از زمانی.

You got to school **before** I did.

تو پیش از من به مدرسه رفتی.

۲- قبل از

The number one comes **before** two when you are counting.

هنگام شمارش اعداد، شماره یک قبل از شماره دو می‌آید.

begin

شروع یا آغاز شدن چیزی

(begins, began, begun, beginning)

He has **begun** a new book.

او شروع به خواندن کتاب جدیدی کرده است.

behind

If something is **behind** something else, it is at the back of it.

اگر جسمی پشت جسم دیگری قرار داشته باشد، در پشت سر آن است.

The pear is behind the lemon.

گلابی در پشت لیمو قرار دارد.



پشت

bench

(benches)

A **bench** is a type of seat long enough for several people to sit on.

نیمکت نوعی صندلی است که به اندازه کافی برای نشستن چند نفر

جا دارد.



نیمکت

believe

(believes, believed, believing)

If you **believe** somebody, you feel he tells the truth.

اگر به کسی اعتقاد دارید، احساس می کنید که حقیقت را می گوید.

اعتقاد و باور داشتن

bell

If you hit a **bell**, it makes a sound.

Bells are hollow and usually made of metal.

اگر به زنگی ضربه بزنید، صدایی ایجاد می کند.
زنگ ها تو خالی هستند و معمولاً از فلز ساخته می شوند.



زنگ

belong

(belongs, belonged, belonging)

If something **belongs** to you, it is yours.

اگر چیزی متعلق به شما باشد، مال شماست.

تعلق داشتن

below

The pear is **below** the lemon.

گلابی زیر لیمو قرار دارد.

زیر چیزی



berry

(berries)

A **berry** is a small, soft fruit with lots of seeds.

There are many kinds of **berries**, such as blueberries, raspberries, and strawberries.

میوه کوچک، نرم است که پر از دانه ای است. انواع گوناگون توت، نظیر تمشک، سیاه گیله و توت فرنگی وجود دارند.

میوه توت مانند



beside

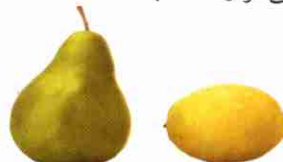
Beside means that something is next to a thing or person.

The pear is **beside** the lemon.

کنار یعنی چیزی پهلوی شیء یا شخصی قرار داشته باشد.

گلابی کنار لیمو است.

کنار - پهلوی



better

(good, best)

1. If you are feeling **better**, you are not as sick as you had been. 2. If you are good at something and practice hard, you will become **better** at it.

۱- بهبود. اگر حالتان بهتر شده باشد (بهبود پیدا کرده باشید)، به اندازه قبل مریض نیستید.

۲- بهتر. اگر در کاری موفق بوده و به شدت تمرین کنید، در آن کار بهتر خواهید شد.

belt

A **belt** is a long strip of cloth or leather, that you wear around your waist.

کمربند نوار پارچه ای یا چرمی بلندی است که دور کمربتان می بندید.

کمربند

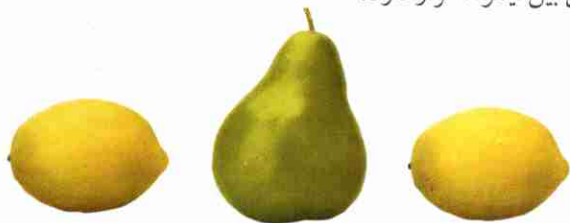
between-blanket

between

بین. در میان

The pear is **between** the lemons.

گلابی بین لیموها قرار دارد.



beyond

خارج از

If something is **beyond** reach, you are too far away from it to grab it.

وقتی چیزی خارج از دسترس است، یعنی دورتر از آن است که بتوانید آن را بدست بگیرید.

bib

پیش بند کودک

A **bib** is something a baby wears around his neck to keep food off his clothes.

پیش بند چیزی است که دور گردن کودک بسته می شود تا غذا روی لباس هایش نریزد.

bicycle

دو چرخه

A **bicycle** is a machine you can ride. A **bicycle** has two wheels and a handlebar. You sit on the seat of the **bicycle** and pedal with your feet to make it go.

دو چرخه وسیله ای است که روی آن سوار می شوید. دو چرخه دو چرخ و یک فرمان دارد. شما بر روی صندلی دو چرخه می نشینید و با پای خود رکاب می زنید تا حرکت نماید.



big

بزرگ

(bigger, biggest)

Big means something is not small.

بزرگ یعنی چیزی کوچک نیست.

binoculars

دوربین دو چشمی

Binoculars are special glasses that make far-away things look like they are closer.

دوربین دو چشمی دارای شیشه های ویژه ای است که باعث می شود اجسام دور دست نزدیک تر به نظر آیند.



bird

پرند

A **bird** is an animal with a beak, wings, and feathers. Most **birds** can fly.

پرند، حیوانی است که نوک، بال و پر دارد. اکثر پرنده ها می توانند پرواز کنند.



birth

تولد

A **birth** is the beginning of life when someone is born.

هنگامی که فردی به دنیا می آید، تولد شروع زندگی است.

bite

(bites, bit, bitten, biting)

When you **bite** into something, you cut or grab it with your teeth.

۱- گاز زدن. هنگامی که چیزی را گاز می زنید، آن را با دندان های خود تکه کرده یا می گیرید.
۲- لقمه. تکه ای غذا.



black

سیاه

Black is the darkest color of all.

سیاه از همه رنگ ها تیره تر است.



blanket

پتو

A **blanket** is a warm, thick cover for a bed.

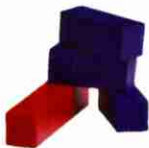
پتو پوشش گرم و ضخیمی برای تخت خواب می باشد.



block

(blocks, blocked, blocking)

1. If something **blocks** your way, you can't get through. 2. A **block** is a toy made out of wood or plastic that you can build with.



- ۱- راه بستن. اگر چیزی جلوی راه شما را بگیرد، شما نمی توانید عبور کنید.
۲- لگو. لگو نوعی اسباب بازی است که از چوب یا پلاستیک ساخته شده است که با آن چیزی را می سازید.

blood

Blood is a liquid that flows through veins inside your body.

خون

خون مایعی است که داخل رگ های بدنتان جریان دارد.

blow

(blows, blew, blown, blowing)

When you **blow** air out of your mouth, or the wind **blows**, air moves.

وقتی که هوا را به خارج از دهان خود می دمید و یا هنگامی که باد می وزد، هوا حرکت می کند.

وزیدن، فوت کردن

blue

On a clear day, the sky is the color **blue**.

در یک روز آفتابی، رنگ آسمان آبی است.

رنگ آبی

**blueberry**

(blueberries)

A **blueberry** is a small, round, soft juicy fruit. **Blueberries** grow in bunches on a bush.



سیاه گیله میوه ای کوچک، گرد، آبدار و نرم است. سیاه گیله به صورت خوشه ای در بوته رشد می کند.

سیاه گیله

bluebird

A **bluebird** is a small, bluish songbird.

پرنده آبی

پرنده آبی، پرنده ای کوچک و آوازه خوان به رنگ آبی می باشد.

board

(boards, boarded, boarding)

1. You **board** a plane, train, or bus when you get on it to go on a trip. 2. A **board** is a long, flat piece of wood.

- ۱- سوار شدن. وقتی که می خواهید به سفر بروید، سوار هواپیما، قطار یا اتوبوس می شوید.
۲- تخته. تخته، قطعه چوبی بلند و صاف است.

boat

A **boat** floats on the water and carries people or things. **Boats** move by engines, sails, or paddles.

یک قایق بر روی آب شناور می شود و مردم و اشیاء را حمل می نماید. قایق ها با موتور، بادبان یا پدال حرکت می کنند.

قایق، کشتی کوچک

body

(bodies)

I have a strong **body**.

من بدنی قوی دارم.

بدن

**bone**

A **bone** is the hard part inside your body under your skin. All of your **bones** together are called a skeleton.

استخوان، بخش سخت و سفت است که داخل بدن در زیر پوست شما قرار دارد. تمام استخوان های بدن شما به اتفاق یکدیگر اسکلت نامیده می شوند.

استخوان

bongo

A **bongo** is a small drum that you play with your hands.

بانگو طبل کوچکی است که با دست می نوازید.

بانگو

bonnet

A **bonnet** is a cloth hat with ribbons that you tie under your chin.

کلاه زنانه، کلاه نوزاد

کلاه زنانه، کلاه نوزاد

book

A **book** is made up of a cover with sheets of paper inside called pages. You can look at pictures and read the words in a **book**.

کتاب حاوی جلد و ورق های کاغذ است که صفحه نامیده می شوند. می توانید به تصویرهای کتاب نگاه کنید و کلمات داخل آن را بخوانید.

کتاب

boot

A **boot** is a tall shoe that covers your foot and part of your leg. **Boots** keep your feet warm and dry in cold, wet weather.

چکمه کفش بلندی است که کف پا و قسمتی از ساق پای شما را می پوشاند. چکمه ها در هنگام بارندگی و آب و هوای سرد پای شما را گرم و خشک نگه می دارند.

چکمه

born-bracelet

born

When a baby is **born**, its life begins.

وقتی که نوزادی به دنیا می‌آید، زندگی‌اش آغاز می‌شود.

متولد

boss

(bosses)

A **boss** is a leader or the person in charge of something.

رئیس، فرد یا رهبری است که مسئولیت چیزی را به عهده دارد.

رئیس

both

You and your sister are **both** playing with dolls.

تو و خواهرت هر دو مشغول با عروسک بازی هستید.

هر دو

bottle

A **bottle** holds liquids. A baby's **bottle** has a special cap called a nipple.

بطری، مایعات را در داخل خود نگه می‌دارد. بطری یا شیشه شیر نوزاد سری دارد که سر شیشه نامیده می‌شود.

سر شیشه



bottom

The **bottom** of something, such as a lamp, is the base or the lowest part.

پایه چیزی مانند پایه چراغ مطالعه، پایین‌ترین قسمت آن است.

پایین، زیر، پایه

bounce

(bounces, bounced, bouncing)

When a ball **bounces**, it jumps back up again after it hits the ground.

وقتی که توپی بالا و پایین می‌پرد، به زمین که برخورد می‌کند دوباره به سمت بالا برمی‌گردد.

بالا و پایین، جهیدن



bow

(bows, bowed, bowing)

1. When you **bow**, you bend over and lower your head.

At the end of a show, performers

bow to thank the audience for clapping. 2. A **bow** is a colorful ribbon that you tie. 3. A **bow** is used to shoot arrows. A stick is made into a **bow** when a string tied to both ends makes it curve.

۱- تعظیم کردن. هنگام تعظیم کردن، خم شده و سر خود را پایین‌تر می‌آورید. هنگام پایان نمایش بازیگران برای تشکر از دست زدن و تشویق تماشاگران تعظیم می‌کنند.

۲- پاپیون. پاپیون روبان رنگی‌ای است که آن را گره می‌زنید.

۳- کمان. از کمان برای پرتاب تیر استفاده می‌شود. هنگامی که چوبی به صورت کمان ساخته می‌شود، دو طرف آن را با سیم می‌بندند و حالت خمیده و کمانی پیدا می‌کند.



bowl

(bowls, bowled, bowling)

1. When you **bowl**, you play a game to knock down pins with a bowling ball.

2. A **bowl** is a deep, round dish that holds food.

۱- وقتی که بازی بولینگ انجام می‌دهید،

بطری‌ها را با توپ بولینگ به زمین می‌اندازید.

۲- کاسه. کاسه، ظرف گرد و گودی می‌باشد که غذا را نگه می‌دارد.

توپ بولینگ



box

(boxes)

You can keep things in a wooden or cardboard **box** with four sides, a flat bottom, and a lid.

می‌توانید اجسام را در یک جعبه چوبی و مقوایی که کف آن صاف و دارای چهار گوش و یک در است، بگذارید و نگهداری کنید.

جعبه

boy

That **boy** learns things very fast.

آن پسر همه چیز را به سرعت می‌آموزد.

پسر



bracelet

A **bracelet** is a piece of pretty jewelry worn around the wrist.

دستبند قطعه جواهر زیبایی است که دور مچ دست بسته می‌شود.

دستبند

branch

(branches)

A **branch** is the part of a tree with leaves that grows out from the trunk.

شاخه بخشی از درخت است که برگ دارد و از تنه درخت به بیرون رشد می کنند.

شاخه

brave

(braver, bravest)

If someone is **brave**, he does something he needs to do, even if it frightens or might hurt him.

اگر فردی شجاع باشد، کاری را انجام می دهد که باید انجام داد، حتی اگر آن کار او را ترسانده یا صدمه ای به او برساند.

شجاع

bread

Bread is a food made from flour and water and then baked in an oven. You can cut **bread** into slices to eat in a sandwich.

نان غذایی است که از آرد و آب ساخته شده و سپس در داخل تنور یا فر می پزد. شما می توانید نان را به قطعاتی ببرید و با آن ها ساندویچ درست کنید.



نان

break

(breaks, broke, broken, breaking)

When you **break** something, it may not work any more. Sometimes things you **break** will divide into pieces.

وقتی که چیزی را می شکنید، ممکن است که دیگر قابل استفاده نباشد. بعضی اوقات چیزهایی که می شکنید به قطعاتی تقسیم می گردد.

شکستن

breakfast

Breakfast is the first meal of the day. When you eat **breakfast**, you might have bread, fruit, and juice.

صبحانه اولین غذای روز است. هنگامی که صبحانه می خورید، ممکن است نان، آب میوه و میوه صرف کنید.

صبحانه



breathe

(breathes, breathed, breathing)

When you **breathe**, you bring air into your body through your nose and mouth and then send it out again.

هنگامی که تنفس می کنید، هوا را از طریق بینی و دهان وارد بدن خود می کنید و سپس آن را دوباره به بیرون می فرستید.

تنفس کردن

brick

A **brick** is a block of baked clay. Many **bricks** stacked together make walls and buildings.

آجر خاک رس پخته شده است. آجرهای زیادی را روی هم می گذارند و با آن ها دیوار و ساختمان می سازند.



آجر

bridge

A **bridge** is something built over a road or water so that people can cross over from one side to the other.

پل چیزی است که در بالای جاده یا آب ساخته می شود، به طوری که مردم می توانند از یک طرف به طرف دیگر آن عبور کنند.

پل

briefcase

A **briefcase** is a box with a handle that people use to carry important papers to and from school or work.

کیف سامسونت، جعبه ای دسته دار است که مردم با آن مدارک مهم خود را به سر کار یا مدرسه می برند و می آورند.

سامسونت، کیف اسناد



bright

(brighter, brightest)

1. A **bright** color or light is strong and easy to see.

۱- رنگ روشن. رنگ یا نور روشن پر رنگ است و به آسانی دیده می شود.

۲- باهوش.

bring

(brings, brought, bringing)

If you **bring** something, you carry it with you.

اگر چیزی را بیاورید، آن را با خود حمل می نمایید.

آوردن

A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

broccoli-bulldozer

broccoli

The green stalk and buds of the green vegetable, **broccoli** is eatable.

ساقه و جوانه این گیاه سبز قابل خوردن است.

گل کلم بروکولی



broom

A **broom** is a long tool with straw on the wide end that you use to sweep the floor clean.

یک جارو وسیله بلندی است که انتهای پهن آن از چوب جارو درست شده است که به کمک آن زمین را تمیز کرده و جارو می کنید.

جارو



brother

My **brother** is very brave.

برادرم بسیار شجاع است.

برادر

brown

Brown is a dark color, like that of chocolate or toast.

قهوه ای، رنگ تیره ای مانند رنگ شکلات یا نان سوخاری است.

رنگ قهوه ای



bubble

A **bubble** is a thin skin of soap with a ball of air inside.

حباب لایه نازکی از صابون است که در داخلش تویی از هوا وجود دارد.

حباب



bug

A **bug** is any kind of small insect. A **bug** can move by flying, crawling, or jumping.

هر نوع حشره کوچک است. حشره می تواند پرواز کند، روی زمین آهسته حرکت کند یا بجهد.

حشره



bugle

A **bugle** is a small brass horn without keys that makes a loud musical sound.

باگل شیپور کوچکی از جنس فلز برنج است که بر روی آن کلیدی برای نواختن وجود ندارد و صدای موسیقی بلندی تولید می کند.



باگل نوعی بوق

build

(builds, built, building)

If you **build** something, you put all of the parts together. اگر چیزی را بسازید، تمام قسمت های آن را روی هم سوار می کنید.

ساختن

builder

A **builder** is a person who puts the parts together to make a building, such as a house, store, or shopping mall.

بنا کسی است که قطعات ساختمان را روی هم می گذارد تا ساختمانی نظیر: خانه، فروشگاه یا مرکز خرید بسازد.

بنا



building

A **building** is a place that people create with walls and a roof. People live and work in **buildings** such as houses, schools, or barns.

ساختمان مکانی است دارای سقف و دیوار که مردم به وجود می آورند. مردم در ساختمان هایی نظیر: خانه، مدرسه، یا انبار زندگی و کار می کنند.

ساختمان

bull

A **bull** is a male cow, a large farm animal with two long horns on its head. The **bull** eats grass and does not give milk.

گاو نر، حیوان مزرعه بزرگی است که دو شاخ بلند بر روی سر دارد. گاو نر علف می خورد و شیر نمی دهد.

گاو نر

bulldozer

A **bulldozer** is a big, heavy machine that has a blade on the front to push dirt and rocks around.

بولدوزر ماشین بزرگ و سنگینی است که با تیغه بزرگ جلوی خود آسفال و سنگ را به اطراف می راند.

بولدوزر

bull's-eye

A **bull's-eye** is the center of a target.

خال مرکز هدف نشانه گیری است.

خال هدف

bully

(bullies)

A **bully** is someone who is mean and hurts or frightens others.

آدم زورگو و خشن بدجنس بوده، دیگران را ناراحت می کند یا می ترساند.

آدم زورگو و خشن

bunny

(bunnies)

A **bunny** is a soft furry rabbit with long ears. A **bunny** uses its back legs to hop.

نوعی خرگوش با موهای نرم و پشمالو و گوش های درازی است. این خرگوش از پاهای عقبی خود استفاده کرده و بالا و پایین می جهد.

نوعی خرگوش



bus

(buses)

A **bus** is a big vehicle that carries a lot of people from place to place. A **bus** has lots of seats and windows but just one driver.

اتوبوس وسیله نقلیه بزرگی است که تعداد زیادی مردم را از جایی به جای دیگر حمل می کند. اتوبوس تعداد زیادی صندلی و پنجره داشته ولی فقط یک راننده دارد.

اتوبوس

busy

(busier, busiest)

If you are **busy**, you have many things you must do.

اگر مشغول باشید، کارهای زیادی دارید که باید انجام بدهید.

مشغول، سرگرم

but

The girl liked every vegetable **but** turnips.

آن دختر همه نوع سبزیجات را به جز شلغم دوست داشت.

اما. یعنی فقط یا به جز

butter

Butter is a light-yellow food made from cream from a cow. You can cook with it or spread soft **butter** on toast.

کره ماده غذایی زرد رنگی است که از خامه شیر گاو گرفته می شود. با آن می توانید آشپزی کنید و یا کره نرم را روی نان سوخاری بمالید.

کره



butterfly

(butterflies)

A **butterfly** is an insect with big colorful wings. Caterpillars grow up to be **butterflies**.

پروانه حشره ای با بال های بزرگ و رنگین است. کرم های پروانه بزرگ شده به پروانه تبدیل می شوند.

پروانه

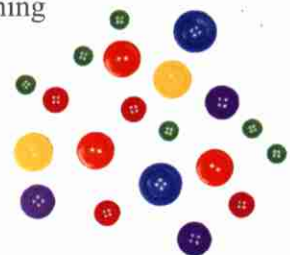


button

A **button** is a small, round thing that helps to keep your clothes together.

دکمه جسم کوچک و گردی است که کمک می کند بخش هایی از لباس هایتان به یکدیگر بسته شوند.

دکمه



buy

(buys, bought, buying)

When you **buy** something, you pay money for it so you can own it.

وقتی که چیزی را می خرید، برای آن پول پرداخت می کنید تا مالک آن شوید.

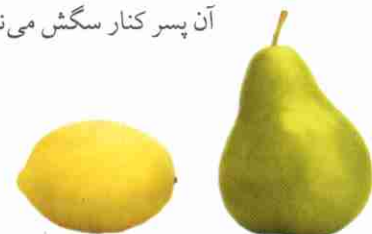
خریدن

by

The boy sits **by** his dog.

آن پسر کنار سگش می نشیند.

کنار



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z



cabbage

I always add **cabbage** in my salad.

من همیشه به سالاد، کلم اضافه می‌کنم.



کلم

cactus

(cacti)

A cactus is a thorny plant that grows in the desert.

A cactus needs very little water to live.

کاکتوس گیاه خاردار است که در صحرا رشد می‌کند. کاکتوس برای زندگی به آب کمی نیاز دارد.



کاکتوس

cage

A **cage** is a room or box with bars where you can keep an animal.

یک قفس اتاق یا جعبه‌ای دارای میله است که می‌توانید حیوانی را در آن نگهداری دارید.

قفس

cake

A **cake** is made by baking a mixture of flour, sugar, eggs, and milk in the oven. You put candles on a birthday **cake**.

کیک با پختن مخلوطی از آرد، شکر، تخم مرغ و شیر در فر تهیه می‌شود. بر روی کیک تولد شمع می‌گذارید.



کیک

calculator

People do number problems on a machine called a **calculator**.

مردم مشکل کار با اعداد را با کمک وسیله‌ای به نام ماشین حساب، برطرف می‌کنند.



ماشین حساب

calendar

سالنامه، تقویم

A **calendar** shows the days, weeks, and months of the year. People mark important dates on a **calendar**.

سالنامه روزها، هفته‌ها و ماه‌های سال را نشان می‌دهد. مردم تاریخ‌های مهم را در سالنامه مشخص می‌کنند.

calf

گوساله

A **calf** is a young cow or bull.

گوساله گاوی کوچک و جوان است.

call

(calls, called, calling)

Yesterday, I called my friend to ask a question.

دیروز به دوستم تلفن کردم تا سوالی را بپرسم.

۱- تلفن کردن.

۲- صدا زدن.

camera

دوربین

You can take photographs with a **camera**.

می‌توانید با کمک دوربین عکس بگیرید.

camp

اردو زدن

(camps, camped, camping)

When you **camp**, you live in a tent outdoors for a short time.

هنگامی که به اردو می‌روید، برای مدت کوتاهی در داخل چادر در فضای باز زندگی می‌کنید.



can

1. **Can** means you are able to do something
 2. A **can** is made of metal.
- A **can** holds foods and drinks, such as soda.

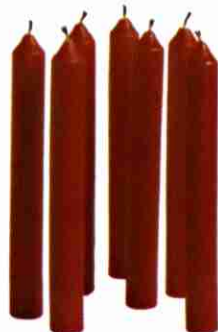
۱- توانستن. یعنی شما قادر به انجام چیزی هستید.
They **can** jump very high.

آن‌ها می‌توانند خیلی بلند بپرند.
۲- قوطی (کنسرو). قوطی از فلز ساخته می‌شود. قوطی مواد غذایی و نوشیدنی مانند نوشابه را در خود نگه می‌دارد.

candle

A **candle** is a piece of wax with a string inside for a wick. When you light the wick, the **candle** burns brightly.

شمع قطعه‌ای موم است که داخلش نخ‌ی قرار دارد. وقتی که فتیله را روشن می‌کنید، شمع می‌سوزد و شعله روشنی ایجاد می‌کند.



candy

Candy is a tasty sweet food made with sugar. Some **candy** is soft, while other **candy** hard and crunchy.

شیرینی ماده شیرین و خوشمزه‌ای است که با شکر ساخته می‌شود. بعضی از شیرینی‌ها نرم هستند و در حالی که بعضی دیگر سفت و ترد می‌باشند.



cane

A **cane** is a curved stick with a handle at the top. Some people use a **cane** to help them walk.

عصا چوبی است که قسمت بالای آن خمیده شکل است و دسته دارد. بعضی از مردم با کمک عصا راه می‌روند.

cannot

Cannot means you are unable to do something.

یعنی قادر به انجام کاری نیستید.

You **cannot** eat the table!

شما نمی‌توانید میز را بخورید!

canteen

A **canteen** is a type of bottle you carry with you on a hike. You drink from your **canteen** when you are thirsty.

قمقمه نوعی بطری است که هنگام پیاده‌روی با خود حمل می‌کنید. هنگام تشنه شدن از آب داخل قمقمه خود می‌نوشید.



cap

1. A **cap** is a soft hat with a round part at the front to shade your eyes.
2. A **cap** is a small lid, like the one on toothpaste.

۱- کلاه لبه‌دار. کلاه نرمی است که لبه گردی در جلوی کلاه دارد که برای چشم‌ها مانند سایه بان عمل می‌کند.
۲- سر. سرپوش کوچکی مانند سر خمیر دندان است.



car

A **car** is a machine with an engine and four wheels that people ride in. You drive a **car** on a road.

ماشین وسیله‌ای دارای یک موتور و چهار چرخ است که مردم سوار آن می‌شوند. شما با ماشین در جاده حرکت می‌کنید.

card

1. At special times, like a birthday, you send people a **card** with words and pictures.
2. You can play a game with paper **cards** that have numbers, pictures, or words.

۱- کارت پستال. در مواقع خاص، مانند تولد، شما برای کسی کارتی حاوی عکس و نوشته می‌فرستید.

۲- کارت‌های بازی. شما می‌توانید با کارت‌های کاغذی که بر روی آن‌ها شماره، تصویر یا کلمه‌ای وجود دارد، بازی کنید.

care

مراقبت کردن، اهمیت دادن

(cares, cared, caring)

If you **care** about something or someone, you may worry and look after them. *After her brother cut his hand, the girl took **care** of him.*

اگر به چیزی یا کسی اهمیت می‌دهید، نگران او بوده و از آن شخص مراقبت می‌کنید.

بعد از اینکه برادرش دستش را برید، خواهرش از او مراقبت نمود.

careful-catch

careful

If you are **careful**, you think about what you are doing so you will do it as well as possible.

اگر دقیق باشید، هنگام انجام کاری فکر می کنید که آن را به بهترین شکل ممکن انجام دهید.

دقیق

carnation

A **carnation** is a fluffy flower that has a sweet, spicy smell.

میخک گلی پر گلبرگ است که بوی تند و شیرینی دارد.

گل میخک



carrot

A **carrot** is a long, crunchy orange vegetable that grows underground.

هویج گیاه نارنجی رنگ بلند و تردی است که در زیر زمین رشد می کند.

هویج



carry

(carries, carried, carrying)

When you **carry** something, you pick it up and take it with you.

هنگامی که چیزی را حمل می کنید، آن را برداشته، با خود می برید.

حمل کردن

cart

A **cart** has wheels and a handle. People use a **cart** to carry heavy things from place to place.

چرخ دستی دارای چرخ و دسته است. مردم با استفاده از چرخ دستی چیزهای سنگین را از جایی به جای دیگر حمل می کنند.

چرخ دستی



cash

Cash can be coins or paper bills. You use **cash** to buy things.

پول نقد می تواند سکه یا پول کاغذی باشد. با پول نقد خرید می کنید.

پول نقد

cashew

A **cashew** is a tan chewy nut that has a shape like a kidney bean.

بادام هندی میوه مغز داری به رنگ قهوه ای روشن است که به لویای قرمز شباهت دارد.

بادام هندی



cassette

A **cassette** is a flat plastic case with a tape inside that records and plays sounds, music, and pictures.

کاست قاب پلاستیکی مسطحی است که درون آن نوار قرار دارد. می توان صوت، موسیقی و تصاویر را با استفاده از آنها ضبط و پخش کرد.

کاست



castle

A **castle** is a big, strong stone building with thick walls and towers. Long ago, a **castle** kept the king, queen, and other people who lived inside safe from attackers.

قلعه ساختمان سنگی محکم و بزرگی است که دارای دیوارهای ضخیم و برج می باشد. در زمان های قدیم، پادشاه، ملکه و افراد دیگر در قلعه زندگی می کردند تا از حمله دشمنان در امان بمانند.

قلعه

cat

A **cat** is a furry animal with a tail. Small **cats** live in peoples' houses as pets. Large **cats**, like lions and tigers, live in the wild.

گربه حیوان پشمالویی دارای دم است. گربه های کوچک به عنوان حیوان خانگی در خانه ها زندگی می کنند. گربه های بزرگ مانند شیر و ببر در طبیعت آزاد زندگی می نمایند.

گربه



catch

(catches, caught, catching)

1. When you get a hold of something that's moving, like a ball, you **catch** it. 2. If you **catch** an illness, you become sick.

۱- گرفتن. اگر چیزی را که در حال حرکت است (مانند توپ) نگه دارید، آن را گرفته اید.

مریض شدن. اگر به نوعی بیماری دچار شوید، مریض می شوید.

caterpillar

کرم حشره، لارو

A **caterpillar** is small and long, like a worm, with little legs. A **caterpillar** changes into a moth or butterfly.

کرم حشره مانند کرم، کوچک و کشیده می باشد و پاهای کوچکی دارد. کرم حشره به شب پره یا پروانه تبدیل خواهد شد.

cave

غار

A **cave** is a large hole in the side of a mountain or under the ground.

غار حفره بزرگی در کنار کوه یا زیر زمین است.

celery

کرفس

People eat the crunchy stem of **celery**, a green vegetable.

کرفس گیاه سبزی است که مردم ساقه ترد آن را می خورند.



cellular phone

تلفن همراه

A **cellular phone** is a telephone without a cord. You can carry a **cellular phone** in your pocket or car.

تلفن همراه تلفنی بدون سیم است. می توانید آن را در داخل جیب یا ماشین خود حمل کنید.



cent

سنت

A **cent** is a very small amount of money. A penny is worth one **cent**, a quarter is worth 25 **cents**, and a dollar is worth 100 **cents**.

سنت مقدار پول بسیار کمی است. پنی یک سنت ارزش دارد، یک کوآرتر ۲۵ سنت می باشد و یک دلار ۱۰۰ سنت ارزش دارد.

cereal

غله

cereal is a breakfast food usually made out of corn, wheat, or oats and served with milk.

غذایی است که معمولاً از ذرت، گندم یا جو ساخته شده است و آن را همراه با شیر به عنوان صبحانه می خورند.



certain

مطمئن

If you are **certain** about something, you are sure of it. *The boy makes **certain** he brushes his teeth right after breakfast.*

اگر درباره چیزی یقین دارید، به آن مطمئن هستید.

آن پسر مراقب است که حتماً دندانهایش را بعد از صبحانه مسواک بزند.

chain

زنجیر

Metal rings join together to make a **chain**.

A **chain** is used to hold two things together.

حلقه های فلزی به یکدیگر متصل می شوند و زنجیر را می سازند. زنجیر دو چیز را کنار هم نگه می دارد.



chair

صندلی

A **chair** is a seat with a back for one person to sit on.

صندلی مکانی برای نشستن یک فرد است و یک پشتی دارد.



chalk

گچ

Chalk, made from a soft rock, comes in white and colored sticks. You can draw or write with **chalk** on a chalkboard.

گچ که از سنگ نرمی ساخته می شود و به قطعه های سفید و رنگی وجود دارد. می توانید روی تخته سیاه با گچ بنویسید یا ترسیم نمایید.

chalkboard

تخته سیاه

A **chalkboard** is a hard, dark board used for writing with chalk.

تخته سیاه تخته ای تیره و سفت است که برای نوشتن با گچ استفاده می شود.

chase

دنبال کردن

(chases, chased, chasing)

If you **chase** something, you run after it and try to catch it.

اگر چیزی را دنبال کنید، به دنبالش رفته، سعی در گرفتن آن دارید.

A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

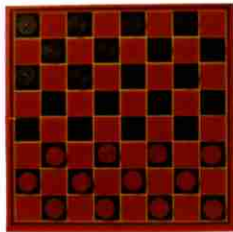
checkers-child

checkers

بازی چکر

In the game of **checkers**, you move flat, round, red or black pieces around a checkered board.

در بازی چکر مهره‌های صاف و گرد سیاه یا قرمزی را بر روی صفحه‌ای شطرنجی حرکت می‌دهید.



cheese

پنیر

Cheese is a yellow or white food made from milk. You might eat **cheese** on pizza or in a sandwich.

پنیر ماده‌ای غذایی به رنگ سفید یا زرد است که از شیر ساخته می‌شود. ممکن است پنیر را داخل ساندویچ یا روی پیتزا میل کنید.

chef

سر آشپز

A **chef** cooks food in a restaurant. A **chef** often wears a tall white hat.

سر آشپز در رستوران غذا می‌پزد. سر آشپز معمولاً کلاه بلند سفیدی به سر دارد.

cherry

(cherries)

A **cherry** is a small red fruit with a pit inside.

Cherries grow on trees, where birds like to eat them.

گیلاس میوه کوچک و قرمز رنگی است که هسته‌ای داخلش وجود دارد. گیلاس روی درخت رشد می‌کند، جایی که پرندگان دوست دارند آن را بخورند.

گیلاس



chess

شطرنج

Chess is a board game for two players. To win at **chess**, you must capture the other player's king.

شطرنج نوعی بازی است که روی صفحه انجام می‌شود و دو بازیکن دارد. برای برنده شدن در شطرنج باید



شاه بازیگر مقابل را بگیرد.

chest

1. A **chest** is a big heavy box with a lid to store special things inside. 2. Your **chest** is the front part of your body below your neck and between your arms.

۱- صندوقچه. صندوقچه، جعبه سنگین و بزرگی است که در دارد و برای نگهداری اشیاء خاص در آن استفاده می‌شود.

۲- قفسه سینه. قفسه سینه بخش جلویی بدن شما می‌باشد که زیر گردن و بین بازوها قرار دارد.



chew

جویدن

(chews, chewed, chewing)

When you chew your food, your teeth bite it into small pieces.

هنگامی که غذای خود را می‌جوید، دندان‌هایتان آن را به قطعه‌های کوچکی خرد می‌کنند.

chick

جوجه

A **chick** is a young chicken or other bird.

A **chick** makes a *peep-peep* sound.

جوجه بچه کوچک مرغ یا پرندگان دیگر است. جوجه جیک جیک صدا می‌کند.



chicken

مرغ

A **chicken** is a bird that farmers raise for eggs and meat to eat.

مرغ پرندۀ ای است که کشاورزان از تخم و گوشت آن برای خوردن استفاده می‌کنند.



child

بچه، کودک

(children)

A **child** is a young boy or girl. When **children** grow up they become men and women.

پسر بچه یا دختر بچه کوچکی است. وقتی که بچه‌ها بزرگ می‌شوند، به مرد یا زن تبدیل می‌شوند.

chimpanzee

A **chimpanzee** is a hairy type of ape that is smaller than a gorilla.

شامپانزه نوعی میمون پشمالو است که از گوریل کوچکتر است.

شامپانزه



chin

Your **chin** is the part of your face that is below your mouth.

چانه شما بخشی از صورتتان است که زیر دهان قرار دارد.

چانه

chocolate

Chocolate is a sweet brown food used in candy, cakes, and drinks. **Chocolate** comes from the brown beans of the cocoa tree.

شکلات ماده غذایی شیرین و قهوه‌ای رنگی است که در شیرینی، کیک و نوشیدنی‌ها به کار می‌رود. شکلات از دانه‌های قهوه‌ای درخت کاکائو تهیه می‌شود.

شکلات

Christmas

Christmas is a holiday on December 25 to celebrate the birth of Christ. People give gifts to each other on **Christmas**.

کرسمس تعطیلی روز ۲۵ ماه دسامبر می‌باشد و مسیحیان تولد حضرت عیسی را جشن می‌گیرند. در روز کرسمس مردم به یکدیگر هدیه می‌دهند.

کرسمس

Christmas tree

People decorate a **Christmas tree** with special pretty things, lights, and ornaments. They put gifts under the **Christmas tree**.

مردم درخت کرسمس را با با چراغ و لوازم تزئینی و اجسام زیبا و خاص تزئین می‌نمایند. آن‌ها هدیه‌های خود را زیر درخت کرسمس می‌گذارند.

درخت کرسمس



church

(churches)

A **Church** is a building where people go to pray and worship.

کلیسا مکانی است که مردم به آن جارفته، دعا و عبادت می‌کنند.

کلیسا

chimpanzee-clarinet

circle

A **circle** is a round shape like a ring.

دایره شکلی گرد مانند حلقه است.

دایره



circus

(circuses)

A **circus** is a group of people, such as clowns and acrobats, and animals, such as elephants and tigers, that travels around and performs shows.

سیرک گروهی از مردم مانند دلقک‌ها و آکروبات‌ها و حیواناتی نظیر فیل و ببر می‌باشند که به اطراف سفر کرده، نمایش اجرا می‌کنند.

سیرک

city

(cities)

A **city** is a very big town where many people work and live.

شهر، شهرستان بسیار بزرگی است که افراد بسیاری در آن کار و زندگی می‌کنند.

شهر

clam

A **clam** is an ocean animal with a very hard shell that opens and closes. people eat the soft meat inside the

صدف حیوانی است که در اقیانوس زندگی

می‌کند، پوسته بسیار سفت و محکمی دارد که باز و بسته می‌شود. مردم گوشت نرم داخل صدف را می‌خورند.

صدف



clap

(claps, clapped, clapping)

when you clap, both of your hands hit together to make a noise.

هنگامی که دست می‌زنید، دو دستتان را به هم می‌زنید و صدا ایجاد می‌کنید.

دست زدن

clarinet

کلارینت، قره نی

A clarinet is a long musical instrument you blow into to make sound. You change the sounds on the clarinet with the keys and finger holes.

کلارینت وسیله موسیقی درازی است که به داخل آن فوت می‌کنید و صدا ایجاد می‌کنید. می‌توانید صدای حاصل از کلارینت را با کلیدها و سوراخ‌های انگشتی روی آن تغییر دهید.



class-coach

class

کلاس

(classes)

A **class** is a group of students learning together.

کلاس گروهی از دانش آموزان است که با یکدیگر درس می آموزند.

clay

خاک رس

Clay is soft earth. People make things from **clay**, like bricks, pots, and cups.

خاک رس خاک نرمی است. مردم با استفاده از خاک رس، آجر، سفال و فنجان می سازند.



clean

تمیز کردن

(cleans, cleaned, cleaning)

When you **clean** something, you get rid of the dirt.

هنگامی که چیزی را تمیز می کنید، آلودگی را برطرف می نمایید.

climb

بالا رفتن

(climbs, climbed, climbing)

I can climb a ladder.

می توانم از نردبان بالا روم.

clock

ساعت

A **clock** is a machine with numbers that tells the time. The short hand on the **clock** tells the hour, and the long hand tells the minutes.

ساعت دستگاهی است که روی آن اعدادی وجود دارد که زمان را نشان می دهد. عقربه کوچک، ساعت و عقربه بزرگ، دقیقه ها را اعلام می کند.



close

(closes, closed, closing)

1. I closed the door.

2. If you stand near someone, you are very **close** to them.

۱- بستن. در را بستم.
۲- نزدیک. وقتی که نزدیک کسی می ایستید به او خیلی نزدیک هستید.

clothes

لباس

Clothes are the things you wear, like pants or a shirt. **Clothes**, like a coat, cover your skin and keep you warm.

لباس چیزی مانند شلوار یا پیراهن است که آن را می پوشید. لباس هایی مانند کت، بدن شما را می پوشاند و شما را گرم نگه می دارد.

clothespin

گیره رخت

A **clothespin** is a type of wooden or plastic clip that you use to hang wet clothes on the line to dry.

گیره رخت نوعی گیره چوبی یا پلاستیکی است که با کمک آن لباس های خیس را روی بند می آویزد تا خشک شوند.



cloud

ابر

A **cloud** is a white or gray shape that floats in the sky. **Clouds** are made of many tiny drops of water.

Rain falls from dark **clouds**.

ابر توده ای به رنگ سفید یا خاکستری می باشد که در آسمان شناور است. ابرها از قطره های بسیار ریز آب تشکیل شده اند. باران از ابرهای تیره می بارد.

clown

دلک

A **clown** is a person who dresses up funny and does silly things to make you laugh. Sometimes you see a **clown** at the circus.

دلک فردی است که لباس های مسخره به تن می کند و کارهای احمقانه ای را برای خنداندن شما انجام می دهد. بعضی اوقات دلک ها را در سیرک می بینید.

club

1. A **club** is a wooden stick, like a bat or golf **club**, used to hit things. 2. A **club** is a group of people who meet for a common interest.

۱- چوگان. چوبی است مانند راکت یا چوب گلف که برای ضربه زدن از آن استفاده می شود.

۲- باشگاه. جایی است که گروهی از مردم برای انجام کاری مشترک در آنجا یکدیگر را ملاقات می کنند.

coach

مربی

(coaches)

A **coach** is a person who trains and manages players on a sports team, such as baseball.

مربی شخصی است که بازیکنان را در بازی هایی مانند بازی بیسبال آموزش می دهد و هدایت می کند.



coat

پالتو، کت

A **coat** is an article of clothing you wear over your other clothes to keep warm when you go outdoors.

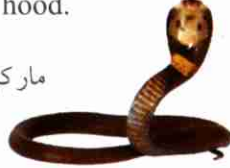
کت، نوعی لباس است که بر روی لباس های دیگر می پوشید تا هنگامی که بیرون می روید شما را گرم نگه دارد.

cobra

مار کبرا

A **cobra** is a poisonous snake that can flatten the skin on its neck to look like a hood.

مار کبرا، ماری سمی است که هنگام نیش زدن پوست گردن خود را مثل چتر باز می کند.



cockroach

سوسک

(cockroaches)

A **cockroach** is a kind of insect with a flat, small body that can squeeze through cracks. Most **cockroaches** come out at night and live in people's house.

سوسک نوعی حشره با بدنی صاف و کوچک است که از میان شکاف ها و درزهای گذرد. بیشتر سوسک ها هنگام شب بیرون می آیند و در خانه های مردم زندگی می کنند.

cocoa

کاکائو

Chocolate comes from the brown beans of the **cocoa** tree. People like to drink sweetened hot **cocoa**.

شکلات از دانه های قهوه ای رنگ درخت کاکائو تهیه می شود. مردم خوردن کاکائوی شیرین و داغ را دوست دارند.

coconut

نارگیل

A **coconut** is a large, brown, round, hard-shelled nut that grows on the **coconut** tree. People eat the chewy white fruit inside a **coconut**.

نارگیل میوه ای گرد، بزرگ و قهوه ای رنگ است که پوسته سفت و محکمی دارد و روی درخت نارگیل رشد می کند.



مردم میوه سفید ترد داخل نارگیل را می خورند.

coffee

قهوه

Coffee is a brown drink made by adding water to the roasted beans of the **coffee** plant.

قهوه نوشیدنی قهوه ای رنگی است که با اضافه کردن آب به دانه های بوداده گیاه قهوه ساخته می شود.

coat-come

سکه

coin

A **coin** is a small, round piece of money made from metal. Pennies, nickels, dimes, and quarters are **coins**.

یک سکه پول کوچک و گردی است که از فلز ساخته شده است. پنی، نیکل، دایم و کوارتر به شکل سکه هستند.



cold

(colder, coldest)

1. If you have a **cold**, you are sick and sneeze or cough a lot. 2. I'm cold.

۱- سرما خوردگی. اگر سرما خورده اید، مریض هستید و زیاد عطسه و سرفه می کنید.
۲- سرد. سردم است.

color

رنگ

Color is a way to describe how something looks.

A rainbow has many different **colors**, like red, orange, and yellow.

با کمک رنگ ها اجسام را توصیف می نماییم. رنگین کمان رنگ های بسیار متفاوتی مانند قرمز، نارنجی و زرد دارد.

colt

کره اسب

A **colt** is a young male horse.

کره اسب، اسب نر کوچکی است.



comb

شانه

A **comb** is a thing you use to smooth out your hair.

A **comb** is flat and hard, with long pointed teeth.

شانه وسیله ای است که با آن موها را صاف و مرتب می نمایید. شانه صاف و محکم است و دندان های تیز و بلندی دارد.

come

(comes, came, coming)

1. When you **come** here you move forward toward me.

۱- آمدن. وقتی اینجا می آید به سمت من حرکت می کنید.
۲- رسیدن. مانند رسیدن قطار به ایستگاه.

A

compact disc-couch

B

compact disc

A **compact disc**, also called a CD, is a shiny, flat, round piece of plastic with electronic information stored on it. People use **compact discs** to play music and computer games.

لوح فشرده، که سی دی نیز نامیده می شود صفحه ای گرد، صاف، براق و پلاستیکی است که اطلاعات الکترونیکی را در روی آن ضبط می کنند. مردم با استفاده از لوح فشرده به موسیقی گوش می دهند و بازی های رایانه ای انجام می دهند.

لوح فشرده



C

D

E

F

G

H

I

J

K

L

M

N

O

P

Q

R

S

T

U

V

W

X

Y

Z

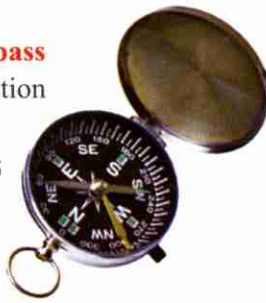
compass

(compasses)

So you won't get lost, a **compass** has a needle that shows direction by pointing north.

قطب نما سوزنی بر روی صفحه خود دارد که جهت شمال را نشان می دهد. با داشتن قطب نما راه خود را گم نمی کنید.

قطب نما

**computer**

A **computer** is a machine that stores information and sends messages.

رایانه دستگاهی است که اطلاعات را ذخیره می کند و پیام ها را می فرستد.

رایانه

**convertible**

A **convertible** is a car with a special top that can come off or fold down.

ماشین کروکی، ماشینی با سقف ویژه است که می تواند باز و جمع شود.

ماشین کروکی

cook

(cooks, cooked, cooking)

When you **cook**, you make or heat food so it is ready to eat. 2. A **cook** is a person who makes or heats food to eat.

۱- پختن. هنگام پختن به غذا حرارت و گرما می دهید تا آماده خوردن شود.

۲- آشپز. آشپز کسی است که غذا را برای خوردن درست می کند یا می پزد.

cookie

A **cookie** is a small, sweet cake that is baked in the oven.

They are flat and can be crispy or chewy.

کلوچه کیک شیرین و کوچکی است که است که در فر پخته می شود. کلوچه مسطح است و می تواند برشته و ترد باشد.

شیرینی، کلوچه

**cool**

(cooler, coolest)

If something feels **cool**, it is a bit cold.

وقتی چیزی خنک به نظر برسد، کمی سرد است.

خنک

corn

Farmers grow **corn**, a plant with tall stalks and yellow seed kernels inside ears. You can eat **corn** and also you can pop seeds of **corn** to make popcorn.

کشاورزان ذرت کشت می کنند، گیاهی با ساقه های بلند و دانه های زرد که داخل برگ های سبزی پنهان هستند. می توانید دانه های ذرت را بخورید و همچنین ذرت بو داده تهیه نمایید.

ذرت

**cost**

(costs, cost, costing)

How much you pay for something is how much it **costs**.

مقدار پولی که برای چیزی می پردازید، قیمت آن است.

قیمت داشتن

costume

A **costume** is a special set of clothes that an actor or a child wears to pretend to be someone else.

مجموعه لباس های ویژه ای است که یک هنرپیشه یا کودک می پوشد تا وانمود کند فرد دیگری است.

لباس خاص

couch

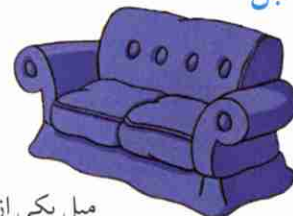
(couches)

A **couch** is a long piece of furniture that is soft to sit on.

مبل یکی از وسایل بزرگ خانه است که برای

نشستن نرم است.

مبل



could

توانستن

Could means you are able to do something.

توانستن یعنی شما قادر به انجام کاری می باشید.

If you are hot, you could get cool in the pool.

اگر گرمتان است، می توانید داخل استخر خنک شوید.

count

شمردن

(counts, counted, counting)

When you **count**, you say the numbers in the right order: 1,2,3.

هنگام شمارش اعداد را با ترتیب درست می گویند: ۱، ۲، ۳.

country

(countries)

1. A **country** is a part of the world with its own name, people, and laws, such as the United States of America or Canada. 2. The **country** is the land outside of towns with fields or woods.

۱- کشور. کشور بخشی از دنیا می باشد که برای خود نام، مردم و قانون دارد، مانند ایالت متحده آمریکا یا کانادا.

۲- بیلاق. منطقه ای در خارج از شهر است که داری مزرعه و درخت می باشد.



cover

(covers, covered, covering)

If you **cover** a thing, you put something over it to keep it warm.

۱- پوشاندن. اگر بخواهید چیزی را بپوشانید، بر رویش پوششی می اندازید تا گرم بماند.

Cover the horse with a blanket so it won't be cold.

اسب را با پتو بپوشان تا سردش نشود.

۲- پوشش، روانداز.

Put a **cover** over the baby to play peek-a-boo.

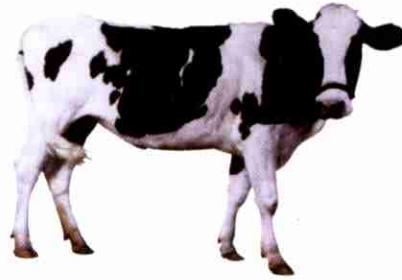
روی کودک پوششی بپوشان تا دالی موشه بازی کند.

cow

گاو

A **cow** is a large farm animal that eats grass and moos. Some **cows** give milk.

گاو حیوان بزرگی در مزرعه است که علف می خورد و مومو می کند. بعضی از گاوها شیر می دهند.



cowboy

کابوی، گاوچران

A **cowboy** or cowgirl lives on a ranch, rides a horse, and takes care of cows.

گاوچران مرد یا زنی است که در مزرعه های بزرگ زندگی، اسب سواری و از گاوها مراقبت می نماید.

crab

خرچنگ

A **crab** is an ocean animal with a hard shell and sharp pinching claws.

خرچنگ حیوانی ساکن اقیانوس است که پوسته سخت و چنگال های گازانبری شکلی دارد.



cracker

کراکر، بیسکویت ترد

A **cracker** is a thin, crispy cookie or biscuit.

کراکر نوعی بیسکویت یا شیرینی ترد و نازک است.



crawl

خزیدن، چهار دست و پا راه رفتن

(crawls, crawled, crawling)

When you **crawl**, you move along on your hands and knees.

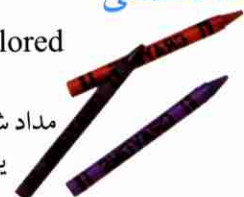
هنگام چهار دست و پا راه رفتن، بر روی دستان و زانوهای خود حرکت می کنید.

crayon

مداد شمعی

A **crayon** is a waxy type of colored pencil for drawing.

مداد شمعی نوعی مداد رنگی مومی برای ترسیم یا نقاشی می باشد.



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

crib-cute

crib

تختخواب کودک

A **crib** is a bed with tall sides so a baby won't fall out.

تخت خواب کودک تختی است که دور تا دور آن بلند است تا نوزاد از تخت بیرون نیفتد.

cricket

جیر جیرک

A **cricket** is a jumping insect that makes chirping sounds with its wings.

جیر جیرک حشره‌ای جهنده است که با پرهایش صدای جیر جیر ایجاد می‌کند.

crocodile

تمساح

A **crocodile** is a large animal with a long tail and big sharp teeth. A **crocodile** lives in rivers and swamps in some hot places.

تمساح حیوانی بزرگ با دم بلند و دندان‌های تیز است. تمساح در رودخانه‌ها و باتلاق‌های واقع در جاهای گرم زندگی می‌کند.

cross

(crosses, crossed, crossing)

1. To go from one side to the other means to **cross** over. 2. A **cross** is a mark like a plus (+) or an x. 3. If you feel **cross**, you are angry about something.

۱- عبور کردن. رفتن از سویی به سوی دیگر. به معنای عبور کردن است.

۲- علامت ضربدر یا بعلاوه.

۳- عصبانی. اگر احساس عصبانیت می‌کنید، درباره چیزی خشمگین هستید.

crown

تاج

A **crown** is a beautiful ring of silver or gold and jewels that a king or queen wears on the head.

تاج حلقه‌ای زیبا از نقره یا طلا و جواهرات است که پادشاه یا ملکه آن را بر سر می‌گذارد.



crutch

(crutches)

A **crutch** is a long sturdy stick that fits under your arm to help you walk if your leg or foot is hurt.

چوب زیر بغل، چوب بلند و محکمی است که در زیر بازوی شما قرار می‌گیرد، تا در صورت آسیب دیدگی پائتان با کمک آن راه بروید.



cry

گریه کردن

(cries, cried, crying)

You **cry** if you are sad or hurt and tears fall from your eyes.

هنگامی که غمگین یا ناراحت هستید گریه می‌کنید و اشک از چشمانتان فرو می‌ریزد.

cub

توله

A **cub** is a baby animal. Baby bears, foxes, wolves, lions, and tigers are cubs.

توله بچه حیوانات است. نوزادان خرس‌ها، گرگ‌ها، شیرها و ببرها توله هستند.

cup

فنجان

A **cup** is a container for drinks.

A **cup** has a handle.

فنجان ظرفی برای نوشیدن است. فنجان دسته دارد.



cupcake

کیک فنجانی، کیک کوچک

A **cupcake** is a small tasty cake you bake in the oven. Some **cupcakes** are spread with sweet icing.

کیک فنجانی، کیک خوشمزه کوچکی است که در فر پخته می‌شود. روی بعضی از این کیک‌ها را با خامه یا مواد دیگر تزئین می‌نمایند.

curtain

پرده

A **curtain** is a long piece of fabric that covers a window.

پرده قطعه بلندی از پارچه است که پنجره‌ای را می‌پوشاند.



cut

بریدن

(cuts, cut, cutting)

You can use a sharp knife or scissors to **cut** something into pieces.

با استفاده از چاقو یا قیچی تیز می‌توانید اجسام را به قطعاتی ببرید.

cute

بانمک، قشنگ

(cuter, cutest)

If something looks **cute**, it is pretty.

اگر چیزی بانمک و قشنگ به نظر می‌رسد، زیبا است.



daisy

(daisies)

A **daisy** is a flower with a yellow center and white petals.

گل مینا، گل مروارید
گل مینا گلی است که وسط آن زرد بوده، گلبرگ‌های سفید رنگی دارد.



dam

سد

A **dam** is something placed across a river or lake to hold back the water.

سد بنایی است که در برابر آب رودخانه یا دریاچه می‌سازند تا آب را در پشت خود نگه دارد.

dandelion

گل قاصدک

A bright yellow flower, the **dandelion** grows in fields and on lawns.

قاصدک گلی به رنگ زرد روشن می‌باشد، گل قاصدک در دشت‌ها و چمن‌زارها رشد می‌کند.

danger

خطر

When there is **danger**, something bad could happen to you.

هنگامی که خطری وجود داشته باشد، چیزی بد ممکن است برایتان اتفاق بیفتد.

dark

(darker, darkest)

Dark means something isn't light. The night is **dark**.

تاریک یعنی چیزی روشن نیست.
شب تاریک است.

تاریک



daughter

دختر

My **daughter** is kind and beautiful.

دخترم مهربان و زیبا می‌باشد.

day

روز

1. **Day** is a time when it is light outside.

2. A **day** is 24 hours long-from one midnight to the next.

روز هنگامی است که بیرون روشن است. یک روز ۲۴ ساعت یعنی از یک نیمه شب تا نیمه شب دیگر طول می‌کشد.

dead

مرده

If a plant or animal is **dead**, it is not living anymore.

اگر گیاه یا حیوانی مرده باشد، دیگر زندگی نمی‌کند.

dear

1. You use the word **dear** when you begin writing a letter. 2. If something or somebody is **dear** to you, they are very important.

۱- عزیز. هنگام نوشتن در ابتدای نامه از این کلمه استفاده می‌کنید.
۲- با ارزش. وقتی که چیزی یا کسی برای شما با ارزش باشد، برایتان خیلی اهمیت دارد.

December

ماه دسامبر

December is the last month of the year.

December is in the winter.

دسامبر آخرین ماه سال میلادی است. دسامبر در فصل زمستان قرار دارد.

decide-dictionary

decide

تصمیم گرفتن

(decides, decided, deciding)

When you **decide**, you make up your mind about something.

هنگامی که تصمیم می گیرید، فکر خود را بر روی انجام چیزی متمرکز می کنید.

deep

عمیق، گود

(deeper, deepest)

Something that is deep goes a long way down.

چیزی که گود باشد، عمق زیادی دارد.

deer

گوزن

(deer)

A **deer** is a big forest animal with short brown fur and long legs for running fast. The male **deer** has big horns on its head called antlers.

گوزن حیوان جنگلی بزرگی است که موی کوتاه

قهوه ای و پاهای بلندی دارد که برای دویدن

سریع مناسب است. گوزن نر شاخ های

بزرگی بر روی سرش دارد.



desk

میز تحریر

A **desk** is a type of table with drawers where you can write or use your computer.

میز تحریر نوعی میز کشودار

است که می توانید روی آن

بنویسید یا از رایانه خود

استفاده کنید.



dessert

دسر

A **dessert** is a sweet treat, like cake or fruit, that you eat at the end of a meal.

دسر غذایی شیرین، مانند کیک یا میوه است که بعد از غذا صرف

می کنید.



diaper

پوشک بچه

A **diaper** is underwear for babies made out of cloth or a soft paperlike material.

پوشک بچه، زیرپوشی از جنس پارچه یا مواد نرم کاغذی است که به نوزادان می پوشانند.

diary

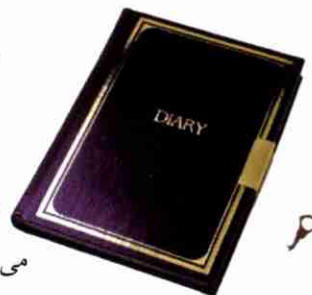
دفتر خاطرات

(diaries)

A **diary** is a blank book in which you write about what is happening to you.

دفتر خاطرات دفتر سفیدی است

که در آن درباره اتفاقات زندگی تان می نویسید.

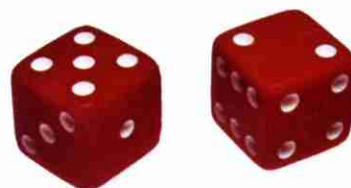


dice

تاس

Dice are little cubes with a different number of dots on each side. You roll **dice** when you play some board games.

تاس مکعب کوچکی است که در هر طرف آن نقطه هایی با شماره متفاوت وجود دارد. در برخی بازی های روی تخته، تاس را چرخانده می اندازید.



dictionary

فرهنگ لغت

(dictionaries)

A **dictionary** is a book that tells you what words mean and how to spell them.

فرهنگ لغت کتابی است که به شما می گوید معنی لغات چیست و چگونه آن ها را هجی کنید.



different

متفاوت

The girls have **different** color hair—one has black hair, the other has red.

این دخترها رنگ موهایشان با یکدیگر متفاوت است یکی از آنها موی سیاه و دیگری مویی قرمز رنگ دارد.

dig

کندن، حفر کردن

(digs, dug, digging)

If you **dig**, you make a hole in the ground by removing the dirt.

اگر جایی را بکنید، با برداشتن خاک در زمین سوراخی را ایجاد می‌کنید.

dim

دایم

A **dime** is a small, shiny, round metal coin.

A **dime** is worth ten cents.



دایم سکه کوچک فلزی گرد و براقی می‌باشد. یک دایم ده سنت ارزش دارد.

dine

غذا خوردن

(dines, dined, dining)

When you **dine**, you eat a meal.

هنگام غذا خوردن، خوراکی را میل می‌کنید.

dinner

شام

Many people eat their **dinner** at night.

بسیاری از مردم شب هنگام شام می‌خورند.

**dinosaur**

دایناسور

A **dinosaur** is an animal that lived a long, long time ago. Some **dinosaurs**, such as *Tyrannosaurus rex*, were giants.

دایناسور حیوانی است که در

زمان‌های خیلی خیلی پیش زندگی

می‌کرده است. بعضی از دایناسورها

مانند تیرانوسوروس رکس غول پیکر بوده‌اند.

**dip**

رنگ کردن، فرو کردن، غوطه ور کردن

(dips, dipped, dipping)

If you **dip** something, you place it in a liquid and then quickly pull it out.

اگر چیزی را غوطه ور کنید، آن را داخل مایعی می‌کنید و سپس به سرعت بیرون می‌آورید.

direction

جهت

A **direction** is the way a person is facing or pointing.

جهت راهی است که مقابل شخص قرار دارد یا به آن اشاره می‌کند.

dirt

گل و خاک، آلودگی

Dirt is mud or soil that makes something unclean.

آلودگی چیزی را کثیف می‌کند.

discover

کشف کردن

(discovers, discovered, discovering)

When you **discover** something, you are learning about it for the first time.

هنگامی که چیزی را کشف می‌کنید، برای اولین بار چیزی را درباره آن می‌آموزید.

dish

ظرف

(dishes)

A **dish** is something you put food on or in when you eat.

Plates and bowls are types of **dishes**.



ظرف چیزی است که هنگام غذا خوردن، غذای خود را بر روی آن یا داخل آن می‌ریزد. بشقاب و کاسه نوعی ظرف می‌باشند.

dive

شیرجه زدن

(dives, dived, diving)

When you **dive** into the water, you jump in with your arms and head first.

هنگام شیرجه زدن داخل آب، ابتدا با سر و بازوهای خود در آب می‌پرید.

divide-doorbell

divide

(divides, divided, dividing)

When you **divide** something, you make it into smaller parts.

هنگام تقسیم چیزی، آن را به بخش‌های کوچکتر تبدیل می‌کنید.

تقسیم کردن

do

(does, did, done, doing)

When you draw a card for Mommy, you **do** it all by yourself.

وقتی که می‌خواهی کارتی را برای مامان نقاشی کنی، آن را خودت به تنهایی انجام بده.

انجام دادن

doctor

A **doctor** is someone who helps sick people get better.

دکتر فردی است که به بیماران کمک می‌کند تا بهتر شوند.

دکتر



dog

A **dog** is a furry animal that barks. **Dogs** do Work, like guarding building or farm animals.

سگ حیوان پشمالویی است که پارس می‌کند. سگ‌ها کارهایی را مانند نگهبانی ساختمان‌ها یا حیوانات مزرعه انجام می‌دهند.

سگ



doll

A **doll** is a small toy that can look like a child or an adult.

عروسک اسباب بازی کوچکی است که می‌تواند شبیه بچه یا بزرگسال باشد.

عروسک



dollar

دلار

A kind of money, a **dollar** looks like a piece of green paper. One **dollar** is worth 100 cents, the same as 100 pennies or 4 quarters.

نوعی پول است، یک دلار مانند قطعه‌ای کاغذ سبز به نظر می‌رسد. یک دلار ۱۰۰ سنت، ۱۰۰ پنی یا ۴ کوارتر ارزش دارند.



dolphin

دلفین

A **dolphin** is a big, smart animal that lives in the ocean. A **dolphin** is not a fish. A **dolphin** blows air through a hole in its back.

یک دلفین حیوان بزرگ و باهوشی است که در اقیانوس زندگی می‌کند. یک دلفین ماهی نیست. دلفین هوا را از طریق سوراخی در پشتش بیرون می‌فرستد.

donkey

خر

A **donkey** is an animal that looks like a small horse with long ears.

خر حیوانی شبیه اسبی کوچک است که گوش‌های درازی دارد.

door

در

You open a **door** when you need to go into a room or building, and you close the **door** behind you when you leave.

هنگامی که نیاز دارید وارد اتاق یا ساختمانی شوید در را باز می‌کنید و هنگام ترک آن محل در را می‌بندید.



doorbell

زنگ در

You push the button on a **doorbell**, and it rings to let people inside the building know you want to come in.

دگمه زنگ در را فشار می‌دهید و زنگ به صدا در می‌آید تا افراد داخل ساختمان بدانند که می‌خواهید وارد شوید.



dot

نقطه

How many **dots** are there on your die?

چند نقطه روی تاس تو وجود دارد؟

doubt

شک داشتن

(doubts, doubted, doubting)

If you **doubt** something, you are not sure about it, or you question it. *You might **doubt** that you can swim all the way across the pool.*

هنگامی که به چیزی شک دارید، درباره آن مطمئن نیستید و یا آن را مورد سؤال قرار می دهید.

شاید شک داشته باشید که بتوانید تمام عرض استخر را شنا کنید.

doughnut

پیراشکی، دونات

A **doughnut** is a round, sweet cake with a hole in the middle.

پیراشکی کیک شیرین و گردی است که در وسط آن سوراخی وجود دارد.

**down**

پایین

The ball rolled **down** the hill.

توپ از بالای تپه به پایین غلطید.

dozen

دوجین

A **dozen** is a group of 12 things, like a **dozen** eggs in a box.

دوجین گروهی از ۱۲ چیز مانند دوجین تخم مرغ داخل یک جعبه می باشد.

**dragon**

اژدها

A **dragon** is a huge make-believe monster with scales, wings, a long tail, and fiery breath.

Dragons appear in many stories.

اژدها هیولای تخیلی عظیمی است که پوستی پولک دار، بال، دم بلند و نفسی آتشی دارد. اژدها در بسیاری از داستانها پدیدار می شود.

draw

کشیدن

(draws, drew, drawing)

When you **draw**, you make a picture with a pencil, a pen, or crayons.

هنگام ترسیم با کمک مداد، خودکار یا مداد شمعی تصویری را به وجود می آورید.

drawing

نقاشی - ترسیم

A **drawing** is a picture you make with a pencil, a pen, or crayons.

نقاشی تصویری است که با کمک مداد، خودکار یا مداد شمعی ایجاد می کنید.

**dream**

خواب دیدن

(dreams, dreamed, dreaming)

When you **dream**, pictures and thoughts go through your mind.

هنگامی که خواب می بینید، تصاویر یا افکاری به ذهنتان خطور می کنند.

dress

(dresses, dressed, dressing)

1. When you **dress**, you put your clothes on.
2. a **dress** is a skirt and top sewn together for girls to wear.

۱- پوشیدن. هنگامی که لباس هایتان را به تن می کنید، آن ها را می پوشید.

۲- ماکسی بلوز و دامن بهم دوخته ای است که دخترها آن را می پوشند.

dresser

کشوی لباس

A **dresser** is a piece of furniture with many drawers to hold clothes.

جزء لوازم خانه است که دارای کشوهای بسیاری است و لباس ها را در خود جای می دهد.



drill- during

drill

مته

A **drill** is a tool with a sharp point that makes small holes in metal or wood by turning that point.

مته وسیله‌ای نوک تیز است که با چرخاندن نوک تیز آن می‌توان سوراخ‌های کوچکی را در فلزات یا چوب ایجاد کرد.



drink

(drinks, drank, drinking)

1. When you pour a liquid, like juice, into your mouth and swallow it, you are **drinking**.
2. A **drink** is a liquid, such as water, that you swallow when you are thirsty.

۱- نوشیدن. هنگامی که مایعی مانند آب میوه، وارد دهانتان می‌کنید و آن را قورت می‌دهید آن را می‌نوشید.
۲- نوشیدنی. نوشیدنی مایعی نظیر آب می‌باشد که هنگام تشنگی آن را می‌نوشید.

drive

(drives, drove, driven, driving)

1. When you ride in a car or bus, you are going for a **drive**.
2. When you **drive** a car or bus, you make it move along the road.

۱- سواری. هنگامی که داخل ماشین یا اتوبوس نشسته‌اید سواری می‌کنید.
۲- رانندگی کردن. هنگام رانندگی با ماشین یا اتوبوس، آن را در امتداد جاده می‌رانید.

drop

(drops, dropped, dropping)

1. If you **drop** something, you let it fall.
2. A **drop** is a very small amount of liquid, like a **drop** of rain.

۱- انداختن. اگر چیزی را می‌اندازید، اجازه می‌دهید که آن بیفتد.
۲- قطره. قطره، مقدار بسیار کمی از مایع مانند قطره‌ای از باران است.

drum

طبل

A **drum** is a round, hollow musical instrument that you can tap with sticks or your hands.



طبل نوعی وسیله موسیقی گرد و توخالی است که می‌توانید آن را با کمک چوب یا با دستتان بنوازید.

dry

(dries, dried, drying, drier, driest)

1. When you **dry** something, like rubbing it with a towel, you take the water off of it.
2. Something that is **dry** is not wet.

۱- خشک کردن. وقتی چیزی را خشک می‌کنید، مانند خشک کردن آن با حوله، آب را از آن جسم خارج می‌نمایید.
۲- خشک. چیزی که خشک است، تر نیست.

duck

اردک

A **duck** is a bird that swims in the water with its webbed feet and flies in the air with its wings. A **duck** makes a quacking sound.

اردک پرندۀ‌ای است که با کمک پاهاى پره‌دار خود در آب شنا می‌کند و با پرهایش در هوا پرواز می‌نماید. اردک صدایی مانند کوآک کوآک ایجاد می‌کند.



duckling

بچه اردک

A **duckling** is a baby duck. Ducklings have soft fluffy feathers and walk and swim in line behind their mother.

جوجه اردک، بچه اردک است. جوجه اردک‌ها پرهای کرک‌دار نرمی دارند و پشت سر مادرشان صف بسته راه می‌روند و شنا می‌کنند.

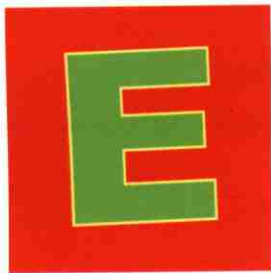


during

در طی. حین

The children listened **during** the story.

بچه‌ها حین گفتن داستان به آن گوش می‌دادند.



each

هر، هریک، هر کدام. یعنی همه چیز یا همه افراد.

The father gave **each** one of his children a cupcake for a snack.

پدر به عنوان میان وعده به هر یک از بچه‌های خود یک کیک کوچک داد.

eagle

عقاب

An **eagle** is a large bird with a sharp curved beak and long wings. An **eagle** catches other birds.

عقاب پرنده‌ای بزرگ با منقاری خمیده و تیز و بال‌های بلند است. عقاب، پرنده‌گان دیگر را شکار می‌کند.



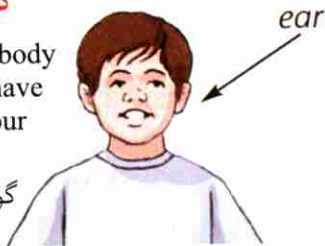
ear

گوش

An **ear** is the part of your body that you use to hear. You have one **ear** on each side of your head.

گوش بخشی از بدن شماست که با کمک آن می‌شنوید.

در طرفین سر شما گوش‌هایتان قرار دارند.



early

زود

(earlier, earliest)

Early means before something starts. If you arrive **early**, you get somewhere sooner than you expected.

زود یعنی قبل از این که چیزی شروع بشود. اگر زود به جایی برسید، از آن زمانی که انتظار داشته‌اید، زودتر رسیده‌اید.

earth

1. We live on the planet **Earth**, which includes all of the oceans and land. 2. You can plant things in the **earth**, or ground.

۱- زمین. مادر کره زمین زندگی می‌کنیم که شامل همه اقیانوس‌ها و خشکی‌ها است.

۲- خاک. شما می‌توانید در خاک یا در زمین



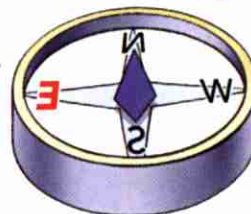
چیزی بکارید.

east

شرق

The direction in which the sun comes up in the morning is **east**.

جهتی که خورشید صبح‌ها از آن بیرون می‌آید، شرق است.



Easter

عید پاک

Easter is a special Christian holiday that occurs in the spring. Children enjoy hunting for colored **Easter** eggs during the **Easter** holiday.

عید پاک تعطیلی ویژه مسیحیان است که در فصل بهار قرار دارد. بچه‌ها عاشق شکار تخم‌مرغ‌های رنگی (پنهان شده) در این تعطیلات هستند.

easy

آسان

(easier, easiest)

If something is **easy**, it is not very hard for someone to do. اگر چیزی آسان است، انجام آن برای کسی سخت نیست.

eat

خوردن

(eat, ate, eaten, eating)

When you **eat**, you place food in your mouth, chew it, and then swallow it.

هنگام غذا خوردن، آن را وارد دهان خود می‌کنید، می‌جوید و سپس می‌بلعید.



edge

لبه، انتهای چیزی

The doll sits on the **edge** of the chair.

عروسک بر روی لبه صندلی نشسته است.

egg-envelope

egg

An **egg** is a smoth round object that may have a baby bird, fish, reptile, or insect growing inside of it. Chickens lay **eggs** with a hard shell. Some people cook and eat **eggs**.

تخم، تخم مرغ و صافی است که ممکن است بچه پرند، ماهی، خزنده یا حشره در داخل آن در حال رشد باشد. مرغ‌ها تخم‌هایی با پوسته سفت و محکم می‌گذارند. بعضی از افراد تخم مرغ را می‌پزند و می‌خورند.

eight

Eight is a number that is one more than seven.

هشت عددی است که از هفت یکی بیشتر است.

هشت

8

eighteen

Eighteen is a number that is one more than seventeen. $17+1=18$.

هجده عددی است که از هفده یکی بیشتر است. $17+1=18$

هجده

18

eighty

Eighty is eight groups of 10.

$8 \times 10 = 80$.

هشتاد، هشت گروه ۱۰ تایی است.

$8 \times 10 = 80$

هشتاد

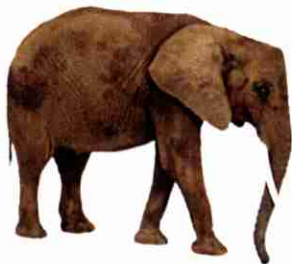
80

elephant

An **elephant** is the largest land animal. An **elephant** is gray with a long nose called a trunk and two huge ears.

فیل بزرگترین حیوان خشکی است. فیل خاکستری رنگ است و دو گوش بزرگ و بینی درازی دارد که خرطوم نامیده می‌شود.

فیل



eleven

Eleven is a number that is one more than ten.

یازده عددی است که از ده یکی بیشتر است.

یازده

11

empty

(emptier, emptiest)

When something is **empty**, it has nothing inside.

وقتی چیزی خالی باشد، چیزی داخلش نیست.

خالی

end

The last part of something is the **end**. You are finished listening to the CD now that you are at the **end**.

آخرین قسمت چیزی پایان آن است. حالا که سی دی به پایان رسیده است دیگر به آن گوش نمی‌دهید.

پایان

English

English is the main language spoken in the United States, Canada, England, and some other countries.

انگلیسی زبان اصلی ایالت متحده آمریکا، کانادا، انگلستان و بعضی از کشورهای دیگر است.

انگلیسی

enough

If you have **enough** of something, you have as much as you need.

اگر چیزی را به اندازه کافی داشته باشید، به اندازه نیاز خود آن را دارید. You have had **enough** to eat.

به اندازه‌ی کافی خورده‌اید.

کافی

enter

(enters, entered, entering)

You go into a place when you **enter** it.

هنگام وارد شدن به مکانی داخل آن می‌شوید.

وارد شدن

envelope

An **envelope** is a folded paper cover for a letter that you glue shut. On the front of an **envelope**, you place a stamp and write the address.

پاکت پوشش کاغذی تا شده‌ای است که نامه را داخل آن قرار می‌دهید و آن را با چسب می‌بندید. روی پاکت تمبر می‌زنید و نشانی را می‌نویسید.

پاکت



erase

پاک کردن

(erases, erased, erasing)

When you **erase** something, you wipe it out so it can no longer be seen.

وقتی که چیزی را پاک می کنید، آن را طوری تمیز می کنید که دیگر چیزی دیده نشود.

eraser

پاک کن

When you rub with an **eraser**, it wipes away pencil marks from paper. Some pencils have a small **eraser** on the end.

وقتی که با پاک کن پاک می کنید، آثار مداد را از روی کاغذ پاک می کنید. بعضی از مدادها در انتهای خود پاک کن کوچکی دارند.

escape

فرار کردن

(escapes, escaped, escaping)

When you **escape**, you get away from something.

هنگام فرار کردن از چیزی از آن دور می شوید.

even2
4
6

1. An **even** number is one that you can divide by two. The opposite of an **even** number (2, 4 ...) is an odd number (3, 5 ...). 2. If something is flat or level, like a floor, it is **even**.

۱ - عدد زوج عددی است که بر دو تقسیم می شود. متضاد عدد زوج (۲، ۴) عدد فرد (۳، ۵ ...) است.

۲ - صاف. اگر چیزی مانند کف زمین هموار یا مسطح باشد، صاف است.

evening

عصر

Evening is the part of day between afternoon and night. The sun goes down in the **evening**.

عصر بخشی از روز بین بعد از ظهر و شب می باشد. در عصرها خورشید غروب می کند.

ever

همیشه، هرگز

At the end of the story, the man and woman lived happily **ever** after.

در پایان داستان، مرد و زن برای همیشه شاد و خوشبخت زندگی کردند.

every

تمام، هر

You must pick up **every** toy from the floor.

باید تمام اسباب بازی ها را از زمین جمع کنی.

except

به جز

Everyone **except** the baby, who is too young, went to the movies.

همه به جز نوزاد، که بسیار کوچک است، به سینما رفتند.

exercise

(exercises, exercised, exercising)

1. When you **exercise**, you do an activity to improve your body.

We **exercise** our legs by running.

2. An **exercise** is a small bit of work you do to help you learn something.

۱ - ورزش کردن. هنگام ورزش کردن،

فعالیتی را انجام می دهید تا بدن خود را

قوی کنید.

۲ - تمرین. تمرین فعالیتی است که کمک می کند چیزی را یاد بگیرید.

**extra**

زیادی، اضافه

Would you like to eat an **extra** scoop of ice cream?

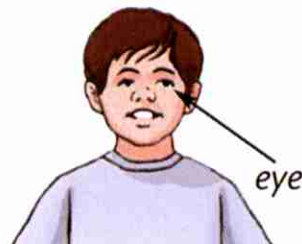
آیا مقداری بستنی اضافه میل دارید؟

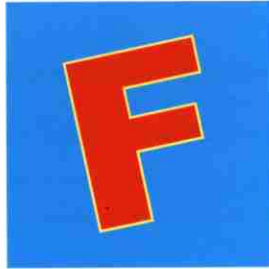
eye

چشم

Your **eye** is the part of your face you use to see.

چشم بخشی از صورتان است که با کمک آن می بینید.

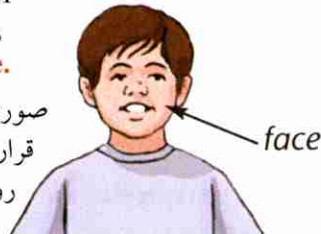




face

Your face is the front part of your head. Your eyes, nose, and mouth are on your **face**.

صورت شما در قسمت جلوی سرتان قرار دارد. چشم، بینی و دهان شما روی صورتتان قرار دارند.



صورت

fair

(fairer, fairest)

1. If you are honest and follow the rules, you are playing **fair**. 2. The baby's skin is **fair** because he has not been out in the sun.

3. A **fair** is a special place where you have fun on big rides, play games for prizes, and see farm foods and animals.

۱- منصف، شرافتمندانه. اگر در کاری صادق باشید و از قوانین پیروی کنید آدم شرافتمندی هستید.

۲- سفید، روشن.

پوست نوزاد سفید است، زیرا او در زیر آفتاب نبوده است.
۳- نمایشگاه. نمایشگاه مکان ویژه و سرگرم کننده‌ای برای شما است، در آنجا سوار چرخ و فلک‌های بزرگ شده، بازی‌هایی همراه با جایزه انجام می‌دهید و حیوانات و محصولات مزرعه را می‌بینید.

falcon

باز، قوش

A **falcon** is a bird with powerful wings, good eyes, and a pointed beak. A **falcon** is a good hunter.

باز پرنده‌ای با بال‌های قوی است که چشمانی تیزبین و منقاری تیز دارد. باز شکارچی ماهری است.



fall

(falls, fell, fallen, falling)

1. If something **falls**, it suddenly goes down toward the ground. 2. **Fall** is the season of the year between summer and winter.

۱- افتادن. اگر چیزی بیفتد، ناگهان به طرف زمین حرکت می‌کند.
۲- پاییز. پاییز فصلی از سال است که بین تابستان و زمستان قرار دارد.



family

(families)

A **family** is a group of related people, such as children, parents, and grandparents.

خانواده، گروهی خویشاوند نظیر بچه‌ها، پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ می‌باشند.

خانواده

fan

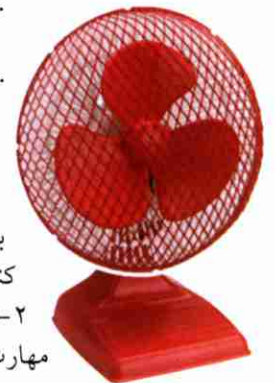
1. A **fan** is an object that moves or blows air around to make you feel cool.

2. A **fan** is a person who admires someone else's skills. *The fans cheer when a player catches the ball.*

۱- پنکه. پنکه وسیله‌ای است که هوا را به جریان می‌اندازد تا شما احساس خنکی کنید.

۲- طرفدار. طرفدار کسی است که مهارت‌های شخصی دیگر را می‌پسندد و دوست دارد.

هنگامی که بازیکنی توپ را می‌گیرد طرفدارانش او را تشویق می‌کنند.



far

(farther, farthest)

The moon is **far** away from Earth.

ماه بسیار دور از زمین واقع شده است.

دور

farm

مزرعه

A **farm** is a piece of land where a farmer grows food and raises animals.

مزرعه، قطعه زمینی است که کشاورز در آن محصولات خود را می‌کارد و حیوانات را پرورش می‌دهد.

farmer

کشاورز

A **farmer** is a person who works on a farm taking care of the animals and the crops.

کشاورز، شخصی است که در مزرعه کار می‌کند و از حیوانات و محصولات مراقبت می‌نماید.



fast

سریع، به سرعت

(faster, fastest)

You are a fast runner.

تو دوندۀ سریعی هستی.

fat

چاق

(fatter, fattest)

A **fat** animal or person has a big round body.

حیوان یا انسان چاق بدن گرد و بزرگی دارد.

father

پدر

My father is a farmer.

پدرم کشاورز است.

fear

ترس

You have a **fear** of getting burned if you touch the hot oven.

می‌ترسید که اگر به اجاق گاز (فر) داغ است دست بزنید، دستتان بسوزد.

feather

پر

Birds have **feathers** to cover their skin. **Feathers** are soft and very light.

پوست پرندگان با پر پوشیده است. پرها نرم و بسیار سبک وزن هستند.



February

ماه فوریه

February is a winter month and the second month of the year. Valentine's Day is in **February**.

فوریه دومین ماه سال است و در فصل زمستان قرار دارد. روز والتاین در ماه فوریه است.

feed

غذا دادن

(feeds, fed, feeding)

He **feeds** his dog.

او به سگش غذا می‌دهد.



feel

(feels, felt, feeling)

۱- لمس کردن.

۲- احساس کردن. مانند احساس غم یا مریضی.

The little girl **feels** happy because her daddy gave her balloons.

دختر کوچک احساس شادی می‌کند، زیرا پدرش به او بادکنک داده است.

feet

My **feet** hurts.

پاهایم درد می‌کند.

۱- پاها.

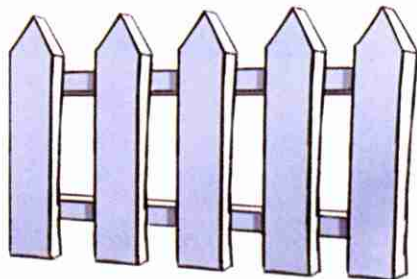
۲- واحد اندازه‌گیری طول یک پا ۳۰/۸۴ سانتی‌متر است.



fence-finger

fence

A **fence** is a kind of outside wall made of wood or metal. A **fence** around a farm keeps the animals in.
حصار نوعی دیوار از چوب یا فلز است که خارج از خانه قرار دارد.
حصار دور مزرعه، حیوانات را در داخل خود نگه می‌دارد.



حصار

few

(fewer, fewest)

Only a **few** caterpillars turned into butterflies.
فقط تعداد کمی از لاروها به پروانه تبدیل شدند.

کم، چند تایی

fib

(fibs, fibbed, fibbing)

When someone **fibs**, he is saying a little lie or untruth.

هنگامی که کسی چاخان می‌کند، او دروغی کوچک یا چیزی غیر واقعی را بیان می‌کند.

چاخان کردن

fifteen

Fifteen is a number that is one more than fourteen.

$$10+5=15.$$

پانزده، عددی است که از چهارده یکی بیشتر است. $10+5=15$

پانزده

15

fifth

The black dog is the **fifth** one in the line.

سگ سیاه پنجمین سگ در داخل صف است.

پنجمین

fifty

Fifty is a number that means five groups of ten.

$$10+10+10+10+10=50.$$

پنجاه، عددی است که به معنای ده گروه پنج تایی است.

$$10+10+10+10+10=50$$

50

پنجاه

fight

(fights, fought, fighting)

When people or animals **fight**, they try to hurt one another.

هنگامی که حیوانات یا انسان‌ها با یکدیگر جنگ می‌کنند، سعی دارند به هم صدمه بزنند.

When the boys **fight**, they hit each other with their hands.

وقتی که پسرها با هم دعوا می‌کنند، با دست به یکدیگر ضربه می‌زنند.

جنگ کردن، دعوا کردن

fill

(fills, filled, filling)

Your sister **fills**

her glass right up to the top with orange juice.

خواهرت درست تا بالای لیوانش را از

آب پرتقال پر می‌کند.

پر کردن



find

(finds, found, finding)

The baby **finds** his toy under the chair.

نوزاد اسباب بازی‌اش را زیر صندلی پیدا می‌کند.

پیدا کردن

fine

خوب، زیبا

You look **fine** in your pretty new party dress.

در این لباس مهمانی جدید و قشنگ، زیبا به نظر می‌رسی.

finger

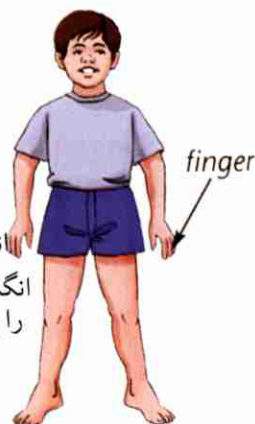
انگشت (دست)

Your **fingers** are the five long, thin parts at the end of your hand. Your **fingers** bend so you can pick up things. Your thumb is one of your **fingers**.

پنج انگشت باریک و بلند در

انتهای دستان وجود دارند.

انگشتان خم می‌شوند تا بتوانید اجسام را بردارید.



finish

به پایان رسیدن، تمام کردن

(finishes, finished, finishing)

When daddy **finishes** reading his book, he closes it.

هنگامی که پدر خواندن کتاب خود را تمام می کند، کتاب را می بندد.

fire

آتش

Fire is the hot, bright light that happens when something burns. A **fire** keeps you warm.

آتش نور روشن و داغی است که وقتی چیزی می سوزد ایجاد می شود. آتش شما را گرم نگه می دارد.

firefighter

مأمور آتش نشانی

A **firefighter** is a person who puts out a fire with water from a hose. **Firefighters** wear heavy boots and helmets so they don't get burned.

مأمور آتش نشانی کسی است که به کمک آب و شلنگ، آتش را خاموش می کند. مأموران آتش نشانی چکمه های سنگین و کلاه ایمنی استفاده می کنند تا نسوزند.

**fire truck**

ماشین آتش نشانی

Firefighters ride to put out a fire on a **fire truck**.

Fire trucks carry hoses and ladders.

مأموران آتش نشانی سوار ماشین آتش نشانی می شوند تا آتش را خاموش کنند. ماشین های آتش نشانی با خود شلنگ و نردبان حمل می کنند.

first

1. When you win a race, you come in **first**.

2. The **first** book is mine.

۱- اول. هنگامی که مسابقه ای را می برید، نفر اول می شوید.

۲- اولین کتاب مال من است

fish

(fishes, fished, fishing)

1. When you **fish**, you use a net or fishing pole to catch the **fish**. 2. A **fish** is an animal with scales that lives under water. A **fish** uses its fins and tail to swim.

۱- ماهی گیری کردن. هنگام ماهی گیری از تور یا قلاب برای گرفتن ماهی استفاده می نمایید.

۲- ماهی. ماهی حیوانی است که بر روی پوستش پولک دارد و زیر آب زندگی می کند. ماهی از باله ها و دمش برای شنا استفاده می نماید.

**fishing pole**

قلاب ماهی گیری

A **fishing pole** is a long stick with a string and a hook used to catch fish.

قلاب ماهی گیری چوب بلندی دارای نخ و قلابی است که با آن ماهی می گیرند.

**fit**

(fits, fit, fitting)

۱- اندازه بودن.

Cinderella's shoe **fit** her foot perfectly.

کفش سیندرلا کاملاً اندازه پایش بود.

۲- خوش اندام، سالم.

Mommy exercises to stay **fit**.

ممان ورزش می کند تا سالم باشد.

five

پنج

Five is a number that is one more than four.

پنج عددی است که از چهار یکی بیشتر است.

5

fix

تعمیر کردن

(fixes, fixed, fixing)

When you **fix** something, you put it back together again.

هنگامی که چیزی را تعمیر می کنید، آن را به شکل اولیه خود برمی گردانید.

flag-folder

flag

پرچم

A **flag** is a piece of cloth you hang up with colored shapes or letters on it. Every country has its own **flag**.

پرچم قطعه پارچه‌ای است دارای شکل‌های رنگی یا حروف که آویخته می‌شود. هر کشور پرچم خاص خود را دارد.

flashlight

چراغ قوه

A **flashlight** is a small lamp you can hold in your hand to light up dark places.

چراغ قوه چراغ کوچکی است که آن را در دست خود می‌گیرید و با آن مکان‌های تاریک را روشن می‌کنید.



flipper

کفش غواصی

Flippers are wide, flat shoes that can help you swim faster. A duck's webbed feet are **flippers**.

کفش غواصی کفش پهن و صافی است که می‌توانند به شما کمک کند سریع‌تر شنا کنید.



float

(floats, floated, floating)

1. When something stays on top of the water, it **floats**.

The balloon floats toward the tall trees.

A toy boat **floats** in the bathtub.

۱- شناور شدن. هنگامی که چیزی بر روی آب می‌ماند، شناور می‌شود.

قایق اسباب بازی در وان حمام شناور می‌شود.

۲- در آب یا هوا حرکت کردن
بالن به طرف درختان بلند در حرکت است.

floor

کف اتاق

The **floor** is the bottom part of a room.

You walk on the **floor**.

کف اتاق قسمت پایین اتاق است. شما روی کف اتاق راه می‌روید.

flower

گل

The **flower** is the part of a plant that has colored petals and smells good.

گل بخشی از یک گیاه است که گلبرگ‌های رنگی دارد و بوی خوبی می‌دهد.



flute

فلوت

A **flute** is a musical instrument that works like a whistle. You blow air into the **flute** and use the keys and finger holes to change sounds.

فلوت نوعی وسیله موسیقی است که مانند سوت کار می‌کند. در فلوت فوت می‌کنید و از سوراخ‌ها و کلیدهایی که بر رویش قرار دارد برای تغییر صدای آن استفاده می‌کنید.



fly

(flies, flew, flown, flying)

1. When something **flies**, it moves through the air.

A bird **flies** from tree to tree. 2. A **fly** is a small insect with wings that makes a buzzing sound.

۱- پرواز کردن. وقتی که چیزی پرواز می‌کند، در هوا حرکت می‌نماید.
پرنده از درختی به درخت دیگری پرواز می‌کند.

۲- مگس. مگس حشره کوچکی است که بال دارد و صدای ویزويز ایجاد می‌کند.

fold

تا کردن

(folds, folded, folding)

After you **fold** the shirts, you put them in the basket.

بعد از این که پیراهن‌ها را تا کردی، آن‌ها را داخل سبد بگذاری.

folder

پوشه

A cardboard **folder** holds important papers from school or work.

پوشه مقوایی مدارک مهم مدرسه یا کار را نگهداری می‌کند.



follow

(follows, following, followed)

When you **follow** someone or something, you are moving along right behind that person or thing.

هنگامی که کسی یا چیزی را دنبال می کنید درست پشت آن فرد یا چیز حرکت می کنید.

دنبال کردن

food

Food is all of the things that plants, animals, and people eat to stay healthy.

غذا همه چیزهایی است که گیاهان، حیوانات و انسانها می خورند تا سالم بمانند.

غذا

foot

(feet)

My mother's **foot** aches.

پای مادرم درد می کند.

**football**

فوتبال آمریکایی

1. A **football** is a ball that is round in the middle and pointed at the ends.

۱- توپی است که وسط آن گرد است و دو طرف آن کشیده می باشد.
۲- در بازی فوتبال آمریکایی دو تیم مقابل هم قرار می گیرند، توپ را پرتاب یا دریافت می کنند و با پا به آن می زنند و امتیاز می گیرند.

**footprint**

A **footprint** is the mark a foot leaves in the ground.

ردپا علامتی است که پا بر روی زمین بر جای می گذارد.



ردپا

for

برای

My sister made the birthday cake **for** you.

خواهرم برای تو کیک تولد پخت.

forest

جنگل

A **forest** is a place where many trees grow together.

جنگل جایی است که درختان بسیاری کنار هم رشد می کنند.

forget

(forgets, forgot, forgotten, forgetting)

If you **forget** something, you do not remember it.

I **forgot** to return my library book.

He **forgot** the name of that person.

فراموش کردن. اگر چیزی را فراموش کنید، آن را به خاطر نمی آورید.

فراموش کردم کتاب کتابخانه ام را برگردانم.

او نام آن شخص را فراموش کرد.

fork

چنگال

A **fork** is a tool with a handle and several sharp points at the end. You use a **fork** to pick up food and eat.

چنگال وسیله ای است که دسته و چند نوک تیز در انتهای خود دارد. از چنگال برای برداشتن و خوردن غذا استفاده می کنید.

**forty**

چهل

Forty is a number that is four groups of ten.

$10 + 10 + 10 + 10 = 40$.

چهل، چهار گروه ده تایی است.

$10 + 10 + 10 + 10 = 40$

40

four-from

four

Four is a number that is one more than three.

A horse has **four** legs.

چهار عددی است که از سه یکی بیشتر است.
اسب چهار پا دارد.



چهار

fourteen

Fourteen is a number that is one less than fifteen.

چهارده عددی است که از پانزده یکی کمتر

است.



چهارده

fourth

The chocolate scoop is the **fourth** one in the cone.

چهارمین تکه روی قیف بستنی شکلاتی بود.

چهارمین

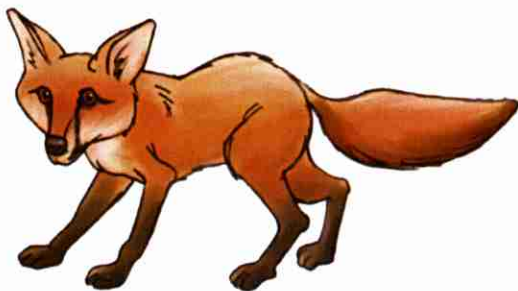
fox

(foxes)

A **fox** is a wild, furry animal that has pointy ears and a long, bushy tail. A **fox** is smaller than most dogs.

روباه حیوانی پشمالود و وحشی است که گوش‌های کشیده و نوک تیز و دم بلند پشمالود و درازی دارد. روباه از بیشتر سگ‌ها کوچکتر است.

روباه



frame

A **frame** is a border around a picture.

قاب حاشیه و کناره دور تصویر است.

قاب



freckle

کک مک

A **freckle** is a small brown spot on your skin.

کک مک نقطه قهوه‌ای کوچکی بر روی پوست شما است.

free

(freer, freest)

1. If something is **free**, you do not pay for it.
2. When something is **free** or loose, it can go anywhere.

۱- مجانی. اگر چیزی مجانی است، برای آن پول پرداخت نمی‌کنید.
۲- آزاد. هنگامی که چیزی که آزاد یا رها باشد، می‌تواند هر جایی برود.

French

فرانسوی

French is a language that is spoken in France, Canada, and other countries.

فرانسوی زبانی است که در کشور فرانسه، کانادا و دیگر کشورها صحبت می‌شود.

Friday

جمعه

Friday is the day of the week that comes after Thursday.

جمعه یکی از روزهای هفته است که بعد از پنجشنبه می‌آید.

friend

دوست

A **friend** is a person who you know very well and like a great deal.

دوست کسی است که او را بسیار خوب می‌شناسید و زیاد دوستش دارید.

frog

قورباغه

A **frog** is a small animal that leaps on land and swims in the water with its strong back legs. **Frogs** eat flies.

قورباغه حیوان کوچکی است که بر روی خشکی می‌جهد و در آب با پاهای قوی عقب خود شنا می‌کند. قورباغه‌ها مگس‌ها را می‌خورند.



from

از. آغاز چیزی را نشان می‌دهد.

The girl is coming **from** school to home.

آن دختر از مدرسه به خانه برمی‌گردد.

front

رو، جلو

The part that comes first or you see first is the **front**. The **front** of a book is the cover.

بخشی است که اول می‌آید و ابتدا آن را می‌بینید، روی کتاب جلد آن قرار دارد.

frown

اخم کردن

(frowns, frowned, frowning)

When you **frown**, your face wrinkles to show you are mad or sad.

هنگامی که اخم می‌کنید، صورتتان چین می‌خورد تا نشان دهد عصبانی یا ناراحت هستید.

**fruit**

میوه

The **fruit** is the part of the plant that has seeds in it. We like to eat **fruits**, such as apples and oranges.

میوه بخشی از گیاه است که دانه داخل آن است. ما خوردن میوه‌ها نظیر سیب یا پرتقال را دوست داریم.

**fry**

سرخ کردن

(fries, fried, frying)

When you **fry** foods, you cook them in oil in a pan on the stove.

وقتی که غذا را سرخ می‌کنید، آن را داخل ماهی تابه با روغن روی اجاق می‌پزید.

full

پر

(fuller, fullest)

If something is **full**, it cannot hold any more.

*I cannot eat more pizza because my tummy is **full**.*

اگر چیزی پر باشد چیز دیگری در آن جا نمی‌شود. نمی‌توانم پیتزای بیشتری بخورم زیرا شکمم پر شده است.

fun

تفریح

When you are having **fun**, you are having a good time and enjoying yourself.

هنگام تفریح، اوقات خوبی دارید و خوش می‌گذرانید.

funny

(funnier, funniest)

۱- خنده دار. چیزی که باعث خنده شما می‌شود.

۲- عجیب. عجیب و غریب.

The alarm clock makes a very **funny** sound.

ساعت زنگ‌دار صدای عجیبی در می‌آورد.

fur

خز، پشم

Fur is soft, thick hair that covers many animals, such as dogs, bears, and lions.

خز یا موی حیوانات، موی نرم و پرپشتی است که بدن بسیاری از حیوانات نظیر سگ، خرس و شیر را می‌پوشاند.

furniture

اسباب خانه

Furniture is something that people use in their homes to sit on, eat on, sleep on, and work on. Chairs, tables, beds, and desks are types of **furniture**.

اسباب خانه چیزی است که مردم در خانه از آن برای نشستن، خوردن، خوابیدن و کار کردن استفاده می‌کنند. صندلی، میز، تختخواب و میز تحریر انواع مبلمان خانه هستند.

**furry**

پشمالو

(furrier, furriest)

Something that is **furry** is all covered with a thick, soft coat of hair. Kittens and bunnies are **furry**.

چیزی که پشمالو است پوششی نرم و پرپشت از مو دارد. بچه گربه‌ها و خرگوش‌ها پشمالو هستند.





game

A **game** is something with rules that you play for fun. Basketball and chess are **games**.

بازی چیز قانون‌مندی است برای تفریح و سرگرمی انجام می‌دهید. بسکتبال و شطرنج بازی هستند.



garage

A **garage** is a place where cars get fixed and gas is sometimes sold. A **garage** can also be a part of a building or house where cars are kept.

گاراژ مکانی است که ماشین‌ها در آن تعمیر می‌شوند و بعضی اوقات در این مکان بنزین فروخته می‌شود. گاراژ همچنین می‌تواند بخشی از خانه یا ساختمان باشد که ماشین‌ها در آن نگهداری می‌شوند.

garbage

Garbage is all the things you throw away. People put **garbage** in large bags or cans, but it may still get smelly.

زباله تمام چیزهایی است که بیرون می‌ریزید. مردم زباله‌های خود را داخل کیسه‌ها یا قوطی‌های بزرگی می‌گذارند،

ولی با وجود این ممکن است بوی بدی بدهند.



garden

A **garden** is a piece of land near your home where you grow flowers and vegetables.

باغچه قطعه‌ای زمین در محوطه شما است که در آن گل و سبزیجات می‌کارید.



garlic

Garlic is a plant that grows in bulbs. People like to cook with strong-smelling **garlic**.

سیر گیاهی است که از به صورت غده رشد می‌کند. سیر بوی تند دارد و مردم دوست دارند که غذای خود را با آن بپزند.



gas

(gases)

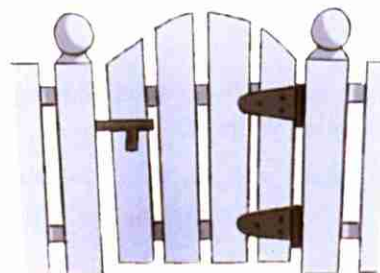
People go to the gas station to put **gas** in their cars and trucks. Liquid **gas** burns inside the car's engine to make it go.

مردم به پمپ بنزین می‌روند تا ماشین‌ها یا کامیون‌های خود را از بنزین پر کنند. بنزین مایع داخل موتور ماشین می‌سوزد و ماشین را به حرکت در می‌آورد.

gate

A **gate** is like a door in a fence or a wall. When the **gate** is open, you can drive the tractor to the barn.

دروازه چیزی شبیه در خانه، در میان حصار یا دیوار است. هنگامی که در باز است، می‌توانید تراکتور را داخل انبار ببرید.



باغچه

سیر

بنزین

در، دروازه، در باغ

زباله

gerbil

موش صحرایی

A small furry animal, a **gerbil** has long back legs and a thin tail. Some **gerbils** are pets.

حیوان پشمالود کوچکی است که پاهای عقبی بلند و دم نازکی دارد. بعضی از موش های صحرایی به عنوان حیوان خانگی نگهداری می شوند.



giraffe

زرافه

A **giraffe** is a wild African animal with a very long neck, long legs, and brown spots.

Giraffes eat leaves from tall trees.

زرافه نوعی حیوان وحشی آفریقایی است که گردن و پاهای بلند و لکه های قهوه ای رنگی بر روی پوست خود دارد. زرافه می تواند برگ درختان بلند را بخورد.



get

آماده کردن

(gets, got, gotten, getting)

If you are hungry, you need to **get** some breakfast.

اگر گرسنه هستی، باید صبحانه را آماده کنی.

girl

دختر

The **girl** was talking to her friend.

آن دختر داشت با دوست خود صحبت می کرد.

ghost

روح

You might dress up like a scary **ghost** for Halloween.

در جشن هالوین می توانی به شکل روحی ترسناک لباس بپوشی.

give

دادن

(gives, gave, given, giving)

Give your friend the bat so she can play baseball.

به دوست خود چوب بازی را بده تا او نیز بتواند بیسبال بازی کند.

giant

غول

A **giant** is a very big person that you can read about in storybooks.

غول شخص بسیار بزرگی است که در کتاب های داستان درباره می خوانید.

glad

خوشحال، شاد

I'm **glad** the sun is shining.

خوشحالم که خورشید می درخشد.

gift

هدیه

A **gift** is something special that you give to someone. You might wrap a **gift** with colored paper and a bow.

هدیه چیز خاصی است که به شخصی می دهید. می توانید هدیه خود را با کاغذ رنگی و پاپیون ببندید.



glass

شیشه، لیوان

(glasses)

1. **Glass** is a hard, smooth material that you can see through, such as a window.

2. A **glass** is something you drink from. In a clear glass, you can see liquids such as water, milk, and juice.



۱- شیشه. شیشه ماده سخت و صافی است که می توانید طرف دیگر آن را ببینید مثل شیشه پنجره.

۲- لیوان. لیوان وسیله ای است که با آن مایعات را می نوشید. در لیوانی به رنگ روشن مایعاتی مانند آب، شیر و آب میوه دیده می شوند.

glasses-gold

glasses

People wear **glasses** over their eyes to help them see better. **Glasses** are pieces of special glass inside of a frame that fits over the nose.

مردم عینک به چشم می زنند تا بتوانند بهتر ببینند.
عینک از شیشه های خاصی که داخل قاب جای دارند ساخته شده است و بر روی بینی قرار می گیرد.

عینک



glider

A **glider** is an aircraft that flies without an engine. The wings of a **glider** help it float through the air.

گلایدر هواپیمایی است که بدون موتور پرواز می کند. بال های

گلایدر کمک می کنند که گلایدر در هوا معلق بماند.

هواپیمای گلایدر



globe

A **globe** is a big round map of the whole world that spins around.

کره جغرافیایی نقشه گرد و بزرگی از تمام دنیا است که به دور خودش می چرخد.

کره جغرافیایی



glove

A **glove** keeps your hand warm and clean. **Gloves** come in pairs and fit over your fingers.

دستکش، دستان شما را گرم و تمیز نگه می دارد. دستکش جفت می باشد و روی اندازه انگشتان دست شما جا می گیرد.

دستکش



glow

(glows, glowed, glowing)

If something **glows**, it shines with light and color.

The stars **glowed** brightly in the night sky.

اگر چیزی بدرخشد، نور و رنگ ساطع می کند.

ستاره ها در آسمان شب به روشنی می درخشیدند.

درخشیدن

glue

Glue is a thick liquid that helps stick things together. **Glue** gets hard when it dries.

چسب مایع غلیظی است که کمک می کند چیزها به بهم بچسبند. چسب هنگام خشک شدن سخت می شود.

چسب



go

(goes, went, gone, going)

When you **go**, you move from one place to another.

The train is **going** down the track.

هنگامی که می روید، از مکانی به مکان دیگر نقل مکان می کنید.
قطار به سمت پایین ریل در حرکت است.

رفتن

goat

A **goat** is a farm animal with short horns. Farmers raise **goats** for their wool and milk.

بز نوعی حیوان مزرعه است که شاخ های کوچکی دارد. کشاورزان بز را برای استفاده از پشم و شیر آن پرورش می دهند.

بز



goggles

عینک ایمنی

Goggles are a special type of clear glasses made to protect the eyes. Swimmers and carpenters sometimes wear **goggles**.

عینک ایمنی نوعی عینک شفاف خاص است که از چشمان محافظت می نماید. بعضی اوقات شناگران و نجاران از عینک ایمنی استفاده می کنند.

gold

طلا

Gold is a shiny yellow metal used to make jewelry and coins.

طلا فلز زرد و براقی است که با آن سکه و جواهرات می سازند.

goldfish

(goldfish)

A **goldfish** is a small fish that people keep as a pet.

ماهی قرمز ماهی کوچکی است که مردم آن را به عنوان حیوان خانگی نگه می دارند.



golf

You play the game of **golf** by hitting a little white ball into a hole with a club.

در بازی گلف با چوب به توپ کوچک سفیدی ضربه می زنید، و آن را به سمت سوراخی هدایت می کنید.

gone

If someone is **gone**, he or she has moved on to another place. *The boy was here, but now he is **gone**.*

کسی که رفته است، از مکانی به مکان دیگری جابه جا شده است. آن پسر این جا بود ولی حالا رفته است.

good

(better, best)

1. You are **good** at something you do well. 2. If something tastes really **good**, you will like it. 3. You become healthy or strong if you eat something **good** for you. 4. If you are well behaved and do as you are told, you are **good**.

۱- ماهر. هنگامی در چیزی ماهر هستید که آن را خوب انجام دهید.
۲- خوب. اگر چیزی واقعاً مزه خوبی بدهد، از آن خوششان می آید.
۳- سالم، قوی. هنگامی که غذای سالمی بخورید قوی و سلامت می شوید.

۴- مؤدب. اگر خوب رفتار کنید و آن چه را که به شما گفته می شود انجام دهید، مؤدب هستید.

good-bye

You say **good-bye** when you leave someone or they go away from you.

هنگامی که کسی را ترک می کنید یا آن شخص از پیش شما می رود، خداحافظی می کنید.

goose

(geese)

A **goose** is a big bird with a long neck that swims well. Some **geese** fly south where it is warm for the winter.

غاز پرنده بزرگی است که گردن بلندی دارد و خوب شنا می کند. بعضی از غازها در زمستان به جنوب جایی که هوا گرم است پرواز می کنند.



gorilla

A **gorilla** is a large, hairy ape that lives in Africa.

گوریل میمون پشمالود و بزرگی است که در آفریقا زندگی می کند.



grade

1. A **grade** is something you earn while learning.

A teacher marks your paper with a **grade**.

2. *The twins are in second **grade**.*

۱- نمره. نمره چیزی است که هنگام یادگیری و آموختن به دست می آورید. معلم به ورقه امتحانی شما نمره می دهد.
۲- سطح، کلاس. دوقلوها در کلاس دوم هستند.

grandfather

Your **grandfather** is the father of your mother or father.



پدر بزرگ پدر مادر یا پدر پدر شما می باشد.

grandmother

Your **grandmother** is the mother of your mother or father.



مادر بزرگ مادر مادر یا مادر پدرتان می باشد.

grape

A **grape** is a small, round, soft, juicy fruit that grows in bunches on vines. **Grapes** can be purple, green, or white.

انگور میوه کوچک، گرد، نرم و آبداری است که به صورت خوشه ای بر روی درخت مو رشد می کند. انگورها می توانند بنفش، سبز یا سفید باشند.



goldfish-grape

گوریل

انگور

A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

grapefruit-group

grapefruit

(grapefruit)

A **grapefruit** is a large, round fruit, similar to an orange, with a thick yellow or pinkish skin. The soft inside of a **grapefruit** tastes tangy sweet.

گریپ فروت میوه ای بزرگ و گرد است که شبیه پرتقال بوده و پوست ضخیم زرد یا صورتی رنگی دارد. داخل گریپ فروت نرم است



و طعم تند و شیرینی دارد.

grass

(grasses)

Grass is a plant with thin, pointy green leaves.

Grass grows on lawns and fields.

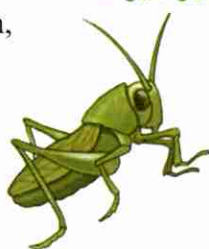
علف گیاهی است که برگ های سبز، نازک و نوک تیزی دارد. علف در چمنزارها و دشت ها رشد می کند.

علف

grasshopper

A **grasshopper** is a large, green, leaping, planteating insect.

جیر جیرک حشره گیاه خوار بزرگ و سبزی است که می جهد.



جیر جیرک

gray

When you mix black and white together, you make the color **gray**.

An elephant is **gray**.

هنگامی که رنگ سیاه و سفید را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ خاکستری به دست می آید. فیل خاکستری رنگ است.

رنگ خاکستری



great

(greater, greatest)

1. **Great** means that someone is very important. *Abraham Lincoln was a great president.* 2. **Great** means big. *There is a great amount of water in the ocean.* 3. **Great** means something is very good. *She had a great time in the park.*

۱- مهم، بی نظیر. مهم یعنی شخصی بسیار با اهمیت است. آبراهام لینکولن رئیس جمهور مهمی بود.

۲- زیاد.

آب زیادی در اقیانوس وجود دارد.

۳- فوق العاده. فوق العاده چیزی است که بسیار خوب است. تو اوقات فوق العاده خوشی را در پارک سپری کرد.

green

If you mix yellow and blue together, you make the color **green**.

Grass is green.

اگر رنگ زرد و آبی را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ سبز درست می شود. علف سبز است.

رنگ سبز



green bean

A **green bean** is a long, thin vegetable.

لوبیا سبز گیاهی است که باریک و دراز است.



لوبیا سبز

grin

(grins, grinned, grinning)

When you **grin**, you smile and show your teeth.

هنگام خندیدن، لبخند می زنید و دندان هایتان نمایان می شود.

خندیدن، پوز خند زدن

groceries

Groceries are things that people buy at the store, such as milk, bread, and shampoo.

خواروبار چیزهایی نظیر شیر، نان و شامپو است که مردم از فروشگاه ها می خرند.

مواد خریدنی، خواربار



ground

The **ground** is what you walk on outside.

زمین چیزی است که در فضای بیرون بر روی آن راه می روید.

زمین

group

A **group** is a number of people or things that are gathered together in one place. A **group** of children visits the zoo.

گروه تعدادی از افراد یا چیزها است که در مکانی جمع شده باشند. گروهی از بچه ها از باغ وحش دیدن می کنند.

گروه

grow

رشد کردن، بزرگتر شدن

(grows, grew, grown, grown)

If you water the plant it will **grow**.

اگر به گیاه آب بدهید رشد خواهد کرد.

**grown-up**

بزرگسال

When a child gets to be older, he or she will become a **grown-up**.

وقتی که کودکی مسن تر می شود، بزرگسال خواهد شد.

guard

نگهبان، گارد

A **guard** watches over people or things to keep them safe.A security **guard** works at a bank.

نگهبان کسی است که از مردم یا وسایل مراقبت می کند تا آن هادر امان بمانند. نگهبان در بانک کار می کند.

**guess**

حدس زدن

(guesses, guessed, guessing)

When you **guess**, you try to give an answer to something you are not quite sure about. *Can you **guess** how many kittens your cat will have?*

هنگامی که حدس می زنید، سعی دارید جوابی برای چیزی که به آن اطمینان ندارید، پیدا کنید.

می توانی حدس بزنی گربه تو، چند تا بچه خواهد داشت؟

guide

(guides, guided, guiding)

1. If you **guide** someone, you give directions or show that person how to do something. 2. A **guide** is someone who takes people somewhere. *Our **guide** showed us around the museum.*

۱- راهنمایی کردن. هنگامی که کسی را راهنمایی می کنید برای آن شخص توضیح می دهید یا نشان می دهید که چگونه کاری را انجام دهد.

۲- راهنما. راهنما فردی است که مردم را به جایی می برد. راهنمای ما گرداگرد موزه را به ما نشان داد.

guitar

گیتار

A **guitar** is a musical instrument with strings you touch with your fingers to make a sound.

گیتار نوعی وسیله موسیقی دارای تار است که با تماس انگشتان بر روی سیم ها صدا ایجاد می کنید.

**gum**1. **Gum** is a sweetened stick or tablet you put in your mouth and chew. 2. Your **gums** are the soft flesh in your mouth that surround your teeth.

۱- آدامس. آدامس ماده مستطیل شکل یا قرصمانندی است که در دهان می گذارید و می جوید.

۲- لثه. لثه شما گوشت نرم داخل دهانتان است که دور دندان هایتان قرار دارد.

**gym**

سالن ورزش

A **gym** is a big room where people like to exercise and play games such as basketball.

سالن ورزش سالن بزرگی است که مردم دوست دارند در آن ورزش کنند و یا بازی هایی نظیر بسکتبال را در آن انجام دهند.

grapefruit-group

grapefruit

(grapefruit)

A **grapefruit** is a large, round fruit, similar to an orange, with a thick yellow or pinkish skin. The soft inside of a **grapefruit** tastes tangy sweet.

گریپ فروت میوه ای بزرگ و گرد است که شبیه پرتقال بوده و پوست ضخیم زرد یا صورتی رنگی دارد. داخل گریپ فروت نرم است



و طعم تند و شیرینی دارد.

grass

(grasses)

Grass is a plant with thin, pointy green leaves.

Grass grows on lawns and fields.

علف گیاهی است که برگ های سبز، نازک و نوک تیزی دارد. علف در چمنزارها و دشت ها رشد می کند.

علف

grasshopper

A **grasshopper** is a large, green, leaping, planteating insect.

جیر جیرک حشره گیاه خوار بزرگ و سبزی است که می جهد.



جیر جیرک

gray

When you mix black and white together, you make the color **gray**.

An elephant is **gray**.

هنگامی که رنگ سیاه و سفید را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ خاکستری به دست می آید. فیل خاکستری رنگ است.

رنگ خاکستری



great

(greater, greatest)

1. **Great** means that someone is very important. *Abraham Lincoln was a great president.* 2. **Great** means big. *There is a great amount of water in the ocean.* 3. **Great** means something is very good. *She had a great time in the park.*

۱- مهم، بی نظیر. مهم یعنی شخصی بسیار با اهمیت است. آبراهام لینکولن رئیس جمهور مهمی بود.

۲- زیاد.

آب زیادی در اقیانوس وجود دارد.

۳- فوق العاده. فوق العاده چیزی است که بسیار خوب است. تو اوقات فوق العاده خوشی را در پارک سپری کرد.

green

If you mix yellow and blue together, you make the color **green**.

Grass is green.

اگر رنگ زرد و آبی را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ سبز درست می شود. علف سبز است.

رنگ سبز



green bean

A **green bean** is a long, thin vegetable.

لوبیا سبز گیاهی است که باریک و دراز است.



لوبیا سبز

grin

(grins, grinned, grinning)

When you **grin**, you smile and show your teeth.

هنگام خندیدن، لبخند می زنید و دندان هایتان نمایان می شود.

خندیدن، پوز خند زدن

groceries

Groceries are things that people buy at the store, such as milk, bread, and shampoo.

خواروبار چیزهایی نظیر شیر، نان و شامپو است که مردم از فروشگاه ها می خرند.

مواد خریدنی، خواربار



ground

The **ground** is what you walk on outside.

زمین چیزی است که در فضای بیرون بر روی آن راه می روید.

زمین

group

A **group** is a number of people or things that are gathered together in one place. A **group** of children visits the zoo.

گروه تعدادی از افراد یا چیزها است که در مکانی جمع شده باشند. گروهی از بچه ها از باغ وحش دیدن می کنند.

گروه

grow

رشد کردن، بزرگتر شدن

(grows, grew, grown, grown)

If you water the plant it will **grow**.

اگر به گیاه آب بدهید رشد خواهد کرد.

**grown-up**

بزرگسال

When a child gets to be older, he or she will become a **grown-up**.

وقتی که کودکی مسن تر می شود، بزرگسال خواهد شد.

guard

نگهبان، گارد

A **guard** watches over people or things to keep them safe.A security **guard** works at a bank.

نگهبان کسی است که از مردم یا وسایل مراقبت می کند تا آن هادر امان بمانند. نگهبان در بانک کار می کند.

**guess**

حدس زدن

(guesses, guessed, guessing)

When you **guess**, you try to give an answer to something you are not quite sure about. *Can you **guess** how many kittens your cat will have?*

هنگامی که حدس می زنید، سعی دارید جوابی برای چیزی که به آن اطمینان ندارید، پیدا کنید.

می توانی حدس بزنی گربه تو، چند تا بچه خواهد داشت؟

guide

(guides, guided, guiding)

1. If you **guide** someone, you give directions or show that person how to do something. 2. A **guide** is someone who takes people somewhere. *Our **guide** showed us around the museum.*

۱- راهنمایی کردن. هنگامی که کسی را راهنمایی می کنید برای آن شخص توضیح می دهید یا نشان می دهید که چگونه کاری را انجام دهد.

۲- راهنما. راهنما فردی است که مردم را به جایی می برد. راهنمای ما گرداگرد موزه را به ما نشان داد.

guitar

گیتار

A **guitar** is a musical instrument with strings you touch with your fingers to make a sound.

گیتار نوعی وسیله موسیقی دارای تار است که با تماس انگشتان بر روی سیم ها صدا ایجاد می کنید.

**gum**1. **Gum** is a sweetened stick or tablet you put in your mouth and chew. 2. Your **gums** are the soft flesh in your mouth that surround your teeth.

۱- آدامس. آدامس ماده مستطیل شکل یا قرص ماندنی است که در دهان می گذارید و می جوید.

۲- لثه. لثه شما گوشت نرم داخل دهانتان است که دور دندان هایتان قرار دارد.

**gym**

سالن ورزش

A **gym** is a big room where people like to exercise and play games such as basketball.

سالن ورزش سالن بزرگی است که مردم دوست دارند در آن ورزش کنند و یا بازی هایی نظیر بسکتبال را در آن انجام دهند.



hair

مو

Hair grows on the top of your head. An animal's **hair** is called fur.

مو بر روی سر شما رشد می‌کند. موی بعضی از حیوانات خز نامیده می‌شود.

half

نیم، نصف

(halves)

One **half** is one of two pieces of something that are exactly the same size. *My father cut the sandwich in **half**.*

نصف، یکی از دو قسمت چیزی است که درست به اندازه دیگری می‌باشد. پدرم ساندویچ را نصف کرد.



hall

سالن، هال

A **hall** is a large or long room with doors leading to other rooms in a building. *My bedroom is at the end of the **hall**.*

سالن، اتاق بزرگ یا طولی است که درهایی دارد که به اتاق‌های دیگر ساختمان راه پیدا می‌کند. اتاق خوابم در انتهای سالن است.

Halloween

جشن هالوین

Halloween is a holiday that happens on October 31. People dress up in costumes and go door-to-door to get **Halloween** candy.

هالوین تعطیلی است که در ۳۱ اکتبر روی می‌دهد. مردم لباس‌های خاصی به تن می‌کنند و در خانه‌ها را می‌زنند و شیرینی می‌گیرند.



ham

گوشت ران، ژامبون.

Ham is a pink meat that people like to eat in sandwiches.

ژامبون گوشت صورتی رنگی است که مردم دوست دارند آن را به صورت ساندویچی بخورند.



hamburger

همبرگر

A **hamburger** is a flat, round piece of chopped beef on a bun. *Many people put ketchup on a **hamburger**.*

همبرگر گوشت چرخ کرده گرد و صافی است که آن را روی نان گرد می‌گذارند. بسیاری از مردم بر روی همبرگر خود سس کچاپ می‌ریزند.

hammer

چکش

A **hammer** is a tool with a long handle and a heavy head. You pound nails into wood with a **hammer** to build things.

چکش وسیله‌ای است که دسته بلند و سر سنگینی دارد. با کمک چکش میخ را در چوب می‌کوبید تا چیزی را بسازید.



hamster

همستر، نوعی جوئنده

A **hamster** is a small, furry animal that stores food in its puffy cheeks. Some **hamsters** are pets.

همستر حیوان پشمالو و کوچکی است که غذا را در گونه‌های چاق خود ذخیره می‌کند. بعضی از همسترها به عنوان حیوان خانگی نگهداری می‌شوند.

hand

(hands, handed, handing)

1. please, hand me that book.
2. Your **hand** is the part of your body at the end of your arms with four fingers and a thumb.

۱- لطفاً آن کتاب را به من بده.

۲- دست. دستان عضوی از بدن شما می‌باشد که در انتهای بازو است و چهار انگشت و یک شست دارد.



hanger

رخت آویز

A **hanger** is a triangular shape made of wood or metal with a hook on the top that holds your clothes.

رخت آویز وسیله‌ای مثلث شکل از جنس فلز یا چوب است و در بالای آن قلابی قرار دارد که لباس‌های شما را نگه می‌دارد.

happen

اتفاق افتادن

(happens, happened, happening)

The sunrise **happens** every morning.

طلوع خورشید هر صبح اتفاق می‌افتد.

happy

خوش حال

(happier, happiest)

If you are **happy**, you feel really good about something.

You are **happy** you won the game of checkers.

هنگامی که خوش حال هستید، درباره چیزی احساس واقعاً خوبی دارید.

از این که در بازی چکر برنده شدی، خوش حال هستی.

hard

سخت، سفت

(harder, hardest)

1. If something is **hard**, you cannot easily shape it with your hands or cut it. *A rock is very **hard**.*

2. If something is **hard** to do, it can be difficult.

*It is **hard** to learn to tie my shoelaces.*

۱- سفت. اگر چیزی سفت باشد، شما به آسانی نمی‌توانید آن را با دستتان شکل بدهید یا ببرید.

سنگ بسیار سفت می‌باشد.

۲- سخت. وقتی انجام چیزی سخت باشد، آن کار مشکل است.

یادگرفتن بستن بند کفش‌هایم برای من دشوار است.

harmonica

سازدهنی

A **harmonica** is a small musical instrument. You blow air through the holes in a **harmonica** with your mouth to make a musical sound.

سازدهنی نوعی وسیله کوچک موسیقی می‌باشد. شما با دهان خود در میان سوراخ‌های سازدهنی هوا می‌دمید و صدای موسیقی ایجاد می‌کنید.

**hat**

کلاه

A **hat** is something you wear on your head.

کلاه چیزی است که بر روی سرتان می‌گذارید.

**have**

(has, had, having)

۱- داشتن.

You **have** a loose tooth.

یک دندان لق دارید.

۲- باید.

Now that the children are feeling better, they **have** to go to school today.

حالا که بچه‌ها حالشان بهتر شده است، امروز باید به مدرسه بروند.

he

او (مذکر)

He is a word you use when you are talking about a boy, a man, or a male animal of any age.

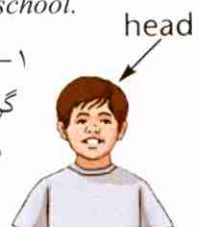
هنگام صحبت درباره یک پسر، مرد یا حیوان نر از این کلمه استفاده می‌کنید.

head

1- Your **head** is the part of your body above your neck that has your eyes and mouth in it.

2. Your principal is the **head** of your school.

۱- سر. سر شما بخشی از بدن شما است که روی گردنتان واقع شده است و چشم‌ها و دهان شما در آن قرار دارند.
مدرسه شما است.



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

health-hen

health

سلامت

If you have your **health**, your body and mind are fine. If you have good **health**, you are not sick.
هنگامی که سلامت هستید، از بدن و ذهن خوبی برخوردارید.

hear

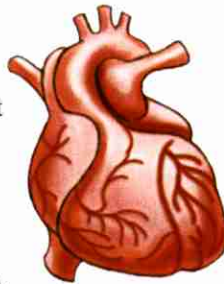
شنیدن

(hears, heard, hearing)

When you **hear** sounds, you notice them with your ears.
هنگامی که صداها را می شنوید، با کمک گوش‌تان متوجه آنها می شوید.

heart

1. Your **heart** is inside your chest and pumps blood to all parts of your body. 2. A **heart** is a shape that people enjoy drawing around Valentine's Day.



۱- قلب. قلب در داخل قفسه سینه شما قرار دارد و خون را به همه قسمت‌های بدنتان می‌رساند.

۲- قلب. قلب شکلی است که مردم دوست دارند در حول و حوش روز والتاین بکشند.

heat

گرم کردن

(heats, heated, heating)

Your mom **heats** soup for your lunch.
مادرت سوپ را برای نهار تو گرم می‌کند.

heaven

۱- بهشت.

۲- آسمان (به صورت جمع).

you look up into the **heavens** when the stars are bright at night.

هنگامی که شب هنگام ستاره‌ها درخشان و نورانی هستند به آسمان نگاه می‌کنید.

heavy

سنگین

(heavier, heaviest)

The box of stones is **heavy**.

جعبه سنگ‌ها سنگین است.

helicopter

چرخ بال، بالگرد

A **helicopter** is a flying machine without wings. A **helicopter** has blades on its top that turn around.
چرخ بال دستگاهی است که بدون بال پرواز می‌کند. چرخ بال بر روی سقف خود پره‌هایی دارد که می‌چرخند.



hello

سلام

You say "**hello**" when you answer your telephone.
هنگام پاسخ دادن به تلفن، سلام می‌دهید.

helmet

کلاه ایمنی

A **helmet** is a hard hat that you wear to protect your head.

کلاه ایمنی، کلاه محکمی است که برای مراقبت از سر خود از آن استفاده می‌کنید.



help

کمک کردن

(helps, helped, helping)

If you **help** someone, you do something useful for him. You **help** pick up the dishes after dinner.

وقتی به کسی کمک می‌کنید، کار مفیدی برای آن شخص انجام می‌دهید.
شما کمک می‌کنید تا ظرف‌ها به بعد از شام جمع‌آوری شوند.

helper

کمک، دستیار

You are a **helper** when you assist others.

هنگامی که دیگران را یاری می‌دهید، کمک هستید.

hen

مرغ

A **hen** is a mother chicken, or a female bird that lays eggs.

مرغ جوجه یا پرندۀ ماده‌ای است که تخم می‌گذارد.



her-his

her

مال او، او را (مونث)

چیزی است که به یک دختر یا یک زن تعلق دارد.
That is **her** gold necklace.
آن گردنبند طلا مال او است.

'here

اینجا

The kitten is **here** in the box.
بچه گربه اینجا داخل جعبه است.

hero

(heroes)

A **hero** is someone who is admired for being brave. A firefighter is a **hero**.

قهرمان کسی است که به خاطر شجاع بودنش مورد ستایش می باشد.
مامور آتش نشانی قهرمان است.



hers

مال او (مونث)

Hers means something belongs to her, a girl or a woman. The dress is **hers**.

مال او یعنی چیزی متعلق به یک دختر یا زن است.
لباس مال او است.

hide

(hides, hid, hidden, hiding)

1. If you **hide**, you go where no one can see you.
2. If you **hide** something, you place it where no one can find it.

۱- پنهان شدن. اگر پنهان شوید، جایی می روید که کسی نتواند شما را ببیند.

۲- مخفی کردن. اگر چیزی را مخفی کنید، آن را جایی می گذارید که کسی نتواند جای آن را پیدا کند.

high

بلند، بالا

(higher, highest)

If something is **high**, it is a long way from the ground.
The balloon is **high up in the sky**.

اگر چیزی بالا باشد، از سطح زمین فاصله زیادی دارد.
بادکنک در آسمان بالا رفته است.

high chair

صندلی بلند غذاخوری

A **high chair** is a tall seat where babies eat. A **high chair** has a tray in front.

صندلی بلندی است که نوزادان را برای غذا خوردن در آن می نشینند. در جلوی این نوع صندلی نوعی سینی قرار دارد.



hill

تپه

A **hill** is a high piece of land.

تپه قطعه زمینی است مرتفع است.



him

به او، او را. چیزی درباره یک پسر یا یک مرد می باشد. (مذکر)

The boy asked his mother to give **him** a quarter.

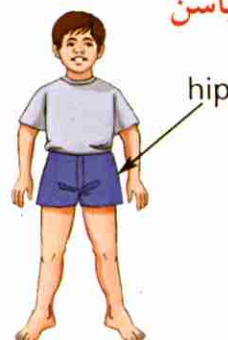
آن پسر از مادرش خواست که به او یک سکه ۲۵ سنتی بدهد.

hip

باسن

Your **hip** is the part of your body just below your waist.

باسن قسمتی از بدن شما است که درست در زیر کمر قرار دارد.



his

مال او (مذکر)

چیزی که متعلق به یک پسر یا یک مرد باشد.

The toy truck is **his**.

کامیون اسباب بازی مال او است.

hit-honk

hit

(hits, hit, hitting)

When you push or touch someone or something very hard, you **hit** that person or thing.

هنگامی که به شدت با دست به کسی یا چیزی می‌زنید یا آن را هل می‌دهید به آن شخص یا چیز ضربه زده‌اید.

hockey

هاکی

Hockey is a game played on ice or in a field with two teams. In ice **hockey**, players on skates try to hit a **hockey** puck with sticks. Field **hockey** players run across the ground and hit a ball with sticks.

هاکی نوعی بازی است که روی یخ یا زمین (چمن) توسط دو تیم انجام می‌شود. در هاکی روی یخ بازیکنان اسکیت می‌پوشند و سعی می‌کنند با چوب هاکی به توپ ضربه بزنند. در هاکی روی چمن بازیکنان در طول زمین می‌دوند و با چوب به توپ ضربه می‌زنند.



hold

(holds, held, holding)

1. The body **holds** the fishing pole.
2. The vase **holds** water and flowers.

- ۱- در دست گرفتن. آن پسر قلاب ماهی‌گیری را در دست دارد.
- ۲- نگه داشتن. گلدان آب و گل را در خود نگه می‌دارد.

hole

A bagel has a **hole** in the middle of it.

نان بیگل در وسط خود سوراخی دارد.



holiday

تعطیلی

A **holiday** is a special time when people do not go to school or work. People have parades on some **holidays**, such as New Year's Day.

تعطیلی زمان خاصی است که مردم به مدرسه یا سر کار نمی‌روند. مردم در بعضی از تعطیلات مانند روز سال نو رژه می‌روند.

home

خانه

A **home** is the place where you live. A home can be a house or an apartment.

خانه مکانی است که در آن زندگی می‌کنید. خانه می‌تواند به صورت خانه حیاطدار یا آپارتمان باشد.



homework

تکلیف منزل

Homework is school studies to be done outside of school, usually at home. *The boy is reading a book in his bedroom for homework.*

تکلیف منزل درس‌های مدرسه است که باید خارج از مدرسه و معمولاً در خانه انجام شود. آن پسر در اتاق خواب خود در حال خواندن کتابی است که تکلیف منزلش می‌باشد.

honey

عسل

Honey is a thick, sweet, liquid food made by bees.

عسل مایع غلیظ و شیرینی است که زنبورها می‌سازند.



honk

(honks, honked, honking)

Geese make **honk** sound.

- ۱- بوق زدن. مانند بوق زدن ماشین‌ها.
- ۲- قات قات کردن. غازها صدای قات قات در می‌آورند.

honor

(honors, honored, honoring)

احترام، افتخار کردن

به کسی یا چیزی احترام نشان می دهید.

The man **honored** the flag by flying it.

آن مرد با به اهتزاز در آوردن پرچم به آن احترام گذاشت.

hop

(hops, hopped, hopping)

When you **hop**, you jump.

جهیدن، با جهش حرکت کردن

هنگام جهیدن می پرید.



hope

(hopes, hoped, hoping)

If you **hope** something will happen, you want it to and think that it might. *I **hope** I get a bicycle for my birthday.*

هنگامی که امیدوارید چیزی اتفاق بیفتد، فکر می کنید و می خواهید که آن کار انجام شود. امیدوارم برای تولدم دوچرخه هدیه بگیرم.

horn

1. A **horn** is a brass musical instrument that you blow air into for a sound to come out.

2. A **horn** is a hard, pointed thing that grows out of the heads of some animals, like sheep and bulls.

۱- شپور فرانسوی. شپور نوعی وسیله موسیقی از جنس فلز برنج است، که با دمیدن در آن صدایی حاصل می شود.

۲- شاخ. شاخ ماده سفت و نوک تیزی است که از بالای سر بعضی از حیوانات نظیر گوسفند و گاو نر رشد می کند.



horrible

وحشتناک، خیلی بد

The burned cookies tasted so **horrible**, I could not eat them.

شیرینی های سوخته آن قدر مزه و وحشتناکی داشتند که نتوانستم آن ها را بخورم.

horse

اسب

A **horse** is a big animal with long legs and a long tail. People like to ride on a **horse** or in a cart pulled behind a **horse**.

اسب حیوان بزرگی با پا و دم بلند است. مردم دوست دارند که سوار اسب یا سوار کالسکه ای شوند که توسط اسب کشیده شود.



horseshoe

1. A **horseshoe** is a heavy U-shaped piece of metal that protects a horse's hoof. 2. In the game of **horseshoes**, you try to throw a horseshoe around a stake.

۱- نعل اسب. نعل اسب تکه فلزی سنگین به شکل یو U است که از سم اسب محافظت می نماید.

۲- در بازی نعل اسب تلاش می کنید نعل اسب را دور میله ای بباندازید.



hose

شلنگ

A **hose** is a bendable tube that liquid flows through. Firefighters use big **hoses** to spray water on fires.

شلنگ لوله ای انعطاف پذیر است

که مایع از درون آن جریان پیدا می کند. مأموران آتش نشانی از شلنگ های بزرگ برای پاشیدن آب بر روی آتش استفاده می کنند.



hot-husband

hot

(hotter, hottest)

If something is **hot**, such as an oven, it can burn you. اگر چیزی مانند یک اجاق فر داغ باشد، می تواند باعث سوختگی شما شود.

hotdog

A **hot dog** is a long piece of meat in a soft roll that you eat. Some people like to put mustard on their **hot dogs**.

هات داگ تکه گوشت درازی است که آن را میان نان ساندویچی نرمی می گذارید و می خورید. بعضی از مردم دوست دارند که روی هات داگ خود سس خردل بریزند.



hour

There are 60 minutes in one **hour** and 24 **hours** in one day.

یک ساعت ۶۰ دقیقه و یک روز ۲۴ ساعت است.



house

A **house** is a building where people, often a single family, live.

خانه ساختمانی است که اغلب فقط یک خانواده در آن زندگی می کنند.



how

The doctor might ask, "How are you feeling?"

دکتر ممکن است پرسد: "حالتان چگونه است؟"

داغ

هات داگ

ساعت

خانه

چطور

hug

(hugs, hugged, hugging)

When you put your arms around something or somebody and hold tightly, you are giving a **hug**.

هنگامی که دستتان را به دور چیزی یا کسی می گذارید و محکم نگه می دارید، یعنی شخص یا چیز را در آغوش گرفته اید.

huge

A dinosaur is a **huge** animal.

دایناسور حیوان عظیم الجثه ای است.

hundred

There are one **hundred** pennies in a dollar.

هر دلار معادل صد پنی است.

100

hungry

(hungrier, hungriest)

When you feel **hungry**, you feel like you want to eat something.

هنگامی که گرسنه هستید، احساس می کنید که می خواهید چیزی بخورید.

hurry

(hurries, hurried, hurrying)

When you **hurry**, you do things quickly.

هنگامی که عجله دارید، کارها را سریع انجام می دهید.

hurt

(hurts, hurt, hurting)

If you **hurt**, you feel pain. *I fell and hurt my hand and my arm.*

اگر صدمه دیده باشید، احساس درد می کنید. من افتادم و دست و بازویم صدمه دیدند.

husband

A woman's **husband** is the man that she married.

همسر یک زن، مردی است که با او ازدواج کرده است.

عظیم. بسیار بزرگ

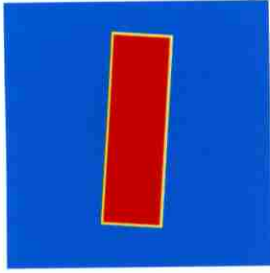
صد

گرسنه

عجله داشتن

صدمه دیدن

شوهر، همسر



I

I means the person who is speaking.
"I want to play with the toys."

من یعنی شخصی که صحبت می کند.
 "می خواهم با اسباب بازی ها بازی کنم."

ice

Ice is hard, cold, frozen water.
 یخ آب منجمد سفت و سرد است.



ice cream

Ice cream is a cold, sweet food made from milk that comes in many flavors.

بستی خوردنی شیرین و سردی است که از شیر با
 طعم های مختلف ساخته می شود.



idea

عقیده، نظر

Do you have an **idea** how to color Easter eggs?

به نظرت تخم مرغ های عید پاک را چطور رنگ کنم؟

if

اگر

The girl can go to the party **if** her mother lets her.

اگر مادر دختر اجازه بدهد، آن دختر می تواند به مهمانی برود.

igloo

کلبه برفی

An **igloo** is a house made of blocks of snow or ice.

کلبه برفی خانه ای است که از
 قطعه های برف یا یخ ساخته شده
 است.



ill

بیمار

When you are **ill**, you do not feel very well.
You should stay in bed when you are ill.

وقتی که بیمار هستید، احساس خوبی ندارید.
 هنگامی که بیمار هستی باید در رختخواب بمانی.

important

مهم

If something is very **important**, it matters a great deal. *It is important to brush your teeth after eating.*

اگر چیزی خیلی مهم باشد، اهمیت زیادی دارد.
 بسیار مهم است که بعد از خوردن غذا دهانت را مسواک بزنی.

in

در. برای مکان استفاده می شود

The horse is **in** the barn.

inch

اینچ

(inches)

Most rulers have 12 **inches**.



طول بیشتر خط کش ها ۱۲ اینچ (حدود ۳۱ سانت) است.

insect

حشره

An **insect** is a small animal with six legs. Some **insects** can fly. Ants, butterflies, and bees are **insects**.

حشره حیوان کوچکی است که شش پا دارد. بعضی از حشره ها
 می توانند پرواز کنند. مورچه، پروانه و زنبور حشره هستند.



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

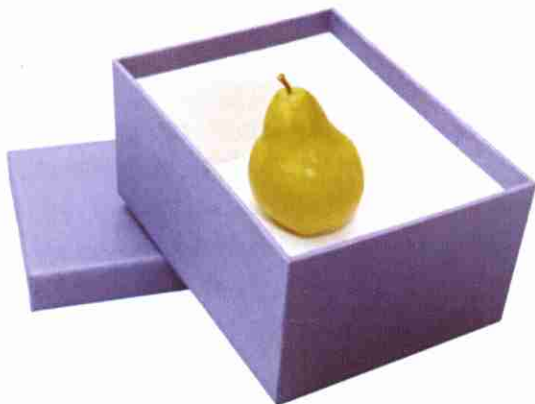
inside-its

inside

داخل

If you are **inside** of something, it is all around you. *The pear is **inside** the box.*

اگر داخل چیزی باشید، دور تا دور شما را احاطه کرده است.
گلایی در داخل جعبه قرار دارد.



instead

به جای

I'd rather go by bus **instead** of by train.

ترجیح می‌دهم به جای قطار با اتوبوس بروم.

instrument

1. You can use an instrument to make music. Pianos, drums, and violins are musical **instruments**.
2. An **instrument** is anything you use to do something. At the doctor's office, the doctor used **instruments** to find out why you felt sick.



۱- آلت موسیقی. شما با استفاده از آلت موسیقی، موسیقی می‌سازید. پیانو، تپل و ویالون آلات موسیقی می‌باشند.
۲- وسیله. چیزی که با استفاده از آن کاری

انجام می‌دهید.

در مطب دکتر، دکتر از وسایلی استفاده کرد تا علت بیماری شما را پیدا کند.

into

به داخل

Your dog stepped **into** his doghouse.

سگ شما به داخل لانه‌اش قدم گذاشت.

iron

1. A hot **iron** is a tool that you use to take wrinkles out of clothes. An **iron** has a handle and a flat side. 2. **Iron** is a very strong metal.

۱- اطو. اطوی داغ وسیله‌ای است چروک‌های لباس از بین می‌برد. اطو دسته و کفی صاف دارد.

۲- آهن. آهن فلز بسیار محکمی است.



is

هست. چیزی یا کسی وجود دارد

(be, am, are, was, were, been, being)

The woman **is** a doctor.

آن زن پزشک است.

island

جزیره

An **island** is a piece of land with water all around it. An **island** is smaller than a continent.

جزیره قطعه زمینی است که آب دور آن را فرا گرفته است. جزیره کوچک‌تر از قاره است.



it

1. I picked it up.
2. In a game of tag, **it** is the player who tries to catch the others.

۱- آن

آن را برداشتم.

۲- گرگ. در بازی گرگ به هوا، گرگ بازی کننده‌ای است که سعی می‌کند دیگران را بگیرد.

its

مال آن

Its tail is black and white.

دمش سیاه و سفید است.



jacket

کت، کاپشن

You wear a **Jacket** when the weather is cool.

هنگامی که هوا سرد باشد کاپشن می پوشید.



jack-in-the- box

جعبه اسباب بازی

(jack-in-the- boxes)

Music plays when you turn the handle of a **jack-in-the-box**. When the music stops, a doll pops out of the toy **jack-in-the-box**.

هنگامی که دسته جعبه اسباب بازی را می چرخانیم موسیقی نواخته می شود. هنگامی که موسیقی تمام شد، عروسکی از جعبه اسباب بازی بیرون می آید.

jack-o-lantern

کدوی فانوس

A **jack-o-lantern** is a Halloween pumpkin. People carve scary or happy faces on their **jack-o-lanterns**.

کدوی فانوس، کدو تنبل جشن هالوین است. مردم روی کدوی فانوس خود شکل های ترسناک یا خندان درست می کنند.

jam

(jams, jammed, jamming)

1. If something **jams**, it becomes stuck so it is hard to move. 2. **Jam** is a sweet food made by cooking fruit with sugar. You eat **jam** on your toast.



۱- گیر کردن. اگر چیزی گیر بکند، می چسبد

بنابراین به سختی می توان آن را حرکت داد.

۲- مربا. ماده غذایی شیرینی است که با پختن میوه و شکر درست می شود. همراه با نان تست خود مربا می خورید.

January

ماه ژانویه

January is the first month of the year. New Year's Day is in **January**.

ژانویه اولین ماه سال میلادی می باشد.

روز اول سال نو در ماه ژانویه می باشد.

Jar

شیشه

A **jar** is a wide-mouth glass bottle that holds things, such as food, liquid, or coins.

شیشه دهان گشادی است که چیزهایی نظیر غذا، مایعات یا سکه را در خود جای می دهد.



jeans

شلوار جین

Jeans are pants made out of a strong denim cloth. **Jeans** are usually blue and have pockets.

جین شلواری است که از پارچه محکم کتان تهیه شده است. شلوارهای جین معمولاً آبی رنگ هستند و جیب دارند.



jelly

مارمالاد، ژله

(jellies)

Jelly is a soft food made with fruit juice and sugar. People like to spread **jelly** and peanut butter on bread.

مارمالاد ماده غذایی نرمی می باشد که از آب میوه و شکر تهیه می شود. مردم دوست دارند که روی نان کره بادام زمینی و مارمالاد بمالند.



jelly bean

پاستیل - آب نبات ژله ای

A **jelly bean** is a small, sweet, chewy, colorful candy.

پاستیل نوعی آب نبات کوچک، شیرین، جویدنی و رنگی است.



jet-Jupiter

jet

A **jet** is the fastest kind of airplane. A **jet** has a strong engine.

جت سریعترین نوع هواپیما است. جت موتور قدرتمندی دارد.

jewelry

Jewelry is a beautiful decoration that people wear, like rings, earrings, and necklaces.

جواهرات وسایل زینتی زیبایی نظیر حلقه، گوشواره و گردنبند هستند که مردم از آنها استفاده می کنند.

job

1. A **job** is the work people do to make money.
2. A **job** is something that must be done. *My job is to set the table.*

۱- شغل. شغل کاری است که مردم انجام می دهند تا پول بدست آورند.

۲- کار. کار چیزی است که باید انجام شود. کارم این است که میز را بچینم.

joke

A **joke** is something you do or say to make others laugh.

شوخی چیزی است که انجام می دهید یا می گوئید تا دیگران بخندند.

juice



Juice is a liquid that you squeeze from fruits, like oranges and grapes. **Juice** is good to drink.

آب میوه مایعی است که از گرفتن آب میوه جات مانند پرتقال و انگور بدست می آید. نوشیدن آب میوه خوب است.

July

July is the seventh month of the year. **July** is a summer month. *People celebrate the Fourth of July with parades and fireworks.*

جولای هفتمین ماه سال میلادی می باشد. ماه جولای در تابستان است. مردم روز چهارم جولای را همراه بارش و آتش بازی جشن می گیرند.

هواپیمای جت

جواهرات

شوخی

آب میوه

ماه جولای

jump

(jumps, jumped, jumping)

You **jump** when you push yourself up into the air with your legs. *A rabbit jumps with its back legs.*

هنگام پریدن به کمک پاهایتان خود را به سمت بالا پرتاب می کنید. خرگوش با پاهای عقبی خود می پرد.



jump rope

A **jump rope** is a toy with two handles and a rope in between. You swing the **jump rope** over your head and jump when it reaches your feet.



طناب بازی نوعی اسباب بازی است که متشکل از دو دسته و طنابی بین آنها است. طناب را از بالای سر خود می چرخانید و وقتی که به پایتان رسید از روی آن می پرید.

June

June is the sixth month of the year.

ژوئن ششمین ماه سال میلادی می باشد.

jungle

A **jungle** is a thick forest in a hot country where many kinds of plants and animals live.

نوعی جنگل پوشیده از درخت های انبوه واقع در کشوری گرمسیر است، جایی که انواع گیاهان و حیوانات در آن زندگی می کنند.

Jupiter

Jupiter is a faraway planet that moves around the sun. **Jupiter** is the largest planet in the solar system.

مشتری، سیاره دوری است که به دور خورشید می چرخد. مشتری بزرگترین سیاره در منظومه شمسی است.



سیاره مشتری

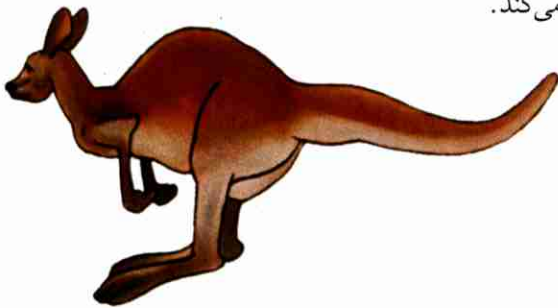


kangaroo

کانگورو

A **kangaroo** is a large wild animal that jumps with its strong back legs. A mother **kangaroo** carries her baby in front in a pocket.

کانگورو حیوان وحشی بزرگی است که با پاهای عقبی قوی خود می‌پرد. کانگوروی مادر بچه‌اش را در کیسه‌ای روی شکم خود حمل می‌کند.



keep

(keeps, kept, keeping)

1. If you **keep** something, it is safe and you are not giving it away. 2. If you **keep** doing something, you do it over and over again. *I keep blowing on the soup to make it cool.* 3. **Keep still** so the bee doesn't sting you.

۱- نگهداری کردن. هنگامی که از چیزی نگهداری می‌کنید آن چیز سالم می‌ماند و آن را از دست نمی‌دهید.

۲- ادامه دادن. اگر کاری را ادامه دهید، آن را دوباره و دوباره انجام می‌دهید.

برای این که سوپم سرد شود به فوت کردن آن ادامه می‌دهم.

۳- ماندن. بی حرکت بمان تا زنبور نیشت نزند.

keeper

نگهبان

A **keeper** cares for someone or something. *An animal keeper watches over the animals.*

نگهبان کسی است که از چیزی یا کسی مراقبت می‌نماید.

نگهبان حیوان از حیوانات مراقبت می‌نماید.

ketchup

سس گوجه فرنگی

Ketchup is a thick, red liquid food made from tomatoes. *People pour ketchup from a bottle on top of hamburgers.*

سس گوجه فرنگی مایع غذایی قرمز و غلیظی است که از گوجه فرنگی درست می‌شود. مردم از داخل بطری روی ساندویچ همبرگر خود سس کچاپ می‌ریزند.



key

کلید

A **key** is a piece of metal that you put in a lock to open or close it.

You can open your door with a key.



کلید قطعه فلزی است که آن را داخل قفل می‌کنید تا قفل را باز و بسته کنید.

شما می‌توانید در خانه خود را با کلید باز کنید.

kick

لگد زدن، شوت کردن

(kicks, kicked, kicking)

When you **kick** something, you strike it with your foot. هنگام لگد زدن به چیزی، با پای خود به آن ضربه می‌زنید.

kid

1. A **kid** is a child.

2. A **kid** is what a young goat is called.

۱- بچه.

۲- بزغاله. بز کوچک بزغاله نامیده می‌شود.

kill

کشتن. از بین بردن

(kills, killed, killing)

You will **kill** your plant if you don't give it water.

اگر به گیاه خود آب ندهید، آن را از بین خواهید برد.

kind

(kinder, kindest)

1. *An apple is a kind of fruit.*

2. If you are a **kind** person, it means you are nice and helpful.

۱- نوع. سیب نوعی میوه است.

۲- مهربان. اگر شخص مهربانی باشید، یعنی خوب و مفید هستید.

king-kwanza

king

A **king** is a man who rules a country. *The **king** and queen rode in the royal carriage.*

شاه مردی است که بر کشوری حکومت می کند.
شاه و ملکه سوار بر کالسکه سلطنتی بودند.



شاه

kiss

(kisses, kissed, kissing)

I **kissed** my mother to say goodbye.

برای خدا حافظی مادرم را بوسیدم.



بوسیدن

kitchen

A **kitchen** is a room where people cook food.

A **kitchen** has a stove, a refrigerator, and a sink.

آشپزخانه اتاقی است که مردم در آن غذا می پزند. آشپزخانه اجاق گاز، یخچال و سینک ظرفشویی دارد.

آشپزخانه

kite

A **kite** is a toy made from sticks, string, and cloth, paper, or plastic that flies in the wind.

You hold the string to fly the **kite**.

بادبادک نوعی اسباب بازی است که از چوب، نخ و پارچه، کاغذ یا پلاستیک ساخته می شود و در باد به پرواز در می آید. برای هوا کردن بادبادک نخ آن را در دست می گیرید.



بادبادک

kitten

A **kitten** is a baby cat with soft fur and little whiskers.

بچه گربه، گربه کوچکی است که موی نرم و سیلک کوچکی دارد.



بچه گربه

knee

Your **knee** is the part in the middle of your leg that bends.

زانو بخشی است که در وسط پای شما قرار دارد و می تواند خم شود.

knee



زانو

knife

(knives)

A **Knife** is a tool with a sharp metal blade and a long handle. You can cut food into pieces with a **knife**.

چاقو وسیله ای است که دسته بلند و تیغه فلزی تیزی دارد. با کمک چاقو می توانید غذا را قطعه قطعه کنید.



چاقو

knock

(knocks, knocked, knocking)

زدن. کوبیدن.

هنگام کوبیدن به چیزی محکم ضربه می زنید.

The boy **knocked** on the door with his hand.

آن پسر با دستش در زد.

know

(knows, knew, known, knowing)

1. If you **know** somebody, you have met them before. 2. If you **know** something, it is in your mind. *You **know** how old you are.*

۱- شناختن. اگر افرادی را می شناسید، آن ها را قبلاً ملاقات کرده اید.
۲- دانستن. اگر چیزی را بدانید آن چیز در ذهنتان جای دارد.
شما می دانید که چند سال دارید.

kwanza

جشن کوانزا

Kwanza is an African American holiday that celebrates harvest.

کوانزا جشنی است که سیاهپوستان آمریکا برای برداشت محصول می گیرند.



lab

آزمایشگاه

A **lab** is a place for studying and watching experiments.

آزمایشگاه مکانی برای مطالعه و مشاهده آزمایشات است.

ladder

نردبان

A **ladder** is a set of steps that lets you climb up to and down from tall places.

A firefighter uses a **ladder** to reach a high building.

نردبان تعدادی پله است که با کمک آن می‌توانید از مکان‌های بلند بالا و پایین بروید.

مامور مأمور آتش‌نشانی از نردبان استفاده می‌کند تا به بالای ساختمانی بلند برسد.



lady

(ladies)

A **lady** is a woman.

خانم، بانو

بانو عنوانی برای یک زن است.

ladybug

کفش دوزک

A **ladybug** is a small, round insect that flies.

A **ladybug** is often red with black spots.

کفش دوزک حشره کوچک و گردی است که پرواز می‌کند. کفش دوزک اغلب قرمز است و خال‌های سیاه رنگی دارد.



lake

دریاچه

A **lake** is a lot of water with land all around it.

دریاچه مقدار آب زیادی است که دورتادور آن را خشکی گرفته است.



lamb

بره

A **lamb** is a baby sheep.

A **lamb** has soft white or black wool.

بره بچه گوسفند است. بره پشم نرم سفید یا سیاه دارد.



lamp

چراغ

A **lamp** lights up a dark place.

A switch turns on the lightbulb in the **lamp**.

چراغ جای تاریک را روشن می‌کند. دکمه‌ای حباب داخل چراغ را روشن می‌نماید.



land

(lands, landed, landing)

1. When something **lands**, it comes down from the air onto the ground. A bird **lands** on the grass.

2. **Land** is the part of Earth not covered by water.

۱- فرود آمدن، به زمین نشستن. هنگامی که چیزی فرود می‌آید، از هوا پایین می‌آید و روی زمین می‌نشیند.

پرنده بر روی علف‌ها فرود می‌آید.

۲- خشکی. خشکی بخشی از زمین است که با آب پوشیده نشده باشد.

lap

روی پا

The lady put a blanket across her **lap**.

آن خانم پتویی را روی پایش انداخت.

large-leap

large

(larger, largest)

Someone or something that is **large** is very big.

A dinosaur was a **large** animal.

شخص یا چیزی عظیم است که بسیار بزرگ باشد.
دایناسور حیوان عظیم الجثه‌ای بود.

last

۱ - آخر.

The horse came in **last** in the race.

آن اسب در مسابقه آخر شد.

۲ - گذشته.

The girl went to bed late **last** night.

آن دختر شب گذشته دیر به رختخواب رفت.

late

(later, latest)

If you arrive some place after the time you were supposed to arrive there, you are **late**.

اگر به مکانی بعد از زمانی که قرار بود، برسید دیر کرده‌اید.

later

You can eat your lunch **later**.

می‌توانی نهارت را بعداً بخوری.



بعداً - دیرتر

laugh

(laughs, laughed, laughing)

When you **laugh**, you make sounds that show you think something funny is happening.

هنگامی که می‌خندید، با صدای خنده نشان می‌دهید که چیز جالبی اتفاق افتاده است.

خندیدن

laundry

Laundry is the dirty clothes that need to be washed.

لباس‌های شستنی لباس‌های کثیفی هستند که احتیاج به شستشو دارند.

لباس‌های شستنی

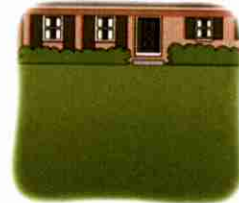


lawn

چمن

A **lawn** is a grassy area around houses or in a park.

چمن منطقه پر علفی در اطراف خانه‌ها یا در یک پارک می‌باشد.



lay

(lays, laid, laying)

1. The girl **laid** the doll on her bed.

2. Chickens and birds **lay** eggs.

۱ - گذاشتن.

آن دختر عروسک را بر روی تختش گذاشت.

۲ - تخم گذاشتن. مرغ‌ها و پرندگان تخم می‌گذارند.

lead

(leads, led, leading)

1. If you **lead** someone, you go in front to show the way. *The teacher **leads** the children in the line.* 2. **Lead** is a very heavy, gray metal.

۱ - راهنمایی کردن. اگر کسی را راهنمایی نمایید، جلوتر از او حرکت می‌کنید تا راه را نشان دهید.

معلم بچه‌ها را در صف راهنمایی می‌کند.

۲ - سرب. سرب فلزی خاکستری و بسیار سنگین است.

leaf

(leaves)

A **leaf** is a thin, flat part that grows on a plant.

Usually, green **leaves** make the food the plant needs.

برگ بخش نازک و صافی است که روی گیاه رشد می‌کند. معمولاً برگ‌های سبز غذای مورد احتیاج گیاه را تهیه می‌کنند.



leap

(leaps, leaped, leaping)

When you **leap** over something, you take a big jump over it with your feet.

هنگام پریدن از روی چیزی، با پایتان پرش بزرگی از روی آن انجام می‌دهید.

پریدن

learn

(learns, learned, learning)

When you **learn** about something, you find out things you did not know before.

وقتی چیزی را می آموزید، با چیزهایی که قبلاً نمی دانستید، آشنا می شوید.

least

کمترین

The **least** means the smallest amount of something.

کمترین یعنی کوچکترین مقدار از چیزی.

leave

(leaves, left, leaving)

1. When you **leave** a place, you go away from it. *You must **leave** your room to take a bath in the tub.*
2. If you **leave** something somewhere, you go away without it. *You **left** your backpack behind on the school bus.*

۱- ترک کردن. هنگامی که جایی را ترک می کنید، از آن مکان دور می شوید.

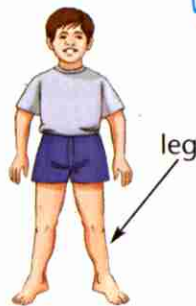
باید اتاق را ترک کنی و در وان حمام خودت را بشویی.

۲- جا گذاشتن. اگر چیزی را در جایی جا بگذاری، بدون آن می روی. کوله پشتی خود را در اتوبوس مدرسه جا گذاشتی.

leg

Your **leg** is the long part of your body that you stand and walk on.

پای شما درازترین بخش بدنتان می باشد که بر روی آن می ایستید و راه می روید.



lemon

لیمو

A **lemon** is a yellow fruit with a thick skin. The juice of the **lemon** tastes sour.

لیمو میوه ای زردرنگ است که پوست ضخیمی دارد. آب لیمو ترش مزه است



lemonade

آب لیمو، لیموناد

Lemonade is a drink people make with lemon juice, sugar, and water.

Lemonade tastes sweet and sour!

لیموناد نوعی نوشیدنی است که مردم با شکر، آب و آب لیمو درست می کنند. لیموناد مزه ترش و شیرینی دارد!



lend

قرض دادن

(lends, lent, lending)

If you **lend** someone something, you give it to them to use for a time, and then they give it back to you. I will **lend** you my sweater until you get warm.

اگر چیزی را به کسی قرض می دهید، آن را برای مدتی به آن فرد می دهید آن شخص آن را بعداً به شما پس می دهد. ژاکت من را تا وقتی که گرم شوی به تو قرض می دهم.

leopard

پلنگ

A **leopard** is a large wild cat with spots in its fur. A leopard runs very fast.

پلنگ گربه وحشی بزرگی است که خالهایی بر روی موهای بدنش قرار دارد. پلنگ بسیار تند می دود.



less

کمتر

Less means not as much of something. The boy prefers **less** milk.

کمتر یعنی نه به اندازه چیزی دیگر. آن پسر شیر کمتری را ترجیح می دهد.

let

اجازه دادن

(lets, let, letting)

Your parents **let** you sleep over at your friend's house. والدین شما اجازه می دهند که در خانه دوستان بخواهید.

letter

1. A **letter** is a special mark that you use to write words. *The **letters** C, A, and T spell cat.* 2. A **letter** is a note you write on paper to send to someone.

۱- حرف. حرف علامت خاصی است که برای نوشتن لغات استفاده می کنید. حروف C، A و T کلمه CAT را می سازند.

۲- نامه. نامه نوشته ای است که بر روی کاغذ می نویسید و برای شخصی می فرستید.

lettuce-light

lettuce

Lettuce is a vegetable with big green leaves. Many salads are made with lettuce leaves.

کاهو گیاهی است که برگ‌های سبز بزرگی دارد.

بسیاری از سالادها با برگ‌های کاهو تهیه می‌شوند.



کاهو

library

(libraries)

A **library** is a place where books are kept.

People can borrow books from the public **library**.

کتابخانه مکانی است که در آن کتاب نگهداری می‌شود. مردم می‌توانند از کتابخانه عمومی کتاب قرض بگیرند.

کتابخانه

lick

(licks, licked, licking)

The girl **licked** the ice cream cone.

آن دختر بستنی قیفی خود را لیس زد.

لیس زدن

lid

A **lid** is the top part of a box, can, or jar.

You can open and shut a **lid**.



سر قسمت بالای یک جعبه، قوطی یا شیشه است. می‌توانید سر را باز یا بسته کنید.

سر، در

lie

(lies, lay, lain, lied, lying)

The baby **lies** down in the crib.

نوزاد در تختش دراز کشیده است.

۱- دراز کشیدن.

۲- دروغ گفتن.

I **lied** when I said I was as tall as a house.

وقتی که گفتم به اندازه یک خانه بلند قد هستم، دروغ گفتم.

life

(lives)

Some people say a cat has nine **lives**.

بعضی از مردم می‌گویند که گربه نه تا جان دارد.

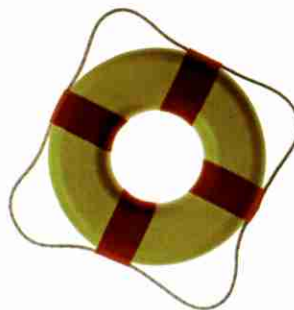
زندگی، عمر

life preserver

وسیله نجات

A **life preserver** is a floating device that keeps you from sinking in deep water. Some **life preservers** are rings. You can wear other **life preservers** as vests or belts.

وسیله نجات، وسیله‌ای است که بر روی آب شناور می‌شود و جلوی غرق شدن شما را در آب عمیق می‌گیرد. بعضی از وسایل نجات حلقه‌ای هستند. شما می‌توانید از وسایل نجات دیگری نظیر جلیقه یا کمربند استفاده کنید.



lift

(lifts, lifted, lifting)

You **lift** up your little brother so he can see above the table.

شما برادر کوچک‌تان را بلند می‌کنید تا بتواند بالای میز را ببیند.

بلند کردن

light

(lights, lit, lighting)

1. When you **light** something, you make it burn. *They lit the birthday candles.* 2. **Light** comes from the sun, lamps, and candles and helps you see. 3. If a color is **light**, it is not very dark. *Pink is a light color.* 4. If something is a **light**, it is not heavy, and it is easy to lift. *A balloon is very light.*

۱- روشن کردن.

آن‌ها شمع‌های تولد را روشن کردند.

۲- نور. نور از خورشید، لامپ و شمع می‌آید و کمک می‌کند ببینید.

۳- روشن. اگر رنگی روشن است، زیاد تیره نیست.

صورتی رنگ روشنی است.

۴- سبک. اگر چیزی سبک است، سنگین نیست و به آسانی می‌توان آن را بلند کرد.

بادکنک بسیار سبک است.

lightbulb

لامپ

A **lightbulb** is the part of a lamp that makes light. A **lightbulb** is made out of glass with wires inside.

لامپ بخشی از چراغ می باشد که روشنایی ایجاد می کند. لامپ از شیشه ای ساخته شده که داخل آن سیم هایی وجود دارد.

**lightning**

رعد و برق، آذرخش

Lightning is a bright flash of light and electricity you see in the sky when there is a thunderstorm. Sometimes **lightning** hits the ground.

آذرخش نور روشنی حاصل از برق و الکتریسیته است که هنگام توفان در آسمان می بینید. بعضی اوقات آذرخش به زمین برخورد می کنند.

**like**

(likes, liked, liking)

If you **like** something, you enjoy it. *I like eating pizza. 2. His hat looks like his brother's hat.*

۱- دوست داشتن. اگر چیزی را دوست دارید، از آن لذت می برید.
پیتزا خوردن را دوست دارم.
۲- مانند، شبیه. کلاه او شبیه کلاه برادرش است.

likely

شاید، احتمال

I see lightning, so it will **likely** rain.

رعد و برق را می بینم، بنابراین احتمال دارد که باران بیارد.

lily

گل سوسن

(lilies)

A **lily** is a plant that grows from a big bulb in the ground. **Lilies** have beautiful funnel-shape, sweet-smelling flowers.

گل سوسن گیاهی است که از پیاز بزرگی در داخل زمین رشد می کند. سوسن ها به شکل قیف زیبایی هستند و بوی خوبی دارند.

lime

لیمو ترش

A **lime** is a sour-tasting, green fruit.

لیمو ترش میوه سبز رنگی است که طعم ترشی دارد.

**line**

۱- خط.

The child drew a **line** on a paper with his pencil.

بچه با مدادش خطی بر روی کاغذ کشید.

۲- صف، ردیف.

The children walk to the lunchroom in a **line**.

بچه ها به صف به سمت غذاخوری می روند.

lion

شیر

A **lion** is a big wild animal in the cat family with light brown fur and a long tail. The male **lion** has thick hair around its head called a mane.

شیر حیوان وحشی بزرگی از خانواده گربه سانان است که موی بدنش قهوه ای روشن است و دم بلندی دارد. شیر نر موی پرپشتی دور سرش دارد که یال نامیده می شود.

**lip**

لب

You make a curve with your **lips** when you smile.

هنگامی که لبخند می زنید با لب های خود یک منحنی می سازید.

list

لیست، فهرست

A **list** has words written down one after the other! *Dad made a grocery list.*

در فهرست کلمات یکی بعد از دیگری نوشته شده اند.

پدر فهرستی از خواربار تهیه کرد.

listen-long

listen

(listens, listened, listening)

When you **listen** to someone, you try to hear what s/he is saying. *He **listened** on the telephone.*

وقتی که به کسی گوش می دهید، سعی می کنید آن چه را که می گوید بشنوید. او به تلفن گوش داد.

little

(littler, littlest)

A ladybug is a **little** beetle.

کفش دوزک سوسک کوچکی است.

live

(lives, lived, living)

1. If someone or something **lives**, that person or thing is alive. *The cat eats mice to **live**.* 2. If you **live** some where, that is where your home is. *Grandma and Grandpa **live** by the lake.*

۱- زنده ماندن.

گربه برای زنده ماندن موش می خورد.

۲- زندگی کردن. اگر جایی زندگی کنید یعنی آن جا خانه شما است. ماما بزرگ و بابا بزرگ کنار دریاچه زندگی می کنند.

living

زنده

The baby bunny is breathing, so it is **living**.

بچه خرگوش نفس می کشد، بنابراین زنده است.

lizard

مارمولک

A **lizard** is a small, scaly animal with a long body and a long tail. A **lizard** uses its long tongue to catch and eat flies.

مارمولک حیوان کوچکی است که پوست پولک دار و بدن و دم دراز دارد. مارمولک از زبان بلند خود برای گرفتن و خوردن مگس ها استفاده می کند.

llama

لاما

A **llama** is a large animal with soft wool. Some **llamas** carry things for people in the mountains.

لاما حیوان بزرگی است که پشم نرمی دارد. بعضی از لاماها برای مردم در کوهستان بار حمل می کنند.



گوش دادن

lobster

خرچنگ دراز

A **lobster** has a hard shell and two large claws and lives in the ocean.

When cooked, **lobsters** turn red.

خرچنگ دراز پوسته سخت و دو چنگال بزرگ دارد و در اقیانوس زندگی می کند. هنگام پختن شدن، خرچنگ های دراز قرمز رنگ می شوند.



lock

(locks, locked, locking)

1. If you **lock** something, you keep it fastened. 2. A **lock** is something that keeps doors shut. You can open a **lock** with a key.

۱- قفل کردن. اگر چیزی را قفل کنید، آن را بسته نگه می دارید.

۲- قفل. قفل چیزی است که در را بسته نگه می دارد. می توانید قفل را با کلید باز کنید.



log

کنده درخت

A **log** is a long piece of wood cut from the trunk of a tree. Some **logs** are burned in fireplaces.

کنده درخت قطعه چوب بلندی است که از تنه درخت بریده شده است. بعضی از آن ها را برای سوختن در شومینه می اندازند.



lollipop

آبنبات چوبی

A **lollipop** is sweet, colorful candy on a stick that you lick with your tongue.

آبنبات چوبی آبنباتی شیرین و رنگی است که بر روی چوبی قرار دارد. شما آن را با زبان خود لیس می زنید.



long

(longer, longest)

۱- دراز، بلند.

A lion has a **long** tail.

شیر دم درازی دارد. ۲- طولانی.

Nights seems to last for a **long** time.

شب ها بسیار طولانی به نظر می رسند.

look

(looks, looked, looking)

You **look** with your eyes to see something.

با چشمان خود نگاه می کنید تا چیزی را ببینید.

lose

(loses, lost, losing)

1. If you **lose** something, you cannot find it. The dog lost its bone. 2. When you **lose** a game, you do not win it. Dad **lost** the chess game.

- ۱- گم کردن. اگر چیزی را گم کنید، نمی توانید آن را پیدا کنید.
- سگ استخوانش را گم کرد.
- ۲- شکست خوردن، بازنده شدن.
- پدر بازی شطرنج را باخت.

loud

(louder, loudest)

A drum is a **loud** instrument.

طبل نوعی وسیله موسیقی است که صدای بلندی دارد.

love

(loves, loved, loving)

I **love** my baby sister and give her lots of hugs.

من عاشق خواهر نوزادم هستم و او را زیاد بغل می کنم.



lovely

(lovelier, loveliest)

When something is **lovely**, it is very beautiful.

*It is a **lovely** sunset.*

وقتی که چیزی دوست داشتنی باشد، بسیار زیبا و دلنشین است.
غروب قشنگی است.

low

(lower, lowest)

If something is **low**, it is near the ground.

اگر چیزی پایین باشد، نزدیک به زمین است.

پایین

luck

Luck is when something good or bad happens by chance. *I hope you have good **luck** winning the prize.*

شانس هنگامی است که چیزی خوب یا بد به طور اتفاقی پیش آید.
امیدوارم که شانس خوبی در بردن جایزه داشته باشی.

lucky

(luckier, luckiest)

If you are **lucky**, something good has happened or will happen to make you *happy*. *You were very **lucky** to find that five-dollar bill!*

اگر خوش شانس باشید، چیزی خوب برایتان اتفاق افتاده یا خواهد افتاد که شما را خوش حال می سازد.
خیلی خوش شانس بودی که آن پنج دلاری را پیدا کردی!

lumber

Wood that is used to build things is called **lumber**.

چوبی که با آن چیزهایی را می سازند، الوار نام دارد.

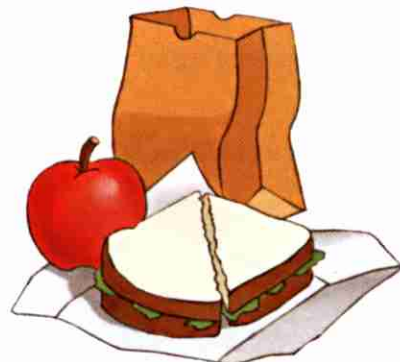


lunch

(lunches)

Lunch is a meal people eat in the middle of the day. *You can carry your **lunch** to school.*

ناهار غذای است که مردم در میان روز می خورند.
می توانی ناهارت را به مدرسه ببری.



look-lunch

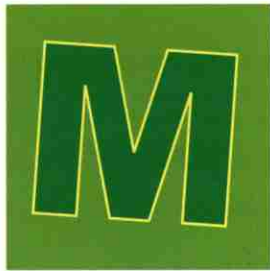
شانس

خوش شانس

الوار

ناهار

A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z



machine

ماشین، دستگاه

A **machine** is something with parts that move together to do a job, such as a car or bicycle.

دستگاه چیزی مانند خودرو یا دوچرخه است دارای قسمت‌هایی که با یکدیگر حرکت می‌کنند و کاری را انجام می‌دهند.

mad

عصبانی، خشمگین

(madder, maddest)

I am very **mad** that my friend knocked down my blocks.

من خیلی عصبانی هستم که دوستم لگوهای اسباب بازی من را به زمین ریخت.

magic

جادو

Magic is a special way to do tricks that makes impossible things look real.

جادو راه خاصی است که با زدن حقه‌هایی باعث می‌شود که کارهای غیر ممکن واقعی بنظر برسند.

magician

شعبده باز

A **magician** is a person who does magic tricks.

A **magician** may wear a black cape and wave a wand. شعبده باز کسی است که حقه‌های جادویی به کار می‌برد. شعبده باز ممکن است شل سیاه بپوشد و چوب شعبده بازی‌اش را تکان بدهد.

magnet

آهن ربا

A **magnet** is a piece of metal that other metals stick to.

آهن ربا قطعه فلزی است که فلزهای دیگر را به خود جذب می‌کند.



magnifying glass

ذره بین

A **magnifying glass** is a glass lens that makes small things look bigger when you look through it.

ذره بین عدسی شیشه‌ای است که هنگام نگاه کردن با آن اجسام را بزرگتر نشان می‌دهد.



mail

نامه، محموله پستی

The **mail** is letters and packages that you send to or get from other people. You can get your **mail** at the post office.

محموله پستی، نامه‌ها و بسته‌هایی است که می‌گیرید یا برای دیگران می‌فرستید. شما می‌توانید مرسوله خود را از اداره پست دریافت کنید.



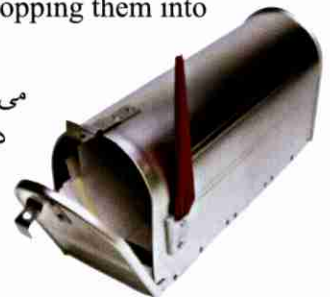
mailbox

صندوق پستی

(mailboxes)

You can mail letters by dropping them into a **mailbox** on the street.

می‌توانید نامه‌ها را با انداختن آن‌ها به در داخل صندوق پستی واقع در خیابان پست کنید.



make

ساختن

(makes, made, making)

You can **make** a cake by mixing flour, eggs and sugar.

با مخلوط کردن آرد، تخم مرغ و شکر می‌توانید کیک درست کنید.

makeup

Lipstick is a kind of **makeup**.

ماتیک نوعی از لوازم آرایشی است.



آرایش، لوازم آرایشی

mall

A **mall** is a place with a lot of stores where people go shopping.

مرکز خرید مکانی است که فروشگاه‌های زیادی دارد و مردم در آنجا خرید می‌کنند.

مرکز خرید

man

(men)

My daddy is a **man**.

پدرم یک مرد است.

مرد

mango

(mangoes)

A **mango** is a yellowish- red fruit that tastes sweet and juicy.

انبه میوه قرمز مایل به زردی است که آبدار بوده، طعم شیرینی دارد.

انبه

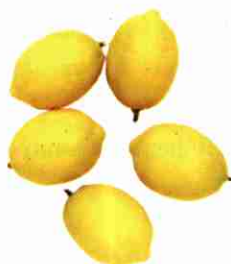
**many**

(more, most)

Many ants came to our picnic.

مورچه‌های زیادی وارد غذای گردش ما شدند.

بسیار

**map**

نقشه

A **map** is a drawing that shows you where different places are, like towns, rivers, and roads.

نقشه طرحی است که به شما نشان می‌دهد که مکان‌های مختلف مانند شهرها، رودخانه‌ها و جاده‌ها کجا قرار دارند.

**marble**

تبله

A **marble** is a small glass ball used in games.

Marbles come in many pretty colors.

تبله توپ شیشه‌ای کوچکی است که در بازی‌ها از آن استفاده می‌شود. تبله‌ها به رنگ‌های زیبای بسیاری وجود دارند.

**march**

رژه رفتن

(marches, marched, marching)

People **march** together by taking the same size steps at the same time.

افراد هنگام رژه رفتن، همزمان قدم‌هایی برابر با یکدیگر برمی‌دارند.

March

ماه مارس

March is the third month of the year.

St. Patrick's Day is always **March** 17.

مارس سومین ماه سال میلادی است.

روز سنت پاتریک همیشه در ۱۷ مارس واقع می‌شود.

mark

علامت، نشان

A **mark** is a spot or line left on something.

علامت، نقطه یا خطی است که بر روی چیزی برجای می‌ماند.

marker

ماژیک

A **marker** is a colored pen that is used for writing or drawing on paper.

ماژیک قلمی رنگی است که برای نقاشی یا طراحی بر روی کاغذ استفاده می‌شود.



marry-may

marry

(marries, married, marrying)

When a man and a woman **marry**, they become husband and wife.

هنگامی که زن و مردی ازدواج می کنند، زن و شوهر می شوند.

Mars

سیاره مریخ ، بهرام

Mars, called the red planet, is a little more than half the size of Earth. **Mars** is the fourth planet from the Sun in the solar system.

مریخ به سیاره سرخ معروف است و کمی بزرگتر از نیمی از زمین است. مریخ چهارمین سیاره نسبت به خورشید در منظومه شمسی است.



marshmallow

مارشمالو

A **marshmallow** is a soft, white food. People roast **marshmallows** over campfires.

مارشمالو ماده غذایی نرم و سفیدی می باشد. مردم مارشمالو را هنگام اردو روی آتش کباب می کنند.



mask

ماسک

A **mask** is something you wear over your face to hide it or protect it. People wear **masks** to look like something else at Halloween.

ماسک چیزی است که بر روی صورت خود می گذارید تا صورتتان را پنهان کنید یا از آن مراقبت نمایید. مردم در جشن هالووین ماسک می گذارند تا شبیه چیزهای دیگری شوند.



mat

زیر پایی ، پادری

A **mat** is a small rug. We put a welcome **mat** near the front door for people to wipe their feet on.



پادری فرش کوچکی است. ما پادری را نزدیک جلوی در می گذاریم تا افراد پای خود را روی آن پاک کنند.

match

(matches, matched, matching)

1. If things **match**, they are alike in some way. The brown socks **match** the brown shoes. 2. A **match** is a thin stick you strike to make a fire. 3. A **match** is a game between two players or teams. The blue team won the soccer **match**.

۱- جور بودن ، همانند بودن.

جوراب های قهوه ای با کفش های قهوه ای جور هستند.

۲- چوب کبریت. چوب باریک و نازکی است که با روشن کردن آن آتش ایجاد می کنید.

۳- مسابقه. مسابقه بازی بین دو بازیکن یا دو تیم است. تیم آبی مسابقه فوتبال را برد.

math

ریاضی

People learn about numbers when they study **math**. You use your **math** skills when you count and add numbers together.

مردم هنگام مطالعه ریاضی درباره اعداد چیزی می آموزند. هنگام شمارش و جمع بستن اعداد با یکدیگر از مهارت ریاضی خود استفاده می کنید.

matter

اهمیت داشتن

(matters, mattered, mattering)

If something **matters**, it is important to you, *It really **matters** that I learn these spelling words.*

اگر چیزی اهمیت داشته باشد، برایتان مهم است.

حقیقتاً یادگیری املاي این کلمات برایم اهمیت دارد.

may

۱- ممکن بودن.

It **may** snow today.

امروز ممکن است برف بیارد.

۲- اجازه داشتن.

Mother says I **may** walk to the store.

مادر می گوید که اجازه دارم پیاده به فروشگاه بروم.

May

ماه می

May is the fifth month of the year.

On **May Day**, children often dance around the maypole.

می پنجمین ماه سال میلادی است. در روز اول می یا جشن بهارچه‌ها دور میله‌ای که با آن گل و روبان زینت شده است، می‌رقصند.

maybe

شاید

Maybe you will be able to go swimming today if it stops raining.

در صورت قطع باران شاید بتوانی امروز شنا بروی.

me

به من، من را

Please give the jump rope to **me**.

لطفاً طناب بازی را به من بده.

mean

(means, meant, meaning)

1. If you say what something **means**, you explain it. If we put on our pajamas, this **means** it is almost time for bed 2. I **mean** to return your book. 3. If someone is **mean**, he is not very nice. That **mean** child hit me.

۱- معنی کردن. اگر معنی چیزی را بگویید، درباره‌اش توضیح داده‌اید. اگر لباس خوابمان را بپوشیم، به این معنی است که تقریباً وقت خواب می‌باشد.

۲- خواستن، قصد داشتن.

می‌خواهم کتابت را پس دهم.

۳- بدجنس، بد. اگر کسی بدجنس باشد، آدم خوبی نیست. آن بچه بدجنس من را زد.

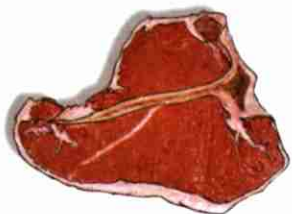
meat

گوشت

Meat is a food that comes from animals.

گوشت نوعی ماده غذایی است که از

حیوانات تهیه می‌شود.



medicine

دارو

Medicine is something, like a pill or a shot, that a doctor gives to sick people to make them better.

دارو چیزی مانند قرص یا آمپول است که دکتر به مریض می‌دهد تا بهتر شود.



meet

ملاقات کردن

(meets, met, meeting)

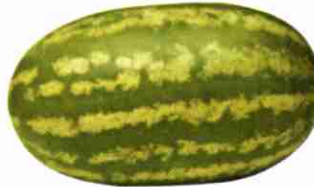
When you **meet** somebody, you both get together at the same place at the same time.

هنگام **ملاقات** با کسی، هر دوی شما در یک زمان و یک مکان یکدیگر را می‌بینید.

Watermelon

Watermelon is a sweet, juicy fruit with pink or red flesh and black seeds.

هندوانه میوه شیرین و آبداری است که داخلش صورتی یا قرمز است و دانه‌های سیاه رنگی دارد.



menorah

منورا

A **menorah** is a special candlestick that holds candles to help celebrate the Jewish holiday Hanukkah.

منورا شمعدان ویژه‌ای است که در آن شمع می‌گذارند و از آن در جشن هانوکای یهودیان استفاده می‌کنند.



Mercury

سیاره عطارد، تیر

Mercury is the smallest planet in the solar system.

Mercury is the closest planet to the Sun.

تیر کوچکترین سیاره منظومه شمسی است. تیر نزدیک‌ترین سیاره به خورشید است.

mermaid-milk shake

mermaid

پری دریایی

A **mermaid**, with a female's body and a fish's tail, lives in the ocean in books and movies.

Mermaids are make believe.

در کتاب‌ها و فیلم‌ها، پری دریایی به شکل زنی با دم ماهی است.
پری‌های دریایی موجوداتی تخیلی هستند.

mess

نامرتب، به هم ریخته

(messes)

A **mess** is when things are not where they belong. Your desk is a **mess** when your homework is all over it.

به هم ریختگی هنگامی است که چیزها در جایی که تعلق دارند، نباشند.
هنگامی که تکالیف روی میز تحریر پراکنده باشند، میز نامرتب و به هم ریخته است.

message

پیغام، پیام

(message)

A **message** is words that you send or leave when you cannot speak to a person. Write a **message** for the babysitter.

پیغام کلماتی است که هنگامی که نمی‌توانید با فردی صحبت کنید برای او فرستاده یا می‌گذارید.
پیغامی برای پرستار بچه بنویس.

metal

فلز

Metal is something hard that comes out of the ground such as gold, silver, and iron. **Metal** is used to make jewelry, cars, and many other machines.

فلز ماده سخت و محکمی مانند طلا، نقره و آهن است که از زمین استخراج می‌شود. جواهرات، خودرو و دستگاه‌های بسیار دیگری از فلز ساخته می‌شود.

microphone

میکروفن

You can talk or sing into a **microphone** to make sounds louder.

می‌توانید با استفاده از میکروفون صحبت کنید یا آواز بخوانید تا صدایتان بلندتر شود.



microscope

میکروسکوپ

A **microscope** is an instrument that you look through to make very tiny things appear bigger.

میکروسکوپ وسیله‌ای است که نگاه کردن با آن باعث می‌شود اجسام بسیار ریز بزرگتر بنظر بیایند.



middle

وسط، میان

The bird sits right in the **middle** of its cage.

پرندۀ درست وسط قفسش می‌نشیند.

might

امکان داشتن

I **might** go to the movies tonight.

امکان دارد امشب سینما بروم.

mile

مایل

مایل واحد اندازه‌گیری طول و معادل ۱۶۰۹ متر می‌باشد.

It is five **miles** down the road to the nearest library.
از پایین جاده تا نزدیکترین کتابخانه پنج مایل راه است.

milk

شیر

Milk is a white liquid that is good for you to drink. Babies drink **milk** from their mother or from cows.

شیر مایع سفیدی است که نوشیدن آن برای سلامتی شما مفید است. نوزادان از شیر مادر خود یا شیر گاو تغذیه می‌نمایند.



milk shake

میلک شیک

A **milk shake** is a sweet drink made by mixing milk and ice cream. **Milk shakes** are made in flavors, such as chocolate and strawberry.

میلک شیک نوشیدنی شیرینی است که با مخلوط نمودن شیر و بستنی درست می‌شود. میلک شیک با طعم‌هایی مانند شکلات و توت فرنگی تهیه می‌شود.

mind

(minds, minded, minding)

1. I **mind** that you are bothering me. 2. To **mind** means to do what someone, like your parent, tells to do. 3. you think with your **mind**.

۱- ناراحت شدن.

از این که مزاحم من می شوی، ناراحت می شوم.

۲- اهمیت دادن. اهمیت دادن یعنی انجام آن چیزی که شخصی مانند پدر یا مادرتان، به شما می گوید تا انجام دهید.

۳- ذهن. با ذهن خود فکر می کنید.

minute

دقیقه



A **minute** is a short amount of time. There are 60 **minutes** in one hour.

دقیقه مدت زمان کوتاهی است. یک ساعت ۶۰ دقیقه است.

mirror

آینه



A **mirror** is a special glass that reflects an image. You look into the **mirror** to see yourself.

آینه شیشه خاصی است که تصویری را منعکس می کند. شما به آینه نگاه می کنید تا خود را ببینید.

miss

(misses, missed, missing)

If you **miss** somebody, you are sad because you aren't with him.

۱- از دست دادن.

۲- دلتنگ شدن. اگر برای کسی دلتنگ می شوید، ناراحت هستید که با او نیستید.

mistake

اشتباه

If you make a **mistake**, you do something wrong. I left the ice cream out of the freezer and let it melt by **mistake**.

اگر اشتباهی کنید، کار خطایی انجام می دهید.

اشتباه کردم بستنی را بیرون از یخچال گذاشتم و بستنی آب شد.

mitten

دستکش یک انگشتی

A **mitten** keeps your hand warm. A **mitten** has one place for your thumb and another space for all your fingers together



دستکش یک انگشتی دست های شما را گرم نگه می دارد. دستکش یک انگشتی جایی برای انگشت شست و جای دیگر برای تمام انگشتان شما دارد.

mix

مخلوط کردن

(mixes, mixed, mixing)

You **mix** things together when you stir them up to make something new. You make a milk shake when you **mix** milk and ice cream.

هنگامی که مواد را با یکدیگر مخلوط می کنید، آن ها را هم می زنید تا چیز تازه ای بسازید. شما با مخلوط کردن شیر و بستنی میلک شیک می سازید.

mixer

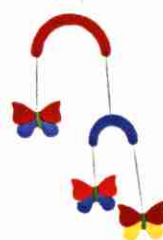
1. A **mixer** is a big truck that mixes cement. The drum on a **mixer** turns and pours the cement inside it to the ground. 2. A **mixer** is a tool used in the kitchen to mix ingredients. The cook used a **mixer** to mix the pancake batter.

۱- مخلوط کن صنعتی. مخلوط کن صنعتی ماشین بزرگی است که سیمان را مخلوط می کند. استوانه مخلوط کن می چرخد و سیمان داخلش را بر روی زمین می ریزد.

۲- مخلوط کن آشپزخانه. مخلوط کن دستگاهی است که در آشپزخانه استفاده می شود و مواد غذایی را مخلوط می کند. آشپز با استفاده از مخلوط کن کره پنکیک را هم می زند.

mobile

آویز تخت بچه



A **mobile** is a toy that hangs over a baby's bed. The **mobile** moves and turns while the baby watches.

آویز نوعی اسباب بازی است که بالای تخت نوزاد آویخته می شود. آویز حرکت می کند و می چرخد و نوزاد سرگرم نگاه کردن به آن می شود.

model

مدل، ماکت

The children built a **model** of a train.

بچه ها ماکت یک قطار را ساختند.

moment-motor

moment

moment is a short amount of time.

لحظه مدت زمان کوتاهی است.

لحظه

Monday

Monday is the first day of the week after the weekend.

دوشنبه اولین روز هفته تقویم میلادی بعد از تعطیلات آخر هفته است.

دوشنبه

money

You use **money**, like coins and bills, to pay for things you buy.

شما از پول مانند سکه و اسکناس برای پرداخت چیزهایی که می خرید، استفاده می کنید.

پول



monkey

A **monkey** is an animal with long arms and legs and a long tail. **Monkeys** are good at climbing trees.

میمون حیوانی با دست، پا و دم دراز است. میمون ها در بالا رفتن از درختان مهارت دارند.

میمون



monster

A **monster** is a big scary creature in books and movies.

هیولا موجود بزرگ و ترسناک کتاب ها و فیلم ها است.

هیولا



month

A **month**, like January, is part of the year. There are 12 **months** in a year.

یک ماه (مانند ژانویه) بخشی از سال است. در سال ۱۲ ماه وجود دارد.

ماه

moon

The **moon** is the big bright light that you see in the sky at night. The **moon** travels around Earth about once a month.

ماه نور روشن و بزرگی است که شب هنگام در آسمان می بینید. کره ماه یک بار در ماه به دور زمین می چرخد.

کره ماه

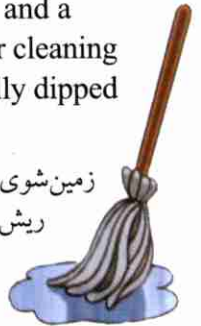


mop

A **mop** is a tool with a long handle and a sponge or long stringy head used for cleaning floors. The head of the **mop** is usually dipped in water.

زمین شوی وسیله ای با دسته بلند و سری اسفنجی یا بانج های ریش ریش بلندی است که با استفاده از آن زمین را تمیز می کنیم. سر زمین شوی را معمولاً در آب فرو می کنیم.

زمین شوی



more

His pants have **more** pockets than mine.

تعداد جیب های شلوار او بیشتر از جیب های شلوار من است.

بیشتر

morning

The **morning** is the early part of the day before noon.

صبح اولین بخش روز قبل از ظهر می باشد.

صبح

most

Most means the biggest number or amount.

I have the **most** popcorn!

بیشترین یعنی بزرگترین عدد یا مقدار است. بیشترین مقدار ذرت بوداده را دارم!

بیشترین

mother

My **mother** is a wonderful cook.

مادر من آشپز فوق العاده ای است.

مادر

motor

A **motor** is a machine that makes things go. The **motor** inside of a car makes it run.

موتور دستگاهی است که باعث حرکت چیزها می شود. موتور داخل خودرو باعث حرکت آن می شود.

موتور

motorcycle

موتور سیکلت

A **motorcycle** is a big bicycle with an engine. One or two people can ride a **motorcycle**, and it can go as fast as a car.

موتور سیکلت دوچرخه بزرگی دارای موتور است. یک یا دو سرنشین می‌توانند سوار موتور شوند و می‌تواند به سرعت خودرو حرکت کند.



move

حرکت کردن

(moves, moved, moving)

To **move** means to go from one place to another.

حرکت کردن به معنای رفتن از مکانی به مکان دیگر است.

mover

باربر

A **mover** is someone who brings your things, like furniture, into a new house or an office.

باربر فردی است که چیزهای شما را مانند مبلمان و وسایل منزل به خانه یا محل کار جدید می‌آورد.



movie

فیلم

A **movie** is a story told with moving pictures on a big screen or a TV.

فیلم داستانی است که همراه با تصاویر متحرک بر روی صفحه بزرگ سینما یا تلویزیون بیان می‌شود.

much

بسیار، زیاد

The horse is eating **much** of the grass in the meadow.

آن اسب در حال خوردن علف زیادی در علفزار است.

mud

گل

Mud is soft, wet earth. The children make **mud** pies after the rain.

گل خاک خیس و نرم است. بچه‌ها بعد از باران با گل کلوچه‌های گلی می‌سازند.

muffin

مافین

A **muffin** is a small, sweet cake that people like to eat for breakfast. Some **muffins** have nuts or pieces of fruit inside.

مافین کیک کوچک و شیرینی است که مردم دوست دارند برای صبحانه آن را بخورند. داخل بعضی از مافین‌ها گردو، بادام یا میوه وجود دارد.



mountain

کوه

A **mountain** is a very high hill. The top of a **mountain**, called a peak, sometimes has snow on it.

کوه تپه بسیار بلندی است. بالای کوه قله نامیده می‌شود که گاهی پوشیده از برف است.

mouse

(mice)



1. A **mouse** is a small, furry animal with a long, thin tail and sharp teeth. A **mouse** lives in a forest, a field, or a house. 2. A **mouse** is a small piece of equipment you use to move things around a computer screen.

۱- موش. موش حیوان پشمالود کوچکی با دم نازک و بلند و دندان‌های تیز است. موش در جنگل، دشت یا خانه زندگی می‌کند.

۲- ماس و یا موشواره ماس وسیله کوچکی است که با استفاده از آن چیزهایی را در اطراف صفحه نمایشگر رایانه حرکت می‌دهید.

mouth

دهان

Your **mouth** is the part of your face that you use to talk and eat.

دهان بخشی از صورتتان است که با استفاده از آن صحبت می‌کنید و غذا می‌خورید.

mouth



mug-mystery

mug

لیوان دسته دار بزرگ (ماگ)

A **mug** is a big cup with a flat bottom and a handle. People drink coffee and hot cocoa from a **mug**.

ماگ لیوان بزرگی است که ته صاف و دسته دارد. مردم قهوه و کاکائوی داغ را داخل ماگ می نوشند.

multiply

ضرب کردن

(multiplies, multiplied, multiplying)

When you **multiply** a number, you add it to itself a certain number of times. Two **multiplied** by five is ten: $2 \times 5 = 10$. The sign to multiply is \times .

هنگام ضرب کردن یک عدد آن را به تعداد دفعات خاصی به خودش اضافه می کنیم. $2 \times 5 = 10$: علامت ضرب است.

mum

گل داودی

A **mum** is colorful flower that blooms in the fall of the year. **Mum** is short for chrysanthemum.



گل داودی گل رنگارنگی است که هنگام پاییز شکوفا می شود. mum خلاصه شده کلمه chrysanthemum (گل داودی) می باشد.

muscle

ماهیچه

A **muscle** is a body tissue that creates movement. The **muscles** around your mouth make you smile.

ماهیچه بافتی از بدن است که موجب حرکت می شود. ماهیچه های اطراف دهان شما باعث ایجاد لبخند می شوند.

mushroom

قارچ

A **mushroom** is a type of umbrella-shaped plant that grows in damp, dark places. You can eat some **mushrooms**, but other ones can make you sick.



قارچ نوعی گیاه چتری شکل است که در مکان های مرطوب و تاریک رشد می کند. می توانید بعضی از قارچ ها را بخورید ولی بعضی دیگر باعث بیماری می شوند.

music

موسیقی

Music is the sound that comes from playing an instrument, like a horn, or from singing with your voice.

موسیقی صدایی است که از نواختن وسیله ای مانند شیپور یا با خواندن ترانه ای با صدای خودتان ایجاد می شود.



must

باید

If you **must** do something, you need to or are commanded to do it. You **must** breathe to live.

اگر باید چیزی را انجام دهید، نیاز است یا به شما دستور داده شده است. که آن را انجام دهید. برای زنده ماندن باید نفس بکشید.

mustard

سس خردل

Mustard is a thick, spicy, yellow or brownish liquid food that people put on hot dogs or sandwiches.

سس خردل ماده غذایی مایع غلیظ و پر ادویه ای به رنگ زرد یا مایل به قهوه ای است که مردم بر روی هات داگ یا ساندویچ خود می ریزند.



my

مال من

That is **my** hot dog.

آن هات داگ من است.

mystery

معما، راز

(mysteries)

A **mystery** is something odd that happens that cannot be explained. How the tree fell down is a **mystery**.

معما، چیز عجیبی است که اتفاق می افتد و قابل توضیح نیست. این که چگونه این درخت بر روی زمین افتاد یک معما است.



nail

1. A **nail** is a short, pointy piece of metal that you hit on its head with a hammer to build something. Nails hold things together.

2. Your **nails** are the smooth, shiny, hard ends of your toes and fingers.



۱- میخ. میخ فلز کوتاه و نوک تیزی است که با چکش بر روی سر آن ضربه می‌زنید و چیزی را می‌سازید. میخ‌ها چیزها را کنار هم نگه می‌دارند.

۲- ناخن. ناخن قسمت صاف، براق و سختی است که در انتهای انگشتان پا و دست شما قرار دارد.

name

A **name** is what you call somebody or something.

نام چیزی است که کسی یا چیزی را می‌نامید.

nap

A **nap** is a short rest. A puppy takes several **naps** during the day.

چرت استراحتی کوتاه است.

توله سگ چندین بار در طول روز چرت می‌زند.



napkin

A **napkin** is a folded piece of cloth or paper that you use while you eat. People wipe their faces and hands with **napkins**.

دستمال تکه پارچه یا کاغذی تا شده است که در حال غذا خوردن از آن استفاده می‌کنید. مردم صورت و دست‌های خود را با دستمال خشک می‌کنند.



nature

Nature is everything on Earth that is not made by people.

آنچه بر روی زمین ساخته بشر نیست.

near

(nearer, nearest)

My neck is **near** my face.

گردن من نزدیک صورتم قرار دارد.

nearly

We are **nearly** home.

تقریباً به خانه رسیدیم.

neat

(neater, neatest)

If you are **neat**, you are not messy. When you brush your hair, it looks **neat**.

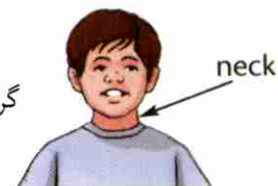
اگر تمیز باشید، نامرتب نیستید.

هنگامی که موهای خود را شانه کنید، مرتب به نظر می‌رسند.

neck

Your **neck** joins your sholders to your head.

گردن شما شانه را به سر وصل می‌کند.



necklace

A **necklace** is something pretty that people wear around their necks. A **necklace** is a string of shiny metal, beads, or jewels.

گردنبند وسیله زیبایی است که مردم آن را دور

گردن خود می‌اندازند. گردنبند رشته‌ای از فلز براق، مهره یا جواهر است.



need

(needs, needed, needing)

The baby **needs** milk.

نوزاد به شیر نیاز دارد.

needle-newspaper

needle

سوزن

1. A **needle** is a long, thin, sharp piece of metal used for sewing. There is a tiny hole in the top of the **needle** for thread to go through. 2. A **needle** is a thin, sharp, green leaf of a pine tree.



- ۱- سوزن قطعه‌ای فلز دراز، نازک و تیزی است که برای دوختن استفاده می‌شود. سوراخ کوچکی در قسمت بالای سوزن وجود دارد که نخ داخل آن می‌رود.
- ۲- برگ سوزنی. برگ سوزنی برگ نازک، تیز و سبز درخت کاج است.

neighbor

همسایه

A **neighbor** is someone who lives near you.

همسایه کسی است که در نزدیکی شما زندگی می‌کند.

Neptune

سیاره نپتون

Neptune is the eighth planet from the Sun. **Neptune** is the fourth largest planet in the solar system. Like Earth, **Neptune** orbits around the Sun.



نپتون هشتمین سیاره نسبت به خورشید می‌باشد. نپتون چهارمین سیاره از لحاظ اندازه در منظومه شمسی است. مانند زمین، نپتون هم به دور خورشید می‌گردد.

nest

لانه

A **nest** is a home that birds and some animals build for their young out of mud, straw, or sticks. Birds lay eggs in **nests**.

لانه خانه‌ای است که پرندگان و بعضی از حیوانات برای بچه‌های خود از گل، کاه یا چوب می‌سازند. پرندگان در لانه تخم می‌گذارند.



net

1. A **net** is pieces of string tied together with holes in between. People catch fish or butterflies in nets. 2. A **net** is used with balls in different games, like tennis and soccer. 3. The **Net** is a system where computers give and receive information.

- ۱- تور. توری نخ‌هایی است که به یکدیگر بافته شده‌اند و بین آنها سوراخ وجود دارد. مردم با تور ماهی و پروانه می‌گیرند.
- ۲- تور. تور در بازی‌های متفاوتی مانند تنیس و فوتبال که در آنها تور استفاده می‌شود بکار می‌رود.
- ۳- شبکه. شبکه سیستمی است که رایانه‌ها با آن اطلاعات می‌گیرند و می‌فرستند.



never

هرگز

You must **never** play with matches.

هرگز نباید با کبریت بازی کنید.

new

(newer, newest)

1. If something is **new**, it has just been made or has not been used. The girl has **new** shoes. 2. We just moved to a **new** house.

- ۱- نو. اگر چیزی نو باشد، تازه ساخته شده یا استفاده نشده است. آن دختر کفش‌های نو دارد.
- ۲- جدید، متفاوت. ما تازه به خانه جدید نقل مکان کردیم.

news

اخبار

News is information about things that have happened. Good **news**! My brother is feeling better.

اخبار اطلاعاتی درباره چیزهایی است که اتفاق افتاده اند. خبر خوب! برادرم حالش بهتر شده است.

newspaper

روزنامه

A **newspaper** is many folded sheets of paper with words and pictures on them. You can read about what is happening in the world in the **newspaper**.



روزنامه تعداد زیادی ورقه تا شده کاغذ است که روی آن کلمات و تصاویر چاپ شده‌اند. می‌توانید در روزنامه اتفاقاتی را که در دنیا در حال انجام است، بخوانید.

next

Next week is my birthday party.

هفته بعد جشن تولد من است.

nice

(nicer, nicest)

If something is **nice**, you feel good about it and like it. My new haircut is very **nice**.

اگر چیزی قشنگ باشد، احساس خوبی درباره آن دارید و از آن خوششان می آید. مدل موی جدیدم بسیار زیباست.

nickel

A **nickel** is a round coin that is worth five cents.

نیکل سکه گردی است که پنج سنت ارزش دارد.

**night**

Night is the time of day when the sun goes down and it is dark. People sleep at **night**.

شب زمانی از روز می باشد که خورشید غروب می کند و هوا

تاریک می شود. مردم در شب می خوابند.

**nine**

Nine is a number that means one more than eight. $8+1=9$.

نه عددی است که یکی هشت بیشتر است.

$$8+1=9$$

نه

nineteen

Nineteen is a number that is one more than eighteen. $18+1=19$.

نوزده عددی است که یکی از هجده بیشتر است.

$$18+1=19$$

نوزده

ninety

Ninety is a number ten less than one hundred.

Ninety is nine sets of ten.

$$10+10+10+10+10+10+10+10+10=90.$$

نود عددی است که ده واحد کمتر از ۱۰۰ است نود، نه گروه ده تایی است.

$$10+10+10+10+10+10+10+10+10=90$$

no

1. There are **no** more peanuts left. 2. **No**, I did not break the glass. 3. **No** means that you do not have permission.

۱- هیچ. هیچ بادام زمینی دیگری باقی نمانده است.

۲- نه. من شیشه را نشکستم.

۳- پاسخ منفی. پاسخ منفی یعنی این که اجازه انجام کاری را ندارید.

nobody

Nobody wanted to eat spinach for dinner.

هیچ کس نمی خواست که شام اسفناج بخورد.

nod

(nods, nodded, nodding)

When you **nod** your head, it moves up and down.

وقتی که سر خود را تکان می دهید، به بالا و پایین حرکت می کند.

noise

The dog's bark is a loud **noise**.

صدای پارس سگ بلند است.

none

After we ate all the bananas, there were **none** left.

بعد از این که همه موزها را خوردیم، هیچ چیز باقی نماند.

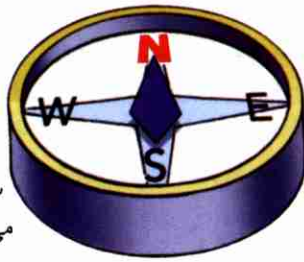
A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

north-nut

north

North is a direction.
The needle points to
north on the compass.

شمال جهت می باشد.
سوزن قطب نما شمال را نشان
می دهد.

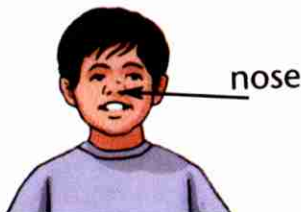


شمال

nose

Your **nose** is a part of your face that helps you to
smell and breathe.

بینی قسمتی از صورت شما است که به بو کردن و تنفس شما کمک
می کند.



بینی

not

Not makes something negative. My aunt
is **not** happy about her missing necklace.

نه ، پیشوند نفی فعل
not چیزی را منفی می سازد. عمه من از این که گردنبند خود را گم
کرده است ، خوش حال نیست .

نه ، پیشوند نفی فعل

notebook

A **notebook** has pages for you to write or draw on.
دفتر صفحه هایی برای نوشتن و نقاشی دارد.



دفتر

nothing

Nothing can stop me buying that car.

هیچ چیز نمی تواند مانع من را از خرید آن ماشین بشود.

هیچ چیز

November

ماه نوامبر

November is a month in the fall of the year.

Thanksgiving is a holiday in **November**.

نوامبر ماهی در پاییز می باشد. جشن شکر گذاری روزی تعطیل در ماه
نوامبر است.

now

حالا ، اکنون

Now means at this time. You are wearing your
glasses **now**.

اکنون به معنای در این لحظه می باشد. شما اکنون عینک خود را زده اید.

number

عدد

A **number** is a word or sign that says how many
things you have.

عدد کلمه یا علامتی است که می گوید چه تعداد از شیء خاصی را در
اختیار دارید.

nurse

پرستار

A **nurse** is someone who takes care of sick or hurt
people. **Nurses** work in hospitals and doctors' offices.



پرستار شخصی است که از افراد بیمار یا صدمه
دیده مراقبت می کند. پرستارها در بیمارستان ها
و مطب پزشکان کار می کنند.

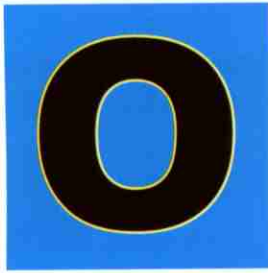
nut

آجیل ، میوه مغزدار

A **nut** is a seed or fruit that has a hard shell. People crack
the shell and eat **nuts** such as cashews and almonds.

میوه مغزدار. دانه یا میوه ای است که پوسته سختی دارد. مردم پوسته
سخت میوه های مغزدار مانند بادام هندی و بادام را می شکنند و مغز
آنها را می خورند.





oar

پارو

An **oar** is a long piece of wood with one flat end. You push the **oar** to row a boat through the water. پارو قطعه چوب بلندی است که انتهای آن پهن می باشد. شما پارو را فشار می دهید تا قایق را در آب به حرکت درآورد.

oboe

ساز بادی اُبو، نوعی قره نی

An **oboe** is a long thin musical instrument. You blow into the **oboe** to make sounds. ساز بادی ابو نوعی آلت موسیقی باریک و بلند است. با دمیدن در ابو صدا ایجاد می کنید.

ocean

اقیانوس

An **ocean** is a very big sea. The water in the **ocean** tastes salty. اقیانوس دریایی بسیار بزرگ است. آب اقیانوس شور مزه است.

October

ماه اکتبر

October is a fall month of the year. Halloween is a holiday in **October** اکتبر ماه پاییزی سال است. تعطیلی جشن هالووین در ماه اکتبر است.

octopus

هشت پا

(octopuses) An **octopus** is a sea animal with eight long arms. هشت پانوعی حیوان دریایی است که هشت بازوی بلند دارد.



off

1. The ball fell **off** the shelf. 2. My brother turned the television **off** so we could eat dinner. ۱- از، دور از چیزی. توپ از قفسه افتاد. ۲- خاموش. برادرم تلویزیون را خاموش کرد تا بتوانیم شام بخوریم.

office

اداره، دفتر کار

An **office** is a place where people work. An **office** has a desk, a chair, and maybe a computer. اداره مکانی است که مردم کار می کنند. در اداره میز تحریر، صندلی و احتمالاً رایانه وجود دارد.

officer

افسر

An **officer** is an important person who is in charge of other people. A police **officer** and an army **officer** make sure people follow the rules.

افسر، فرد مهمی است که در برابر مردم مسئولیت دارد. افسر پلیس و افسر ارتش مراقب هستند که مردم از قوانین پیروی کنند.



often

اغلب

We **often** go to the fast-food restaurant to eat. اغلب برای غذا خوردن به رستوران غذای فوری می رویم.

oil

روغن، نفت

Oil is a thick, slippery liquid. Light **oil** that comes from plants is used for cooking. Dark **oil** that comes from the ground helps heat your home and make your car run.

مایع غلیظ و لغزنده ای است. روغن خوراکی که رنگ آن روشن است از گیاهان گرفته می شود و برای آشپزی مورد استفاده قرار می گیرد.

نفت تیره که از زمین گرفته می شود و به گرم کردن خانه و حرکت خودروی شما کمک می کند.



Ok-orange

OK

بله، بسیار خوب، اجازه، موافقت

It's **OK** that you go to play at your friend's house.

اجازه داری که به خانه دوست بروی و بازی کنی.

old

(older, oldest)

1. My grandpa is **old** at 90. 2. That looks like my **old** shirt.

۱- پیر. پدربزرگم پیر است و ۹۰ سال سن دارد.

۲- قدیمی، کهنه. آن پیراهن شبیه پیراهن کهنه من است.

olive

An **olive** is a green or brown vegetable that grows on trees. People eat **olives** in salad and on pizza.

زیتون

زیتون، گیاه سبزی یا قهوه‌ای رنگی است که روی درخت رشد می‌کند. مردم زیتون را در سالاد و بر روی پیتزا می‌خورند.



on

1. The bowl is **on** the table. 2. Turn the light **on** so we can see.

۱- روی. کاسه روی میز قرار دارد.

۲- روشن. برق را روشن کن تا بتوانیم ببینیم.

once

1. We went to the zoo **once**. 2. You can watch TV **once** you have finished picking up all your toys.

۱- یک بار. ما یک بار به باغ وحش رفتیم.

۲- به محض این که، وقتی که. به محض این که اسباب بازی‌هایم را جمع کردی می‌توانی تلویزیون تماشا کنی.

one

One comes before two.

یک

یک قبل از عدد دو می‌آید.

onion

An **onion** is a round vegetable with a papery skin. An **onion** has a strong taste and smell.

پیاز گیاه گردی است که پوست نازکی دارد. پیاز مزه‌بو

بوی تند دارد.



only

فقط. مقدار محدود

You can **only** have one piece of watermelon.

شما فقط می‌توانید تکه‌ای از هندوانه را بخورید.

open

(opens, opened, opening)

1. If you take a lid off something, you **open** it

2. They walked through the **open** door.

۱- باز کردن. اگر در چیزی را بردارید، آن را باز کرده‌اید.

۲- باز. ما از میان در باز گذشتیم.



or

یا

Or means there is a choice of some kind: You can pick apples **or** oranges.

یا یعنی نوعی حق انتخاب وجود دارد: می‌توانی سیب یا پرتقال را انتخاب کنی.

orange

1. **Orange** is a bright color. A pumpkin is **orange**.

2. An **orange** is a sweet, round fruit with an **orange**-colored skin. People squeeze oranges to get juice.

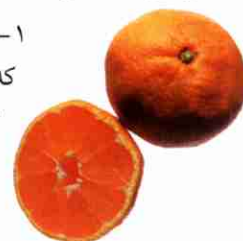
۱- نارنجی. نارنجی رنگی روشن.

کدو تبیل نارنجی است.

۲- پرتقال. پرتقال میوه شیرین و گردی است

که پوست نارنجی رنگی دارد. مردم پرتقال

را فشار می‌دهند و آب آن را می‌گیرند.



organ-own

organ

1. An **organ** is a musical keyboard instrument like a piano. The music from an **organ** comes out of long pipes. 2. An **organ** is a part of your body that helps you to live, such as your lungs in your chest.

- ۱- ارگ. ارگ نوعی وسیله موسیقی دارای کلید مانند پیانو است. صدای موسیقی ارگ از لوله‌هایی بلند خارج می‌شود.
- ۲- اندام. اندام قسمتی از بدن شما (مانند شش‌ها در قفسه سینه) است که به زنده ماندن شما کمک می‌کند.

ornament

وسایل تزئینی، تزئین

An **ornament** is a special decoration to make things look pretty. You can put a Christmas **ornament** on a tree.

تزئین، آرایش خاصی است که باعث می‌شود اشیاء زیباتر به نظر برسند. می‌توانید وسایل تزئینی کریسمس را بر روی درخت بگذارید.



other

دیگر

Other means different than the one you have. Where is your **other** pencil?

دیگر یعنی متفاوت از آن چه که دارید. مداد دیگرتان کجاست؟

our

مال ما

Our means something belongs to us. It is **our** picnic basket.

مال ما یعنی چیزی متعلق به ما است.
آن سبد پیک نیک ما است.

out

1. The cat climbed **out** of the box. 2. The forest ranger has put **out** the fire.

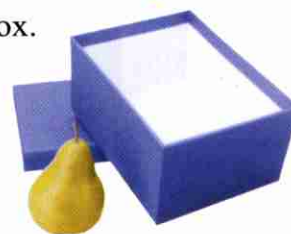
- ۱- بیرون. گربه از جعبه بیرون آمد.
- ۲- خاموش کردن. جنگلبان آتش را خاموش کرد.

outside

بیرون، خارج از

The pear is **outside** the box.

گلابی بیرون از جعبه است.



oven

فر، تنور

An **oven** is the hot inside part of the stove where you cook food. **Ovens** have doors that close to keep the heat inside.

فر قسمت داغ داخل گاز است که در آن غذا می‌پزد. فر دری دارد که بسته می‌شود تا حرارت را داخل خود نگه دارد.



over

1. The turtle crawled **over** the path. 2. Why must I tell you over and **over** to wear your mittens outside? 3. When one team wins, the football game is **over**.

- ۱- آن طرف. لاک پشت به آن طرف مسیر رفت.
- ۲- دوباره. چرا باید دوباره و دوباره به تو بگویم که در بیرون از خانه دستکش‌هایت را بپوش؟
- ۳- تمام، پایان. وقتی که تیمی می‌برد، بازی فوتبال به پایان می‌رسد.

owl

جغد

An **owl** is a bird with large, round eyes that are good for seeing small animals at night. An **owl** makes a hooting sound.

جغد پرنده‌ای با چشمان گرد و بزرگ است که برای دیدن حیوانات کوچک در شب مناسب است. جغد صدای هوهو می‌کند.



own

مالک چیزی بودن، خود

(owns, owned, owning)

If you **own** something, it belongs to you.

اگر مالک چیزی باشید، آن چیز متعلق به شماست.



pacifier

A **pacifier** has a little rubber end for a baby to suck on. A **pacifier** comforts a crying baby.

پستانک



پستانک در انتهای خود لاستیک کوچکی دارد که نوزاد آن را می مکد. پستانک نوزاد گریان را آرام می کند.

package

A **package** could be a box or a large envelope that is tied or taped shut.

بسته می تواند جعبه یا پاکت بزرگی باشد که با چسب یا گره آن را می بندند.

بسته



pad

دفترچه یادداشت

1. A **pad** is a number of blank pieces of paper on which to write or draw. 2. The babysitter put down a **pad** so he could lay the baby on it.

۱ - دفترچه. تعدادی کاغذ سفید و دست نخورده است که بر روی آن طراحی می کنیم یا می نویسیم.
۲ - تشک. پرستار بچه تشک را بر روی زمین پهن کرد تا نوزاد را بر روی آن بگذارد.

page

صفحه

A **page** is a piece of paper inside a book.

صفحه قطعه ای کاغذ در داخل یک کتاب است.

pail

سطل

A **pail** is a container used to carry things like water from place to place. A **pail** has a handle and a flat bottom.



سطل ظرفی است که با آن چیزی مانند آب را از مکانی به مکان دیگر حمل می کنیم. سطل دسته و کفی صاف دارد.

paint

(paints, painted, painting)

1. You can use brushes and paints to **paint** or make a colorful pictures.

۱ - نقاشی کردن. با استفاده از قلمو و رنگ می توانید نقاشی کنید یا تصاویر رنگی بسازید.
۲ - رنگ کردن. مانند رنگ کردن دیوار یا خانه.
۳ - رنگ.

paintbrush

(paintbrushes)

A **paintbrush** has a long handle on one end and a group of hairs on the other. You dip the **paintbrush** in paint and move it back and forth on a surface to spread the paint.

قلمو



قلمو دسته بلندی در یک طرف و تعدادی مو در طرف دیگر خود دارد. قلمو را داخل رنگ فرو می کنید و آن را به عقب و جلو حرکت می دهید تا رنگ را بر روی سطحی پخش کنید.

painting

نقاشی

A **painting** is a picture that someone has painted with a brush.

نقاشی تصویری است که آن را فردی با قلمو کشیده است.

pair

جفت

I have a **pair** of new shoes.

من یک جفت کفش نو دارم.

pajamas

لباس خواب، پیژامه

Pajamas are a loose shirt and pants that you wear to bed to sleep in and keep warm.

لباس خواب پیراهن و شلوار گشادی است که هنگام خواب می پوشید و شما را گرم نگه می دارد.

pal

رفیق

If someone is your **pal**, that person is a close friend.

اگر کسی رفیق شما باشد، آن شخص، دوستی صمیمی است.

palace

کاخ، قصر

A **palace** is a large, special house where a king and queen and their family live.

کاخ خانه بسیار بزرگ و ویژه ای است که پادشاه، ملکه و خانواده آنها در آن زندگی می کنند.

palmtree

درخت نخل

Most **plam tree** have a tall, straight trunk. A **plam tree** has branches with green, feathery leavs on its top. **Plam trees** grow in warm places.

بیشتر درخت های نخل تنه بلند و صافی دارند. درخت نخل شاخه هایی با برگ های سبز پر مانند در بالای خود دارد. درخت نخل در مکان های گرم رشد می کند.

**papaya**

پاپایا، عنبه هندی

A **papaya** is a fruit with a sweet, yellow inside and yellow, pink, or orange skin. **Papayas** grow on trees in places with warm weather.

پاپایا میوه شیرینی است که داخل آن زرد می باشد و پوستی به رنگ های زرد، صورتی یا نارنجی دارد. پاپایا روی درخت و در آب و هوای گرم رشد می کند.

**paper**

کاغذ

Paper is a thin sheet made from cloth or wood. People write and draw on **paper** and wrap things in it, too.

کاغذ ورقه نازکی است که از پارچه یا چوب ساخته می شود. مردم بر روی کاغذ می نویسند و نقاشی می کنند و چیزها را نیز در داخل آن می پیچند.

**pan**

ماهی تابه

A **pan** is a metal dish with a handle. You cook food in a **pan**.

ماهی تابه نوعی ظرف فلزی دسته دار است. داخل ماهی تابه آشپزی کنید.

pancake

پنکیک

A **pancake** is a thin, round cake made with flour, eggs, and milk. After you cook the **pancake**, you put butter and syrup on top and then eat it.

پنکیک کیک نازک و گردی است که از آرد، تخم مرغ و شیر ساخته می شود. بعد از پختن پنکیک روی آن کره و شربت می ریزید و می خورید.

**paper clip**

گیره کاغذ

A **paper clip** is a curved piece of metal that holds pieces of paper together. Can you slide the **paper clip** over two pieces of paper?

گیره کاغذ قطعه فلز منحنی شکلی است که تعدادی کاغذ را کنار هم نگه می دارد. می توانید دو برگه کاغذ را گیره بزنید؟

**park**

(parks, parked, parking)

1. When you **park** a car, you leave it somewhere for a while. 2. A **park** is a large grassy place where people can walk and play games.

۱ - پارک کردن. هنگام پارک کردن ماشین، آن را برای مدتی در جایی می گذارید.

۲ - پارک. پارک مکان بزرگ و سرسبزی است که مردم می توانند در آن راه بروند و بازی کنند.

part

1. A **part** is a piece of something. A puzzle has lots of different **parts**. A **part** is a role in a play or show. You may have a **part** in the school play.

۱ - قسمت. قسمت بخشی از چیزی است. پازل قسمت های مختلف زیادی دارد.

۲ - نقش رُلی در نمایش یا برنامه است. ممکن است در تئاتر مدرسه نقشی را بازی کنید.

pants

شلوار

Pants have two legs and, sometimes, pockets.

شلوارها دو پاچه و بعضی اوقات جیب دارند.

A party-peach

B

C

D

E

F

G

H

I

J

K

L

M

N

O

P

Q

R

S

T

U

V

W

X

Y

Z

party

(parties)

When a group of friends get together to eat and have fun, they have a **party**. You eat cake at a birthday **party**.

وقتی که گروهی از دوستان دور هم جمع می شوند تا چیزی بخورند و خوش بگذرانند مهمانی گرفته اند. شما در مهمانی تولد کیک می خورید.



pass

(passes, passed, passing)

1. I **passed** the store on the way home.
2. Can you **pass** me the cookies?

۱- گذشتن. در راه خانه از فروشگاه گذشتم.
۲- دادن. می توانی شیرینی ها را به من بدهی؟

past

In the **past**, there was no TV.

در گذشته تلویزیونی وجود نداشت.

paste

Paste is white sticky stuff that is used to hold papers together. Use **paste** to keep your photos in the book.

چسب ماده سفید و چسبناکی است که برای نگه داشتن کاغذها به یکدیگر استفاده می شود. از چسب برای چسباندن عکس هایت در کتاب استفاده کن.

pat

(pats, patted, patting)

I **patted** my dog.

سگم را نوازش کردم.

مهمانی

path

A **path** is a narrow piece of land for people to walk, run or ride on. I can ride my bike on the **path** along the river.

راه قطعه زمین باریکی است که مردم در آن قدم می زنند، می دوند یا سواری می کنند. می توانم دوچرخه ام را در مسیر کنار رودخانه برانم.



paw

Some animals, such as dogs, have **paws** for feet.

A **paw** has claws that help the animals climb, fight and catch food.

بعضی از حیوانات، نظیر سگ ها در پای خود پنجه دارند. پنجه چنگال هایی دارد که به حیوانات کمک می کند تا از جایی بالا بروند، بجنگند و غذای خود را بدست آورند.



pay

(pays, paid, paying)

He **paid** the lady for the papaya.

او برای خرید میوه پاپایا به آن خانم پول پرداخت کرد.

pea

A **pea** is a small, round, green vegetable that grows inside a long pod.

نخود سبز گیاه کوچک، گرد و سبزی است که داخل پوسته درازی رشد می کند.



peace

Peace is a quiet time without any fighting between people.

صلح زمان آرامش است و مردم با یکدیگر جنگ نمی کنند.

peach

(peaches)

A **peach** is a soft, juicy fruit with a pit inside and yellow-red, fuzzy skin outside.

هلو میوه آبدار نرمی است که هسته ای در داخل و پوست قرمز و زرد پرزداری در خارج خود دارد.



راه، مسیر

پنجه

پرداخت کردن

نخود، نخود سبز

صلح

هلو

peel

1. Dad used a knife to **peel** an apple for me. 2. Bananas, oranges, and potatoes have **peels**.

۱- پوست گرفتن پدر با استفاده از چاقو سیبی را برای من پوست گرفت.

۲- پوست، موز، پرتقال و سیبزمینی پوست دارند.



مرغ ماهیخوار

A **pelican** is a large ocean bird with a huge bill. **Pelicans** use their bills to store fish they catch.

مرغ ماهیخوار نوعی پرنده بزرگ دریایی است که منقار بزرگی دارد. مرغ‌های ماهیخوار با استفاده از منقار خود ماهی می‌گیرند و آن‌ها را در منقار نگه می‌دارند.



قلم، خود کار

A **pen** is a long, thin tool filled with ink for writing or drawing.

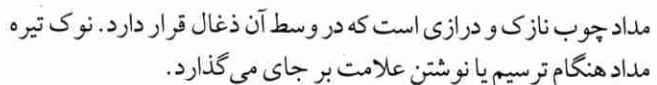
قلم و سیله نازک و درازی است که برای نوشتن و ترسیم با جوهر پر می‌شود.



مداد

pencil

A **pencil** is a long, thin stick with graphite in the middle. The dark point of a **pencil** makes marks when drawing or writing.



پی کان، گردوی آمریکایی

جا مدادی

pencil case

A **pencil** case is a special bag or box to hold pencils.
My **pencil** case keeps my **pencils** from breaking.

جا مدادی کیف یا جعبه مخصوصی است که مدادها را نگهداری می‌کند. جا مدادیم جلوی شکستن مدادهایم را می‌گیرد.



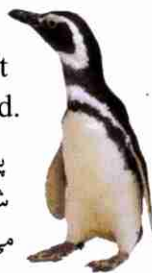
penguin-pickle

penguin

A **penguin** is a large black-and-white bird that swims in the sea but does not fly. **Penguins** live where it is very cold.

پنگوئن پرنده بزرگ سیاه و سفیدی است که در دریا شنا می کند و لی پرواز نمی کند. پنگوئن ها جایی زندگی می کنند که بسیار سرد است.

پنگوئن



penny

(pennies)

A **penny**, or one cent, is a coin. A **penny** is the smallest amount of money in the United States and Canada.

پنی یا یک سنتی سکه است. پنی کمترین مقدار پول در ایالت متحده آمریکا و کانادا می باشد.



پنی

pepper

1. **Pepper** is a black spicy powder to put on food.
2. A **pepper** is a bright green, yellow, or red vegetable. I like **peppers** on my pizza.



۱ - فلفل. فلفل ادویه سیاهی است که به صورت پودر در غذا ریخته می شود.
۲ - فلفل. فلفل گیاهی سبز روشن، زرد یا قرمز است. دوست دارم روی پیتزای من فلفل باشد.

person

(people)

A **person** is a man, a woman, or a child.

یک شخص می تواند یک مرد، یک زن یا یک بچه باشد.

شخص

pet

حیوان خانگی، دست آموز

A **pet** is an animal, like a cat, that you take care of in your home. People usually give their **pets** names.

حیوان خانگی حیوانی مانند گربه است که در خانه از آن نگهداری می کنید. مردم معمولاً برای حیوانات خانگی خود انتخاب می کنند.

petal

A **petal** is a soft, thin, colorful part of a flower. How many **petals** does a daisy have?

گلبرگ قسمت رنگی، نازک و نرم گل می باشد. گل مینا چند گلبرگ دارد؟

گلبرگ



phone

Phone is short for telephone! A **phone** is a machine that lets you talk and listen to others. Part of the **phone** has numbers for you to push and dial to reach someone.

phone شکل خلاصه شده telephone است.

تلفن دستگاهی است که اجازه می دهد که با دیگران صحبت کنید و صدای آنها را بشنوید. قسمتی از تلفن شماره دارد که با فشار دادن آنها شماره گیری می کنید تا با کسی ارتباط برقرار می نماید.

photograph

عکس

A **photograph** is a picture you take with a camera. A **photograph** might be printed in black and white or in color.

عکس تصویری است که با دوربین می گیرید. عکس می تواند رنگی یا سیاه و سفید باشد.

piano

پیانو

A **piano** is a large musical instrument with black keys and white keys that you tap with your fingers to make sounds.

پیانو نوعی وسیله موسیقی بزرگ با کلیدهای سیاه و سفیدی است که با زدن انگشتان بر روی آنها صدای ایجاد می کنید.



pick

(picks, picked, picking)

1. You **pick** the pizza topping. 2. If you **pick** some fruit, you take it from the tree. 3. When you **pick** up something, you lift it. **Pick** your foot up high.

۱ - انتخاب کردن. می توانی مواد روی پیتزا را انتخاب کنی.

۲ - چیدن. اگر میوه ای را بچینید، آن را از درخت جدا می کنید.

۳ - بلند کردن. هنگام برداشتن چیزی، آن را بلند می کنید. پایت را بلند کن بالا.

pickle

خیارشور

A **pickle** is a cucumber that has soaked in a spicy liquid and tastes salty and sour.

خیارشور خیار است که در مایع ادویه داری عمل می آید و مزه شور و ترش دارد.



picnic

پیک نیک

A **picnic** is a meal you eat outside. Sandwiches, fruit, and cookies are good **picnic** foods.

پیک نیک غذایی است که بیرون در فضای آزاد می‌خورید. ساندویچ، میوه و شیرینی غذاهای خوبی برای پیک نیک هستند.

picnicbasket

سبد پیک نیک

A **picnic** basket is a large container with a big handle to carry the **picnic** food outside.



سبد پیک نیک وسیله‌ای جا دار با دسته بزرگ است که برای حمل غذای پیک نیک به بیرون استفاده می‌شود.

picture

تصویر

A **picture** is a painting, drawing, or photograph. **Pictures** can be of animals, plants, or designs.



تصویر، نقاشی، طراحی یا عکس است. تصاویر می‌توانند حیوانات، گیاهان یا طراحی باشند.

pie

پای

A **pie** has a crispy crust over a thick filling of fruit, meat, or vegetables. A **pie** is baked in the oven.



پای خمیر برشته‌ای است که بر روی لایه ضخیمی پر از میوه، گوشت یا سبزیجات قرار دارد. پای برای پختن در فر گذاشته می‌شود.

piece

تکه، قطعه

A **piece** is a part of something. I can cut a **piece** of apple pie.

تکه یا قطعه، بخشی از چیزی می‌باشد. من می‌توانم تکه‌ای از پای سیب را ببرم.

pigeon

کبوتر

A **pigeon** is a bird whose small head bobs up and down when it walks. **Pigeons** like to sit on statues and rooftops.



کبوتر پرنده‌ای است که هنگام راه رفتن سرش را به عقب و جلو تکان می‌دهد. کبوترها دوست دارند که بر روی مجسمه‌ها یا پشت بام‌ها بنشینند.

pile

دسته، یک عالمه

Look at the big **pile** of laundry.

به آن دسته بزرگ لباس‌های شستنی نگاه کن.

pill

قرص

A **pill** is a small round piece of medicine that you take to feel better.

قرص قطعه‌ای گرد و کوچک از دارو است که آن را می‌خورید تا حالتان بهتر شود.

pillow

بالش

A **pillow** is a bag filled with soft material, like feathers. You rest your head on a **pillow** to go to sleep in bed.

بالش کیسه‌ای است که با مواد نرم مانند پر، پر می‌شود. هنگام خواب سر خود را بر روی بالش می‌گذارید.

pilot

خلبان

A **pilot** is someone who flies an airplane. A **pilot** sits in the front of the plane with the controls.

خلبان فردی است که هواپیما را به پرواز درمی‌آورد. خلبان جلوی هواپیما می‌نشیند و فرمان را هدایت می‌کند.



pin-pistachio

pin

سنجاق، سوزن ته گرد

A **pin** is a small, thin metal tool with a sharp pointed end. **Pins** hold pieces of cloth together when you sew. سنجاق وسیله فلزی نازک و کوچکی است که در انتهای آن نوک تیزی دارد. سنجاق ها هنگام دوختن لباس، تکه های پارچه را کنار هم نگه می دارند.

piñata

پینات

A **pinata** is a decorated hollow Mexican toy filled with candy and gifts. Children try to break a hanging **pinata** with a stick so the treats will fall out.

پینات اسباب بازی تزئینی مکزیکی است که داخل آن خالی می باشد و آن را با شیرینی و هدیه پر می کنند. بچه ها سعی می کنند پیناتی آویخته را با چوب بشکنند تا هدایا از آن بیرون ریخته شوند.



pine

درخت کاج

A **pine** tree has needles for leaves that are green all year long. A **pine** tree has long brown pinecones with seeds inside. A Christmas tree is often **pine**.

درخت کاج درختی است که برگ های سوزنی شکلی دارد که در تمام طول سال سبز هستند. درخت کاج میوه قهوه ای درازی دارد که داخل آن دانه قرار دارد. درخت کریسمس اغلب درخت کاج است.

pineapple

آناناس

A **pineapple** is a yellow-brown fruit with sharp, pointed green leaves on the top. The inside of the **pineapple** is yellow, very juicy, and sweet.



آناناس میوه قهوه ای و زرد رنگی است که برگ های سبز نوک تیزی را در بالای خود دارد. داخل آناناس زرد، بسیار آبدار و شیرین است.

pinecone

میوه کاج

Sometimes scaly and sticky, a **pinecone** is something that grows on evergreen trees



میوه کاج. بعضی اوقات میوه کاج به صورت ورقه ورقه و چسبناک می باشد، میوه کاج چیزی است که روی درختان همیشه سبز رشد می کند.

pink

رنگ صورتی

When you mix white and red together, you make the color **pink**. Baby pigs are **pink**.



هنگامی که رنگ سفید و قرمز را با یکدیگر مخلوط کنید، رنگ صورتی حاصل می شود. بچه خوک ها صورتی هستند.

pipe

لوله

A **pipe** is a long, thin metal or plastic tube. Things like oil and water move through **pipes**.

لوله تیوب نازک و درازی از جنس فلز یا پلاستیک است. چیزهایی مانند نفت و آب از طریق لوله منتقل می شوند.

piranha

پیرانا

A **piranha** is a fish in South America with very sharp teeth. **Piranhas** swim in groups to find a meal.

پیرانا نوعی ماهی آمریکای جنوبی است که دندانهای تیزی دارد. پیراناها برای یافتن غذا به طور گروهی شنا می کنند.



pirate

دزد دریایی

A **pirate** is a person who robs ships at sea. **Pirates** are sometimes pictured with eye patches and wooden legs.

دزد دریایی کسی است که در دریا از کشتی ها دزدی می کند. دزد دریایی را بعضی اوقات با پای چوبی و دستمالی به دور یک چشم، به تصویر می کشند.

pistachio

پسته

A **pistachio** is a small round nut with a hard white shell. پسته میوه مغزدار کوچک و گردی است که پوسته سفید و سختی دارد.



pitcher

پارچ

A **pitcher** is like a big cup with a handle used to store a lot of liquid. You can pour juice or milk from a special opening at the top of a **pitcher**.

پارچ مانند فنجان بزرگی است که دسته دارد و برای نگه داشتن مقدار زیادی مایع استفاده می شود. می توانید آب میوه یا شیر را از روزنه خاصی که در بالای پارچ قرار دارد، بریزید.



pizza

پیتزا

A **pizza** is a flat, round food baked in a very hot oven. You can add tomato sauce, cheese, and other toppings to the **pizza** crust.



پیتزا غذای صاف و گردی است که در حرارت بسیار بالای فر پخته می شود. می توانید بر روی لایه خمیر پیتزا سس گوجه فرنگی، پنیر و مواد دیگر اضافه کنید.

place

مکان، جا

A **place** is a space or location, like a town or a farm. Your bedroom is a good **place** to sleep.

مکان، فضا یا محلی مانند شهر یا مزرعه می باشد. اتاق خوابت جای خوبی برای خوابیدن است.

plain

(plainer, plainest)

1. Something that is **plain** is all one color and does not have a design on it. 2. A **plain** is a large area of flat land. The middle of the United States is made up of the Great **Plains**.

۱ - ساده. چیزی که ساده است تماماً به یک رنگ است و طرحی روی خود ندارد.

۲ - دشت. دشت منطقه ای بزرگ از زمین صاف است. در میان ایالت متحده آمریکا دشت های بزرگی قرار دارد.

plan

(plans, planned, planning)

1. If you **plan** something you decide how to do it. We are **planning** to go on a picnic. 2. I am looking at a floor **plan** of your house.

۱ - قصد داشتن. اگر قصد چیزی را دارید، تصمیم می گیرید چگونه آن را انجام دهید. قصد داریم که گردش برویم.
۲ - نقشه، طرح. دارم به نقشه ساختمان شما نگاه می کنم.

plane

هواپیما

A **plane** is a big machine that flies. **Plane** is short for airplane.

هواپیما دستگاه بزرگی است که پرواز می کند. **plane** خلاصه شده کلمه **airplane** است.

planet

سیاره

A **planet** is a huge, round thing in space. Nine **planets**, such as Earth, go around the Sun.

سیاره جسم گرد و عظیمی در فضا است. نه سیاره از قبیل زمین به دور خورشید می گردند.

plant

گیاه

A **plant** is a living thing that grows in dirt or water. Most **plants**, like trees and flowers, have roots, stems, leaves, flowers, and seeds.

گیاه موجود زنده ای است که در خاک یا آب زندگی می کند. اکثر گیاهان مانند درختان و گل ها، ریشه، ساقه، برگ، گل و دانه دارند.



plate

بشقاب

A **plate** is a round, flat object that you put food on. You put cake on a dessert **plate**.



بشقاب جسم گرد و صافی است که روی آن غذا می ریزید. شما کیک را روی بشقاب دسر می گذارید.

play

(plays, played, playing)

1. When you **play**, you have fun. I **play** catch with my friend. 2. If you **play** a musical instrument, you make sounds with it. My fingers **play** the piano. 3. A **play** is a story you act out or watch. I am Snow White in the school **play**.

۱ - بازی کردن. با دوستم گرگم به هوا بازی می کنم.
۲ - نواختن. اگر بایک وسیله موسیقی بنوازید، آن را به صدا در می آورید. با انگشتانم پیانو می نوازم.
۳ - نمایش، نمایشنامه. نمایش داستانی است که در آن بازی یا آن را تماشا می کنید. من در نمایشنامه مدرسه سفید برفی هستم.

playground

زمین بازی

A **playground** is a place outdoors where you can have fun. I like to swing on the swings at the **playground**.

زمین بازی مکانی در فضای آزاد است که در آن بازی و تفریح می نمایید. دوست دارم در زمین بازی تاب بازی کنم.

playpen-police

playpen

A **playpen** is a safe place with four soft sides and a floor for babies to play. Most **playpens** fold up.

تخت نرده دار مکان امنی است که چهار طرف نرم دارد و در کف آن بچه های کوچک بازی می کنند. اکثر تخت های نرده دار تا شو هستند.



please

Please is a word you use when you ask for something in a nice way. Would you **please** make me a sandwich?

لطفاً کلمه ای است که هنگام درخواست مؤدبانه استفاده می کنید. ممکنه لطفاً برای من یک ساندویچ درست کنی؟

plenty

There are **plenty** of carrots for the bunny.

یک عالمه هویج برای خرگوش وجود دارد.

pliers

A **pliers** is a tool with two moving parts joined near one end. You pinch the tops of a **pliers** together to hold things.

انبردست وسیله ای که دو قسمت متحرک دارد که در نزدیک یک سر آن به یکدیگر متصل می شوند. شما با فشار دادن دو سر انبردست اشیاء را می گیرید.



plum

A **plum** is a juicy fruit with smooth green, purple, red, or yellow skin. A **plum** is soft and yellow inside with a big pit.



آلو میوه ای آبدار با پوستی صاف به رنگ سبز، بنفش، قرمز یا زرد است. داخل آلو نرم و زرد رنگ است و هسته بزرگی دارد.

انبردست

آلو

plumber

A **plumber** fixes a leak in your sink.

لوله کش چکه سینک دستشویی شما را تعمیر می کند.



plus

You use the word **plus** when you add numbers together. The sign for plus is +. One **plus** three equals four: $1 + 3 = 4$.

هنگامی از کلمه اضافه استفاده می کنید که اعداد را با یکدیگر جمع ببندید. + علامت به اضافه می باشد. یک به اضافه سه چهار می شود: $1 + 3 = 4$

Pluto

Pluto is the planet in the solar system that is the farthest away from the Sun.

پلوتون دورترین سیاره از خورشید در منظومه شمسی است.

pocket

A **pocket** is a small bag that holds things. **Pockets** are sewn into your clothes so you can keep keys, money, or your hands inside of them.

جیب کیسه کوچکی است که چیزها را نگه می دارد. جیب به لباس شما دوخته می شود تا بتوانید کلید، پول یا دستانتان را در داخل آن نگه دارید.

point

(points, pointed, pointing)

1. When you **point** with your finger, you show where something is located.
2. A **point** is a sharp end of something, such as a pin or a pencil.
3. Your team scored five **points**.

۱- اشاره کردن. هنگامی که با انگشتان اشاره می کنید، نشان می دهید که چیزی کجا واقع شده است.

۲- نوک. نوک انتهای تیز چیزی مانند سوزن یا مداد می باشد.

۳- امتیاز. تیم شما پنج امتیاز گرفت.

police

Police are people whose job it is to keep others safe and stop them from breaking the laws. Many **Police** officers wear special badges and uniforms.

پلیس کسی است که شغلش حفظ امنیت دیگران و جلوگیری از قانون شکنی است. بسیاری از مأموران پلیس نشانه ها و لباس های خاصی دارند.

پلیس

police car

ماشین پلیس

A **police car** has special flashing lights and a siren that the police turn on if they are chasing people who broke the law. **Police cars** are usually painted special colors and have signs on them.

ماشین پلیس دارای نور چشمکزن مخصوص و آژیر است که در صورت تعقیب قانون شکنان آن‌ها را روشن می‌کند. ماشین‌های پلیس معمولاً رنگ‌های ویژه‌ای دارند و بر روی آنها علامت‌هایی وجود دارند.



poor

فقیر

(poor, poorest)

Someone who is **poor** does not have a lot of money.

The man cannot afford to buy shoes because he is **poor**.

کسی که فقیر است پول زیادی ندارد.
آن مرد توانایی خرید کفش را ندارد چونکه فقیر است.

pop

ترکیدن، صدا کردن

(pops, popped, popping)

If you poke a balloon with a pin, it will **pop**!

اگر با سوزنی بادکنکی را سوراخ کنید، با صدا می‌ترکد!

popcorn

ذرت بوداده

Hard **popcorn** seeds burst open and puff out when you heat them. Cooked **popcorn** is white, fluffy, crunchy, and good to eat for a snack!



هنگامی که دانه‌های سفت ذرت را حرارت می‌دهید، آنها باز می‌شوند و پف می‌کنند. ذرت‌های بوداده، سفید، پف کرده و ترد است و برای خوردن میان وعده خوبی است.

porcupine

جوجه تیغی

A **porcupine** is an animal with stiff pointed hairs, called quills, on its back. A **porcupine** sticks its quills into an animal that gets too close.

جوجه تیغی حیوانی است که موهای تیز و محکمی بر روی پشتش دارد. جوجه تیغی تیغه‌هایش را در بدن حیوانی که بخواهد به آن بسیار نزدیک شود، فرو می‌کند.

porpoise

پورپوس

A **porpoise** is an underwater animal (but not a fish) with a short nose. A **porpoise** swims very fast in the ocean. پورپوس حیوانی است که در زیر آب زندگی می‌کند (اما ماهی نیست) و پوزه کوچکی دارد. پورپوس با سرعت در اقیانوس شنا می‌کند.

possible

ممکن

If something is **possible**, it can be done. If I hold your hand, it is **possible** for me to stand on one foot.

اگر چیزی ممکن باشد، می‌توان آن را انجام داد.
اگر دستت را بگیرم، ممکن است بتوانم روی یک پا بایستم.

pom-pom

پام پام، منگوله

A **pom-pom** is a fluffy ball made of strings that wiggle when you shake them. Cheerleaders shake **pom-poms** at football games.



منگوله تویی پشمالو ساخته شده از رشته‌هایی است که هنگام حرکت دادن تکان می‌خورند. در بازی فوتبال آمریکایی سر دسته‌های تماشاگران این منگوله‌ها را تکان می‌دهند.

pond

برکه، آبگیر

A **pond** is a small area of water with land around it. The cow drinks water from the **pond**.

برکه بخش کوچکی از آب است که دور آن خشکی باشد. آن گاو از برکه آب می‌نوشد.

pony

(ponies)

اسب کوتوله

A **pony** is a small horse that children like to ride. **Ponies** can pull carts.



اسب کوتوله، اسب کوچکی است که بچه‌ها دوست دارند سوار آن شوند. اسب‌های کوتوله می‌توانند گاری را به دنبال خود بکشند.

pool

استخر

A **pool** is a place where you can swim in the water.

استخر مکانی است که می‌توانید در آب شنا کنید.

post-press

post

Post is a strong pole that stands up in the ground.

تیر میله محکمی است که داخل زمین قرار می گیرد.

post office

اداره پست

A **post office** is a building where you can send and pick up letters and packages. You can buy stamps and envelopes at the **post office**.

اداره پست ساختمانی است که در آن می توانید نامه های خود را بفرستید و نامه ها و بسته های پستی خود را دریافت کنید. شما می توانید در اداره پست تمبر و پاکت بخرید.

pot

قابلمه

A **pot** is a deep, round pan used for cooking things like soup. A **pot** has one or two handles and a lid.



قابلمه ظرف گرد و گودی است که برای پختن چیزهایی مانند سوپ استفاده می شود. قابلمه یک یا دو دسته و یک در دارد.

potato

سیب زمینی

(potatoes)

A **potato** is a round vegetable that grows underground with brown skin. You can boil, fry, mash, and bake **potatoes**.



سیب زمینی گیاه گودی است که زیر زمین رشد می کند و پوست قهوه ای رنگی دارد. می توانید سیب زمینی ها را آب پز، سرخ، پوره و کباب نمایید.

pour

ریختن

(pours, poured, pouring)

The child pours the water from the pitcher.

بچه آب را از پارچ می ریزد.

power

قدرت، نیرو

Power from the wind makes the windmill turn.

قدرت باد باعث چرخش آسیاب بادی می شود.

practice

تمرین کردن

(practices, practiced, practicing)

When you **practice** something, you do it many times to get better at it. You **practice** the piano to get ready to play at the show.

هنگامی که چیزی را تمرین می کنید، آن را چندین مرتبه انجام می دهید تا در آن کار ماهرتر شوید. پیانو تمرین می کنید تا برای اجرای برنامه آماده باشید.

prepare

آماده کردن

(prepares, prepared, preparing)

You can **prepare** scrambled eggs for our breakfast.

می توانی خاگینه را برای صبحانه آماده کنی.

present

1. A **present** is something you give someone for a special reason. I gave my friend a birthday **present**.

2. At **present**, all of the ducks are quacking.



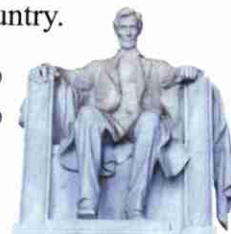
۱- هدیه. هدیه چیزی است که به دلیل خاصی به فردی می دهید. به دوستم هدیه تولد دادم.
۲- در حال حاضر، حالا. در حال حاضر، همه اردک ها دارند کواک کواک می کنند.

president

رئیس جمهور

A **president** is an important person who others have picked to lead a country.

رئیس جمهور فرد مهمی است که دیگران او را برای هدایت یک کشور انتخاب کرده اند.



press

فشار دادن

(presses, pressed, pressing)

You **press** the letters on your computer keyboard.

شما بر روی حروف صفحه کلید رایانه خود فشار وارد می کنید.

pretend

وانمود کردن

(pretends, pretended, pretending)

If you **pretend**, you act as if something that is not true is real. I am **pretending** to be a scary monster.

اگر وانمود کنید، طوری عمل می کنید که چیزی که حقیقت ندارد، واقعی به نظر برسد. وانمود می کنم که هیولای ترسناکی هستم.

pretty

زیبا

(prettier, prettiest)

The rainbow is very **pretty**.

رنگین کمان بسیار زیبا است.

pretzel

چوب شور، بیسکویت شور

A **pretzel** is a snack food baked in different shapes like sticks or knots. **Pretzels** are crunchy and salty.



چوب شور، غذای سبکی است که به شکل های متفاوت مانند چوب یا گره، پخته می شود. چوب شورها ترد و نمکی هستند.

price

قیمت

The **price** is how much money something costs.

The **price** of the coat is on the tag.

قیمت مقدار پولی است که چیزی می ارزد.

قیمت کت بر روی برچسب می باشد.

prince

شاهزاده

A **prince** is the son of the king or queen. A prince lives in a palace.

شاهزاده پسر شاه یا ملکه است. شاهزاده در قصر

زندگی می کند.

**princess**

شاهزاده خانم

(princesses)

A **princess** is the daughter of the king or queen. A **princess** lives in a palace.

شاهزاده خانم دختر شاه یا ملکه است. شاهزاده

خانم در قصر زندگی می کند.

**print**

چاپ کردن

(prints, printed, printing)

When people **print** words and pictures, they put them on paper with a pencil, a pen, or a machine.

هنگامی که مردم کلمات و تصاویر را چاپ می کنند، با کمک مداد، خودکار یا دستگاهی آن ها را بر روی کاغذ منتقل می کنند.

printer

چاپگر

A **printer** is a machine that makes marks on paper. A computer tells the **printer** what kinds of marks to make.

چاپگر دستگاهی است که روی کاغذ علامت می گذارد. رایانه به چاپگر می گوید که چه نوع علامتی را روی کاغذ ایجاد کند.

**prize**

جایزه

A **prize** is something you win when you do well.

A **prize** might be a ribbon, a trophy, or money.

جایزه چیزی است که هنگام انجام کاری با موفقیت به دست می آورید.

جایزه ممکن است یک روبان، نشان افتخار یا پول باشد.

problem

1. It is a **problem** for me to put this puzzle together.

2. It is a **problem** when the children don't listen to the teacher.

۱- سخت، دشوار. کنار هم گذاشتن این جورچین برایم دشوار است.

۲- مشکل، گرفتاری. هنگامی که بچه ها به حرف های معلم گوش نمی دهند، معضلی وجود دارد.

promise

(promises, promised, promising)

If you **promise**, you say that you will really do something.

I **promise** to take my little brother to the playground.

قول دادن. اگر قول دهید، می گوید که چیزی را حتماً انجام می دهید.

قول می دهم که برادر کوچکم را به زمین بازی ببرم.

puck-puzzle

puck

A **puck** is a hard, round rubber disc used to play ice hockey. Players hit the **puck** with long sticks, and it slides across the ice.



گوی نوعی صفحه محکم گرد و پلاستیکی است که در بازی هاکی روی یخ استفاده می شود. بازیکنان با چوب بلندی به گوی ضربه می زنند و آن روی یخ سر می خورد.

pull

(pulls, pulled, pulling)

When you move someone or something toward you, you **pull** it. You **pull** on the oar to row the boat.

هنگامی که چیزی یا شخصی را به طرف خود حرکت می دهید، آن را می کشید. شما پارو را می کشید تا قایق حرکت کند.

pump

A **pump** is a tool that gases and liquids pass through. A **pump** can put air into a flat bicycle tire.

تلمبه وسیله ای است که گاز و مایعات از میان آن می گذرند. تلمبه می تواند هوا را وارد لاستیک پنچر دو چرخه بکند.

pumpkin

A **pumpkin** is a large, round orange fruit that you can cook and make into **pumpkin** pies. People carve faces in **pumpkins** for Halloween.



کدو تنبل میوه بزرگ گرد و نارنجی رنگی است که می توانید آن را بپزید و با آن کیک کدو تنبل درست کنید. مردم برای جشن هالوین روی کدو تنبل ها شکلک هایی را حک می کنند.

puppet

A **puppet** is a doll you make move. Some **puppets** move when you put your hand inside them, while others move when you pull strings.

عروسک خیمه شب بازی عروسکی است که آن را به حرکت در می آورید. در بعضی از عروسک های خیمه شب بازی، دست را داخل عروسک می کنید و آن را تکان می دهید، در حالی که بعضی دیگر را بانج آنها حرکت می دهید.

puppy

(puppies)

A **puppy** is a young dog. **Puppies** like to play and chew on things.

توله سگ، سگی است که تازه دنیا آمده است. توله سگ ها دوست دارند که بازی کنند و چیزها را بجوند.

گوی

purple

بنفش، زرشکی

When you mix red and blue, you make the color **purple**. A plum is **purple**.

هنگامی که قرمز و آبی را با هم مخلوط کنید رنگ بنفش بدست حاصل می شود. آلو بنفش است.



purpose

هدف، مقصود

When you have a **purpose** for doing something, you have a plan. My **purpose** for getting out the paper, scissors, and paste is to make valentines.

هنگامی که برای انجام چیزی هدف داشته باشید، طرح و نقشه ای دارید. هدفم از خرید کاغذ، قیچی و چسب درست کردن کارت والتاین است.

purse

کیف دستی (زنانه)

A **purse** is a bag with a handle or strap that people carry things in such as money and keys.



کیف دستی کیفی است که دسته یا بند دارد و مردم چیزهایی مانند پول و کلید را در آن حمل می کنند.

push

فشار دادن، هل دادن

(pushes, pushed, pushing)

When you move someone or something away from you, you **push** it.

هنگامی که شخص یا چیزی را حرکت می دهید، اگر از شما دور شود، آن را هل داده اید.

put

(puts, put, putting)

I **put** my foot on the floor.

پایم را بر روی کف اتاق گذاشتم.

puzzle

پازل، جورچین

A **puzzle** is a game, toy, or question that you have fun trying to figure out. How do I put this **puzzle** together?

پازل، بازی، اسباب بازی یا سوالی است که انجام دادن آن برایتان سرگرم کننده می باشد. چگونه این جورچین را بجوینم؟





quart

A **quart** is a measure for liquids, such as milk. There are four **quarts** in a gallon.

کوارت واحد اندازه گیری برای مایعاتی نظیر شیر است. یک گالن معادل چهار کوارت می باشد. کوارت تقریباً معادل یک لیتر است.



quarter

1. You can have a **quarter** of the pizza.
2. One **quarter** is the same value as 25 pennies.

۱- یک چهارم، ربع. می توانی یک چهارم از پیتزا را بخوری.
۲- کوارتر. کوارتر سکه ای به ارزش ۲۵ پنی است.



queen

A **queen** is a woman who rules a country. A **queen** is sometimes married to a king.

ملکه زنی است که بر کشوری حکومت می کند. ملکه گاهی همسر پادشاه است.



question

You ask a **question** when you want to find out about something. My teacher had a good answer to my **question**.

هنگامی که بخواهید درباره چیزی بدانید، سوالی را می پرسید. معلم به سؤال من پاسخ خوبی داد.

quick

(quicker, quickest)

1. If someone moves fast, he is **quick**.
2. **Quick** means something must be done in a short time.

۱- سریع. اگر کسی به سرعت حرکت کند، سریع است.
۲- فوری. فوری یعنی چیزی باید در مدت کوتاهی انجام شود.

quiet

(quieter, quietest)

If someone is **quiet**, she doesn't make any noise. Be **quiet** in the library.

اگر کسی ساکت است، صدایی نمی کند.
در کتابخانه ساکت باش.

quilt

A **quilt** is two pieces of cloth stuffed with soft material and sewn together. People sew pretty designs on **quilts** and use them for a warm bed cover.



روتختی دو لایه پارچه است که میان آنها لایه ای نرم قرار دارد و به یکدیگر دوخته شده اند. مردم طرح های زیبایی را روی آن میدوزند و از آن به عنوان پوششی گرم بر روی تخت استفاده می کنند.

quit

(quits, quit, quitting)

If you **quit** something, you stop doing it. I **quit** playing soccer because I broke my foot when I fell.

اگر چیزی را رها کنید، دیگر آن را انجام نمی دهید. هنگامی که افتادم پایم شکست و به همین خاطر بازی فوتبال را ترک کردم.

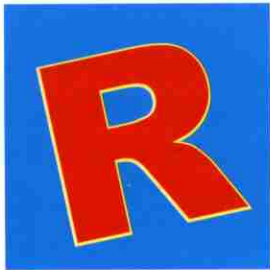
quiz

(quizzes)

A **quiz** is a short test that asks questions to find out how much you know. My teacher gave me a **quiz** to see if I could spell animal names.

آزمون کوتاه، امتحان کوچکی است که سوالاتی را می پرسد تا مشخص شود تا چه اندازه درباره مطلب می دانید. معلم از من آزمون کوتاهی گرفت، تا ببیند می توانم اسم حیوانات را هجی کنم.





rabbit

خرگوش

A **rabbit** is a small, wild, furry animal with long ears. A rabbit moves by hopping. **Rabbits** like to eat carrots.



خرگوش حیوان پشمالودی کوچک و وحشی است که گوش‌های درازی دارد. خرگوش برای حرکت می‌جهد. خرگوش‌ها دوست دارند هویج بخورند.

raccoon

راکون

A **raccoon** is a furry animal with a long, ringed tail and a black fur mask around its eyes. A **raccoon** sleeps in the day and looks for food at night.



راکون حیوان پشمالودی با دم دراز حلقه‌حلقه است و ماسکی از موهای سیاه به دور چشم‌ها دارد. راکون در روز می‌خوابد و در شب به دنبال غذا می‌گردد.

race

مسابقه

The man with blue shorts won the **race** around the block.

مردی که شلوارک آبی پوشیده است در مسابقه دور ساختمان برنده شد.

rack

جا لباسی، طاقچه

I can hang my hat on the **rack**.

جا لباسی. می‌توانم کلاه‌م را روی جا لباسی آویزان کنم.

radio

رادیو

A **radio** is a machine that picks up waves in the air and turns them into sounds.

رادیو دستگاهی است که امواج را در هوا می‌گیرد و آن‌ها را به صدا تبدیل می‌کند.



radish

تربچه

(radishes)

A **radish** is a spicy red-and-white vegetable that grows under the ground. You might eat **radishes** in a salad.

تربچه سبزی قرمز و سفیدی است که طعم تندی دارد و در زیر زمین رشد می‌کند. ممکن است تربچه را در سالاد بخورید.



railroad

خط آهن

A **railroad** is a path made of metal bars for a train's wheels to follow. **Railroad** tracks go across bridges and mountains.

خط آهن مسیری است که با میله‌های فلزی مخصوص چرخ‌های قطار کشیده شده است تا قطار بر روی آن حرکت کند. خط آهن از روی پل‌ها و کوه‌ها می‌گذرد.

rain

باران

Rain is small drops of water that fall to the ground from clouds in the sky.

باران قطره‌های کوچک آب است. که از ابرهای آسمان بر روی زمین می‌ریزد.

rainbow

رنگین کمان

A **rainbow** is a curved band of colors you sometimes see in the sky when the sun shines after the rain.

رنگین کمان، نوار منحنی رنگارنگی است که بعضی اوقات هنگامی که بعد از باران آفتاب می‌درخشد، در آسمان می‌بینید.

raincoat

بارانی

You wear a **raincoat** to keep yourself dry from the rain. برای این که در باران خشک بمانید، بارانی می‌پوشید.

raisin

کشمش

A **raisin** is a small dried grape.

کشمش انگور کوچک و خشک شده است.

rake

شن کش، شانه

A **rake** is a tool with a long handle and big teeth that you use to collect leaves and grass outdoors.

شن کش، وسیله‌ای با دسته بلند و دندان‌های بزرگ است که برای جمع کردن برگ‌ها و علف‌های محوطه بیرون از خانه استفاده می‌شود.

**Ramadan**

ماه رمضان

Ramadan is the ninth month of the Islamic year.During **Ramadan**, people do not eat between dawn and sunset.

ماه رمضان نهمین ماه سال قمری است. در طی ماه رمضان، مردم بین طلوع خورشید و غروب آن چیزی نمی‌خورند.

raspberry

تمشک

(raspberries)

A **raspberry** is a small, bumpy, black or red fruit with many tiny seeds. **Raspberries** grow on bushes.

تمشک میوه قرمز و سیاه کوچکی با سطح ناصاف است که درونش دانه‌های ریز زیادی وجود دارد. تمشک روی بوته رشد می‌کند.

**rat**

موش خانگی، موش صحرایی

This animal that looks like a big mouse with a long, thin tail and very sharp teeth.

این حیوان شبیه موش بزرگی است که دم باریک، بلند و دندان‌های بسیار تیزی دارد.

**rattle**

جغجغه

When you shake a **rattle**, the loose parts inside make sharp, short sounds. A **rattle** is a baby's toy.

هنگامی که جغجغه را تکان می‌دهید، قطعه آزاد داخل آن صدای تیز و کوتاهی را ایجاد می‌کند. جغجغه اسباب بازی نوزادان است.

rattlesnake

مار زنگی

A **rattlesnake** is a very long animal that has scales and moves by wiggling. The **rattlesnake** warns people it might hurt them by making a rattling noise with its tail. مار زنگی حیوانی با طول بسیار زیاد و دارای پولک است که با خزیدن حرکت می‌کند. مار زنگی با دم خود صدایی ایجاد می‌کند و به مردم اخطار می‌دهد که ممکن است به آن‌ها آسیب برساند.**raw**

خام

(rawer, rawest)

If a food is **raw**, it is not cooked. **Raw** carrots crunch when you eat them.

اگر غذایی خام باشد، پخته نشده است. هویج خام هنگام خوردن خرت خرت صدا کند.

ray

پرتو، اشعه، نور

A **ray** from the flashlight shines through the night.

نور چراق قوه در شب می‌درخشد.

reach

(reaches, reached, reaching)

When you **reach** for something, you put your hand out for it. You **reach** to pick the flower. 2. It will be time to swim when we **reach** the pond.

۱- دسترسی یافتن، دست دراز کردن. برای دسترسی به چیزی دست خود را به طرف آن چیز دراز می‌کنید.

برای کندن گل دست خود را دراز می‌نمایید.

۲- رسیدن. وقتی که به برکه برسیم وقت شنا است.

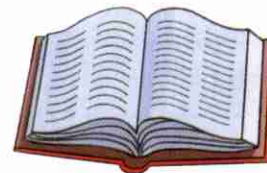
read

خواندن

(reads, read, reading)

When you **read**, you look at words and know what they mean.

هنگام خواندن، به کلمات نگاه می‌کنید و می‌دانید که معنی آن‌ها چیست.



ready-reptile

ready

آماده

(readier, readiest)

If you are **ready**, you are prepared to do something right now. As soon as you are **ready**, we will go to the store.

اگر آماده باشید، همین حالا حاضر به انجام کاری هستید. به محض این که آماده شدی، به فروشگاه می‌رویم.

real

واقعی

If something is **real**, it is true. Is this a **real** story or a make-believe one?

اگر چیزی واقعی باشد، آن چیز حقیقت دارد. آیا این داستان واقعی یا تخیلی است؟

reason

دلیل

A **reason** explains why something happens, The **reason** you are wet is because you did not wear your raincoat in the rain.

دلیل توضیح می‌دهد که چرا چیزی اتفاق می‌افتد. دلیل این که خیس شده‌ای این است که در باران بارانی خود را نپوشیدی.

rectangle

مستطیل

A **rectangle** is a shape with two long sides, two short sides, and four corners. A door is a **rectangle**.

مستطیل شکلی است که دو ضلع بلند، دو ضلع کوتاه و چهار گوش دارد. در مستطیل شکل است.



red

رنگ قرمز

Fire engines and cherries are **red** things.

ماشین‌های آتش‌نشانی و گیلاس چیزهایی قرمز رنگ هستند.



referee

داور

A **referee** is a person who makes sure the players follow the rules at games such as football and basketball.

داور کسی است که اطمینان حاصل می‌کند بازیکنان از قوانین مسابقاتی مانند فوتبال و بسکتبال پیروی می‌کنند.



refrigerator

یخچال

A **refrigerator** is a machine that keeps food cold and fresh. The coldest part of the **refrigerator** is the freezer.

یخچال دستگاهی است که غذا را سرد و تازه نگه می‌دارد. سردترین قسمت یخچال فریزر آن است.



remember

به خاطر داشتن

(remembers, remembered, remembering)

If you **remember** something, you keep it in your mind. I **remembered** to get the cake out of the oven.

اگر چیزی را به خاطر داشته باشید، آن را در ذهن خود نگه داشته‌اید. به خاطر داشتم که کیک را از فر بیرون بیاورم.

rent

اجاره دادن

(rents, rented, renting)

If you **rent** something, you pay someone money to use it for a while. My parents **rent** the house we live in.

اگر چیزی را اجاره کنید به شخصی پول می‌پردازید تا برای مدتی از آن چیز استفاده کنید. پدر و مادر من خانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم را اجاره کرده‌اند.

reply

پاسخ دادن، جواب دادن

(replies, replied, replying)

I am **replying** to your phone call.

در حال پاسخ به تماس تلفنی شما هستم.

report

گزارش

When you write or give a **report**, you tell all about something. I wrote a **report** for my teacher about growing seeds.

هنگام نوشتن یا دادن گزارش، درباره چیزی صحبت می‌کنید. گزارشی درباره دانه‌های در حال رشد برای معلم نوشتم.

reptile

خزنده

A **reptile** is an animal that has cold blood and skin with scales on it. **Reptiles**, such as snakes and turtles, lay eggs.

خزنده حیوانی خونسرد است که روی پوستش پولک دارد. خزندگان مانند مار و لاک پشت تخم گذارند.



rescue

نجات دادن

(rescues, rescued, rescuing)

If you **rescue** somebody, you help them or save them from danger. The firefighter **rescued** the cat from the tree.

اگر افرادی را نجات دهید، به آنها کمک می کنید آنها را از خطری دور کرده اید. مامور آتش نشانی گربه را از بالای درخت نجات داد.

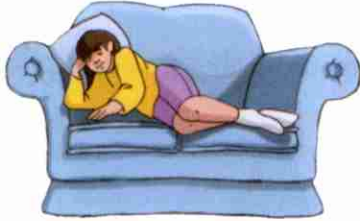
rest

(rests, rested, resting)

1. When you **rest**, you stop what you are doing because you are tired. After playing in the park, you need to **rest**. 2. I will give you the rest of the cake.

۱ - استراحت کردن. هنگام استراحت به علت خستگی، کاری را که در حال انجام آن بودید متوقف می کنید. بعد از بازی در پارک، نیاز به استراحت دارید.

۲ - باقی مانده. بقیه کیک را به شما خواهم داد.

**rice**

برنج

Rice is a small white or brown seed that gets soft when you cook it for food. **Rice** grows in wet land in hot countries.

برنج دانه سفید یا قهوه‌ای رنگی است که هنگام پختن غذا نرم می شود. برنج در زمین مرطوب و در کشورهای گرمسیری رشد می کند.

**rich**

ثروتمند

(richer, richest)

If someone is **rich**, that person has a lot of money or things, like jewelry. The **rich** man owns five cars.

اگر کسی ثروتمند باشد، آن شخص یک عالمه پول یا چیزهایی مانند جواهر دارد. آن مرد ثروتمند پنج تا ماشین دارد.

riddle

معما، چیستان

A **riddle** is a puzzling question that has a funny answer.

A **riddle**: What is black and white and read all over? (A newspaper!)

چیستان سؤالی است که پاسخ جالبی دارد. یک معما: آن چیست که سیاه و سفید است و همه جا خوانده می شود؟ (روزنامه!)

ride

سوار شدن

(rides, rode, ridden, riding)

People may **ride** bikes, horses, buses, or other moving things.

مردم ممکن است سوار دوچرخه، اسب، اتوبوس یا وسایل نقلیه دیگری بشوند.

right

1. If something is **right**, it is not wrong. All the answers on my quiz were **right**.

2. Right is the opposite of left. I roll the bowling ball with my **right** hand.

۱ - درست، صحیح. اگر چیزی درست باشد، غلط نیست. تمام پاسخ های امتحانم درست بودند.

۲ - سمت راست. راست متضاد چپ است. توپ بولینگ را با دست راستم به حرکت درآوردم.

return

پس دادن

(returns, returned, returning)

When you **return** something, you give it back. I am **returning** your hockey puck because I'm finished playing.

هنگام پس دادن چیزی، آن را (به کسی) برمی گردانید.

گوی هاکی تو را برمی گردانم زیرا بازی من تمام شده است.

ribbon

روبان

A **ribbon** is a long, thin piece of colored cloth or paper used to decorate gifts or someone's hair.

Ribbons are also sometimes given out for a prize.

If someone wins first place, they get a blue **ribbon**.

روبان قطعه ای پارچه یا کاغذ رنگی بلند و باریک است که برای تزیین

کادو یا بستن موی شخصی به کار می رود. روبان همچنین به عنوان

جایزه به کسی داده می شود. اگر کسی نفر اول شود، روبان آبی می گیرد.



ring-rock

ring

(rings, rang, rung, ringing)

1. **rings**. 2. A **ring** is a piece of pretty jewelry you wear on your finger. 3. A **ring** is a circle shape with an empty center. The children held hands and made a **ring** to play the game.



۱- زنگ زدن.
۲- حلقه. حلقه قطعه زیبایی از جواهر

است که آن را به انگشت خود می اندازید.

۳- دایره. دایره شکل گردی است که وسط آن خالی است. بچه ها دست هایشان را به هم دادند و دایره ای ساختند تا بازی کنند.

rip

پاره کردن

(rips, ripped, ripping)

I **ripped** open the envelope to pull out the letter.

پاکت را پاره کردم تا نامه را بیرون بیاورم.

rise

بلند شدن، طلوع کردن

(rises, rose, risen, rising)

The sun **rises** every morning.

خورشید هر روز صبح طلوع می کند.

river

رودخانه

A **river** is a long, wide bit of water with land on both sides. A **river** flows to the sea.

رودخانه گستره طولانی و عریضی از آب است که در دو طرف آن خشکی قرار دارد. رودخانه به دریا می ریزد.

road

جاده

A **road** is a wide path that cars, buses, and trucks use to travel between places. Most **roads** are hard and smooth.

جاده مسیر پهنی است که ماشین ها، اتوبوس ها و کامیون ها برای رفت و آمد بین مکان ها از آن استفاده می کنند. اکثر جاده ها محکم و صاف هستند.



roar

غرش کردن، صدای بسیار بلند

(roars, roared, roaring)

The lion **roared** when it was angry. We could not hear the pilot over the **roar** of the airplane.

شیر هنگام عصبانیت غرید. به دلیل غرش (موتور هواپیما) نتوانستیم صدای خلبان را بشنویم.

rob

دزدیدن

(robs, robbed, robbing)

If people **rob** someone, he takes things that do not belong to him. The people who **robbed** the bank took a lot of money.

اگر کسی از فردی دزدی کند، چیزی را که متعلق به او نیست را برمی دارد. کسانی که از بانک سرقت کردند، پول زیادی را برداشتند.

robin

سینه سرخ

A **robin** is a songbird with red feathers on its breast.

سینه سرخ پرندۀ آوازخوانی است که پرهای قرمزی بر روی سینه اش دارد.



robot

ربات، آدم آهنی

A **robot** is a machine that does some work that people do. Computerized **robots** can build cars in factories.

ربات، آدم آهنی. ربات دستگاهی است که بعضی از کارهایی را که مردم انجام می دهند، انجام می دهد. ربات های رایانه ای می توانند در کارخانه ها اتومبیل بسازند.



rock

(rocks, rocked, rocking)

1. When you **rock** something, you move it back and forth or side to side. Mommy **rocks** the baby in the **rocking** chair. 2. A **rock** is a hard stone that comes from the earth. **Rock** rises from the earth as mountains.

۱- تکان دادن. هنگام تکان دادن چیزی آن را به عقب و جلو یا از این طرف به آن طرف حرکت می دهید. مامان نوزاد را در صندلی گهواره ای تکان می دهد.

۲- صخره. صخره سنگ سختی است که از زمین برآمده است. صخره مانند کوه از زمین بیرون می آید.

rocket

موشک

A **rocket** is a tubelike machine that flies very fast and very high. Burning gasses inside the **rocket** make it shoot into space.

موشک دستگاه لوله‌ای شکلی است که بسیار سریع و در ارتفاع بسیار بالا پرواز می‌کند. گازهای سوزان درون موشک باعث پرتاب آن در فضا می‌شوند.

rockingchair

صندلی گهواره‌ای، گهواره

A **rocking chair** is a seat with two curved rockers on the bottom that help it move back and forth. Babies like to be rocked to sleep in a **rocking chair**.

صندلی گهواره‌ای نوعی صندلی است که دو چوب منحنی شکلی در انتهای خود دارد که به حرکت صندلی به عقب و جلو کمک می‌کنند. نوزادان دوست دارند که در گهواره تکان داده شوند و بخوابند.

roll

(rolls, rolled, rolling)

1. When something round, like a ball, **rolls**, it moves by turning over and over. 2. A **roll** is a little round piece of baked bread. People make sandwiches with **rolls**.

۱- چرخیدن. اگر جسم گردی، مانند یک توپ بچرخد، آن با چرخش مکرر حرکت می‌کند.
۲- نان گرد. نان گرد قطعه نان پخته شده کوچک و گردی است. مردم با آن ساندویچ درست می‌کنند.



roof

سقف

A **roof** is the flat part of a building that covers it to keep out the rain. Cars and trucks also have a flat **roof** on the top.

سقف قسمت صاف بالای ساختمان است که آن را می‌پوشاند و جلوی ریزش باران را به داخل می‌گیرد. ماشین‌ها و کامیون‌ها نیز سقف صافی بر بالای خود دارند.

room

1. A **room** is a space with walls around it inside a building. A kitchen is a room. 2. Is there **room** for me in the bed?

۱- اتاق. اتاق فضایی در داخل ساختمان است که با دیوار احاطه شده است. آشپزخانه یک اتاق است.
۲- جا. در تختخواب جایی برای من هست؟

rooster

خروس

A **rooster**, a male chicken with a fancy tail, lives on a farm.

A **rooster** makes a noisy cock-a-doodle-do

خروس جوجه نری است که دم پر نقش و نگاری دارد و در مزرعه زندگی می‌کند. خروس صدای

قوقولی قوقوی بلندی دارد.



rope

طناب

A **rope** is a thick, strong set of strings twisted together. You can use **rope** to lift, pull, or tie things.

یک طناب مجموعه بندهای بافته شده ضخیم و محکمی است. می‌توانید از طناب برای بالا بردن، کشیدن یا بستن اجسام استفاده کنید.

rose

گل رز

A **rose** is a sweet-smelling, beautiful flower with thorns on its stem. **Roses** grow on bushes.

گل رز گل زیبا و خوش بویی است که بر روی ساقه خود تیغ دارد. رزها در بوته رشد می‌کنند.



rough

زبر، ناصاف

(rougher, roughest)

Sandpaper is **rough**.

کاغذ سنباده زبر است.

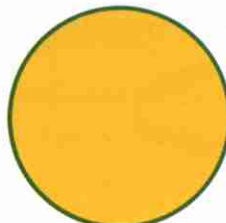
round

گرد

(rounder, roundest)

Something that is **round** has the same shape as a circle or a ball.

چیزی که گرد است شکلی مانند دایره یا توپ را دارد.



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

row-run

row

(rows, rowed, rowing)

1. When you **row** a boat, you move it through the water with oars 2. The girl put her teddy bears in a **row**.

۱- پارو زدن. هنگام پارو زدن با کمک پارو قایق را در میان آب به حرکت درمی آورید.

۲- ردیف. آن دختر عروسک های خرسی اش را در یک ردیف چید.

rowboat

قایق پارویی

A **rowboat** is something that people sit in to ride through the water. They use two oars to move the **rowboat** along.

قایق پارویی چیزی است که مردم در آن می نشینند و در میان آب سواری می کنند. آنها با استفاده از دو پارو قایق را به حرکت درمی آورند.

rub

مالیدن، سائیدن

(rubs, rubbed, rubbing)

When you **rub** a thing, you move your hand back and forth across it. When you **rub** your kitty, it purrs.

هنگام مالیدن چیزی، دست های خود را عقب و جلو بر روی آن حرکت می دهید. هنگامی که بچه گربه خود را نوازش می کنید خرخر می کند.

rubber

لاستیک، لاستیکی

Rubber is a material that stretches and bounces.

لاستیک ماده ای است که می تواند کشیده شود و به حالت خود بر گردد.

rubber band

نوار لاستیکی، نوار کش

A **rubber band** is a long circle of stretchy rubber that can slide over things to hold them in place.

نوار لاستیکی لاستیک دایره ای شکل بلندی است که کش می آید و می تواند دور اجسام بسته شود و آنها را در جای خود نگه دارد.



rug

قالی

A **rug** is a strong, sturdy cloth used to cover a floor.

قالی پوشش محکم و مستحکمی می باشد که کف اتاق را می پوشاند.



rule

(rules, ruled, ruling)

1. If someone **rules** a country, they control the people who live there. 2. A **rule** lets you know what you can do. A classroom **rule** says to throw away your juice cups after snack time.

۱- حکومت کردن. اگر کسی در کشوری حکومت کند، مردمی که در آن کشور زندگی می کنند را کنترل و نظارت می نماید.

۲- قانون. قانون به شما می گوید که چه کاری را می توانید انجام دهید. قانون کلاس می گوید که فنجان های آب میوه خود را بعد از زنگ تفریح کنار بگذارید.

ruler

1. A **ruler** is a tool that helps you measure how long something is or draw a straight line. 2. A **ruler** is a person who is the leader of the country.

۱- خط کش. خط کش وسیله ای است که با آن کمک می توانید طول چیزی را اندازه بگیرید یا خط راستی را ترسیم کنید.

۲- حاکم. حاکم شخصی است که رهبر کشوری می باشد.



run

دویدن

(runs, ran, running)

When you **run**, you move your legs very quickly. If you **run**, you go faster than walking.

هنگام دویدن، پای خود را بسیار سریع حرکت می دهید. اگر بدوید، سریع تر از راه رفتن حرکت می کنید.



sad

(sadder, saddest)

If you are **sad**, you feel unhappy. You are **sad** that you broke your arm.

اگر غمگین هستید، احساس خوشحالی نمی کنید. از این که بازویتان شکسته شده ناراحت و غمگین هستید.

safe

(safer, safest)

If you are **safe**, nothing can hurt you, and you are not in danger. I am **safe** in the water wearing my life jacket.

اگر در امان باشید، چیزی نمی تواند به شما صدمه برساند و از خطر دورید. با پوشیدن جلیقه نجات در آب امنیت دارم.

sailor

A **sailor** is someone who works on a ship. **Sailors** keep ships clean and running smoothly.

ملوان شخصی است که در کشتی کار می کند. ملوان ها کشتی را تمیز نگه می دارند و آن را به آرامی حرکت می دهند.



salad

A **salad** is a cold mixture of fruits, vegetables, or meats. سالاد مخلوط سردی از میوه جات، سبزیجات یا گوشت است.



salt

Salt is a white powder people put on food for flavor. Pretzels have **salt** on them.

نمک پودر سفیدی است که مردم برای طعم دادن به غذا استفاده می کنند. روی چوب شور نمک وجود دارد.



same

If two things are the **same**, they are just like each other. The girl's I hair ribbons are blue and look the **same**.

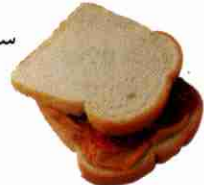
اگر دو چیز یکسان باشند، درست شبیه یکدیگرند. روبان های سر دخترها آبی هستند و مثل هم به نظر می رسند.

sandwich

(sandwiches)

A **sandwich** is two slices of bread with food, such as meat, cheese, and vegetables, in between.

ساندویچ دو تکه ای از نان است که بین آن ها غذا مانند گوشت، پنیر و سبزیجات قرار می گیرد.



Santa Claus

Santa Claus is a jolly old man who leaves gifts for children on Christmas Eve.

Santa Claus dresses in a red suit and rides in a sleigh pulled by flying reindeer



بابا نوئل مرد پیر مهربان و خوش رویی است که هنگام شب کریسمس برای بچه ها هدیه می آورد. بابانوئل لباس قرمزی می پوشد و سوار کالسکه ای می شود که گوزن های پرنده می کشند.

Saturday

Saturday is the seventh day of the week. You do not go to school on **Saturday**, a weekend day.

شنبه هفتمین روز هفته تقویم میلادی می باشد. شنبه آخر هفته است و مدرسه نمی روید.

نمک

یکسان، همانند

ساندویچ

بابا نوئل

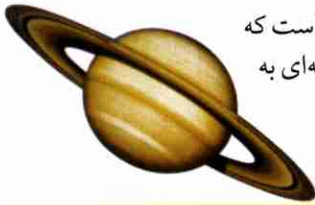
شنبه

A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

Saturn

سیاره کیوان، زحل

Saturn is a planet in the solar system that is larger than Earth. **Saturn** has rings around it.



کیوان سیاره‌ای در منظومه شمسی است که از زمین بزرگتر می‌باشد. زحل حلقه‌ای به دور خود دارد.

sausage

سوسیس

Sausage is spicy chopped meat stuffed into a long skin and then cooked.

سوسیس گوشت چرخ شده ادویه داری است که در پوششی باریک و بلند قرار می‌گیرد و سپس پخته می‌شود.

save

(saves, saved, saving)

1. If you **save** money or anything else, you keep it some place to use later on. I'm **saving** pennies in my piggy bank. 2. If you **save** someone, you rescue her from danger. The firefighter **saved** the kitten that was stuck in the tree.

۱- پس انداز کردن، ذخیره کردن. اگر پول یا هر چیز دیگری را پس انداز کنید، آن را جایی نگه می‌دارید که بعداً از آن استفاده نمایید. سکه‌های پنی خود را در قلک پس انداز می‌کنم.

۲- نجات دادن. اگر کسی را نجات دهید، او را از خطر دور کرده‌اید. مامور آتش نشانی بچه گربه‌ای را که در میان درخت گیر کرده بود، نجات داد.

saxophone

ساکسوفون

A **saxophone** is a musical instrument that sounds like a horn. You blow into a **saxophone** and press the keys to change the sounds.



ساکسوفون نوعی وسیله موسیقی است که صدایش مانند شپور است. با دمیدن در ساکسوفون و فشار بر روی کلیدهای آن صداها را تغییر می‌دهید.

say

گفتن

(says, said, saying)

The girl **says** she likes cheese.

آن دختر می‌گوید که از پنیر خوشش می‌آید.

scare

ترسیدن

(scares, scared, scaring)

The thunder and lightning **scared** the dog.

غرش آسمان و رعد و برق سگ را ترساند.

scarecrow

مترسک

A **scarecrow** looks like a huge doll dressed in old clothes. Stuffed with straw, a **scarecrow** frightens birds away from a farmer's field.



مترسک شبیه عروسک بزرگی است که به آن لباس‌های کهنه پوشانده‌اند. مترسک که از کاه پر شده است پرندگان را می‌ترساند و آنها را از مزارع کشاورزان دور می‌کند.

scarf

شال، روسری

(scarves)

A **scarf** is a long piece of material you wear around your head or neck to keep warm.

شال قطعه پارچه بلندی است که دور سر یا گردن خود می‌پیچید تا شما را گرم نگه می‌دارد.



school

مدرسه

School is a place where people go to learn. In **school**, the teacher helps children learn to read and write.

مدرسه جایی است که بچه‌ها برای یادگیری می‌روند. در مدرسه، معلم به بچه‌ها کمک می‌کند خواندن و نوشتن بیاموزند.

science

علم

Science is the study of things like animals, plants, and the planets.

علم مطالعه چیزهایی نظیر حیوانات، گیاهان و سیاره‌ها است.

scientist

دانشمند

A **scientist** is a person who studies about the world and how it works. A **scientist** might study about one thing, such as the stars.

دانشمند فردی است که درباره دنیا و چگونگی کار آن تحقیق می کند. دانشمند ممکن است درباره چیزی مانند ستارگان مطالعه نماید.

scissors

قیچی

A pair of **scissors** is a cutting tool with two sharp, pointed parts joined together. **Scissors** can cut cloth or paper.



قیچی وسیله ای برای بریدن است و دو تیغه نوک تیز دارد که به یکدیگر متصل شده اند. قیچی می تواند پارچه یا کاغذ را ببرد.

score

امتیاز، نمره، نتیجه

When you play a game, the **score** tells how many points each team has'. The **score** of the baseball game is 7-5.

هنگام بازی، نتیجه می گوید که هر تیم چه امتیازی بدست آورده است. نتیجه این بازی بیسبال ۷ به ۵ است.

scream

جیغ کشیدن

(screams, screamed, screaming)

If you **scream**, you yell.

هنگام جیغ زدن، فریاد می کشید.

screen

1. A **screen** is a big, flat area where you see a TV or a movie picture. 2. A **screen** looks like a metal or plastic net with tiny holes to fit over a window or door. A **screen** keeps the bugs out.

۱- صفحه. صفحه فضای صاف و بزرگی است که در تلویزیون یا سینما می بینید.

۲- توری. توری شبیه شبکه ای فلزی یا پلاستیکی است که سوراخ های ریزی دارد و بر روی پنجره یا در نصب می شود. توری حشرات را بیرون از خانه نگه می دارد.

sea

دریا

A **sea** is a large body of salty water.

دریا از مقدار بسیار زیادی آب شور تشکیل شده است.

sea horse

اسب دریایی

A **sea horse** is a small ocean fish that swims by waving a fin on its back. The top part of the **sea horse** looks like a horse, while the bottom part has a curly tail.



اسب دریایی نوعی ماهی کوچک اقیانوسی است که با حرکت دادن باله ای بر روی پشتش حرکت می نماید. بالاتنه اسب دریایی مانند اسب و قسمت پایین آن دمی خمیده دارد.

seal

(seals, sealed, sealing)

1. I am sealing this letter shut. 2. A **seal** is an ocean animal with thick, smooth fur and webbed feet to help it swim.

۱- بستن، مهر کردن. در حال بستن این نامه می باشم.
۲- خوک آبی. خوک آبی حیوانی است که در اقیانوس زندگی می کند و موی پرپشت و نرم و پاهای پرده داری دارد که به شنا کمک می کنند.

search

جستجو کردن، گشتن

(searches, searched, searching)

I am **searching** for my lost ring.

به دنبال حلقه گم شده ام می گردم.

seat

صندلی

A **seat** is a place where you can sit. Two children sit together on the **seat** on the school bus.



صندلی جایی است که می توانید روی آن بنشینید.
دو بچه کنار هم روی صندلی اتوبوس مدرسه می نشینند.

second

1. A **second** is a very tiny amount of time. There are 60 seconds in a minute. 2. You came in **Second** in the race.

۱- ثانیه. ثانیه مقدار بسیار کمی از زمان است. در یک دقیقه ۶۰ ثانیه وجود دارد.

۲- دومین. شما در مسابقه دوم شدید.

secret-service

secret

راز

A **secret** is something that only a few people know about. I can't tell you about the surprise because it is a **secret**.
راز چیزی است که افراد کمی درباره آن می دانند.
نمی توانم درباره آن موضوعی که قرار است غافلگیر کننده باشد، چیزی بگویم زیرا که یک راز است.

see

دیدن

(sees, saw, seen, seeing)

Did you **see** the pretty flower?

آیا آن گل زیبا را دیدی؟

seed

دانه

A **seed** is a little part of a plant that grows into a new plant if you put it in the ground. Most **seeds** have a hard shell to keep the tiny new plant inside safe. You can eat some **seeds**, like pumpkin **seeds**.

دانه بخش کوچکی از گیاه است که اگر آن را داخل خاک بگذاریم تبدیل به گیاه تازه ای می شود. اکثر دانه ها پوسته سختی دارند که گیاه تازه و کوچک را درون خود سالم نگه می دارد. می توانید بعضی از دانه ها مانند دانه کدو را بخورید.



seem

به نظر رسیدن

(seems, seemed, seeming)

When you take a bath, it **seems** like you are swimming.
هنگام حمام کردن، به نظر می رسد که شنا می کنید.

seesaw

الاکلنگ

A **seesaw** is a big playground toy with a long, flat board. People sit on each end of the **seesaw** to move it up and down.



الاکلنگ وسیله بازی بزرگی در زمین بازی است که تخته صاف بلندی دارد. بچه ها بر روی دو انتهای الاکلنگ می نشینند و آن را به بالا و پایین حرکت می دهند.

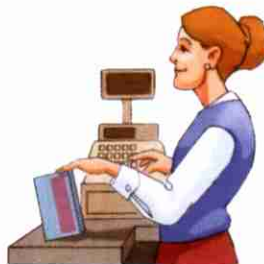
sell

فروختن

(sells, sold, selling)

If someone **sells** you something, he gives it to you when you pay him money.

اگر کسی به شما چیزی بفروشد، هنگامی که پول به او پرداخت کنید، آن را به شما می دهد.



send

فرستادن

(sends, sent, sending)

When you **send** something somewhere, you make it go to that place. When the player hit the ball, he **sent** the ball out of the park.

هنگامی که چیزی را به جایی می فرستید، موجب می شوید که به آن مکان برود. هنگامی که بازیکن ضربه به توپ زد، توپ را به خارج از پارک فرستاد.

sentence

جمله

A **sentence** is a group of words that make a complete thought. A written **sentence** starts with a capital letter and usually ends with a period.

جمله گروهی از کلمات است که با یکدیگر معنی کاملی را می سازند. هنگام نگارش جمله با حرف بزرگ شروع می شود و معمولاً با نقطه به پایان می رسد.

September

ماه سپتامبر

September is a month of the year in the fall. Labor Day is a holiday in **September**.

سپتامبر ماهی از سال است که در پاییز واقع شده است. تعطیلی روز کارگر در ماه سپتامبر است.

service

1. Police officers perform a **service** to the neighborhood.
2. Sunday, some people go to a church **service**.

۱- خدمات. افسران پلیس به افرادی که در این محله زندگی می کنند خدمات می دهند.
۲- مراسم، دعا. در روز یکشنبه، بعضی از مردم برای مراسم دعا به کلیسا می روند.

seven

Seven is a number that is one more than six. $6+1=7$

هفت عددی است که یکی از شش بیشتر است.

$$6+1=7$$

هفت

7

seventeen

Seventeen is a number that is one 7 more than sixteen. $16+1=17$.

هفده عددی است که از شانزده یکی بیشتر است.

$$16+1=17$$

هفده

17

seventy

Seventy is a number that is seven groups of 10.

$$10+10+10+10+10+10+10=70.$$

هفتاد هفت گروه ده تایی می باشد.

$$10+10+10+10+10+10+10=70$$

هفتاد

70

several

چند. بیش از دو و کمتر از بسیار

We will stay at camp for **several** days.

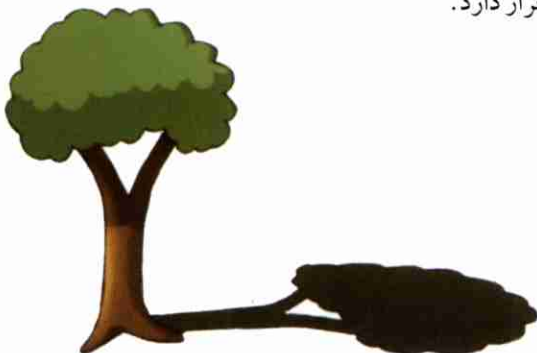
در اردو چند روز خواهیم ماند.

shadow

سایه

A **shadow**, or a shaded area, appears where light is blocked. When the sun shines on your face, your **shadow** is behind you.

سایه یا منطقه سایه دار جایی ظاهر می شود که جلوی نور گرفته شده باشد. هنگامی که خورشید بر روی صورتتان می تابد، سایه شما پشت سرتان قرار دارد.



shake

تکان دادن

(shakes, shook, shaken, shaking)

When you **shake** something, you move it up and down or side to side.

هنگام تکان دادن چیزی، آن را به بالا و پایین و به این طرف و آن طرف حرکت می دهید.

shampoo

شامپو

Shampoo is a kind of soap you use to wash your hair. When you rub **Shampoo** in your hair, it makes bubbles.



شامپو نوعی صابون است که شما برای شستشوی موی سر خود استفاده می شود. هنگامی که شامپو را بر روی سر خود می مالید، حباب ایجاد می کند.

shape

شکل

Circles, squares, and triangles are some kinds of **shapes**.

دایره، مربع و مثلث برخی از انواع شکل ها هستند.

share

شریک بودن، قسمت کردن

(shares, shared, sharing)

If you let someone have a part of something or use something with you, you are sharing. I will **share** my toys with you.

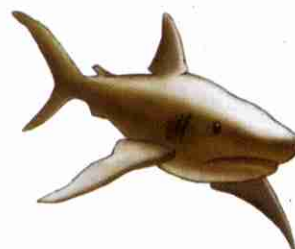
اگر اجازه دهید شخص بخشی از چیزی را داشته باشد یا چیزی را با شما استفاده کند، شما با او شریک هستید. اسباب بازی هایم را با تو شریک می شوم و قسمت می کنم.

shark

کوسه

A **shark** is a large gray ocean fish with a wide mouth filled with sharp teeth. **Sharks** attack other fish.

کوسه ماهی بزرگ و خاکستری رنگی در اقیانوس است که دهان بزرگ و دندان های تیزی دارد. کوسه ها به ماهی های دیگر حمله می کنند.



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

sharp-shop

sharp

تیز

(sharper, sharpest)

If something is **sharp**, it has an edge or a point that is good for cutting. A knife and scissors are tools that are **sharp**.

اگر چیزی تیز باشد، لبه یا نوکی دارد که برای بریدن مناسب می باشد. چاقو و قیچی از وسایلی هستند که تیز می باشند.

she

او (مونث)

She means a girl or a woman. **She** is wearing a dress.

او به معنای یک دختر یا یک زن می باشد. او پیراهن دخترانه ای پوشیده است.

sheep

گوسفند

(sheep)

A **sheep** is a farm animal with thick wool or hair.

Sheep make a baaa, baaa sound.



گوسفند حیوان مزرعه است که مو یا پشم ضخیم و پرپشتی دارد. گوسفندها بعبع می کنند.

sheet

1. A **sheet** is a big piece of cloth that you put on a bed. 2. A **sheet** is a thin, flat piece of paper.

۱ - ملافه، ملحفه. ملافه قطعه پارچه بزرگی است که روی تخت خواب می اندازند.

۲ - ورقه. ورقه قطعه کاغذی صاف و نازک است.

shelf

قفسه

(shelves)

A **shelf** is a long, flat piece of wood nailed to the wall to hold things. You can put books on the **shelf** in your bedroom.

قفسه قطعه چوب صاف و بلندی است که با میخ به دیوار متصل می شود تا اجسام را روی خود نگه دارد. می توانید روی قفسه اتاق خوابتان کتاب بگذارید.



shell

پوسته، صدف

A **shell** is a hard cover that protects the soft things inside of it. Eggs and nuts have **shells**.

پوسته پوشش سختی است که از اجسام نرمی که داخل آن می باشد محافظت می نماید. تخم مرغ و میوه های مغزدار پوسته دارند.



ship

کشتی

A **ship** is a very large boat that carries people and loads of things over the ocean, huge lakes, and big rivers.

کشتی قایق بسیار بزرگی است که مردم و بارها را با خود در اقیانوس، دریاچه های عظیم و رودخانه های بزرگ حمل می نماید.



shirt

پیراهن

A **shirt** is something you wear on the top part of your body. Most **shirts** have sleeves to cover your arms and buttons down the front.



پیراهن چیزی است که بالا تنه شما را می پوشاند. اکثر پیراهن ها آستین دار هستند تا بازوهای شما را بپوشانند و در قسمت جلو دگمه دارند.

shoe

کفش

A **shoe** is something you wear on your foot to keep it warm or protect it. You slide your foot in and buckle, zip, or tie a **shoe**.

کفش چیزی است که می پوشید تا از پای شما محافظت کند و آن را گرم نگه دارد. پارا در داخل کفش می کنید و آن را با سگک، زیپ یا بند می بندید.



shop

(shops, shopped, shopping)

1. I shopped for new shoes. 2. **shop** is a place, like a store, where you buy things. I went to the candy **shop** to buy lollipops.

۱ - خرید کردن. کفش های جدیدی را خریداری کردم.

۲ - فروشگاه. فروشگاه مکانی مانند مغازه است که در آن چیزی را می خرید. به مغازه شیرینی فروشی رفتم تا آبنبات چوبی بخرم.



short

(shorter, shortest)

1. If something is **short**, it is not very long. The cat has a short tail.

۱ - کوتاه. اگر چیزی کوتاه باشد، خیلی بلند نیست. گربه دم کوتاهی دارد.

۲ - قد کوتاه.

shortly

به زودی

We will leave **shortly** for the dentist's office.

به زودی به مطب دندانپزشک می‌رویم.

shorts

شلوارک

Shorts are pants that usually end above the knees. You wear **shorts** when the weather is warm.



شلوارک. شلواری است که قد آن معمولاً تا بالای زانو است. وقتی هوا گرم باشد، شلوارک می‌پوشید.

shoulder

شانه

Your **shoulder** is the highest part of your arm.

شانه شما بالاترین قسمت بازویتان است.

**shout**

فریاد زدن، داد زدن

(shouts, shouted, shouting)

When you **shout**, you talk very loudly.

هنگام فریاد زدن بسیار بلند صحبت می‌کنید.

shovel

بیل

A **shovel** is a digging tool with a long handle on one end and a curved piece on the other end to pick up things. You use a **shovel** to dig a hole in the dirt.



بیل وسیله‌ای برای کندن است که دسته بلندی در یک طرف و قطعه منحنی شکلی در طرف دیگر برای برداشتن اجسام دارد. با استفاده از بیل گودالی در خاک ایجاد می‌کنیم.

show

(shows, showed, shown, showing)

1. If you **show** someone something, you let her see it. I am **showing** you my big toe. 2. When you explain how to do something to somebody, you **show** him. I will **show** you how to use the computer.

۱ - نشان دادن. اگر چیزی را به کسی نشان دهید، می‌گذارید آن شخص آن را ببیند. من به تو انگشت شست پایم را به تو نشان می‌دهم.
۲ - راهنمایی کردن. هنگامی که برای فردی توضیح دهید که چگونه کاری را انجام دهد او را راهنمایی کرده‌اید. به شما نشان خواهم داد که چگونه از رایانه، استفاده کنید.

shut

بستن

(shuts, shut, shutting)

I don't want the door open so I will **shut** it.

نمی‌خواهم در باز باشد، بنابراین آن را می‌بندم.

**shy**

خجالتی

(shier, shiest)

The little boy sat by himself at the party because he was **shy**.

پسر کوچک در مهمانی تنها نشسته بود زیرا خجالتی بود.

sick-sing

sick

(sicker, sickest)

When you are **sick**, you do not feel well. When the baby was **sick**, Daddy took her to the doctor.



هنگامی که مریض هستید، احساس خوبی ندارید. هنگامی که نوزاد مریض بود، پدر او را به دکتر برد.

side

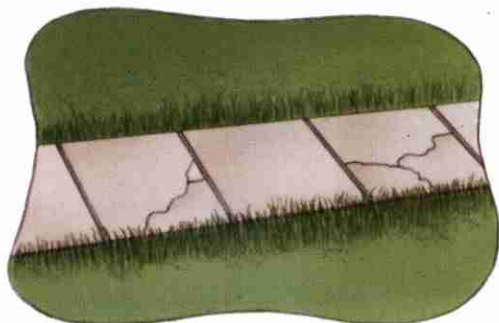
In games, the **sides** are teams playing againsts each other In the football game, the blue **side** scored the points.

۱- کنار، پهلو، ضلع.
۲- حریف، رقیب. حریف یا رقیب‌ها تیم‌هایی هستند که مقابل یکدیگر بازی می‌کنند.
در بازی فوتبال حریف آبی امتیاز آورد.

sidewalk

A **sidewalk** is a paved path on the side of a road or going to someone's house. You can ride on the **sidewalk** with your scooter.

پیاده‌رو مسیر سنگ فرش شده‌ای است که در کنار جاده یا مسیر خانه فردی قرار دارد. می‌توانید در پیاده‌رو دوچرخه‌سواری کنید.



sight

You use the **sight** in your eyes to see or look at things. **Sight** is one of the five human senses.

شما از بینایی چشم خود برای دیدن یا نگاه کردن به اجسام استفاده می‌کنید. بینایی یکی از حواس پنجگانه انسان می‌باشد.

مريض

sign

(signs, signed, signing)

1. When you **sign** something, you write your name on it. 2. A **sign** has pictures or words that tell you something. If you see a red **sign** with the letters STOP, you must stop your car. 3. The + **sign** means to add things together.



۱- امضاء کردن. هنگامی که چیزی را امضاء می‌کنید، نام خود را بر روی آن می‌نویسید.
۲- تابلو. تابلو تصویر یا نوشته‌ای دارد که به شما چیزی را می‌گوید. اگر تابلوی قرمزی را می‌بینید که بر روی آن ایست نوشته شده است باید ماشین خود را متوقف سازید.
۳- علامت. علامت + به معنای جمع کردن چیزها بایکدیگر است.

silly

(sillier, silliest)

Sometimes, when people don't think carefully about what they are doing, they can be **silly** by accident. Wearing your shoes on the wrong feet is **silly**.

بعضی اوقات، هنگامی که مردم با دقت درباره کاری که انجام می‌دهند به درستی فکر نمی‌کنند، به طور اتفاقی ممکن است مسخره یا احمقانه به نظر برسند. جابه‌جا پوشیدن کفش‌ها در پا خنده‌دار و مسخره است.

مسخره، احمقانه

silver

Silver is a gray, shiny metal. Some coins and jewelry are made from **silver**.

نقره فلزی براق و خاکستری رنگ است. بعضی از سکه‌ها و جواهرات از نقره ساخته می‌شوند.



نقره

since

We have been waiting for you to come to the picnic **since** one o'clock.

از ساعت یک منتظر آمدن توبه پیک نیک بوده‌ایم.

از، از آن موقع

sing

(sings, sang, sung, singing)

When you **sing**, you use your voice to make music. هنگام آواز خواندن، از صدای خود استفاده می‌کنید تا موسیقی ایجاد کنید.

آواز خواندن

بینایی

sink

(sinks, sank, sunk, sinking)

1. A heavy rock sinks in the water. 2. A **sink** is a place where you wash things, like dishes or your hands.

۱- فرو رفتن. سنگ سنگین در آب فرو می‌رود.

۲- سینک ظرفشویی، سینک ظرفشویی مکانی است که چیزهایی مانند ظرف یا دستانتان را در آن می‌شوید.

**sister**My **sister** is a great artist.

خواهرم هنرمند بزرگی است.

sit

(sits, sat, sitting)

The boy **sits** on the chair.

آن پسر بر روی صندلی می‌نشیند.

**six****Six** is a number that is one more than five.

$$5+1=6.$$

شش عددی است که از پنج یکی بیشتر است.

$$5+1=6$$

شش 6

sixteen**Sixteen** is a number that is one more than fifteen.

$$15+1=16.$$

شانزده عددی است از پانزده یکی بیشتر است.

$$15+1=16$$

شانزده 16

sixty**Sixty** means six groups of ten.

$$10+10+10+10+10+10=60.$$

شصت شش گروه ده تایی است.

$$10+10+10+10+10+10=60$$

شصت 60

sizeWhat **size** shoes do you wear?

چه سایزی کفشی را می‌پوشید؟

skate

A **skate** is a special kind of shoe. A roller **skate** has wheels that roll over flat surfaces, while an ice **skate** has a thin, sharp, metal blade that slides over ice.



اسکیت نوعی کفش خاص است. اسکیت

چرخدار چرخهایی دارد که می‌تواند بر روی

سطحی صاف حرکت کند، درحالی‌که اسکیت

مخصوص یخ تیغه فلزی تیز و باریکی از فلز دارد که بر روی یخ سر می‌خورد.

skateboard

A **skateboard** is a low, flat board with wheels on the bottom. You ride a **skateboard** with one foot while pushing the other foot off the ground. Some **skateboard** riders can spin and jump with the board.

تخته اسکیت تخته صاف و کوتاهی است که زیر آن چرخ دارد. شما با یک پا روی تخته اسکیت سواری می‌کنید و با پای دیگر به زمین فشار می‌دهید. بعضی از افرادی که با تخته اسکیت سواری می‌کنند با تخته می‌توانند بپرند و پرش کنند.

**skeleton**

A **skeleton** is the set of bones inside your body that connect together and give your body its shape. Your **skeleton** protects your soft insides.



استخوان بندی، اسکلت

استخوان بندی مجموعه استخوان‌های

داخل بدن است که به یکدیگر متصل شده، شکل

بدن را می‌سازد. اسکلت از اجزای نرم درون بدن

محافظت می‌نماید.

skin1. **Skin** is what covers the outside of your body.2. You can peel the yellow **skin** of the banana.

۱- پوست بدن. پوست چیزی است که بیرون بدن شما را می‌پوشاند.

۲- پوست میوه‌ها و سبزیجات. می‌توانی پوست زرد موز را بکنی.

skinny-smart

skinny

(skinnier, skinniest)

A green bean is a **skinny** vegetable.

لوبیا سبز گیاه باریکی است.

skirt

A **skirt** is a piece of clothing that girls and women wear.

دامن بخشی از لباس است که خانم‌ها و دختران می‌پوشند.

skull

Your **skull** is the round bone of your head that protects your brain.

جمجمه شما استخوان گرد سرتان است که از مغز محافظت می‌کند.



skunk

A **skunk** is a small wild animal with a long, black-and-white striped, furry tail. A frightened **skunk** squirts a bad-smelling spray.



راسو حیوانی کوچک و وحشی است که دم بلند و پشمالو با راه‌راه‌های سیاه و سفیدی دارد. هنگامی که راسو از چیزی بترسد، ماده بد بویی را از خود خارج می‌نماید.

sky

(skies)

The **sky** is the space above the ground where you see the clouds and sun during the day and the stars and moon at night.

آسمان فضای بالای زمین است که می‌توانید در آن ابرها و خورشید را هنگام روز و ماه و ستاره‌ها را در هنگام شب ببینید.

sled

A **sled** is something you sit on to ride on the snow. **Sleds** have smooth bottoms or two thin metal blades that help them slide along.

سورتمه وسیله‌ای است که روی آن می‌نشینید و بر روی برف حرکت می‌کنید. سورتمه‌ها ته صاف یا دو تیغه نازک فلزی دارد که به سر خوردن آن‌ها بر روی برف کمک می‌کند.

باریک ، استخوانی

دامن

جمجمه

راسو

آسمان

سورتمه

sleep

(sleeps, slept, sleeping)

When you **sleep**, you close your eyes and rest your whole body and mind. People usually **sleep** at night in a bed.

هنگامی که می‌خوابید چشم‌هایتان را می‌بندید و به بدن و ذهن خود استراحت می‌دهید. مردم معمولاً شب روی تخت می‌خوابند.



slide

(slides, slid, sliding)

1. When something **slides**, it moves along easily. You just slide along on the ice. 2. A **slide** is a long, smooth ramp that leans against a ladder on the playground. You climb the ladder, sit on the **slide**, then zip down it.

۱- سُرخوردن. هنگامی که چیزی سُرمی خورد، به آسانی حرکت می‌نماید. تو درست الان بروی یخ سُرمی خوری.
۲- سرسره. سرسره شیب صاف و بلندی می‌باشد که به نردبانی روی زمین بازی تکیه دارد. شما از نردبان بالا می‌روید و بر روی سرسره می‌نشینید، سُرمی خورید و پایین می‌آید.



slow

(slower, slowest)

If something is **slow**, it takes a long time to go someplace or do something. The tractor was very **slow** as it pulled a heavy load.

اگر چیزی آهسته باشد، زمانی طولانی طی می‌شود تا به جایی برود و یا کاری را انجام دهد. تراکتور به علت این که بار سنگینی را می‌کشید، بسیار آهسته حرکت می‌کرد.

آهسته

small

(smaller, smallest)

If somebody or something is **small**, it is not very big. A violet is a **small** plant.

اگر کسی یا چیزی کوچک باشد، خیلی بزرگ نیست. بنفشه گیاه کوچکی است.

کوچک

smart

(smarter, smartest)

Someone who is **smart** uses her brain to know thing. A **smart** boy does not play with matches.

شخصی که باهوش است، از فکر خود برای دانستن چیزها استفاده می‌کند. پسر باهوش با کبریت بازی نمی‌کند.

باهوش

smile

(smiles, smiled, smiling)

When you **smile**, the corners of your mouth turn up.

۱- لبخند زدن. هنگام لبخند زدن گوشه‌های دهانتان بالا می‌رود.

smoke

دود

Smoke is a cloud of gray gas that rises from burning things, such as a campfire. You can see and smell **Smoke**.

دود ابری از گازهای خاکستری است که از چیزهایی در حال سوختن مانند آتشی که در فضای آزاد درست می‌کنیم، خارج می‌شود. شما می‌توانید دود را ببینید و بوی آن را استشمام کنید.

snack

میان وعده، غذای سبک

A **snack** is a little something you can eat quickly in between meals. A piece of fruit or crackers and cheese are healthy **snacks**.



میان وعده، غذای مختصری است که می‌توانید بین وعده‌های غذایی میل کنید. قطعه‌ای میوه یا بیسکویت و پنیر، میان وعده‌های خوراکی سالمی هستند.

snail

حلزون

A **snail** is a small animal with a hard shell on its back and no legs. A **snail** slides along very slowly.



حلزون حیوان کوچکی می‌باشد که پوسته سفت و محکمی بر روی پشت خود دارد و پا ندارد. حلزون به آهستگی حرکت می‌کند.

snake

مار

A **snake** is a long, thin reptile without legs. A **snake** wiggles along by sliding over the ground.



مار خزنده باریک و درازی است که پا ندارد. مار با خزیدن بر روی زمین حرکت می‌کند.

sneakers

کفش کتانی

Sneakers are cloth or leather shoes with rubber on the bottoms. People wear **sneakers** to play sports where they need to run fast.

کتانی کفشی پارچه‌ای یا چرمی است که کف لاستیکی دارند. مردم هنگام ورزش، زمانی که می‌خواهند سریع حرکت کنند و بدوند کتانی می‌پوشند.

snow

برف

Snow is water that has frozen into tiny pieces and falls from the sky. During very cold weather, white **snow** sometimes covers the ground. We made the **snow** into snowballs.



برف آبی است که به قطعات ریز یخ تبدیل شده است و از آسمان می‌بارد. در طی آب و هوای بسیار سرد، بعضی اوقات برف سفید زمین را می‌پوشاند. ما با برف گلوله‌های برفی ساختیم.

so

بسیار

This soda tastes **so** sweet.

این نوشابه گازدار بسیار شیرین است.

soap

صابون

Soap is something you use with water to wash and clean things, like dishes or your hands. **Soap** comes in bars, liquids, or powders.

صابون ماده‌ای است که با آب برای شستن و تمیز کردن چیزهایی مانند ظرف و دستتان استفاده می‌کنید. صابون به صورت قالبی، مایع یا پودر می‌باشد.



soccer

فوتبال

Soccer is a game where two teams try to kick a ball into a big net.

فوتبال نوعی بازی است که در آن دو تیم سعی دارند توپی را وارد تور بزرگی کنند.



sock-song

sock

جوراب

A **sock** is something soft that you wear on your foot.
جوراب چیز نرمی است که به پای خود می‌کنید.



soda

نوشابه گازدار

Soda is a sweet drink with fizzy bubbles in it.
نوشابه گازدار نوعی نوشیدنی شیرین گازدار و حباب‌دار است.



soft

نرم

(softer, softest)

A pillow is **soft**. بالش نرم است.

softball

سافت بال

In the game of **softball**, one team tries to hit a white ball with a bat while the other team tries to catch it. Softball players try to score points by running around the bases.



سافت بال. در بازی سافت بال یک تیم سعی می‌کند به توپ سفیدی با چوب سافت بال ضربه بزند، در حالی که تیم دیگر سعی می‌کنند آن را بگیرد. بازیکنان سافت بال سعی می‌کنند با دویدن به دور جایگاه‌ها امتیاز بگیرند.

soldier

سرباز

A **soldier** is a person who is trained to fight in an army to protect her country.

سرباز شخصی است که تعلیم دیده در ارتش بجنگد و از کشور خود دفاع نماید.

some

تعدادی، مقداری

The chicken laid **some** eggs.

مرغ تعدادی تخم گذاشت.

somebody

کسی، شخصی

Somebody left the door open.

کسی، شخصی. کسی در را باز گذاشت.

someone

فردی، شخصی

I see **someone** on the skateboard.

فردی را بر روی تخته اسکیت می‌بینم.

something

چیزی

The boy was hungry and wanted to eat **something**.
آن پسر گرسنه‌اش بود و می‌خواست چیزی بخورد.

sometimes

بعضی اوقات

Sometimes, the mommy and daughter play a game of softball.

بعضی اوقات مادر و دختر سافت بال بازی می‌کنند.

somewhere

جایی، مکانی

The snake wiggled away **somewhere**.

مار به جایی خزید.

son

فرزند پسر

My **son** is 9 years old.

پسر من ۹ سالش است.



song

ترانه، آواز

A **song** is a piece of music. Many son have words that you can **song**. The kids are singing a **song**.

ترانه قطعه‌ای موسیقی است. بسیاری از ترانه‌ها کلماتی دارند که می‌توانید با آنها آواز بخوانید. بچه‌ها دارند ترانه‌ای را می‌خوانند.

soon

(sooner, soonest)

The airplane will be taking off very **soon**.

هوایما خیلی زود زمین بلند خواهد شد.

به زودی

space1. There is a lot of **space** inside an empty bag. 2. **Space** is the huge area that is outside Earth. **Space** is where the stars and planets are.

۱- جا. در یک کیف خالی جای زیادی وجود دارد.

۲- فضا. فضا مکان بسیار عظیمی بیرون از کره زمین می باشد. فضا جایی است که ستاره ها و سیاره ها در آن قرار دارند.

sorry

(sorrier, sorriest)

If you feel **sorry**, you are very sad about something that happened. I am **sorry**, you broke your foot.

اگر احساس تأسف می کنید، از چیزی که اتفاق افتاده بسیار ناراحت هستید. متأسف هستم که پای شما شکسته شده است.

تأسف، متأسف

spaghetti

اسپاگتی

Spaghetti is a long, thin, stringy pasta. People eat **spaghetti** with sauces, like tomato or cheese, on top.

اسپاگتی، رشته های باریک و بلند ماکارونی است. مردم اسپاگتی را همراه با سس گوجه فرنگی یا پنیر روی آن می خورند.

sound

صدا

A **sound** is something you can hear. When the boy plays the drum, it makes a loud **sound**.

صدا چیزی است که می توانید بشنوید. وقتی که آن پسر طبل می زند، صدای بلندی ایجاد می شود.

speak

صحبت کردن

(speaks, spoke, spoken, speaking)

When you **speak** to someone, you say something. The girl **speaks** to her teacher about her project.

هنگام صحبت با کسی، چیزی می گوید. آن دختر درباره پروژه خود با معلمش صحبت می کند.

soup

سوپ

Soup is a hot liquid food. Sometimes **soup** can have meat or vegetables in it. We had tomato **soup** with crackers for lunch today.

سوپ غذای مایع داغی است. بعضی اوقات سوپ می تواند گوشت و سبزیجات داشته باشد. امروز ناهار ما سوپ گوجه فرنگی همراه با کراکر (نان یا بیسکویت شور) داشتیم.

special1. If something is **special**, it is more important or better than something else. My birthday is **special** because it only happens once a year. 2. If something is **special**, it is made for a particular job. The dentist has a **special** tool to drill my teeth.

۱- خاص، استثنائی. اگر چیزی استثنائی باشد، مهم تر یا بهتر از چیز دیگری است. روز تولدم روز خاصی است چونکه فقط یک بار در سال اتفاق می افتد.

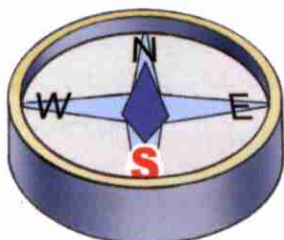
۲- مخصوص. اگر چیزی مخصوص باشد، برای کار خاصی ساخته شده است. دندانپزشک وسیله مخصوصی برای سوراخ کردن دندانم دارد.

south

جنوب

South is a direction that is on your right side when you watch the sun come up in the morning.

هنگام طلوع خورشید در صبحگاه جنوب سمت راست شما است.

**speed**

سرعت داشتن

(speeds, sped, speeding)

If someone or something **speeds**, that person or thing is in a big hurry and moves very fast. The train is **speeding** past the towns.

اگر کسی یا چیزی سرعت داشته باشد، آن شخص یا چیز عجله بسیاری دارد و سریع حرکت می کند. قطار با سرعت از شهرها می گذرد.

spell-spoon

spell

(spells, spelled, spelling)

1. When you **spell** a word, you say or write the letters in order. 2. In stories or movies, a **spell** is a set of special words that make magic happen. The fairy princess said "Hocus Pocus" and put a **spell** on the sleeping cat to make him jump in the air.

۱- هجی کردن. هنگام هجی یک کلمه، حروف آن کلمه را به ترتیب می‌گویید یا می‌نویسید.

۲- جادو، ورد. در داستان‌ها و فیلم‌ها ورد کلمات خاصی است که با گفتن آنها جادویی اتفاق می‌افتد. شاهزاده پری گفت "اجی مجی" و گربه‌ای را که خواب بود جادو کرد و باعث شد که گربه در هوا بپرد.

spider

عنکبوت

A **spider** is a small creature with eight legs and no wings. A **spider** spins a sticky web to catch other tiny animals for food.



عنکبوت حیوان کوچکی است که دارای هشت بدون پا و بال است. عنکبوت تار چسبناکی می‌تند تا حیوانات کوچک دیگر را برای غذای خود به دام ببندازد.

spill

ریختن

(spills, spilled, spilling)

Most **spills** are not meant to happen, like **spilling** your milk.

بیشتر ریختن‌ها، مانند ریختن ظرف شیر شما، از روی قصد نیست.



spin

چرخیدن

(spins, spun, spinning)

When something **spins**, it turns around very fast.

هنگامی که چیزی می‌چرخد، خیلی سریع به دور خود می‌گردد.

spinach

اسفناج

Spinach is a vegetable that is in bunches of dark, green leaves. You can eat **spinach** raw or cooked.

اسفناج گیاهی است که از تعدادی برگ‌های تیره و سبز تشکیل شده است. می‌توانید اسفناج را خام یا پخته شده بخورید.



splash

پاشیدن، خیس کردن

(splashes, splashed, splashing)

The baby **splashed** his yellow rubber duck with water in the bathtub.

نوزاد با اردک لاستیکی زرد رنگش آب وان حمام را به اطراف می‌پاشید.

sponge

اسفنج

A **sponge** is something soft with little holes in it that cleans up wet spills. You can also wet a **sponge** to wipe.

ابر ماده نرمی دارای سوراخ‌های ریزی است که با آن می‌توان جای خیس ریختن مایعی را تمیز کرد. همین‌طور می‌توانید برای تمیز کردن جایی ابر را خیس کنید.



spoon

قاشق

A **spoon** is a tool with a long handle and a small round bowl used for eating. You can eat soft or runny food, like ice cream or soup, with a **spoon**.

قاشق وسیله‌ای است که دسته بلند و گودی کوچکی دارد که برای غذا خوردن از آن استفاده می‌کنید. شما می‌توانید غذاهای نرم یا آبکی مانند بستنی یا سوپ را با قاشق بخورید.



sport

ورزش

A **sport** is a game that exercises your body to help it stay healthy.

ورزش کار و حرکتی است که بدن شما را ورزشیده می کند به سالم ماندن شما کمک می نماید.



spot

1. A ladybug has black **spots**. 2. This flat rock is a good **spot** for our picnic.

۱- خال. کفش دوزک خال های سیاهی دارد.

۲- جا، مکان. این سنگ صاف مکان خوبی برای پیک نیک ما است.

spring

(springs, sprang, sprung, springing)

1. The tiger **springs** out of the bushes. 2. **Spring** is the season of the year between winter and summer. Flowers start to bloom in spring. 3. **Spring** is a curly piece of metal.

۱- پریدن. ببر از میان بوته ها بیرون می پرد.

۲- فصل بهار. بهار فصلی از سال است که بین زمستان و تابستان قرار دارد. گل ها در فصل بهار شروع به شکفتن می کنند.

۳- فنر. فنر قطعه فلزی مارپیچ است.

square

مربع

A **square** has four equal sides and four right angles.

مربع چهار ضلع مساوی و چهار زاویه قائمه دارد.



squirrel

سنجاب

A **squirrel** is a small gray, brown, black, or red animal with a long fluffy tail. **Squirrels** eat nuts and live in nests they build in trees.

سنجاب حیوان کوچکی به رنگ های خاکستری، قهوه ای، سیاه یا قرمز است که دم پشمالود بلندی دارد. سنجاب ها میوه های مغزدار می خورند و در لانه هایی که در درختان می سازند، زندگی می کنند.

stamp

تمبر

A **stamp** is a small piece of paper with a picture on it. The **stamp** has a sticky side to put on a letter to mail.



تمبر قطعه کاغذ کوچکی است که تصویری بر روی آن قرار دارد. تمبر قسمت چسبناکی دارد که بر روی نامه پستی می چسبند.

stand

ایستادن

(stands, stood, standing)

When you **stand** somewhere, you are up on your feet.

I am **standing** in line to buy a movie ticket.

هنگامی که جایی می ایستید، روی پاهای خود قرار دارید. برای خریدن بلیط سینما در صف ایستاده ام.

star

1. A **star** is a bright light of burning gas that you see in the sky at night. 2. A **star** is a shape with five or six points. Sometimes your teacher puts a **star** shape on top of your paper if you do a good job. 3. A **star** is someone famous, like a person in movies or TV.



۱- ستاره. ستاره نور روشنی است که از گازهای سوزان ایجاد و در هنگام شب در آسمان دیده می شود.

۲- ستاره. ستاره شکلی است که پنج یا شش گوشه دارد. بعضی اوقات اگر تکالیف خود را خوب انجام داده باشید، معلم ستاره ای را روی ورقه شما می چسباند.

۳- ستاره، شخص

۳- ستاره. ستاره شخص مشهوری مانند شخصی در سینما یا تلویزیون است.

starfish

ستاره دریایی

(starfish)

A **starfish** is a sea animal that is not really a fish.

A **starfish** has five arms that stick out of its body.



ستاره دریایی نوعی حیوان دریایی است که واقعا ماهی نیست. ستاره دریایی پنج بازو دارد که از بدنش بیرون آمده اند.

start-sticky

start

(starts, started, starting)

When I **start** to bake cookies, I heat the oven first.

هنگامی که شروع به پختن شیرینی می‌کنم، ابتدا فر را روشن می‌نمایم.

state

(states, stated, stating)

2. A **state** is a small part of a country with its own people, land, and laws. The **state** of Texas is in the southern part of the United **States**

۱- بیان کردن.

۲- ایالت. ایالت بخش کوچکی از یک کشور است که جمعیت، زمین و قانون خودش را دارد. ایالت تگزاس در قسمت جنوبی ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

stay

(stays, stayed, staying)

People usually **stay** inside when it's raining.

معمولاً هنگام بارش باران مردم داخل خانه می‌مانند.

steep

(steeper, steepest)

If something, like a mountain, is **steep**, it is very hard to climb.

اگر چیزی مانند کوه شیب‌دار باشد، بالا رفتن از آن بسیار سخت است.

stem

A **stem** is the long part of a plant that grows out of the ground.

Roots, branches, and flowers grow from **stems**.

ساقه بخش بلندی از گیاه است که خارج از زمین رشد می‌کند. ریشه، شاخه و گل از ساقه رشد می‌نمایند.



شروع کردن

step

1. A **step** is something you stand on to make you taller to reach things. Many **steps** in a row are called a staircase.

2. When you take a **step**, you lift up your foot and put it down in another place.

۱- نوعی چهار پایه، پله. پله چیزی است که روی آن می‌ایستید و شما را بلندتر می‌کند تا دستتان به اجسام برسد. تعداد زیادی پله در یک ردیف پلکان را بوجود می‌آورند.

۲- قدم. هنگامی که قدم بر می‌دارید پایتان را بلند می‌کنید و در مکان دیگری آن را پایین می‌آورید.



stick

(sticks, stuck, sticking)

1. When you **stick** things together, you join them with glue or tape. 2. The doctor **sticks** you with a needle when she gives you a shot.

۱- چسبانیدن. هنگام چسبانیدن چیزها به یکدیگر، آن‌ها را با چسب مایع یا نواری متصل می‌سازید.

۲- فرو کردن. هنگامی که دکتر برایتان آمپول تجویز می‌کند، سوزن را در بدن شما فرو می‌نماید.

sticker

برچسب

A **sticker** is a gummed label with words, numbers, or pictures, much like a stamp. People collect pretty colored **stickers** and stick them in a book.



برچسب کاغذ چسب داری است که بر روی آن کلمه، عدد یا تصویری وجود دارد و بیشتر شبیه تمبر است. مردم برچسب‌های رنگی زیبا را جمع‌آوری می‌کنند و در دفتری می‌چسبانند.

sticky

چسبناک، چسب دار

(stickier, stickiest)

The **sticky** tape holds the picture on the wall.

چسبناک، چسب دار. نوار چسب دار تصویر را روی دیوار نگه می‌دارد.

still

(stiller, stillest)

1. The deer stood **still** in the woods. 2. Even though it feels a little warmer, it is **still** snowing outside.

- ۱- بی حرکت. گوزن بی حرکت در جنگل ایستاد.
۲- هنوز. با وجود این که هوا کمی گرمتر شده است، هنوز بیرون برف می بارد.

stomach

معدۀ

Your **stomach** is the place inside of your body where your food goes to digest when you eat it.

معدۀ شما مکانی در داخل بدن است که هنگام غذا خوردن برای هضم شدن به آن جا می رود.

stone

سنگ

A **stone** is a small piece of a hard rock that comes in many colors. You can sometimes find **stones** on beaches.

سنگ قطعه کوچکی از تخته سنگ سخت است که به رنگ های مختلفی وجود دارند. بعضی اوقات می توانید در ساحل دریا سنگ پیدا می کنید.

stool

چهار پایه

A **stool** is a type of chair with legs and a seat but no back.

چهار پایه نوعی صندلی پایه دار است که نشیمن آن پشت ندارد.



stop

(stops, stopped, stopping)

1. **Stop** blowing up the balloon or it will pop. 2. If something that is moving **stops**, it stands still. The car **stopped** for the traffic light.

- ۱- دست کشیدن، دست برداشتن. از باد کردن بادکنک دست بردار و گر نه می ترکد.
۲- ایستادن. اگر چیزی که در حال حرکت ماشین مقابل چراغ راهنمایی ایستاد.

stop sign

تابلوی ایست

A **stop sign** is red with the word STOP painted on it in white. A **stop sign** is placed where roads cross so drivers will not crash their cars into each other.



تابلوی ایست تابلوی قرمزی است که بر روی آن کلمه ایست به رنگ سفید نوشته شده است. تابلوی ایست در جایی که جاده ها یکدیگر را قطع می کنند گذاشته می شود تا ماشین های رانندگان به یکدیگر برخورد نکنند.

store

(stores, stored, storing)

1. When you **store** something, you put it away in case you need it at another time. 2. A **store** is a place where people buy things.

- ۱- انبار کردن، ذخیره کردن. هنگامی که چیزی را ذخیره می کنید، آن را کنار می گذارید تا زمان دیگری که به آن احتیاج دارید از آن استفاده کنید.
۲- فروشگاه، فروشگاه جایی است که مردم چیزی را می خرند.

story

داستان

(stories)

A **story** tells you about things that have happened. Some **stories** are real, while others are make-believe.

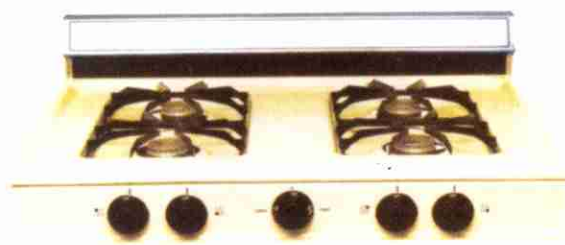
داستان درباره چیزهایی که اتفاق افتاده است سخن می گوید. بعضی از داستان ها واقعی می باشند و در حالی که بعضی دیگر تخیلی هستند.

stove

اجاق

A **stove** is a machine that cooks food. The top of the **stove** has burners, and the inside has an oven.

اجاق وسیله ای است که با آن غذا پخته می شود. بالای اجاق شعله و در قسمت درونی آن فر قرار دارد.



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

strange-subject

strange

عجیب

(stranger, strangest)

If something is **strange**, it is not what you expected it to be. The cheese has a very **strange** smell to it.

اگر چیزی عجیب باشد، چیزی نیست که شما انتظارش را داشتید. این پنیر بوی بسیار عجیبی می‌دهد.

stranger

غریبه

If someone is a **stranger**, she is a person who you do not know. You must never get in the car with a **stranger**.

اگر کسی غریبه باشد، فردی است که او را نمی‌شناسید. تهرگز نباید سوار ماشین فردی غریبه شوی.

straw

نی

A **straw** is a thin tube that you drink through. When you sip on a **straw**, you pull liquid into your mouth.



نی لوله نازکی است که از طریق آن مایعات را می‌نوشید. هنگامی که نی را می‌مکید، مایع را به درون دهان خود می‌کشید.

strawberry

توت فرنگی

(strawberries)

A **strawberry** is a small, soft red fruit with tiny seeds all over it. **Strawberry** cake is a favorite summer dessert.

توت فرنگی. توت فرنگی میوه کوچک، نرم و قرمزی است که دانه‌های ریزی دور تا دور آن وجود دارد. کیک توت فرنگی دسر مورد علاقه در تابستان است.

**street**

خیابان

A **street** is a road in a city or town that usually has buildings along each side.

خیابان راهی در شهر یا شهرستان است که معمولاً در دو طرف آن ساختمان وجود دارد.

string

Musical instruments, like a guitar, have wire **string** that make sounds when your fingers tug at them.

۱- بند، نخ.

۲- سیم. در وسایل موسیقی مانند گیتار، سیم وجود دارد؛ هنگامی که انگشتان خود را بر روی آنها می‌کشید صدا ایجاد می‌کند.

**strong**

(stronger, strongest)

1. The man is so **strong** he can pick up two heavy suitcases. 2. If something is **strong**, it is hard to break it. A bulldozer is a strong machine made out of metal.

۱- قوی. آن مرد آن قدر قوی است که می‌تواند دو چمدان سنگین را بلند کند.

۲- محکم. اگر چیزی محکم باشد، شکستن آن سخت است. بولدوزر ماشین محکمی است که از فلز ساخته شده است.

study

مطالعه کردن

(studies, studied, studying)

When you **study**, you learn about something. The girl **studies** the pictures in her book to find out more about different birds.

هنگام مطالعه، درباره چیزی می‌آموزید. آن دختر تصاویر کتابش را مطالعه می‌کند تا درباره پرندگان مختلف بیشتر بداند.

subject

موضوع درسی

A **subject** is something you study or discuss. Math is a **subject** in school.

موضوع درسی چیزی است که مورد مطالعه یا بحث و بررسی قرار می‌دهید. ریاضی از موضوعات درسی در مدرسه است.

subtract

تفریق کردن، منها کردن

(subtracts, subtracted, subtracting)

When you **subtract**, you take one number away from another number. If you **subtract** the number three from the number five, you have two left.

هنگام تفریق، عددی را از عدد دیگر کم می کنید. اگر عدد سه را از عدد پنج منها کنی، عدد دو باقی می ماند.



suit

لباس - دست لباس

A **suit** is an outfit of matching clothes. A **suit** has a jacket and pants or a skirt.

یک دست لباس، لباس هایی است که با یکدیگر جور هستند و به هم می آیند. یک دست لباس می تواند کت و شلوار یا کت و دامن باشد.

summer

فصل تابستان

Summer is the hottest season of the year. **Summer** comes between spring and fall. Our family went to the beach last **summer**.

تابستان گرمترین فصل سال است. تابستان بین بهار و پاییز قرار دارد. تابستان گذشته خانواده ما به کنار دریا رفتند.

sun

خورشید

The **sun** is the big, bright, yellowish star you see in the sky during the day. The **sun** keeps us warm and gives us light.

خورشید ستاره بزرگ، درخشان و زرد رنگی است که طی روز در آسمان می بینید. خورشید ما را گرم می نماید و به ما روشنایی می دهد.



sundae

ساندی

A **sundae** is a dessert in a dish with ice cream and tasty things sprinkled on the top. Ice cream **sundaes** can come with fruit, nuts, whipped cream, and sauce.

ساندی، دسر بستنی در ظرفی است که چیزهای خوشمزه بر روی آن قرار دارند. ساندی های بستنی می توانند همراه با میوه، میوه های مغزدار، خامه زده شده و سس شکلات باشند.



such

1. The baby is **such** a happy little boy that he smiles all of the time. 2. The girl wants something hot to drink, **such** as soup.

۱- آن چنان، چه. آن نوزاد آن قدر پسر کوچک و شادی است که در تمام مدت لبخند می زند.

۲- مانند یا شبیه به. آن دختر دلش می خواهد غذای داغی از قبیله سوپ بخورد.

suck

مکیدن

(sucks, sucked, sucking)

The baby **sucks** on the bottle to drink some milk.

مکیدن. آن نوزاد شیشه شیر خود را می مکد تا مقداری شیر بخورد.

sugar

شکر

Sugar is a grainy brown or white food that makes things sweet. Soda, candy, and icing have **sugar** in them.

شکر نوعی ماده غذایی دانه دانه که سفید یا قهوه ای است که باعث شیرین شدن چیزی می شود. نوشابه های گازدار، شیرینی و مواد تزئینی روی کیک همه حاوی شکر هستند.



sunday-swing

Sunday

یکشنبه

Sunday is the first day of the week. Some people go to church on **Sunday**, while others like to relax on this weekend day.

یکشنبه اولین روز هفته تقویم میلادی است. بعضی از افراد روز یکشنبه به کلیسا می‌روند. در حالی که بعضی دیگر تعطیلات آخر هفته را در خانه استراحت می‌نمایند.

sunglasses

عینک آفتابی

You wear **sunglasses** on your face during sunny days to protect your eyes. The lenses in **sunglasses** are made of dark or colored plastic or glass.

در روزهای آفتابی برای محافظت از چشمانتان عینک آفتابی می‌زنید. شیشه‌های عینک آفتابی از شیشه یا پلاستیک رنگی یا تیره ساخته شده‌اند.



sunny

آفتابی

(sunnier, sunniest)

It is **sunny** outside when the sun is shining brightly. Our family likes to go to the beach on a **sunny** day.

هنگامی که خورشید به روشنی می‌درخشد هوا در بیرون آفتابی است. خانواده ما دوست دارند که در یک روز آفتابی به ساحل دریا بروند.

sure

مطمئن

If you are **sure** about something, you know that you are right. I am **sure** the sun will set at six o'clock today.

اگر درباره چیزی مطمئن هستید، می‌دانید که درباره آن چیز درست می‌گویید. من مطمئن هستم که امروز خورشید ساعت شش غروب خواهد کرد.

surprise

غافلگیر کردن - حادثه غیر مترقبه

A **surprise** is something you did not know was going to happen.

حادثه‌ای غافلگیر کننده چیزی است که نمی‌دانستید قرار است اتفاق بیافتد.

swallow

قورت دادن، بلعیدن

(swallows, swallowed, swallowing)

When you **swallow** something that you eat or drink, it goes down your throat into your stomach.

وقتی چیزی را که می‌خورید یا می‌نوشید می‌بلعید، آن چیز از طریق گلوئ شما وارد معده شما می‌شود.

sweater

پلوور، ژاکت

A **sweater** is something you wear on the top part of your body and arms to keep you very warm. Some **sweaters** have buttons, while other sweaters pull over your head.

پلوور چیزی است که می‌پوشید تا بالای بدن و بازوهای شما را گرم نگه دارد. بعضی از این پلوورها دگمه دارند و بعضی‌ها را باید از بالای سر پوشید.



sweet

(sweeter, sweetest)

1. If a food or drink is **sweet**, it tastes like sugar.
2. If you say someone is very **sweet**, you think she is being kind.

۱- شیرین. اگر غذا یا نوشیدنی شیرین باشد، مزه‌اش مانند شکر است.
۲- دوست داشتنی. اگر می‌گویید که شخصی بسیار دوست داشتنی است، فکر می‌کنید که او مهربان است.

swim

شنا کردن

(swims, swam, swimming)

When you **swim**, you use your arms and legs to move yourself through the water.

هنگام شنا از بازوها و پاهاى خود استفاده می‌کنید تا در میان آب حرکت کنید.

swing

(swings, swung, swinging)

1. When something **swings**, it moves back and forth in the air. The weight on the tall grandfather clock **swings** as it goes tick-tock. 2. A **swing** is a seat on the playground that hangs on two chains and moves back and forth when you move your legs.

۱- تاب خوردن. هنگامی که چیزی تاب می‌خورد، آن چیز در هوا به عقب و جلو حرکت می‌کند. پاندول ساعت بلند پدر بزرگ هنگام تیک‌تاک کردن تاب می‌خورد.

۲- تاب. تاب نوعی صندلی است که در زمین بازی روی دو زنجیر آویزان است و هنگامی که پای خود را حرکت می‌دهید به عقب و جلو حرکت می‌کند.





table

میز

A **table** is a piece of furniture with a flat top and four legs. You sit on a chair at the **table** to eat a meal.

میز قطعه‌ای از لوازم خانه است که سطحی صاف و چهار پایه دارد. شما روی صندلی کنار میز می‌نشینید و غذا می‌خورید.



taco

تاکو

You make a **taco** by folding a thin tortilla around a spicy mixture of meat and cheese topped with vegetables. The tortilla for the **taco** can be made with flour or corn. The **taco** tortilla can be soft or crunchy. You eat a **taco** with your hands.



برای درس کردن تاکو، مخلوطی از گوشت ادویه‌دار و پنیر را بر روی لایه نازکی نان ذرت می‌ریزید و بر روی آن سبزیجات می‌گذارید و نان را به دور مواد تا می‌کنید. نان تاکو می‌تواند از آرد یا ذرت تهیه شود. نان تاکو می‌تواند نرم یا ترد باشد.

tag

1. **Tag** is a game where one player runs after the others and tries to tap them. 2. A **tag** is a label that has information printed on it. The **tag** sewn in the dress gives the size.

۱- گرگم به هوا. گرگم به هوا نوعی بازی است که در آن یکی از بازیکنان به دنبال بقیه می‌دود و سعی می‌کند آن‌ها را بگیرد.

۲- برچسب. برچسب کاغذ چسب‌داری است که روی آن اطلاعاتی چاپ شده است.

برچسبی که به لباس دوخته می‌شود، سایز آن را نشان می‌دهد.

tail

دم

A **tail** grows out of the back end of some animals' bodies. Animals use their **tails** for moving, showing feelings, and holding things. The dog wagged its **tail** to say hello.

دم از انتهای پشت بدن بعضی از حیوانات بیرون می‌آید. حیوانات از دمشان برای حرکت، نشان دادن احساسات و گرفتن چیزها استفاده می‌کنند. سگ دمش را تکان داد تا سلام کند.



take

بردن

(takes, took, taken, taking)

The dog **took** the bone to eat it in the doghouse.

سگ استخوان را برای خوردن به داخل لانه خود برد.

tall

بلند

(taller, tallest)

The basketball player was so **tall** he could touch the basket.

بازیگر بسکتبال آن قدر بلند بود که می‌توانست به تور دست بزند.

tap

ضربه ملایم زدن

(taps, tapped, tapping)

My teacher **taps** his fingers on the top of his desk.

معلم من با انگشتانش بر روی میز کارش ضربه ملایمی می‌زند.

tape-teddy bear

tape

1. A **tape** is a long strip of plastic, cloth, or paper with a sticky material on one side. You use **tape** to hold things together or hang a poster on the wall. 2. People record words and pictures on **tape**. This **tape** is a narrow strip of plastic in a case called a cassette.

۱- نوار چسب. نوار چسب، نوار بلند پلاستیکی، پارچه‌ای یا کاغذی است که یک طرف آن ماده چسبنده‌ای دارد. با استفاده از نوار چسب اجسام را به یکدیگر متصل می‌کنید یا پوستری را بر روی دیوار می‌چسبانید.
۲- نوار. مردم کلام و تصویر را روی نوار ضبط می‌کنند. این نوار، نواری باریک و پلاستیکی است که در قالبی به نام کاست قرار می‌گیرد.



tape measure

متر

A **tape measure** is a long bendable ruler made out of plastic, cloth, or metal. Carpenters and people who sew keep a **tape measure** in their pocket so they can use it to see how long things are.

متر اندازه‌گیری خط‌کش بلند و قابل انعطافی می‌باشد که از پلاستیک، پارچه یا فلز ساخته می‌شود. نجارها و افرادی که دوخت و دوز می‌کنند، در جیب خود متر دارند تا با استفاده از آن طول اجسام را اندازه بگیرند.



taste

چشیدن

(tastes, tasted, tasting)

When you **taste** food, you put it in your mouth to see what flavor it is. My mother **tasted** the frosting before putting it on the cake.

هنگام چشیدن غذا آن را داخل دهان خود می‌گذارید تا ببینید چه طعمی دارد. مادرم قبل از ریختن مواد تزئینی بر روی کیک آن را چشید.

tea

چای

Tea is a drink you make by pouring hot water over special dried leaves. You can add sugar, lemon, or milk to **tea**, which can be served hot or cold.



چای نوشیدنی است که با ریختن آب جوش بر روی برگ‌های خشک شده خاصی تهیه می‌شود. می‌توانید در چای شکر، لیمو یا شیر اضافه نمایید که می‌توان آن را داغ یا سرد میل کرد.

teach

یاد دادن، آموزش دادن

(teaches, taught, teaching)

When you **teach** someone, you help that person learn new things. My big brother is **teaching** me how to hold a baseball bat.

یاد دادن. هنگامی که به فردی چیزی را یاد می‌دهید، به آن شخص کمک می‌کنید تا چیزهای جدیدی را بیاموزد.
برادر بزرگم به من چگونه نگه داشتن چوب بیسبال را یاد می‌دهد.

teacher

معلم

A **teacher** is a person whose job is to help others learn things. Most **teachers** work in schools.

معلم فردی است که شغلش این است که به دیگران چیزی را بیاموزد. اکثر معلمان در مدرسه کار می‌کنند.

team

تیم

A **team** is a group of people who play sports together on the same side. The orange soccer **team** scored a goal.

تیم گروهی از افراد هستند که با یکدیگر در یک گروه بازی‌های ورزشی انجام می‌دهند. تیم فوتبال نارنجی گل زد.

teapot

قوری

A **teapot** has a handle and a spout for pouring tea. قوری دسته و لوله‌ای برای ریختن چایی دارد.



teddy bear

عروسک خرسی

A **teddy bear** is a soft, cuddly toy that looks like a bear. Many children like to take their **teddy bears** to bed with them.



عروسک خرسی نوعی اسباب‌بازی نرم و دوست داشتنی است که شبیه به خرس است. بسیاری از بچه‌ها دوست دارند که عروسک خرسی‌هایشان را با خود به تخت خوابشان ببرند.

telephone

تلفن

A **telephone** is a machine for talking to and listening to people who are far away. A **telephone** rings to let you know someone is calling you.

تلفن دستگاهی برای صحبت کردن و گوش دادن به کسانی است که در جای دوری قرار دارند. تلفن زنگ می‌زند و به شما اجازه می‌دهد که بدانید فردی در حال تماس با شما است.

television

تلویزیون

A **television** is a machine that picks up air waves and turns them into pictures and sounds. You might watch the news, cartoons, or a movie on **television**. TV is the short name for **television**.



تلویزیون دستگاهی است که امواج هوا را می‌گیرد و آنها را تبدیل به تصویر و صدا می‌نماید. شما می‌توانید اخبار، کارتون و یا فیلم را در تلویزیون تماشا کنید. کلمه TV خلاصه شده television است.

tell

گفتن

(tells, told, telling)

The girl is **telling** her friend about the television show.

دختر به دوستش درباره برنامه تلویزیون می‌گوید.

temple

معبد، پرستشگاه

A **temple** is a place where people go to worship their god.

معبد. معبد مکانی است که مردم برای پرستش خدایشان به آنجا می‌روند.

ten

ده

Ten is a number that is one 10 more than nine. $9+1 = 10$. You have **ten** toes on your feet.

10

ده عددی است که از نه یکی بیشتر است.
 $9+1 = 10$ در دو پای خود ده انگشت دارید.

tennis

بازی تنیس

In the game of **tennis**, players try to hit a ball over a net with racquets. **Tennis** is played on a hard court where the ball will bounce.

در بازی تنیس بازیکنان سعی می‌کنند با راکت ضربه‌ای به توپ بزنند و توپ از بالای تور بگذرانند. تنیس در زمین سفت و محکمی بازی می‌شود تا توپ بتواند روی آن بالا و پایین برود.

tepee

تیپ، چادر سرخپوستان

A **tepee** is a tent shaped like a cone and made from animal skins or fabric placed around poles. Some Native Americans lived in **tepees** a long time ago.



چادر سرخپوستان چادری شبیه مخروطی شکل است که از پوست حیوانات یا پارچه ساخته شده است و دور میله‌ای قرار دارد. در زمان‌های قدیم بعضی از بومیان آمریکا در تیپ زندگی می‌کردند.

terrible

وحشتناک

A **terrible** fire burned down the house.

آتش وحشتناکی خانه را سوزاند.

than

از

Than is used when you are comparing things. My kite flies higher **than** your kite.

از هنگامی استفاده می‌شود که شما اجسام را با یکدیگر مقایسه می‌کنید. بادبادکم بالاتر از بادبادک تو پرواز می‌کند.

thank

تشکر کردن

(thanks, thanked, thanking)

When you **thank** people, you tell them how happy you are with something they did. The old lady **thanked** the girl for shoveling the snow from her path.

هنگامی که از کسی تشکر می‌نمایید به آن فرد می‌گویید که چقدر از کاری که برایتان انجام داده خوش حال هستید. خانم مسن از دختری که برف جلوی مسیر خانه او را پارو کرده بود، تشکر نمود.

Thanksgiving

روز شکرگذاری

Thanksgiving is a holiday that happens in the United States every year on the fourth Thursday in November. **Thanksgiving** reminds you to be glad for the good things in your life. Many families share a turkey dinner on **Thanksgiving**.

روز شکرگذاری روز تعطیلی است که در ایالت متحده آمریکا هر سال در چهارمین پنجشنبه ماه نوامبر اتفاق می‌افتد. روز شکرگذاری به شما یادآوری می‌کند که به خاطر چیزهای خوب در زندگی‌تان خوش حال باشید. بسیاری از خانواده‌ها در روز شکرگذاری برای شام خوراک بوقلمون می‌خورند.



that-third

that

That refers to something that is not close to you. I am going to run to **that** tree way over there.

۱- که.

۲- آن. آن اشاره به چیزی دارد که نزدیک شما نباشد. قصد دارم تا آن درختی که در آن طرف قرار دارد بروم.

the

حرف معرفه

The girl wants to eat **the** plum.

به چیزی شناخته شده اشاره دارد. آن دختر می خواهد آلو بخورد.

their

مال آنها

Their means that something belongs to them. The boys hung up **their** coats.

مال آنها یعنی چیزی که به آنها تعلق دارد. آن پسرها کت های خود را آویزان نمودند.

them

به آنها، آنها را

The three boxes belong to **them**.

آن سه جعبه به آنها تعلق دارد.

then

سپس، بعد از این که

When you finish your lunch **then** you will meet me at the swimming pool.

بعد از این که غذایت را تمام کردی، با من در استخر ملاقات کن.

there

آن جا

Please go over **there** by the chair, and wait for me.

لطفاً برو آن جا کنار صندلی و منتظر من باش.

these

این ها

These means things that are close. **These** pink mittens on the table are mine.

این ها یعنی چیزهایی که نزدیک هستند. این دستکش های صورتی روی میز مال من می باشند.

they

آنها

They is a word you use when you are talking about more than one person or thing. **They** are going to share the large pizza for dinner.

آنها کلمه ای است که هنگام صحبت درباره بیش از یک نفر یا چیز استفاده می نمایید. آنها می خواهند برای شام پیتزای بزرگ را با یکدیگر قسمت نمایند.

thin

(thinner, thinnest)

1. If something is **thin**, it is not very wide. The girl's hair ribbon is **thin**. 2. If someone is **thin**, that person does not weigh very much and is not fat. The woman is **thin**.

۱- باریک. اگر چیزی باریک است، بسیار پهن نمی باشد.

روبان موی دختر باریک می باشد.

۲- لاغر. اگر کسی لاغر باشد، آن شخص وزن بسیار زیادی ندارد و چاق نیست. این زن لاغر است.

thing

چیز، شیء

The girl wants to hold the big purple **thing** when she goes to the circus.

آن دختر می خواهد هنگام رفتن به سیرک، آن شی بنفش بزرگ را در دست گیرد.

think

(thinks, thought, thinking)

1. When you **think** about something, you use your mind. The girl is **thinking** of an answer to the question. 2. I **think** I know how to fix the car.

۱- فکر کردن. هنگامی که به چیزی فکر می کنید، از ذهن خود استفاده می نمایید. آن دختر دارد به پاسخی برای این سوال فکر می کند.

۲- تصور کردن. تصور می کنم که می دانم چگونه ماشین را تعمیر نمایم.

third

سومین

My friend in the yellow hat is the **third** one in line for the donuts.

دوستم با کلاه زرد سومین نفر در صف پیراشکی است.

thirteen

سیزده

Thirteen is a number that is one more than twelve. $12+1=13$. Some people think **thirteen** is an unlucky number.

13

سیزده عددی است که از دوازده یکی بیشتر است.
 $12+1=13$ بعضی ها فکر می کنند که عدد
 سیزده بدشانسی می آورد.

thousand

هزار

A **thousand** is a number that is ten times one hundred. $10 \times 100 = 1,000$.
 $10 \times 100 = 1,000$ هزار عددی است که ده برابر صد می باشد.

1,000

thirty

سی

Thirty is a number that means three groups of ten. $10+10+10=30$.

30

سی به معنای سه گروه ده تایی است.
 $10+10+10=30$

three

سه

Three is a number that stands 3 for one more than two. $2+1=3$. People eat **three** meals a day.

3

سه، عددی است که از دو یکی بیشتر است.
 $2+1=3$ مردم در روز سه وعده غذا می خورند.

this

این

This means one that is close or near by. **This** blanket is keeping me warm.

این یعنی چیزی که در نزدیک یا دور و بر شما قرار داشته باشد. این پتو
 من را گرم نگه می دارد.

throat

گلو

Your **throat** is the part of your body that is at the back of your mouth. When you swallow something, it goes down your **throat**.

گلو بخشی از بدن شما است که در پشت دهانتان قرار دارد. هنگامی که
 چیزی را می بلعید، از گلو پایین می رود.

through

از میان

The train went **through** the tunnel.

قطار از میان تونل گذشت.

those

آنها

Those means specific things that are not close to you. **Those** balls are full of air and very bouncy!
 آنها یعنی چیزهای خاصی که نزدیک شما نیستند. آنها (آن توپها) پر
 از هوا هستند و بسیار خوب بالا و پایین می روند.

throw

پرتاب کردن

(throw, threw, thrown, throwing)

When you **throw** something, you make it move through the air with your hand. The boy **throws** the paper airplane up high.

هنگام پرتاب چیزی، آن را بادست خود به هوا می اندازید. آن پسر هواپیمای
 کاغذی را در هوا پرتاب کرد.

though

اگرچه

The lady is still cold, even **though** she is wearing her sweater.

آن خانم اگرچه پلوورش را پوشیده است، هنوز احساس سرما می کند.

thumb

انگشت شست

Your **thumb** is the shortest of your five fingers.

You pick up things between your **thumb** and fingers.



thumb

انگشت شست، کوتاه ترین انگشت در
 میان پنج انگشت شما است. شما اجسام
 را بین انگشت شست و انگشتان دیگران نگه
 می دارید.

thought

فکر، نیت

The teacher **thought** she would take the children outside to play on this sunny day.

معلم فکر کرد در این روز آفتابی بچه ها را بیرون ببرد.

Thursday-toad

Thursday

پنجشنبه

Thursday is the fifth day of the week.

Thursday comes after Wednesday.

پنجشنبه پنجمین روز تقویم میلادی می باشد. پنجشنبه بعد از چهارشنبه قرار دارد.

ticket

بلیط

A **ticket** is a small piece of paper that shows you have paid for something. You need a **ticket** to go to the movies.



بلیط قطعه کاغذ کوچکی است که نشان می دهد برای چیزی پول پرداخت کرده اید. برای رفتن به سینما به بلیط نیاز دارید.

tie

(ties, tied, tying)

The girl **ties** her shoes.

۱- بستن، گره زدن. آن دختر بند کفش هایش را می بندد.
۲- کراوات.

tiger

ببر

A **tiger** is a jungle animal that looks like a big cat with orange fur and black stripes.

ببر حیوانی شبیه به گربه ای بزرگ است که در جنگل زندگی می کند و موهای نارنجی با راه راه های سیاه دارد.



tight

محکم، تنگ

(tighter, tightest)

If something is **tight**, it does not have a loose, easy fit. The boy's mother tied his shoes **tight** so they wouldn't come off.

اگر چیزی محکم باشد شل و گشاد نیست. مادر آن پسر بند کفش های او را محکم بست تا باز نشوند.

time

1. **Time** is how long something takes to happen. **Time** is measured in seconds, minutes, hours, days, weeks, months, and years. 2. **Time** is the hours and minutes shown on a clock. The **time** is three o'clock.

۱- زمان. زمان مدت اتفاق افتادن چیزی می باشد. زمان با ثانیه، دقیقه، ساعت، روز، هفته، ماه و سال اندازه گیری می شود.

۲- ساعت، وقت، وقت. ساعت ها و دقیقه ای است که ساعت نشان می دهد. ساعت سه می باشد.

tip

(tips, tipped, tipping)

1. The boy **tips** the toy box over and things begin to fall out. 2. The **tip** of the mountain has snow on it.

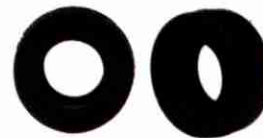
۱- کج کردن. آن پسر جعبه اسباب بازی را کج کرد و چیزهای درونش را شروع به بیرون ریختن کردند.

۲- قله، نوک. قله کوه پوشیده از برف است.

tire

لاستیک

A **tire** is a circle of rubber that fits over a wheel and is usually filled with air. Cars and bikes ride on **tires**.



لاستیک دایره لاستیکی است که بر روی چرخ قرار می گیرد و معمولاً با هوا پر می شود. ماشین ها و دوچرخه ها با لاستیک حرکت می کنند.

to

به

To usually means in the direction of someone or something. My mother sent me **to** the store

به، معمولاً به معنای سمت چیزی یا کسی است. مادر من را به فروشگاه فرستاد.

toad

وزغ

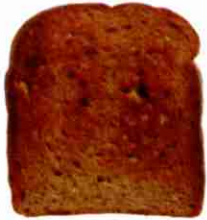
A **toad** is a small brown-and-green animal that looks like a frog with thick, bumpy skin. A **toad** uses two large back legs to hop on land.



وزغ حیوان کوچکی به رنگ قهوه ای و سبز است که شبیه قورباغه می باشد و پوست ناصاف و ضخیمی دارد. وزغ از دو پای بزرگ عقبی خود برای جهیدن و پریدن بر روی خشکی استفاده می کند.

toast

Toast is a kind of brown, crispy bread cooked in a toaster. People make **toast** by heating it, and then they sometimes put butter and jam on it.



نان تست نوعی نان قهوه‌ای و تردی است که در توستر گرم می‌شود. مردم با گرم کردن نان تست آن را آماده خوردن می‌کنند و سپس بعضی اوقات بر روی آن کره و مربا می‌مالند.

toaster

A **toaster** is a small machine that cooks bread. Each opening in the top of the **toaster** holds one slice.



توستردستگاه کوچکی است که نان را داغ می‌کند. در هر روزنه بالای دستگاه یک برش نان جای می‌گیرد.

today

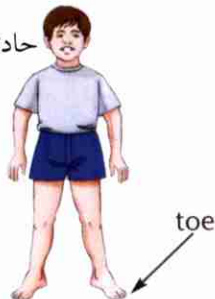
Today I am going to go to the tennis match.

امروز قصد دارم به مسابقه تنیس بروم.

toe

I had an accident and my **toe** hurt.

حادثه‌ای برایم پیش آمد و انگشت پایم آسیب دید.



together

The two friends ate lunch **together** at the fast-food restaurant.

دو دوست با یکدیگر در رستوران غذای فوری غذا خوردند.

toilet

The **flush** of the toilet didn't work, so I called someone to fix it.

سیفون توالت کار نمی‌کرد، بنابراین به شخصی تلفن زدم تا آن را درست کند.



tomato

(tomatoes)

A **tomato** is a juicy, round, red fruit that grows on a vine. You can eat a **tomato** raw or cooked in a salad, sandwich, soup, or sauce.

گوجه فرنگی میوه آبدار، گرد و قرمز رنگی است که بر روی بوته رشد می‌کند. می‌توانید گوجه فرنگی را به صورت خام یا پخته، در سالاد، ساندویچ، سوپ یا سس بخورید.

tomorrow

The mail carrier will bring the package to you **tomorrow**.

پستی بسته پستی را فردا برایم خواهد آورد.

tongue

Your **tongue** is the soft, moving, pink part inside your mouth. Your **tongue** helps you to taste things, swallow food, and speak.

زبان شما قسمت نرم و صورتی رنگی است که داخل دهان‌تان

حرکت می‌کند. زبان به شما کمک می‌کند تا چیزها را بچشید؛ غذا را بلعید و صحبت کنید.



tonight

We are going to hear a bedtime story **tonight**.

امشب هنگام خواب به قصه‌ای گوش خواهیم داد.

too

The children want to come along in the sailboat, **too**.

بچه‌ها هم می‌خواهند سوار قایق بادبانی شوند.

toast-too

توالت، دستشویی

گوجه فرنگی

فردا

زبان

امشب

همچنین، هم

A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

tool-town

tool

وسيله، ابزار

A **tool** is something you use to do work, such as a hammer.

ابزار چیزی مانند چکش است که با استفاده از آن کاری را انجام می‌دهید.

toolbox

جعبه ابزار

(toolboxes)

A **toolbox** is a special chest for storing and carrying tools, such as screwdrivers and drills.

جعبه ابزار، جعبه خاصی برای نگهداری و حمل ابزاری نظیر پیچ گوشتی و مته است.

tooth

دندان

(teeth)

A **tooth** is a white thing in your mouth that you use for biting and chewing.

دندان جسم سفیدی در دهان شما است که با استفاده از آن به غذا گاز می‌زنید و آن را می‌جوید.

toothache

دندان درد

A **toothache** is a pain that you get in your tooth. If you eat too much sugary food, like candy, you might get a **toothache**.

دندان درد، دردی است که در دندان خود احساس می‌کنید. اگر زیاد غذاهای شیرین مثلاً شیرینی بخورید، ممکن است دندان درد بگیرید.

toothbrush

مسواک

(toothbrushes)

A **toothbrush** has a long handle with bristles on one end. You put toothpaste on a **toothbrush** to clean your teeth after you eat.

مسواک دسته‌ای بلند و در انتهای خود تعدادی مو دارد. بعد از خوردن غذا، روی مسواک خمیر دندان می‌ریزید و دندان‌های خود را تمیز می‌کنید.

toothpaste

خمیر دندان

Toothpaste is a cleaner for your teeth that comes in tubes. You squeeze thick, creamy **toothpaste** onto your brush.

خمیر دندان تمیز کننده دندان است که در لوله‌ای (تیوبی) قرار دارد. شما خمیر دندان که نرم مانند و غلیظ را فشار می‌دهید و روی مسواک مالید.

top

1. A **top** is a toy with a pointed end that spins around.
2. A **top** is a cover for a jar You screw the **top** on a bottle of soda.
3. The **top** is the highest part of something. The girl climbs to the **top** of the jungle gym.

۱- فرفره. فرفره نوعی اسباب بازی است که انتهای آن نوک تیز است و به دور خود می‌چرخد.

۲- در. در پوششی برای شیشه است. شما در شیشه نوشابه گازدار را می‌پیچانید.

۳- نوک، بالای چیزی. نوک، بلندترین قسمت چیزی می‌باشد. آن دختر به بالای میله‌های بازی در پارک می‌رود.

touch

(touches, touched, touching)

1. If you **touch** something, you feel it with your hand.
2. When two things **touch**, this means there is no space between them. When a book is closed, the pages **touch** each other.

۱- لمس کردن. اگر چیزی را لمس کنید، آن را با دست خود احساس می‌نمایید.

۲- تماس داشتن. هنگامی که دو چیز با هم تماس دارند، یعنی فضایی بین آن‌ها وجود ندارد. هنگامی که کتابی بسته می‌شود، صفحه‌های کتاب با یکدیگر تماس دارند.

toward

به سوی، به سمت

Toward means to go in the direction of something. The farmer quickly walked **toward** his cow.

به سوی به معنای حرکت در جهت چیزی می‌باشد. آن کشاورز به سرعت به سمت گاو خود رفت.

towel

حوله

A **towel** is a large, thick, soft cloth you use to dry yourself after taking a bath.

حوله پارچه بزرگ، ضخیم و نرمی است که بعد از حمام خود را با استفاده از آن خشک می‌نمایید.



town

شهرتان، شهر کوچک

A **town** is a place with lots of streets, houses, buildings, and stores where many people live and work.

شهرستان مکانی است که خیابان‌ها، خانه‌ها، ساختمان‌ها و فروشگاه‌های بسیاری دارد و جایی است که افراد زیادی در آن کار و زندگی می‌کنند.

toy

اسباب بازی

A **toy** is something children play with to have fun. Dolls, balls, and games are **toys**.

اسباب بازی چیزی است که بچه‌ها برای سرگرمی با آن بازی می‌کنند. عروسک، توپ و وسایل بازی دیگر اسباب بازی هستند.



toybox

جعبه اسباب بازی

(toy boxes)

A **toy box** is a container that holds toys, like balls, blocks, and stuffed animals. When you clean up toys, you can put them in the **toy box**.



جعبه اسباب بازی، جعبه‌ای است که اسباب بازی‌هایی نظیر توپ، لگو و حیوانات نرم و عروسکی را در خود نگه می‌دارد. هنگامی که اسباب‌بازی‌های خود را تمیز می‌کنید، می‌توانید آن‌ها را در جعبه اسباب‌بازی بگذارید.

track

1. A **track** is a path where people race or jog with their feet. 2. A railroad **track** is a special road where trains run over metal rails to get somewhere.

۱- مسیر. مسیر راهی است که مردم در آن مسابقه می‌دهند یا آهسته می‌دوند.
۲- خط، ریل. خط آهن مسیر ویژه‌ای است که قطارها بر روی ریل‌های فلزی حرکت می‌کنند تا به جایی بروند.

trade

عوض کردن، مبادله کردن

(trades, traded, trading)

The boys **traded** their baseball cards.

عوض کردن، مبادله کردن. آن پسرها کارت‌های بیسبال خود را با یکدیگر عوض کردند.

traffic light

چراغ راهنمایی

A **traffic light** is a series of colored lights beside a road that tells drivers what to do: red means to stop, yellow means to slow down, and green means to go.

چراغ راهنمایی مجموعه چراغ‌هایی رنگی است که در کنار خیابان قرار دارند و به رانندگان می‌گویند که چه کاری را باید انجام دهند: چراغ قرمز یعنی ایست، زرد یعنی با احتیاط حرکت کن و سبز یعنی حرکت کن.



trailer

یدک کش، تریلر

A **trailer** is a vehicle with wheels but without a motor that attaches to a car or truck to help you move things to another place. A **trailer** could hold milk in a large, long tank.

تریلر وسیله‌ای است که چرخ دارد ولی موتور ندارد و به ماشین یا کامیونی متصل می‌شود و کمک می‌کند که اجسام را به مکانی دیگر منتقل کنید. تریلر می‌تواند شیر را در مخزنی بزرگ و دراز نگهداری کند.

train

(trains, trained, training)

1. If you **train** your pet, you teach it how to do something. I **trained** my dog to catch a stick. 2. You can travel on tracks in a **train** pulled by an engine.

۱- تربیت کردن. اگر حیوان دست آموز خود را تربیت می‌کنید، به آن یاد می‌دهید که چگونه کاری را انجام دهد. سگم را تربیت کردم تا چوبی را بگیرد.

۲- قطار. شما می‌توانید بر قطاری سوار شوید که روی خط آهن حرکت می‌کند و با موتور رانده می‌شود.



trap

دام، تله

A **trap** is something that you set to catch an animal or a person. You put cheese on a **trap** to catch a mouse.

دام چیزی است که برای گرفتن حیوان یا انسان گذاشته می‌شود. شماروی تله پنیر می‌گذارید تا موش را بگیرید.

trash

آشغال، زباله

Trash is something that is not any good, that people throw away. The man threw his paper cup in the **trash**.

زباله چیزی است که خوب و مفید نیست و مردم آن را بیرون می‌اندازند. آن مرد فنجان یک بار مصرف خود را در زباله انداخت.

trash can

ظرف آشغال

A **trash can** is a large container made of metal or plastic with a lid. You throw garbage in a **trash can**.



ظرف آشغال ظرف در دار بزرگی است که از فلز یا پلاستیک ساخته است. زباله را در ظرف آشغال می‌ریزید.

travel-trouble

travel

رفتن، سفر کردن

(travels, traveled, traveling)

When you **travel**, you go from one place to another. I **traveled** to school on the yellow school bus.

هنگامی که سفر می کنید، از مکانی به مکان دیگر می روید. با اتوبوس زرد رنگ مدرسه به مدرسه رفتم.

tray

سینی

A **tray** is a shallow, flat board used for holding or carrying objects. The child carried her food on a **tray**.

سینی وسیله صاف و کم عمقی است که برای نگه داشتن و حمل اشیاء استفاده می شود. بچه غذایش را در یک سینی حمل کرد.

treasure

گنج، گنجینه

Pirates hid their special things in a **treasure** chest.



دزدان دریایی اشیاء قیمتی خود را در صندوق گنج پنهان می کردند.

tree

درخت

A **tree** is a tall, woody plant with a trunk and branches. Some **trees** have leaves, while others have needles.

درخت گیاه چوبی و بلندی است که تنه و شاخه دارد. بعضی از درخت ها برگ دارند و در حالی که درخت های دیگر برگ هایشان سوزنی است.

triangle

مثلث

A **triangle** is a shape with three straight sides and three corners.

مثلث شکلی است که سه ضلع صاف و سه گوش دارد.



trick

(tricks, tricked, tricking)

The boy **tricked** his mom by hiding her car keys so they couldn't leave the park.

۱- حقه زدن. آن پسر با قایم کردن کلید ماشین به مادرش حقه ای زد تا نتوانند از پارک خارج شوند.
۲- گول زدن، شوخی با کسی.

tricycle

سه چرخه

A **tricycle** is a toy with three wheels and a seat that you ride. You pedal a **tricycle** and steer it with a handlebar.



سه چرخه وسیله بازی است که سه چرخ و یک صندلی دارد که سوار آن می شوید. سه چرخه را پا می زنید و با فرمان آن را هدایت می کنید.

trip

(trips, tripped, tripping)

1. My father tripped over the sleeping cat.
2. When you on a **trip**, you travel somewhere.

۱- پای کسی به چیزی گیر کردن و به زمین خوردن.
پدرم پایش به گربه خوابیده خورد و زمین افتاد.
۲- سفر. هنگام سفر به جایی می روید.

trombone

ترامبون

A **trombone** is a long, curved, brass musical instrument that makes a sound when you blow into it. One end of the **trombone** slides in and out.

ترامبون نوعی وسیله موسیقی از جنس فلز برنج می باشد که منحنی شکل و بلند است و هنگامی که در آن می دمید صدا ایجاد می کند. یک طرف ترامبون به جلو و عقب حرکت می کند.



trophy

جایزه، نشان افتخار

(trophies)

A **trophy** is a prize you get when you win a game or race. Sometimes a **trophy** has your name on it.



نشان افتخار جایزه ای است که هنگام برنده شدن در مسابقه یا بازی بدست می آورید.
بعضی اوقات بر روی نشان افتخار نام شما نوشته می شود.

trouble

مشکل، گرفتاری

The boys were having **trouble** fishing because they ran out of worms.

پسر ها در ماهی گیری با مشکل روبرو شدند زیرا اکرم آنها تمام شد.

troublemaker

مشکل ساز

Someone who is a **troublemaker** behaves badly.
A **troublemaker** creates problems for others.

شخصی که مشکل ساز است رفتار بدی دارد. فرد مشکل ساز برای دیگران درد سر ایجاد می کند.

truck

کامیون

A **truck** is a big vehicle with large wheels that carries things in the back. A driver rides in the front of a **truck**.

کامیون وسیله نقلیه بزرگی است که چرخ های بزرگی دارد که اجسام را در پشت خود حمل می کند. راننده در جلوی کامیون می نشیند و رانندگی می کند.

true

(truer, truest)

1. If something is **true**, it really happened. 2. It is **true** that you have a very nice house.

- ۱- واقعی. اگر چیزی واقعی باشد، حقیقتاً اتفاق افتاده است.
- ۲- حقیقت. حقیقتاً خانه بسیار زیبایی دارید.

trumpet

ترومپت

A **trumpet** is a curved, brass instrument that makes a sound when you blow into it. You push three valves on the **trumpet** to change the sounds it makes.

ترومپت نوعی ساز از جنس فلز برنج است که هنگام دمیدن در آن صدا ایجاد می شود. با فشار بر روی دگمه روی ترومپت، صداهایی را که ایجاد می کند، تغییر می دهید.



trunk

1. A **trunk** is a large, heavy box that people use to store things. 2. An elephant's long nose is called a **trunk**, and the animal uses it to get food and water. 3. The **trunk** of a tree is the long, thick part that comes up from the ground.

- ۱- صندوق. صندوق جعبه سنگین و بزرگی است که مردم برای نگهداری چیزها از آن استفاده می کنند.
- ۲- خرطوم. بینی دراز فیل خرطوم نام دارد و حیوان با استفاده از آن آب و غذا را بدست می آورد.
- ۳- تنه درخت. تنه درخت بخش بلند و ضخیمی است که از زمین بیرون می آید.

trust

اعتماد کردن به

(trusts, trusted, trusting)

If you **trust** someone, you believe they will do what they say. I **trust** my friend to care for my pet.

اگر به کسی اعتماد دارید، معتقد هستید آن چیزی را که می گوید، انجام می دهد. به دوست خود اعتماد دارم که از حیوان دست آموزم مراقبت می کند.

try

(tries, tried, trying)

1. I **tried** the salad to see if I liked it. 2. When you **try** to do something, you attempt to do it. I **try** to help my mom.

۱- امتحان کردن. این سالاد را امتحان کردم (و خوردم) تا ببینم که آیا از آن خوشم می آید.

۲- سعی کردن. هنگامی که سعی می کنید چیزی را انجام بدهید، تلاش خود را برای انجام دادن آن کار می کنید. سعی دارم به مادر خود کمک کنم.

T-shirt

تی شرت

A **T-shirt** is something with short sleeves that covers the top of your body. Many **T-shirts** have words or pictures on them.



تی شرت لباسی است که آستین کوتاه دارد که قسمت بالای بدنتان را می پوشاند. روی بسیاری از تی شرت ها کلمات یا تصاویری نقش بسته است.

tub

لگن، وان

A **tub** is a wide, round metal or plastic container. You can carry things in a **tub**, or you can put water in it to wash things.

لگن نوعی ظرف گرد و پهن فلزی یا پلاستیکی است. می توانید چیزی را داخل آن حمل کنید یا در آن آب بریزید و چیزی را بشویید.



tuba

شیپور نظامی، توبا

A **tuba** is a huge brass instrument that makes low sounds when you blow into it.



توبا نوعی ساز بزرگ برنجی است که هنگام دمیدن در آن صداهای بمی ایجاد می شود.

Tuesday-two

Tuesday

سه شنبه

Tuesday is the third day of the week. **Tuesday** comes after Monday.

سه شنبه سومین روز هفته تقویم میلادی می باشد. سه شنبه بعد از دو شنبه می آید.

tug

کشیدن

(tugs, tugged, tugging)

I am **tugging** on my dog's collar to bring him inside.
قلاده سگم را می کشم تا او را به داخل خانه بیاورم.

tugboat

کشتی یدک کش

A **tugboat** is a powerful boat that pulls other boats safely into the harbor. Some **tugboats** pull barges over the river.

کشتی یدک کش، کشتی قدرتمندی است که کشتی یا قایق های دیگر را سالم به بندر می کشد. بعضی از کشتی های یدک کش قایق های باری را در رودخانه می کشند.

tune

آهنگ، نوا

When someone sings or plays a musical instrument, you hear the **tune**.

هنگامی که کسی آواز می خواند یا ساز می نوازد، آهنگ آن را می شنوید.

turkey

بو قلمون

A **turkey** is a big bird that can raise its tail into a fan shape. **Turkeys** live on a farm or in the wild. People like to eat **turkey** at Thanksgiving.

بو قلمون پرندۀ ای بزرگ است که می تواند دم خود را به شکل بادبزنی بلند کند، بو قلمون ها در مزرعه یا در محیط وحش زندگی می کنند. مردم دوست دارند که در روز جشن شکر گذاری بو قلمون بخورند.



turn

(turns, turned, turning)

1. The wheels of a car turn when you drive it. 2 it changes A tadpole **turns** into a frog.

۱- چرخیدن. چرخ های ماشین هنگام رانندگی کردن می چرخند.
۲- تبدیل شدن. نوزاد قورباغه به قورباغه تبدیل می شود.

turtle

لاک پشت

A **turtle** is an animal with wrinkly skin and a hard shell. A **turtle** can hide inside its shell.

لاک پشت حیوانی است که پوست ناصاف و لاک محکمی دارد.
لاک پشت می تواند داخل لاکش پنهان شود.



twelve

دوازده

Twelve is a number that is one more than eleven. $11 + 1 = 12$. **Twelve** is also sometimes called a dozen, such as a dozen eggs.

12

دوازده عددی است که از یازده یکی بیشتر است.
 $11 + 1 = 12$. همچنین بعضی اوقات عدد دوازده دوجین نامیده می شود، مانند دوجین تخم مرغ.

twenty

بیست

Twenty is a number that is two groups of ten. $10 + 10 = 20$.

بیست عددی است که از دو گروه ده تایی تشکیل شده است.

20

two

دو

Two is the number that comes after one.

$1 + 1 = 2$. You have **two** eyes.

دو عددی است که بعد از یک می آید. $1 + 1 = 2$. شما دو تا چشم دارید.

2



umbrella

چتر

An **umbrella** has a round cloth or plastic top and a long handle with a curved end. You hold an **umbrella** over your head to stay dry when it rains.

چتر سرپوش پارچه ای یا پلاستیکی گردی است که دسته ای بلند دارد و انتهایش منحنی شکل است. هنگامی که باران می بارد چتر را بر روی سر خود می گیرید تا خشک بمانید.



umpire

داور

An **umpire** is a person who makes sure the players follow the rules in sports, such as baseball.

داور فردی است که نظارت می کند بازیکنان در ورزشی هایی مانند بیسبال قوانین مسابقه را رعایت کنند.

uncertain

نامشخص

If something is **uncertain**, it may change at any time. It is **uncertain** if the rain will stay away for our picnic.

اگر چیزی نامشخص باشد، ممکن است در هر لحظه تغییر کند. مشخص نیست که در هنگام گردش ما باران قطع شود.

uncle

عمو، دایی، شوهر عمه یا خاله

My **uncle** works in a restaurant.

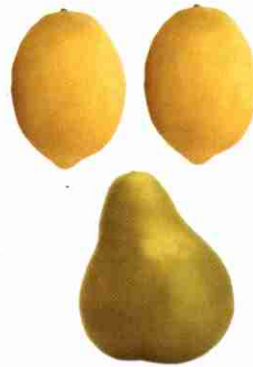
عمویم در رستوران کار می کند.

under

زیر

The pear is **under** the two lemons.

گلابی زیر دو لیمو قرار دارد.



understand

فهمیدن

(understands, understood, understanding)

If you **understand** something, you know what it means. I **understand** the directions for building the toy race car.

اگر چیزی را می فهمید، می دانید که معنی آن چیست. من دستور ساخت آن ماشین مسابقه اسباب بازی را می فهمم.

underwear

لباس زیر

Underwear is clothing you wear under other clothes next to your skin. Underpants and undershirts are **underwear**.

لباس زیر لباسی است که زیر لباس های دیگر چسبیده به پوست خود می پوشید. زیر شلوازی و زیر پیراهنی لباس زیر هستند.



A
B
C
D
E
F
G
H
I
J
K
L
M
N
O
P
Q
R
S
T
U
V
W
X
Y
Z

unhappy-use

unhappy

(unhappier, unhappiest)

If you are **unhappy**, you are sad or upset about something. You are **unhappy** that your goldfish died.

اگر ناراحت باشید، شما درباره چیزی غمگین یا عصبانی هستید. از این که ماهی قرمز مرده است ناراحت هستی.



uniform

لباس فرم، اونیفورم

A **uniform** is a set of clothes that people wear to show they do a certain job or belong to a certain group. Nurses, firefighter athlete and all wear **uniforms**.

اونیفورم مجموعه لباس هایی است که افراد برای نشان دادن انجام شغلی خاص یا تعلق به گروهی ویژه می پوشند. پرستاران، مأموران آتش نشانی و ورزشکاران همگی اونیفورم می پوشند.



until

تا، تا این که

Until means up to the time something happens. The girl waited to cross the street **until** the traffic light changed.

تا، یعنی تا هنگامی که چیزی اتفاق بیافتد. آن دختر برای عبور کردن از خیابان صبر کرد تا رنگ چراغ راهنمایی عوض شود.

ناراحت

unzip

(unzips, unzipped, unzipping)

The lady **unzips** her sweater.



آن خانم زیپ ژاکت خود را باز می کند.

up

بالا

If somebody or something goes **up**, it moves from a lower level to a higher one. The airplane goes **up** in the sky.

اگر کسی یا چیزی بالا برود، از سطحی پایین تر به سطحی بالاتر حرکت می نماید. هواپیما در آسمان بالا می رود.

Uranus

سیاره اورانوس

Uranus is a planet in the solar system. **Uranus** is the third largest planet and seventh planet from the Sun.

اورانوس سیاره ای در منظومه شمسی است. اورانوس سومین سیاره از لحاظ بزرگی و از لحاظ فاصله با خورشید هفتمین سیاره است.

us

به ما، ما را

Please give the tennis balls to **us**.

لطفاً توپ های تنیس را به ما بده.

use

استفاده کردن

(uses, used, using)

When you **use** something, you are doing a job with it. You **use** a hammer and nails to build a house.

هنگام استفاده از چیزی، با آن کاری را انجام می دهید. با استفاده از چکش و میخ خانه می سازید.



vacation

تعطیلات

A **vacation** is a time off from work and school.
A **vacation** is often a time for fun and trips.

تعطیلات زمانی است که فردی کار نمی‌کند و به مدرسه نمی‌رود.
تعطیلات اغلب زمانی برای تفریح و مسافرت است.

vacuum cleaner

جارو برقی

A **vacuum cleaner** is a machine that sucks up dirt.
You use a **vacuum cleaner** to clean rugs, floors, and curtains.

جارو برقی دستگاهی است که خاک و آلودگی‌ها را می‌مکد. شما از جارو برقی برای تمیز کردن فرش، کف اتاق و پرده استفاده می‌کنید.

valentine

کارت والتاین

A **valentine** is a greeting card that you send to people you like on **Valentine's Day**. Many valentines have heart-shape designs.



کارت والتاین کارت تبریکی است که در روز والتاین برای افرادی که دوست دارید می‌فرستید. اکثر کارت‌های والتاین طرح قلب دارند.

Valentine's Day

روز والتاین

Valentine's Day is a holiday that takes place on February 14. On **Valentine's Day** you send cards, flowers, or candy to people you love.



روز والتاین روز تعطیلی است که در ۱۴ فوریه واقع شده است. شما روز والتاین برای کسانی که دوست دارید کارت، گل یا شیرینی می‌فرستید.

vase

گلدان

A **vase** is a tall, thin container made out of glass that holds water. You can put fresh flowers in a **vase**.



گلدان ظرف بلند و باریکی است که از شیشه ساخته شده و آب را در داخل خود نگه می‌دارد. می‌توانید گل‌های تازه را داخل گلدان بگذارید.

vegetable

سبزی

A **vegetable** is a plant that you eat for food. Carrots, peas, and broccoli are **vegetables**.



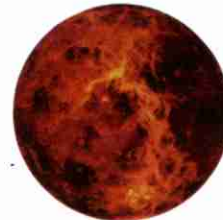
سبزی گیاهی است که به عنوان غذایی خورید. هویج، نخود سبز و کلم بروکلی جزء سبزیجات هستند.

Venus

ناهید، زهره

Venus is the second planet from the Sun.

سیاره زهره دومین سیاره نسبت به خورشید است.



very

بسیار

You use the word **very** before another word to make it show a greater amount. The elephant is **very** big. شما کلمه بسیار را قبل از کلمه‌ای دیگر برای نشان دادن مقدار بیشتر استفاده می‌کنید. فیل بسیار بزرگ است.

vest

جلیقه، ژلیه

A **vest** is a sleeveless jacket worn on the top part of your body over a shirt. A **vest** can be part of a suit.



جلیقه، کت بدون آستینی است که در قسمت بالای بدن بر روی پیراهن می‌پوشید. جلیقه ممکن است بخشی از یک کت و دامن یا کت و شلوار باشد.

video camera-vulture

video camera

دوربین فیلمبرداری

A **video camera** is something that records movies. You hold a **video camera** in your hand. Sometimes a video camera is called a camcorder.



دوربین فیلمبرداری دستگاهی است که فیلم می گیرد.
دوربین فیلمبرداری را در دست خود نگه می دارید.
بعضی اوقات دوربین فیلمبرداری camcorder نیز نامیده می شود.

videotape

نوار ویدئو

A **videotape** is a special tape that records pictures and sounds. You use **videotape** in your VCR or camcorder.

نوار ویدئو نوار خاصی است که تصویر و صدا را می توان روی آن ضبط می کند. شما از نوار ویدئو در ویدئو یا دوربین فیلمبرداری خود استفاده می کنید.



view

منظره

A **view** is what you see from a particular place. The **view** of the flowers from the top of the hill is beautiful.

منظره آن چیزی است که از مکان خاصی می بینید. منظره گل ها از بالای تپه زیبا می باشد.

vine

ساقه رونده

Squash grows on a **vine**.

بوته گیاهی است که ساقه مارپیچ و بلندی دارد و در طول زمین یا بالای درخت ها رشد می کند. کدو در بوته رشد می نماید.

violet

گل بنفشه

A **violet** is a small sweet-smelling flower with five petals. **Violets** are purple, white, yellow, or pink.



گل بنفشه گل کوچکی است که بویی خوش و پنج گلبرگ دارد. گل های بنفشه به رنگ های بنفش، سفید، زرد یا صورتی وجود دارند.

violin

ویولون

A **violin** is a wooden instrument that has four strings. You play the **violin** by moving a bow across the strings.



ویولن سازی چوبی است که چهار سیم دارد. با حرکت دادن آرشه بر روی سیم ها ویولن می نوازید.

visit

سر زدن، دیدن کردن از

(visits, visited, visiting)

The girls are **visiting** the library to get books.

آن دخترها به کتابخانه سر زدند تا کتاب بگیرند.

voice

صدا

Your **voice** is the sound you make when you talk or sing.

صدای شما آوایی است که هنگام آواز خواندن یا صحبت کردن ایجاد می کنید.

volleyball

والیبال

A **volleyball** is a round, white ball about the size of a soccer ball. You hit a **volleyball** over a net during the game of volleyball.



توپ والیبال توپ سفید و گردی حدوداً هم اندازه توپ فوتبال است. طی بازی والیبال به توپ ضربه می زنید و آن را از بالای تور عبور می دهید.

vulture

کرکس

A **vulture** is a large bird that does not have any feathers on its head. **Vultures** eat animals that are already dead.

کرکس پرندۀ ای بزرگ است که بر روی سرش پر ندارد. کرکس ها از حیواناتی که تازه مرده اند تغذیه می کنند.

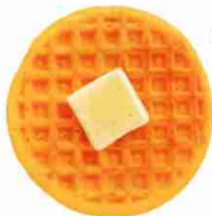




waffle

وافل

A **waffle** is a crisp, bumpy cake cooked in a waffle iron. We had **waffles** with butter and syrup for breakfast.



وافل شیرینی ترد و ناصافی است که در ظرف مخصوص پخت وافل تهیه می شود. ما صبحانه، وافل همراه با کره و شیر داشتیم.

wag

تکان دادن

(wags, wagged, wagging)

The dog was **wagging** his tail.

سگ داشت دمش را تکان می داد.

wagon

گاری، ارابه

A **wagon** carries people and things from place to place. They can be pulled by hand, by horses, or by a tractor.



گاری مردم و چیزها را از مکانی به مکان دیگر می برد. گاری می تواند با کمک دست، اسب یا تراکتور کشیده شود.

wait

صبر کردن

(waits, waited, waiting)

If you **wait**, you stay in one place until something happens. *We **waited** by the toaster for the toast to pop up.*

اگر صبر کنید، در جایی می ایستید تا چیزی اتفاق بیفتد. در کنار دستگاه توستر منتظر شدیم تا نان تست از دستگاه بیرون بیاید.

walk

راه رفتن

(walks, walked, walking)

When you **walk**, you put one foot in front of the other and move along.

هنگام راه رفتن، یک پای خود را جلوی پای دیگر می گذارید و حرکت می نمایید.

wall

A **wall** is something you make with stones or bricks to separate one person's land from another's.

۱- دیوار.

۲- حصار. حصار چیزی است که با سنگ یا آجر می سازید تا زمین فردی را از فرد دیگر جدا کنید.

wallet

کیف پول (مردانه)

My brother's **wallet** was lost last night.

کیف پول برادرم دیشب گم شد.

walnut

گردو

A **walnut** is a thick, hard-shelled nut from a tree. You can eat the soft nut inside.



گردو میوه مغزدار درختی است که پوست سخت و محکمی دارد و بر روی درخت رشد می کند. شما می توانید میوه نرم داخل آن را بخورید.

wand

چوبدستی

A **wand** is a small, thin stick you hold in your hand. A magician waves a **wand** to perform magic tricks.



چوبدستی چوب کوچک و باریکی است که در دست می گیرید. شعبده بازها برای شعبده بازی چوبدستی خود را تکان می دهند.

want

خواستن

(wants, wanted, wanting)

If you **want** something, you would like to have it. The girl **wants** some peanut butter for her sandwich.

اگر چیزی را بخواهید، دوست دارید که آن را داشته باشید. آن دختر مقداری کره بادام زمینی برای ساندویچ خود می خواهد.

war-wave

war

جنگ

When armies or groups of people fight against each other, they are at **war**.

هنگامی که ارتش یا گروهی از مردم با یکدیگر جنگ می کنند، آنها در جنگ هستند.

warm

گرم

(warmer, warmest)

The boy **wears** his fuzzy hat to keep his head warm.

آن پسر کلاه پشمی خود را به سر گذاشت تا سر خود را گرم نگه دارد.

was

بود

(be, am, are, is, were, been, being)

She **was** playing volleyball this morning.

او امروز صبح داشت والیبال بازی می کرد.

wash

شستن

(washes, washed, washing)

To **wash** is to clean something with soap and water. You **wash** your hands before you eat.

شستن تمیز کردن چیزی با آب و صابون است. شما دستان خود را قبل از غذا خوردن می شوید.

washcloth

حوله ی کوچک، لیف

A **washcloth** is a small square cloth you use to wash your face and body with soap and water.



لیف پارچه کوچک و مربع شکلی است که با استفاده از آن صورت و بدن خود را با آب و صابون می شوید.

waste

هدر دادن، اسراف کردن

(wastes, wasted, wasting)

If you **waste** something, you are using more of it than you need. Do not **waste** all of the toothpaste on your brush.

اگر در چیزی اسراف کنید، بیش از حد احتیاج از آن استفاده می کنید. با ریختن همه خمیر دندان را بر روی مسواک آن را هدر نده.

watch

(watches, watched, watching)

1. You **watch** the bee fly to the flower. 2. A **watch** is a small clock you wear on your wrist.

۱- تماشا کردن، نگاه کردن. تو زنبور را که به طرف گل پرواز می کند، تماشا می کنی.

۲- ساعت میچی. ساعت میچی ساعت کوچکی است که به دور مچ خود می بندید.



water

آب

Water is a clear liquid without any smell or taste.

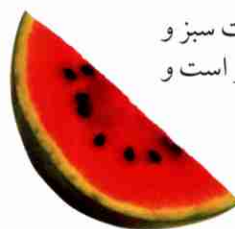
Water falls from the sky in the form of rain. You can drink **water** or take a bath in it.

آب مایع زلالی بدون بو یا مزه است. آب به شکل باران از آسمان می بارد. شما می توانید آب را بنوشید یا با آن حمام کنید.

watermelon

هندوانه

A **watermelon** is a large juicy fruit with a thick green skin. Inside, the **watermelon** is crisp and red with many seeds.



هندوانه میوه آبدار بزرگی است که پوست سبز و ضخیمی دارد. داخل هندوانه ترد و قرمز است و دانه های زیادی در آن وجود دارد.

wave

(waves, waved, waving)

1. You say hello or good-bye to someone when you **wave** your hand side to side. 2. A **wave** is a high, curved line of water moving across the ocean. The boy rides the surfboard on the **waves**.

۱- تکان دادن، دست تکان دادن. هنگام گفتن سلام یا خدا حافظی دست خود را از جهتی به جهت دیگر تکان می دهید.

۲- موج. موج خط منحنی شکل بلندی از آب است که در طول اقیانوس در حال حرکت می باشد. آن پسر با تخته موج سواری بر روی موج ها سواری می کند.



way

1. This is the way you make the bed.
2. This is the **way** from my house to town.

- ۱- روش. با این روش تخت را مرتب می‌کنی.
- ۲- راه. این راه خانه من تا شهر است.

we

We went for a hike to the pond.

ما برای پیاده روی به طرف برکه رفتیم.

wear

(wears, wore, worn, wearing)

1. When you **wear** clothes, they cover your body. I am **wearing** my snowsuit and hat to play outdoors in the cold.
2. If something **wears** out, it has been used a lot of times and is no longer as good or as strong. The car tires went flat when they **wore** out.

- ۱- پوشیدن. هنگامی که لباس می‌پوشید، بدن شما را می‌پوشاند.
- ۲- کهنه شدن، ساییده شدن. اگر چیزی کهنه شود، از آن دفعات زیادی استفاده شده است و دیگر خوب یا محکم نمی‌باشد. هنگامی که لاستیک‌های ماشین ساییده شدند، پنجر گردیدند.

weather

آب و هوا. شرایط آب و هوایی

I am wearing a bathing suit for the hot **weather**.

در آب و هوای گرم لباس شنا می‌پوشم.

**wedding**

جشن ازدواج

Our **wedding** was exceptional and great.

جشن ازدواج ما استثنایی و فوق العاده بود.

**Wednesday**

چهارشنبه

Wednesday is the fourth day of the week.

Wednesday comes after Tuesday.

چهارشنبه چهارمین روز هفته تقویم میلادی می‌باشد. چهارشنبه بعد از سه شنبه می‌آید.

week

هفته

A **week** is seven days. There are 52 **weeks** in a year.

هفته هفت روز است. ۵۲ هفته در سال موجود می‌باشد.

weigh

(weighs, weighed, weighing)

You put something on a scale and **weigh** it to see how heavy it is. The potatoes **weighed** ten pounds.



وزن کردن. شما چیزی را روی ترازو می‌گذارید و وزن می‌کنید تا ببینید چقدر سنگین می‌باشد. سیب زمینی‌ها پنج کیلو وزن داشتند.

weird

عجیب و غریب

(weirder, weirdest)

The monster looks **weird**, with two heads.

هیولا با داشتن دوسر، عجیب و غریب به نظر می‌آید.

welcome-wheelchair

welcome

خوش آمد گفتن

(welcomes, welcomed, welcoming)

The girl **welcomes** her friend to the party.

آن دختر به دوستش در مهمانی خوش آمد می گوید.



well

(better, best)

1. If you do something **well**, you do it in a good way.
2. If you are feeling **well**, you are healthy and not sick.

- ۱- درست. اگر چیزی را درست انجام دهید، آن را به روش خوب و مناسبی انجام می دهید.
- ۲- خوب. اگر احساس خوبی دارید، یعنی شما سالم هستید و مریض نمی باشید.

were

بودید

(be, am, are, is, was, been, being)

The children **were** at the park.

بچه ها در پارک بودند.

west

غرب

West is a direction. The sun sets in the **west** in the evening.



غرب جهت می باشد. خورشید هنگام عصر در مغرب می کند.

wet

خیس

(wetter, wettest)

The friends got **wet** when they went swimming.

دوستان هنگام شنا خیس شدند.

whale

وال، نهنگ

A **whale** is a huge ocean animal that looks like a fish but is really a mammal. A blue **whale** breathes through a spout in its head and is the largest animal in the world.

وال حیوان بزرگی است که در اقیانوس زندگی می کند. وال شبیه ماهی است ولی در حقیقت جزء پستانداران می باشد. وال آبی از طریق حفره ای بر روی سرش تنفس می کند و بزرگترین حیوان در دنیا است.

what

چه

When you use **what**, you ask about the identity or makeup of something. Do you know **what** questions the teacher will ask on the quiz?

هنگامی از کلمه چه استفاده می کنید که می خواهید درباره هویت یا ساخت چیزی سؤال نمایید. می دانی چه سؤالاتی را معلم در امتحان خواهد پرسید؟

wheat

گندم

Farmers grow **wheat**, a type of grain on tall stalks. We grind the **wheat** seeds to make flour for bread.



کشاورزان گندم کشت می کنند، گندم نوعی دانه است که بر روی ساقه بلندی رشد می کند. ما دانه های گندم را آسیاب می کنیم تا برای نان آرد دزست کنیم.

wheel

چرخ

A **wheel** is shaped like a circle and rolls around. A **wheel** moves things along the ground, like cars, bicycles, and skateboards.



چرخ به شکل دایره است و می چرخد. چرخ اجسامی مانند ماشین، دوچرخه و تخته اسکیت را در طول زمین حرکت می دهد.

wheelchair

صندلی چرخدار

A **wheelchair** is a type of seat with large wheels. You use a **wheelchair** when you are sick or cannot walk.



صندلی چرخدار نوعی صندلی با چرخ های بزرگ است.

هنگامی که مریض هستید یا نمی توانید حرکت کنید از صندلی چرخدار استفاده می نمایید.

when**چه وقت ، وقتی که**

You use **when** to ask or tell about a particular time. Do you know **when** the movie begins?

با استفاده از کلمه چه وقت درباره زمان خاصی سؤال کرده یا صحبت می کنید. می دانی کی فیلم شروع می شود؟

where**کجا ، جایی که**

You use **where** when you want to know about a place. **Where** should I hang my coat?

هنگامی که بخواهید مکان چیزی را بدانید از کجا استفاده می کنید. کجا کت را آویزان کنم؟

whether**آیا**

Do you know **whether** or not the train left on time?

آیا می دانید که قطار به موقع ایستگاه را ترک کرد یا نه؟

which**کدام ، که**

You use **which** when you want to know about a specific person or thing, **Which** piece of fruit will the boy choose, the apple or the banana?

کدام ، که. هنگامی از کلمه کدام استفاده می کنید که می خواهید درباره فرد یا چیز خاصی بدانید. آن پسر کدام میوه را انتخاب خواهد کرد، سیب یا موز را؟

while**در حالی که**

While means at the same time as something else is happening. The girl played a game on the computer **while** her friend read a book.

در حالی که یعنی در همان زمان که چیز دیگری در حال اتفاق می باشد. آن دختر داشت بازی رایانه ای می کرد، در حالی که دوستش کتاب می خواند.

whiskers**سبیل**

Whiskers are long, stiff hairs that grow on a man's face, like a beard. **Whiskers** also grow on either side of the nose on the faces of some animals, such as a cat.

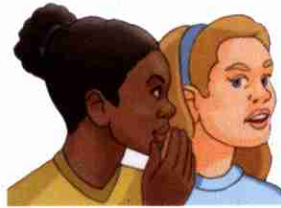


سبیل موهای ضخیم و بلندی است که بر روی صورت یک مرد مثل ریش رشد می کند. سبیل همچنین طرف بینی بعضی از حیوانات مانند گربه رشد می کند.

whisper**زمرمه کردن**

(whispers, whispered, whispering)

When people **whisper**, they speak in a very quiet, low voice. The girl **whispers** a secret in her friend's ear, so no one else can hear it.



هنگامی که مردم زمرمه می کنند، آن ها با صدای بسیار آرام و کوتاهی صحبت می نمایند. آن دختر رازی را در گوش دوستش زمرمه می کند به طوری که کسی دیگر نتواند آن را بشنود.

whistle**سوت**

A **whistle** is a small instrument that ,when someone blows into it, makes a sharp, high-pitched sound. Police officers blow **whistles** to move traffic along.



سوت وسیله کوچکی است که وقتی فردی در آن فوت می کند، صدای گوشخراش بلندی ایجاد می نماید. افسرهای پلیس برای حرکت دادن ترافیک از سوت استفاده می کنند.

white**سفید**

When something has no color, it is **white**. Snow is **white**.

هنگامی که چیزی رنگی نداشته باشد، سفید است. برف به رنگ سفید می باشد.

**who****چه کسی ، که**

When you use **who**, you are asking about the identity of a particular person or group. **Who** do you think ate all of the Halloween candy?

هنگامی از چه کسی ، استفاده می کنید که می خواهید درباره هویت شخص یا گروه خاصی بدانید. فکر می کنی چه کسی تمام شیرینی های جشن هالوین را خورد؟

whole**کامل ، تمام. کل یک چیز**

The **whole** town was destroyed by the earthquake.

زلزله تمام شهر را ویران کرد.

why-wise

why

The boy asks his teacher **why** the duck has webbed feet.

پسر از معلم خود دلیل پره‌دار بودن پاهاى اردک را مى‌پرسد.

wide

The distance from one side of something to the other is how **wide** it is. A car is too **wide** to go on that path.

فاصله یک طرف چیزی از طرف دیگر آن، عرضش می‌باشد. عرض آن ماشین بیشتر از آن است که بتواند از آن مسیر عبور کند.

wife

(wives)

A man's **wife** is the woman he married.

همسر یک مرد زنی است که با او ازدواج کرده است.

will

Will refers to something that is going to happen in the future. Debbie **will** carry the groceries for her grandmother.

خواستن به چیزی اشاره می‌نماید که قرار است در آینده اتفاق افتد. دبی خواروبار و خریدهای مادر بزرگش را حمل خواهد کرد.

win

(wins, won, winning)

When you come in first in a race or a game or do better than other players, you **win**. The boy **won** first prize in the chess match.

هنگامی که در یک مسابقه یا بازی اول می‌شوید یا نسبت به سایر بازیکنان بهتر بازی می‌کنید، برنده شده‌اید. آن پسر برنده جایزه اول مسابقه شطرنج شد.

wind

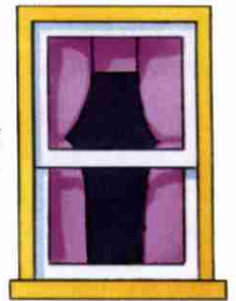
Wind is fast-moving air. The **wind** blows the leaves down the street.

باد هوایی است که با سرعت حرکت می‌کند. باد برگ‌های خیابان را به پایین خیابان می‌راند.

window

A **window** is an opening in a wall or car that lets in sunlight and air. Most **windows** are covered in glass.

پنجره روزنه‌ای در سالن یا در ماشین است که می‌گذارد نور خورشید و هوا از آن عبور کند. اکثر پنجره‌ها با شیشه پوشانده می‌شوند.



wing

A **wing** is a part of a bird's body that helps it to fly. Birds, bats, and insects flap their **wings** to fly.

بال بخشی از بدن یک پرنده است که به پرواز آن کمک می‌کند. پرنده‌ها، خفاش‌ها و حشرات برای پرواز کردن بال‌های خود را تکان می‌دهند.



winter

Winter is the season that comes between fall and spring. **Winter** is the coldest season of the year.



زمستان فصلی است که بین پاییز و بهار قرار دارد. زمستان سردترین فصل سال می‌باشد.

wipe

(wipes, wiped, wiping)

The boy **wiped** the dishes with a towel.

آن پسر ظرف‌ها را با حوله خشک کرد.

wise

(wiser, wisest)

If someone is very **wise**, she is aware of what is going on, and she has good sense. The **wise** girl brought along an umbrella in case of rain.

اگر کسی عاقل باشد، می‌داند که در اطرافش چه می‌گذرد و درک خوبی دارد. آن دختر عاقل با خودش چتر آورد مبادا که باران بیارد.

عاقل

خشک کردن

باد

زمستان

همسر، زن

خواستن (نشانه آینده)

برنده شدن

چرا، دلیل

پنجره

wish

(wishes, wished, wishing)

If you **wish** for something, you want it or hope very much that it will happen. The boy **wishes** for a puppy for his birthday.

اگر چیزی را آرزو کنید، آن را می‌خواهید و امیدوارید که آن خواسته اتفاق بیافتد. آن پسر برای تولد خود آرزوی داشتن یک توله سگ را دارد.

woman

(women)

That **woman** is a nurse.



آن زن پرستار است.

wonderful

عالی، فوق العاده

My new haircut is **wonderful**.

مدل جدید مویم فوق العاده شده است.

wood

چوب

Wood is the hard part of the tree that comes from the trunk and branches. You can build houses and furniture with **wood**.

چوب قسمت سخت و محکم درخت است که از تنه و شاخه‌های درختان به دست می‌آید. شما می‌توانید با چوب، خانه و مبلمان درست کنید.

woodpecker

دارکوب

A **woodpecker** is a bird that taps holes in trees with its long, sharp beak. A **woodpecker** finds insects to eat in the small holes and makes a nest in the large trees.



دارکوب پرنده‌ای است که با نوک تیز و بلندش در درخت سوراخ‌هایی را ایجاد می‌کند. دارکوب حشرات را در سوراخ‌های کوچک پیدا می‌کند و از آن‌ها تغذیه می‌نماید و در درخت‌های بزرگ لانه می‌سازد.

word

کلمه

A **word** is a group of sounds and letters that means something when put together. When you speak or write, you use **words**.

کلمه گروهی از صداها و حروف است که وقتی آن‌ها را کنار هم بگذاریم معنی چیزی را می‌رساند. هنگام صحبت کردن یا نوشتن از کلمات استفاده می‌کنید.

آرزو کردن

witch

(witches)

A **witch** is a person thought to have magic power. In stories, **witches** might ride on brooms or cast spells.



جادوگر شخصی است که تصور می‌شود قدرت جادویی دارد. در داستان‌ها ممکن است جادوگرها سوار بر جارو شوند یا طلسم کنند.

with

1. The boy is playing **with** his friend. 2. You may use **with** to show that someone is using something. The lady is writing **with** a pen.

۱- با. آن پسر با دوستش بازی می‌کند.

۲- با، با کمک. با استفاده از کلمه با نشان می‌دهید که شخصی از چیزی استفاده می‌کند. آن خانم با خودکار می‌نویسد.

بدون

without

The girl had to play the piano **without** her sheet music.

آن دختر باید بدون صفحه موسیقی‌اش پیانو می‌زد.

wolf

(wolves)

A **wolf** is a wild animal that looks like a dog with a pointed nose, pointed ears, and sharp teeth.



گرگ حیوانی وحشی شبیه سگ است که پوزه، گوش‌های نوک تیز و دندان‌های تیزی دارد.

گرگ

work-wrong

work

(works, worked, working)

1. My mommy **works** as a doctor. 2. My flashlight **works** with the new batteries.

۱ - کار کردن، شغل. مادرم به عنوان یک پزشک کار می کند. ۲ - به کار افتادن، کار کردن. چراغ قوه ام با باتری های جدید به کار می افتد.

world

دنیا

The **world** is the planet we live on, with all of the people and the things in it.

دنیا سیاره ای که در آن زندگی می کنیم با همه مردم و چیزهای درون آن است.

worm

کرم

A **worm** is a long, thin animal without arms and legs that lives in dirt. **Worms** are soft and small.

کرم حیوان دراز و باریکی است که بازو و پا ندارد و در گل زندگی می کند. کرم ها نرم و کوچک هستند.



worry

نگران شدن

(worries, worried, worrying)

If you **worry**, you feel anxious that something bad might happen. I **worry** that my scary nightmares will come true.

اگر نگران باشید، دلوایس هستید که ممکن است اتفاق بد و ناگواری رخ دهد. نگران هستم که کابوس های ترسناکم به حقیقت پیوندند.

worse

بدتر، شدیدتر

(bad, worst)

My hurt finger is much **worse** today.

انگشت صدمه دیده ام امروز بدتر شده است.

would

خواستن، آرزوی انجام کاری را داشتن (گذشته will)

I **would** like to have fifty cents to buy ice cream.

دلم می خواست برای خرید بستنی پنجاه سنت داشتم.

wreath

حلقه گل

A **wreath** is a pretty wall hanging. **Wreaths** are often made from small branches or straw. You decorate a **wreath** with flowers, ribbons, and ornaments.



حلقه گل وسیله زینتی قشنگی برای آویختن به دیوار است. حلقه های گل از حصیر یا شاخه های کوچک درست می شوند. شما حلقه گل را با گل، روبان و وسایل زینتی تزئین می نمایید.

write

نوشتن

(writes, wrote, written, writing)

People most often **write** on paper.

مردم اکثراً روی کاغذ می نویسند.

writer

نویسنده

A **writer** is a person who puts her thoughts down on paper or at the computer and writes for a job. A **writer** writes books and articles for magazines and newspaper.

نویسنده فردی است که افکار خود را بر روی کاغذ یا رایانه می آورد و نوشتن شغل او می باشد. نویسنده برای روزنامه و مجلات، کتاب و مقاله می نویسد.



wrong

اشتباه، خطا

Wrong means something is not right. We took the **wrong** turn in the road, and now we are lost.

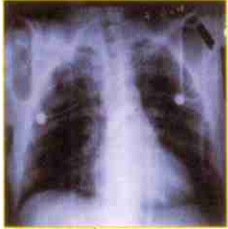
اشتباه یعنی چیزی درست نباشد.

در جاده اشتباه پیچیدیم و حالا گم شده ایم.



ray x دستگاه اشعه ایکس، عکس با اشعه ایکس

An **X ray** is a photograph of your insides. You can see your bones on an **X ray**.



عکس اشعه ایکس، تصویری از درون بدن شما است. می توانید استخوان های تان را در عکس اشعه ایکس ببینید.

xylophone زایلوفون، سنتور چوبی

A **xylophone** is a musical instrument with rows of wooden or metal bars. You play a **xylophone** by hitting the bars with small hammers.

زایلوفون نوعی وسیله موسیقی دارای ردیفی از قطعه های چوبی یا فلزی است. برای نواختن زایلوفون با چکش های کوچک به قطعات زایلوفون ضربه می زنید.



yard

A **yard** is a measurement.

The children like to play in the **yard**.

The children like to play in the yard.

۱- یارد. واحد اندازه گیری است. یک یارد ۹۱/۴۴ سانتی متر می باشد.

۲- حیاط. بچه ها دوست دارند در حیاط بازی کنند.

yawn

(yawns, yawned, yawning)

When you **yawn**, you open your mouth wide and breathe in and out because you are tired. Sometimes people stretch their arms out when they **yawn**.



هنگامی که خمیازه می کشید، دهان خود را باز می کنید و نفس خود را به داخل و به بیرون می دهید، زیرا خسته هستید. بعضی اوقات مردم هنگام خمیازه کشیدن بازوهای خود را می کشند.

year

A **year** is a measure of time. There are twelve months in one **year**.

سال مقیاس اندازه گیری زمان است. دوازده ماه در سال وجود دارد.

yell

(yells, yelled, yelling)

She was angry so she **yelled** at her brother.

او عصبانی بود، بنابراین بر سر برادرش فریاد کشید.

yellow

Yellow is a bright, sunny color. Lemons, bananas, and egg yolks are **yellow** foods.



زرد رنگی روشن به رنگ آفتاب است. لیمو، موز و زرده تخم مرغ مواد غذایی زرد رنگی هستند.

yes

You use **yes** to show you agree. **Yes**, I will help you clean up the yard.

شما از بله استفاده می کنید تا موافقت خود را نشان دهید. به تو کمک می کنم تا حیاط را تمیز کنید.

yet

The baby cannot feed herself **yet**.

نوزاد هنوز خودش به تنهایی نمی تواند غذا بخورد.

you-zucchini

you

You must meet me at the store.

شما باید من را در فروشگاه ملاقات کنید.

young

(younger, youngest)

A colt is a young horse that still needs its mother.

کره اسب. اسب کوچکی است که هنوز به مادر خود احتیاج دارد.

your

This is your big brass tuba.

این ساز بزرگ توبا متعلق به تو است.

yo-yo

A yo-yo is a round toy that looks like a flat spool on a string. The string winds around the yo-yo so you can make it go up and down and spin.



یو-یو اسباب بازی گردی شبیه قرقره ای صاف است و بند دارد. بند به دور یو-یو پیچیده شده است، بنابراین می توانید با بند یو-یو را به طرف بالا و پایین حرکت بدهید و بچرخانید.



zebra

A zebra is an African animal that looks like a striped horse.



گورخر حیوانی شبیه به اسبی راه راه است که در آفریقا زندگی می کند.

شما

zero

A zero is a math symbol that means none.

صفر علامتی ریاضی به معنای هیچ است.



zip

(zips, zipped, zipping)

Zip up your sweater so you will stay warm.

زیپ ژاکت خود را ببند تا گرم بمانی.

zipper

A zipper is a clothes fastener with two rows of metal or plastic teeth. You can have a zipper on your jeans or jacket.

زیپ بند پارچه ای است که دو ردیف دندانه دار پلاستیکی یا فلزی دارد. شلوار جین یا ژاکت شما می تواند دارای زیپ باشد.



zoo

A zoo is a place where wild animals, such as tigers and elephants, are kept so that people can come and see them.

باغ وحش مکانی است که حیوانات وحشی مانند ببرها و فیل ها نگهداری می شوند تا مردم بتوانند ببینند و آن ها را ببینند.

zucchini

Zucchini is a squash that is dark green on the outside and white on the inside. Zucchini grows on vines.

کدوی سبز، کدویی است که رنگ بیرون آن به رنگ سبز تیره و درون آن سفید است. کدوی سبز در بوته رشد می کند.



زیپ

باغ وحش

کدوی سبز

گورخر

خواندن دنیایی را متحول می‌سازد.

فراگیری چگونه خواندن بسیار جالب و هیجان‌انگیز می‌باشد. با معرفی این کتاب، بچه‌ها را در راه آموزش کمک کنید. معانی ساده، تصاویر رنگی و مثال‌ها همگی باعث تقویت یادگیری لغات جدیدی می‌شوند که بچه‌ها روزانه می‌آموزند. به خاطر داشته باشید، وقتی که آنها بتوانند به آسانی مطلبی را بخوانند، عاشق خواندن خواهند شد.



Salad
سالاد



Firefighter
آتش نشان



نشر سایه گستر